



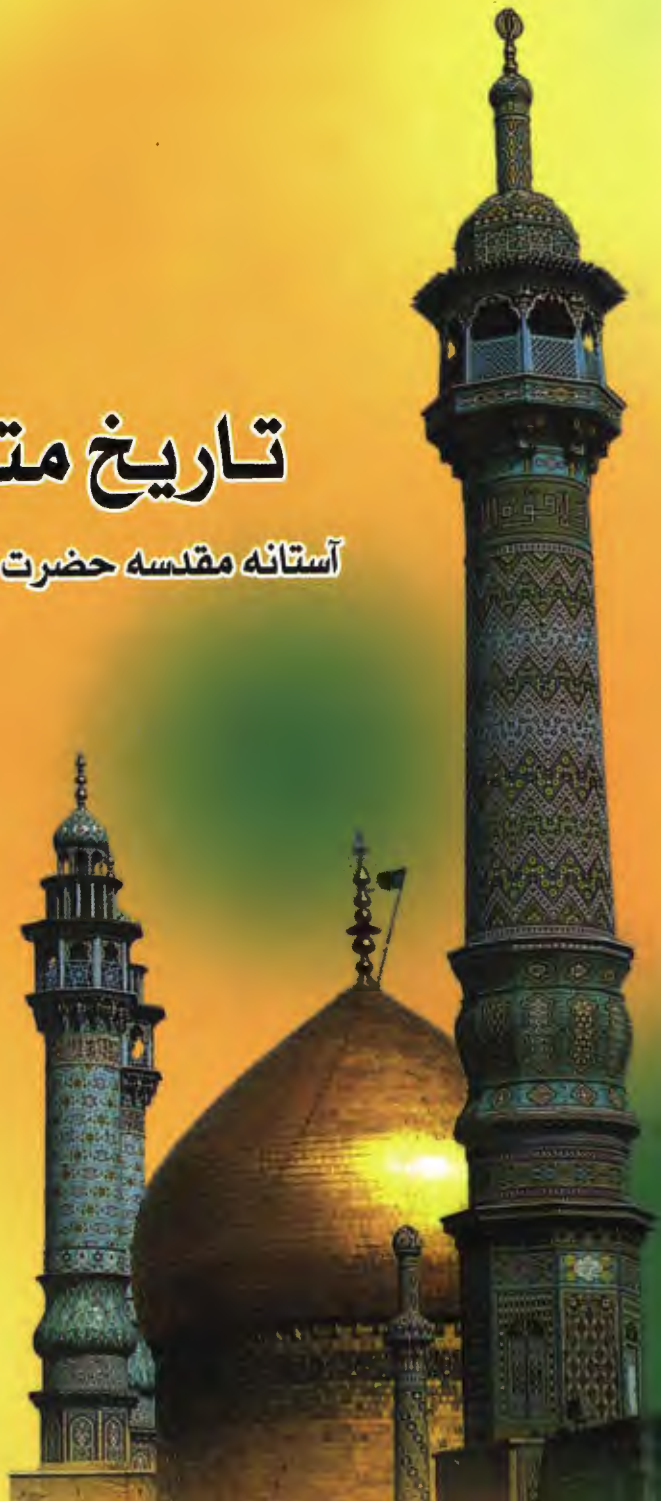
مجموعه آثار کنکرة بزرگداشت
حضرت فاطمة معصومه
و مكانت فرهنگى قم

۴۱

تاریخ متولیان

آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

حمید رضایی





انتشارات زائر
آستانه مقدسه - قم

تهداء، تلفن: ۷۴۲۵۱۹

ص

قم، میدان

فاکس

ISBN 964-8567-54-9



9 789648 567540

تاریخ متولیان

مجموعه آثار

۴۱

تاریخ متولیان

استانیه و قلمسیه حضرت فاطمه معصومه

۱

۵

۳۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ متولیان آستانہ مقدسہ حضرت معصومہ علیہا السلام



حمید رضایی

رضائی، حمید.

تاریخ متولیان آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام / حمید رضایی - قم: زائر، ۱۳۸۴.

۹-۵۴-۸۵۶۷-۹۶۴

۳۱۹ ص.

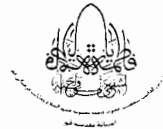
کتابنامه ص ۳۱۱-۳۱۹، همچنین به صورت زیرنویس.

[کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم؛

۴۱]

۱. آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام. ۲. قم - تاریخ.

BP ۳۵/۶



کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم

مجموعه آثار شماره ۴۱

تاریخ متولیان آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام

نویسنده: حمید رضایی

صفحه آرا: محمدعلی محمدی

ناشر: زائر - آستانه مقدسه قم

لیتوگرافی: امام سجاده - قم

چاپخانه: باقری - قم

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بهاء: ۱۷۰۰ تومان

شابک: ۹-۵۴-۸۵۶۷-۹۶۴

● کلیه حقوق نشر برای آستانه مقدسه قم محفوظ است.

مرکز پخش: قم، میدان شهداء (چهار راه بیمارستان)

تلفن: ۳۷۱۸۵-۳۵۹۷ ص.پ. ۷۷۴۲۵۱۹

فهرست مطالب

مقدمه کنگره	۱
چکیده	۵
پیش گفتار	۹
متولی منصوب یا متصدی	۱۳
انواع تولیت در آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام	۱۴
تاریخچه تولیت در آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام	
و اما کن مقدس دیگر	۱۸
شیوه تولیت در عصر صفویه تا پایان عصر قاجاریه	۲۳
موقعیت اجتماعی و اقتصادی متولیان	۲۵
قرار دادن ناظر از طرف حاکم یا واقف جهت نظارت بر کارهای متولیان	۳۰

بخش اول

خادمان، مؤسسان بناها، مجددین بناها
و آنان که در آستانه مقدسه دارای اثر هستند

۱۰۶-۳۳

آنان که در آستانه مقدسه منشأ اثر بوده اند	۳۵
(۱) موسی بن خزر ج بن سعد اشعری	۳۶
(۲) صالح بن محمد بن سهل	۳۸

- ۳) زینب دختر امام محمد جواد علیه السلام..... ۴۰
- ۴) حسین بن اشکیب قمی خادم القبر..... ۴۱
- ۵) احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک بن احوص اشعری قمی . ۴۸
- ۶) ابوالحسن زید بن احمد بن بحر اصفهانی معتزلی..... ۵۸
- ۷) امیر ابوالفضل عراقی..... ۵۸
- ۸) امیر صدرالدین مظفر..... ۶۱
- ۹) شاه بیگی بیگم..... ۶۴
- ۱۰) شاه طهماسب صفوی..... ۷۵
- ۱۱) امیر شرف الدین اسحاق تاج الشرف الموسوی..... ۷۶
- ۱۲) اعتمادالدوله قاضی جهان حسینی سیفی قزوینی..... ۷۸
- ۱۳) مرتضی قلیخان..... ۸۳
- ۱۴) میر سید محمد مرعشی (شاه سلیمان دوم)..... ۸۴
- ۱۵) فتحعلی شاه قاجار..... ۹۵
- ۱۶) کیکاوس میرزا..... ۹۷
- ۱۷) میرزا شفیع..... ۹۷
- ۱۸) میرزا نصرالله فراهانی..... ۹۸
- ۱۹) محمد حسین خان شاهسون شهاب الملک..... ۹۸
- ۲۰) عزت الدوله..... ۹۹
- ۲۱) کامران میرزا نایب السلطنة..... ۹۹
- ۲۲) میرزا اسماعیل خان امین الملک..... ۱۰۰
- ۲۳) حسینقلی خان مافی نظام السلطنة..... ۱۰۱
- ۲۴ و ۲۵) آقا ابراهیم امین السلطان و..... ۱۰۲
- فرزندش میرزا علی اصغر خان امین السلطان اتابک..... ۱۰۲

بخش دوم

شرح حال متولیان رسمی آستانه مقدسه قم تا اواخر قرن دهم

۱۴۶-۱۰۷

- فصل اول: توضیحی کوتاه درباره پیشینه و چگونگی تولیت این دسته از متولیان ۱۰۹
- فصل دوم: اسامی و شرح حال واحکام و فرامین مربوط به تولیت سادات رضوی تا اواخر قرن دهم ۱۱۱
۱. سید فخرالدین نقیب رضوی ۱۱۱ (۲۶)
۲. سید نظام الدین سلطان احمد نقیب رضوی ۱۱۲ (۲۷)
۳. سید کمال الدین عطاء الله ۱۱۷ (۲۸)
۴. سید مرشد الدین رشید الاسلام ۱۲۸ (۲۹)
۵. سید شجاع الدین سلطان محمود الرضوی ۱۴۱ (۳۰)
۶. امیر سلطان احمد ۱۴۳ (۳۱)

بخش سوم

متولیان «قدیمی» یا «شرعی» آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

۱۶۶-۱۴۷

- دگرگونی و تحول در تولیت آستانه مقدسه در اواخر قرن دهم ۱۴۹
- متولیان «قدیمی» یا «شرعی» ۱۵۲
۱. میر شمس الدین نقیب رضوی ۱۵۲ (۳۲)
۲. امیر ظهیر الدین ابراهیم ۱۵۳ (۳۳)
۳. میر محمد سعید رضوی ۱۵۵ (۳۴)
- ۳۵ و ۳۶ (۴ و ۵. میرزا یحیی و میر جعفر ۱۵۹

- ۱۶۰ ۶. میرزا سید احمد مجتهد ۳۷
 ۱۶۰ ۷. میرزا محمد یحیی رضوی ۳۸
 ۱۶۱ ۸. میرزا سید احمد رضوی قمی ۳۹
 ۱۶۳ ۹. میرزا سید محمد حسین ۴۰
 ۱۶۴ پایان تولیت قدیمی یا شرعی ۴۰

بخش چهارم

متولیان «تفویضی» یا «جدیدی»

۱۶۷-۲۲۰

- ۱۶۹ فصل اول: توضیح مختصر درباره تولیت جدیدی ۴۱
 ۱۷۰ فصل دوم: تشکیلات آستانه مقدسه در دوره صفویه ۴۲
 ۱۷۴ فصل سوم: چگونگی روی کار آمدن متولیان جدیدی یا تفویضی ۴۳
 فصل چهارم: متولیان جدیدی یا تفویضی که از سادات حسینی و رضوی
 نبوده‌اند ۴۴
 ۱۷۸ ۱. مولانا آقا جانی تبریزی ۴۵
 ۱۷۸ ۲. میرزای عالمیان خواجه میرزا محمد شفیع کدکنی نیشابوری ... ۴۶
 ۱۸۰ ۳. علی قلی خان خلجی قمی ۴۷
 ۱۸۱ ۴. مهدی قلی خان ۴۸
 ۱۸۲ ۵. نظر علی بیگ ۴۹
 ۱۸۳ ۶. میرزا سید محمد حسین ۵۰
 فصل پنجم: متولیان تفویضی یا جدیدی که از سادات حسینی قم
 بوده‌اند ۵۱
 ۱۸۵ ۱. سید میرزا حبیب الله ۵۲

- ۱۸۶ ۲. سید میرزا محمد مهدی اعتماد الدولة (۴۸)
- ۱۸۷ ۳. سید میرزا محمد معصوم (۴۹)
- ۱۸۸ ۴. سید میرزا محمد امین (۵۰)
- ۱۸۹ ۵. میرزا سید ابوطالب (۵۱)
- ۱۸۹ ۶. سید میرزا محمد مهدی (۵۲)
- ۱۹۰ ۷. میرزا سید حسن (۵۳)
- ۱۹۱ ۸. میرزا سید محمد رحیم (۵۴)
- ۱۹۲ ۹. میرزا سید محمد خلیل (۵۵)
- ۱۹۴ ۱۰. میرزا سید محمد معصوم (۵۶)
- ۱۹۴ ۱۱. میرزا سید محمد مهدی (۵۷)
- ۲۰۰ ۱۲. میرزا سید محمد (۵۸)
- ۲۰۳ ۱۳. میرزا سید اسدالله (۵۹)
- ۲۰۸ ۱۴. میرزا سید محمد رضا (۶۰)
- ۲۱۸ ۱۵. حاج میرزا سید حسین متولی باشی (۶۱)

بخش پنجم

متولیان آستانه مقدسه که تولیت قدیمی نیز به آنها

واگذار شد و آستانه با یک تولیت اداره می شد

۲۲۱-۳۱۰

فصل اول: متولیانانی که تولیت کامل آستانه را بر عهده داشته و از سادات

- ۲۲۳ حسینی بوده اند:
- ۲۲۳ ۱۶. میرزا سید محمد باقر متولی باشی (سالار التولية) (۶۲)
- ۲۲۷ ۱۷. سید ابوالفضل تولیت (مصباح التولية) (۶۳)

فصل دوم: متولیان آستانه مقدسه که از سادات حسینی قم نبوده‌اند ...	۲۳۴
۱. سید محمد مشکاة.....	۲۳۴ (۶۴)
۲. محمد مهران.....	۲۳۴ (۶۵)
۳. عبدالوهاب اقبال.....	۲۵۸ (۶۶)
۴. جمال‌الدین جمالی.....	۲۶۱ (۶۷)
فصل سوم: متولیان آستان قدس فاطمی در عصر جمهوری اسلامی...	۲۶۳
۱. حجة الاسلام والمسلمین شیخ احمد مولائی.....	۲۶۳ (۶۸)
۲. حضرت آیه الله علی اکبر مسعودی خمینی.....	۲۶۴ (۶۹)
گزارشی از تحول و عملکرد آستانه مقدسه در زمان تولیت آیه الله مسعودی خمینی.....	۲۷۷
فصل اول: امور ساختمانی آستانه مقدسه.....	۲۷۸
فصل دوم: امور فنی.....	۲۸۵
فصل سوم: مدیریت فرهنگی.....	۲۸۹
فصل چهارم: روابط عمومی.....	۲۹۴
فصل پنجم: موزه آستانه مقدسه قم.....	۲۹۶
فصل ششم: امور هنری.....	۲۹۷
فصل هفتم: مدیریت بهداشت و درمان.....	۲۹۷
فصل هشتم: امور مالی.....	۲۹۸
فصل نهم: اداره املاک و موقوفات.....	۲۹۹
فصل دهم: مؤسسه فرهنگی - اقتصادی زائر.....	۳۰۲
خاتمه.....	۳۰۷
فهرست منابع.....	۳۱۱

مقدمه کنگره

حضرت امام صادق علیه السلام:

«حرم ما اهل بیت علیهم السلام، شهر قم است. آنجا بانویی از فرزندانم به نام فاطمه دفن می شود، بهشت بر هر که او را زیارت کند، واجب می گردد»^۱.

قم که به لقب «حرم اهل بیت علیهم السلام» مفتخر گردید، نه تنها به جهت وجود مردمی است که در آن به حسن عبادت و توحید عبادی در قیام و رکوع و سجود شناخته شده اند^۲، و در آرمان شهر اسلامی گرد حضرت مهدی علیه السلام اجتماع کرده و به یاری آن حضرت قیام خواهند نمود، و نه صرفاً به جهت وجود بزرگترین حوزه علمی و حدیثی و معرفتی شیعه در آن، بلکه این شهر مفتخر است که چونان صدفی زمینی، گوهر آسمانی و ملکوتی فرزند باب الحوائج الی الله را در بر گرفته و مسجد اولیای الهی گردیده است. اگر در گذشته شهر قم

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶.

محل محدّثان بزرگ و معبد و سجده گاه فاطمه معصومه علیها السلام بوده، امروزه نیز پرچم دار فرهنگ ناب فقه جعفری علیه السلام و معنویت و عرفان بوده و ضمن تربیت و پرورش یاران امام عصر ارواحنا فدا، زائران حضرتش را با معارف بلند دینی میزبانی می کند. آری، «زبید اگر خاک قم به عرش کند فخر»^۱.

قم، شهری است که بر ولایت و مودّت اهل بیت علیهم السلام پایه گذاری شده و به همین جهت، پایگاهی برای علویان و شیعیان و دژ تسخیرناپذیری علیه ستمگران بوده است و ائمه علیهم السلام با تعبیراتی خاص و بلند از این شهر یاد کرده اند.^۲

از هنگامی که شهر قم مسکن حضرت ستی، فاطمه معصومه علیها السلام گردید، بُعد فرهنگی و معنوی آن در کنار تحولات اجتماعی و سیاسی متحوّل و شکوفا شد، و از چنان موقعیتی برخوردار شد که جناب حسین بن روح رضوان الله علیه، از نواب اربعه، تأیید محتوای یک کتاب علمی و فقهی را مشروط به نظر مساعد علمای قم نمود.^۳ وجود حوزه غنی و بزرگ شیعه، در این شهر و دفاع علمی از اسلام راستین به وسیله تألیف کتابها، اعزام مبلغان و زادگاه انقلاب اسلامی بودن و... همه و همه به برکت وجود فرزند رسول خدا، کریمه اهل بیت علیهم السلام در این شهر است.

۱. دیوان امام خمینی، ص ۲۵۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷.

۳. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۴۰.

از آنجا که سال ۱۳۸۴ ه.ش. با یک هزار و دویست و پنجاهمین سالگرد ولادت آن حضرت، و نیز با پایان تجدید طلاکاری گنبد مطهر - که در زیبایی کم نظیر و بلکه بی نظیر است - مقارن شده، به منظور معرفی بیشتر آن حضرت و تبیین جایگاه ویژه شهر قم در ترویج فرهنگ تشیع، به دستور تولیت عظمای آستانه مقدسه، حضرت آیه الله مسعودی دام عزه «کنگره» بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم» شروع به فعالیت نمود. و در چهار موضوع ذیل:

الف. حضرت معصومه علیها السلام و آستانه مقدسه؛

ب. قم و فرهنگ تشیع؛

ج. حوزه علمیه قم؛

د. انقلاب اسلامی در قم،

با محوریت آستانه مقدسه، دهها جلد کتاب در موضوعات فوق که اکثر آنها جنبه تألیف داشته و برخی دیگر جنبه تراشی دارد و توسط محققان تألیف و تصحیح شده، اهتمام ورزیده است.

آثاری که در محورهای فوق تدوین و نگارش یافته تنها قدم کوچکی است که می تواند نقطه شروعی برای تحقیقات گسترده و عمیقی باشد که سزاوار موضوعات یاد شده است.

متولیان آستانه مقدسه موضوع کتاب حاضر است که به شرح حال و سرگذشت آنان و فعالیت های هریک پرداخته است. این اثر که ضمن مجموعه آثار کنگره بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

منتشر می گردد توسط جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حمید رضایی و در دارالتحقیق آستانه مقدسه به نگارش درآمده که به این وسیله از ایشان صمیمانه تشکر می کنم همچنین از تولیت آستانه حضرت آیه الله مسعودی، مدیر عامل انتشارات زائر و معاون محترم اداری مالی آستانه، جناب آقای فقیه میرزایی و مدیریت فرهنگی حجت الاسلام والمسلمین عباسی که تلاش فراوانی در این امر داشته اند، نهایت امتنان و سپاس را داریم.

بر خود لازم می دانم که اذعان و اعتقاد قلبی خود را ابراز دارم که اگر توفیقات خدای متعال و عنایات کریمه اهل بیت علیهم السلام نبود، از برداشتن کوچک ترین قدمی در این راه عاجز و ناتوان بودیم.

و ما توفیقی الا بالله، علیه توکلت و الیه انیب

احمد عابدی

دبیر کنگره

چکیده

این کتاب از یک پیشگفتار و پنج بخش تشکیل شده است: بخش اول، اسامی و شرح حال کسانی است که متولی رسمی آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نبوده و یا حداقل مدرک یا فرمانی در تولیت آنها به دست نرسیده است. آنها کسانی هستند که در آستانه مقدسه قبل از اینکه موقوفاتی داشته باشد، منصب خدمت داشته‌اند، مثل: حسین بن اشکیب قمی خادم القبر و یا اینکه بنای آستانه مقدسه را تأسیس نموده‌اند، مثل: زینب دختر امام جواد علیه السلام که برای اولین بار در تاریخ، بارگاه و قبه‌ای بر روی تربت پاک حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بنا نمود. و یا اینکه حرم مطهر را تجدید بنا نموده‌اند، مثل: امیر ابوالفضل عراقی که مدتها بعد، قبه اولیه را از میان برداشت و بارگاه و قبه‌ای بزرگ‌تر بر روی تربت مقدس حضرت بنا کرد. و یا کسانی که اقدام به تعمیر ابنیه حرم و یا کاشی‌کاری مرقد و ابنیه دیگر آستانه نمودند و به طور کلی، کاری ماندگار و یا وقفی خاص و چشمگیر در آستانه از خود به یادگار گذاشته‌اند.

البته ممکن است کسانی هم باشند که چنین کارهایی را در آستانه مقدسه انجام داده باشند، خصوصاً در چند دهه اخیر، اما اسم و کار آنها در کتب و مدارک نیامده باشد.

در بخش دوم، به شرح حال و اسامی متولیان رسمی آستانه مقدسه تا اواخر قرن دهم هجری پرداخته شده و اسناد و احکام مربوط به تولیت آنها که از قدیم در آستانه سرپرستی کرده‌اند، ارائه شده است.

این بخش، دارای دو فصل است که در فصل اول توضیحی کوتاه درباره چگونگی شکل‌گیری مقام و منصب تولیت آستانه و پیشینه آن ارائه شده و در فصل دوم اسامی و شرح حال و اسناد و احکام مربوط به ترتیب تاریخی ذکر گردیده است.

بخش سوم نیز در دو فصل ارائه شده، فصل اول درباره دگرگونی و تحول در تولیت آستانه مقدسه در اواخر قرن دهم هجری قمری می‌باشد، و در فصل دوم، اسامی و شرح حال و احکام و فرامین مربوط به متولیان قدیمی یا شرعی آستانه که در کنار متولیان تفویضی یا جدیدی به وجود آمد، ارائه می‌شود.

بخش چهارم، دارای پنج فصل است که در فصل اول، توضیح مختصری درباره تولیت جدیدی یا تفویضی ارائه شده و در فصل دوم، تشکیلات آستانه مقدسه در دوره صفویه، یعنی زمان شکل‌گیری تولیت تفویضی یا جدیدی توضیح داده شده و در فصل سوم، چگونگی روی کار آمدن متولیان جدیدی یا تفویضی که سادات حسینی بودند، روشن شده است. در فصل چهارم، اسامی و شرح حال

متولیان جدیدی یا تفویضی آستانه که از سادات حسینی نبوده‌اند، آمده و در فصل پنجم، متولیان جدیدی که از سادات حسینی از نسل میرزا سید حسین کرکی خاتم المجتهدین در آستانه مقدسه بوده‌اند، به همراه احکام و فرامین مربوط به آنها آمده است.

و اما بخش پنجم، سه فصل دارد که در فصل اول، اسامی و شرح حال دو تن از متولیان آستانه مقدسه که از سادات حسینی بوده‌اند، ارائه شده است. دلیل اینکه این دو نفر از متولیان جدیدی، جداگانه مطرح شده‌اند، این است که در زمان آنها تولیت قدیمی وجود نداشته و لذا آنها امور اوقاف قدیمی را نیز سرپرستی می‌کردند.

در فصل دوم، متولیان آستانه مقدسه که از سادات حسینی نبوده‌اند، معرفی شده‌اند؛ یعنی کسانی که از طرف رژیم فاسد وابسته پهلوی به تولیت آستانه منصوب شده‌اند.

و در فصل سوم، شرح حال دو تن از متولیان آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام که پس از پیروزی انقلاب عهده‌دار این مسئولیت بوده‌اند، ارائه می‌شود: اول حجة الاسلام و المسلمین شیخ احمد مولائی رحمة الله علیه که در زمان امام خمینی قدس سره به این سمت منصوب شد، و دوم آية الله علی اکبر مسعودی خمینی دامت برکاته، که با حکم مقام معظم رهبری عهده‌دار تولیت آستانه مقدسه قم گردید که اکنون هم بر این سمت باقی و منشأ خدمات ارزشمند به آستان ملکوتی فاطمی می‌باشند.

پیش‌گفتار

یکی از شؤون ولایت و حکومت اسلامی، تصدی و سرپرستی وقف و اموال موقوفه است. وقف که یک صدقه جاریه محسوب می‌گردد، در قرنهای گذشته دارای تاریخی پرفراز و نشیب بوده است. امور حسبیه که در طول تاریخ اسلام همانند یک وزارتخانه ایفای نقش می‌کرد و محتسبان که کارگزاران امور حسبیه بوده‌اند خود دارای شؤون متعددی بوده‌اند که از مهم‌ترین آنها حفظ وقف و مصرف آن در بهترین مصارف یعنی همان رعایت غبطه وقف است.

از زمانی که حضرت ستی فاطمه معصومه علیهاالسلام، دختر باب الحوائج الی الله، امام موسی بن جعفر علیهماالسلام در شهر قم مدفون گردید و این شهر به برکت وجود فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله مقدس و مبارک گردید، موسی بن خنزر ج باغ مهم و باارزش خود موسوم به باغ بابلان را بر این قبر مطهر وقف نمود و از آن پس، نفائس الملوک و شمسۃ القلاده‌های^۱ باارزش و گرانبها بر این آستان مقدس

۱. گردن‌بندهای فلزی که به شکل خورشید بوده، در این جمله به معنی گردن‌بندهای گرانبهای زنان حاکمان و شاهان می‌باشد که بعضی از آنها را به اماکن مقدس تقدیم می‌نمودند.

یکی پس از دیگری صدقه جاریه گردیدند. حفظ این اموال و صرف آنها در جهت امور دینی و مذهبی و ترویج فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و حفظ قداست و حریم حرم اهل بیت علیهم السلام و رعایت غبطه وقف مهم ترین عاملی بود که ضرورت وجود متولیان این آستان مقدس را توجیه می نمود.

متولیان این آستان، عمدتاً افراد شریف و وارسته و عالمی بودند که همگی دغدغه خدمت‌گزاری به فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله را داشتند و با چهره‌های معنوی الهی، انسانی خود و با عبادتها و راز و نیازهای خالصانه خود در کنار این حرم مطهر به درگاه الهی ضمن حفظ شئون و مسایل شرعی مرتبط با وقف و تولیت جایگاه رفیع و معنوی این آستان مقدس آن را یکی از مهم ترین مصادیق «بیوت اذن الله ان ترفع»^۱ قرار دادند. و بدینسان آن بارگاه قدسی مأوا و مأمن پناه‌جویان و وسیله قرب الی الله تعالی و محل عبادتهای عارفانه بندگان صالح الهی قرار گرفت. و در طول قرون و اعصار ترویج عبادت که مهم ترین شعار دین است، از این آستانه مقدسه به برکت عنایات خاصه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و حضور معنوی بنت باب الحوائج الی الله و نیز اقدامات و برنامه‌ریزیهای مناسب متولیان این آستان مقدس حاصل شد.

از این روی شناخت و معرفی متولیان بارگاه قدس فاطمی امری ضروری می نماید بویژه که شناخت تاریخ متولیان آستانه مقدسه

حضرت معصومه علیها السلام ما را با تحولات آستانه آشنا می‌کند و به این وسیله، نقش اساسی حرمهای مطهر امامان و امامزادگان در پیشرفت و آبادانی شهرهای مذهبی و تأثیر مسایل معنوی و دینی برآمده از آنها را در مسایل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و رونق شهر و مدنیت آشکار می‌سازد. با توجه به مسایل فوق و سفارش مؤکد تولیت آستانه مقدسه، حضرت آیه‌الله مسعودی خمینی در جهت تدوین شرح حال جامعی از متولیان این آستان رفیع در طول ۱۲ قرن گذشته اثر حاضر تهیه و تنظیم گردید.

در این اثر، پس از بیان مقدمه‌ای در واژه‌شناسی تولیت و مسایل مرتبط با آن، در طی پنج بخش و هر کدام مشتمل بر چند فصل، تولیتهای این آستانه به قدر میسور و در حدی که منابع در اختیار بوده معرفی شده‌اند.

لازم به ذکر است که محقق توانا جناب حجة الاسلام والمسلمین مدرسی طباطبایی در کتاب «تربت پاکان» مقدار قابل ملاحظه‌ای از این مهم را به نحو احسن انجام داده‌اند که از آن کتاب، در این اثر بهره فراوان و قابل تقدیری برده‌ایم و نسبت به سایر متولیان در حدّ توان، خود تلاش کرده و شرح حال آنها را، گردآوری نموده‌ایم. امید است که این اقدام و تلاش فرهنگی، مرضی امام عصر ارواحنا فداه باشد!

«متولی» و «تولیت» در لغت

«متولی» در لغت به معانی مختلفی آمده است از جمله معانی آن: سرپرست، جانشین، دارای ولایت، سرکار و مباشری که اداره امور

مؤسسه، سازمان و یا کاری را بر عهده بگیرد، می‌باشد. و همچنین به کسی که اداره امور بقعه‌ای از بقاع متبرکه را بر عهده می‌گیرد یا کسی که امور املاک موقوفه را بر عهده دارد و سرپرستی و ذمه‌داری آن را به او واگذار نموده‌اند و او قبول کرده، متولی گویند.^۱

«تولیت» نیز در لغت به معنای عمل و سمت متولی آمده، مثل: سرپرستی، چیزی را به آنچه خریده باشد به کسی فروختن، دست دادن، پی در پی شدن، برگردانیدن، خداوندی کردن، عمل دادن به کسی، نصب (مقابل عزل)، ذمه‌داری و واگذاری امور املاک موقوفه، ولایت دادن، و عهده‌دار بودن امور مزارات.^۲

«متولی» و «تولیت» در اصطلاح

متولی تعریفهای مختلفی دارد:

در امور اوقاف، متولی کسی است که بر حسب صفات و مشخصاتی که واقف در وقف‌نامه ذکر کرده است، به اداره امور وقف مطابق با خواسته واقف می‌پردازد.^۳

به سرپرست و مباشری که اداره کارهای مؤسسه، سازمان و یا کاری را بر عهده دارد نیز گفته می‌شود.^۴

۱. ر.ک: «لغت‌نامه دهخدا» ج ۴۰، ص ۳۷۸؛ «فرهنگ فارسی معین» ج ۳، صص ۳۸۴۹-۳۸۴۸؛

«فرهنگ فارسی عمید» ج ۳، ص ۲۱۷۷.

۲. ر.ک: همان، ج ۱۳، ص ۱۱۴۱؛ ج ۱، ص ۱۱۷۰؛ و صص ۷۵۷-۷۵۶.

۳. ر.ک: «تاریخچه وقف در اسلام» علی اکبر شهابی، ص ۳.

۴. ر.ک: «لغت‌نامه دهخدا» ج ۴۰، ص ۳۷۸؛ «فرهنگ فارسی معین» ج ۳، صص ۳۸۴۹-۳۸۴۸؛

«فرهنگ فارسی عمید» ج ۳، ص ۲۱۷۷.

و همچنین کسی را که اداره امور بقعه‌ای از بقاع متبرکه و آستانه‌ای را بر عهده دارد، متولی خوانند.^۱ توضیح کامل آن در قسمت انواع تولیت در آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام خواهد آمد.

در امور اوقاف دو نوع متولی وجود دارد: ۱. متولی منصوص؛ ۲. متولی منصوب یا متصدی.

۱. متولی منصوص: کسی است که در وقف‌نامه اسم او مشخص و نام برده شده و یا صفات و مشخصاتی برای متولی ذکر شده که با فرد معین تطبیق می‌کند، مثل: ارشد اولاد، اعلم علمای شهر، اتقی، اورع یا بزرگ سادات شهر و یا امام جماعت مسجد و امثال آن.^۲

در اوقاف آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام متولی آن بدین صورت بوده که واقفین املاک به آستانه مقدسه فردی را از سادات رضوی قم نامبرده و یا مشخصاتی را برای اولاد و نسل آنها ذکر کرده و به آنها واگذار نموده‌اند.

قدیمی‌ترین سند در این باره، فرمان جهان‌شاه از شاهان ترکان قرا قویونلو در سال ۸۶۷ ه. ق. است که طی آن تولیت موقوفات آستانه مقدسه و مناصبی دیگر را به سید نظام‌الدین سلطان احمد رضوی از سادات بزرگ قم واگذار نموده است و آن طبق دستور سابق شاهان گذشته و «شرط واقف» می‌باشد.^۳

۱. ر.ک: همان مدارک و متن فرامین و احکام شاهان در واگذاری تولیت آستانه‌ها به افراد.

۲. ر.ک: «تاریخچه وقف در اسلام» ص ۳.

۳. ر.ک: «تربت پاکان» سید حسین مدرسی طباطبایی، ج ۱، صص ۲۰۶-۲۰۳؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» محمد تقی دانش‌پژوه، صص ۵۶-۵۴.

و در وقف‌نامه شاه بیگی بیگم، همسر شاه اسماعیل صفوی، در سال ۹۲۹ ه. ق. که طی آن املاک زیادی را در قم و سلطانیه به آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام واقع در بیرون دروازه ساوه قم وقف نموده است و تولیت آن را به سید مرشدالدین رشید الاسلام از سادات رضوی قم و از نوادگان سید نظام‌الدین سلطان احمد که ذکر او شد، واگذار نموده است و بعد از او به اکفی، ارشد و اصلح اولاد ذکور او و بعد از او باز با همان صفات به اولاد او واگذار نموده است.^۱ در آینده متن کامل آن خواهد آمد.

۲. متولی منصوب یا متصدی: چنانچه سند وقف‌نامه از بین رفته باشد و یا واقف برای موقوفه، متولی‌ای معین ننموده باشد و یا موافق صفاتی که در وقف‌نامه برای متولی ذکر شده، کسی پیدا نشود و یا متولی ذکر شده باشد، اما توان اداره املاک موقوفه را نداشته باشد، در این صورت موقوفه «مجهول التولية» خوانده می‌شود و چون متولی مخصوص ندارد، شخصی باید به عنوان متولی نصب شود که این نصب تا قبل از وضع قانون اوقاف از طرف حاکم شرع بوده، و بعد از تدوین قانون وقف از طرف اداره اوقاف بوده است.^۲

انواع تولیت در آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
در آستان منور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام سه دسته متولی در طول تاریخ عهده‌دار امور آن بوده‌اند که میزان اختیارات و

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، صص ۱۴۰-۱۳۹.

۲. ر.ک: «تاریخچه وقف در اسلام» ص ۳.

قدرت آنها نیز متفاوت بوده است:

دسته اول: متولیان که مطلق امور آستانه را بر عهده داشته‌اند و از آنها به «متولی اوقاف مزار» یا «تولیت اوقاف روضه منوره» و امثال آن تعبیر شده است. و آنها مستقیماً از طرف شاهان به تولیت آستانه منصوب می‌شدند.

این دسته از متولیان از ابتدای تأسیس و به وجود آمدن اوقاف در آستانه منوره، تولیت را بر عهده داشته‌اند و این نوع تولیت تا اواخر قرن دهم ادامه داشته است و تا جایی که متولیان آن، شناخته شده‌اند از سادات رضوی قم بوده‌اند.

به نظر می‌رسد در زمان تولیت آنها تمامی امور اوقاف و مدیریت داخل حرم و نظم و انتظام آن و انتصاب مشاغل گوناگون به دست آنها بوده است. در احکام و فرامین شاهان در واگذاری تولیت به این متولیان تصریح شده که «و از صواب دید او کی در باب رواج و ضبط امور و اعمال روضه منوره مذکوره گوید، بیرون نروند و عزل و نصب خادمان و مشرفان و مجاوران مشهد معطره مذکوره به رأی او متعلق شناسند».^۱ دسته دوم و سوم: «متولی قدیمی یا شرعی» و «متولی تفویضی یا جدیدی» می‌باشد. توضیح اینکه: در دوره حکومت صفویه برای اداره اوقاف در ایران، وزیر خاص معین شد و دگرگونی در نحوه اداره اوقاف

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۰۶؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» ص ۵۶، بخشی از فرمان جهان‌شاه قراقویونلو از شاهان ترکمان در واگذاری تولیت و مناصبی دیگر به سید نظام‌الدین احمد.

به وجود آمد. می‌توان گفت که قوانین و تشکیلات اداری اوقاف از آن زمان شکل گرفت و اداره امور اوقاف به یکی از بزرگان که هم جنبه روحانی و علمی و هم جنبه دیوانی و اداری داشت، واگذار شد و متصدی این مقام به نام «صدر الصدور» و مقام بعد از آن «وزیر اوقاف» و بعد «مستوفی موقوفات» نامیده می‌شدند. آنها مناصب حکام شرع و مباشرین اوقاف تفویضی و متولیان و حفاظ و سایر خدمه مزارات از جمله آستان قدس رضوی، آستانه ری و آستانه مقدسه قم و سایر اماکن مقدس دیگر را تعیین می‌کردند. تمامی آمار املاک وقفی و همچنین درآمد و مخارج آنها را به حضور مستوفی در مرکز حکومت می‌رساندند و او هم به همه محاسبات رسیدگی می‌کرده است.^۱

در این دگرگونی و شکل‌گیری قوانین اوقاف توسط صفویه در ایران، رقبات موقوفه‌ای که دارای تولیت طبق شرع و شرط واقف بود و متولی آن از طرف واقف به اسم یا صفات و مشخصات معین شده بود، «متولی قدیمی یا شرعی» نام گرفت؛ چنان‌که در آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نیز فقط املاک وقفی قدیمی، مانند: اوقاف بیگمی که تولیت آن به صورت موروثی با سادات رضوی بود، به عنوان متولیان قدیمی و شرعی در دست آنها ماند.

در کنار تولیت قدیمی یا شرعی، سرپرستی آستانه‌ها و اوقاف جدید به عنوان «تولیت تفویضی یا جدیدی»، به کسان دیگری واگذار شد؛ همچنان‌که در آستانه منوره حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نیز

۱. ر.ک: «تاریخچه وقف در اسلام» صص ۱۱-۱۰.

همین قانون اجرا شد و تولیت و سرپرستی آستانه و اوقاف جدید آن، که شامل تمامی امور آستانه بود، به سادات حسینی واگذار شد. اولین متولی تفویضی یا جدیدی از سادات حسینی، میرزا سید حبیب‌الله، فرزند سید حسین کرکی خاتم‌المجتهدین می‌باشد. میرزا حبیب‌الله از دانشمندان عظیم‌الشان و جلیل‌القدر و معاصر با شیخ بهائی رحمه‌الله می‌باشد. این خاندان همگی از فضلا و دانشمندان آن عصر بودند.^۱

برادران میرزا حبیب‌الله نیز در مزار شاه نعمه‌الله در کرمان، شاه چراغ در شیراز و حضرت عبدالعظیم در ری و آستان مقدس امام رضا علیه‌السلام تولیت داشته‌اند.

تقسیم تولیت به قدیمی و جدیدی در آستان ملکوتی امام رضا علیه‌السلام و آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی در ری نیز در همان زمان پدید آمد.

بنابراین، تولیت قدیمی یا شرعی آستانه حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام در کنار تولیت تفویضی یا جدیدی به وجود آمد و به امور اوقاف خاص که واقف، تولیت آن را به سادات رضوی داده بود، رسیدگی می‌کرد و این تا اواسط قرن سیزدهم با قدرت تمام ادامه داشت؛ اما به مرور زمان تولیت جدیدی و خاندان حسینی در قم قوت گرفتند و سادات رضوی و تولیت قدیمی ضعیف شدند و بعد از

۱. ر.ک: «امل‌الآمل» محمد بن حسن عاملی، ج ۱، ص ۵۶؛ «ریاض‌العلماء» میرزا عبدالله افندی، ج ۲، صص ۷۵-۶۲؛ «فهرست نسخ خطی آستانه مقدسه قم» ص ۸۲، به نقل از «تاریخ قم» فیض.

کشمکشهای دامنه‌دار بین دودمان تولیت قدیمی و خاندان مقتدر حسینی در سال ۱۳۴۶ ه. ق. سرانجام بین نواده دختری میرزا سید محمد حسین و تولیت تفویضی آستانه میرزا محمد باقر متولی باشی، مصالحه شد و در مقابل یک سیر نبات قمی، تولیت قدیمی آستانه به خاندان متولی باشی و میرزا محمد باقر واگذار شد و این برای ماندن و بقای تولیت قدیمی در منصب سرکشیکی آستانه بود و بعد از آن، خاندان حسینی قدرت مطلق را در آستانه مقدسه به دست آوردند.^۱ و از آن زمان تا به حال، دیگر تولیت آستانه به صورت قدیمی و جدیدی نمی‌باشد.

تاریخچه تولیت در آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و اماکن مقدس دیگر

فرهنگ وقف در دین مبین اسلام و مکتب اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به وجود آمد و از زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا به حال، آثار و برکات دینی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی و اقتصادی فراوانی را در پی داشته است. در ایران نیز فرهنگ وقف از زمان ائمه علیهم السلام رونق گرفت و در اکثر بلاد ایران اموال زیادی وقف شد و مساجد، مدارس، رباطها، کاروانسراها، آب انبارها، بیمارستانها، پلها و به ویژه مراکز مقدس، چون آستان قدس امام رضا علیه السلام و آستانه مقدسه فاطمه معصومه علیها السلام دارای موقوفات فراوانی شدند.^۲

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۰۳-۲۰۲.

۲. ر.ک: «تاریخچه وقف در اسلام» صفحات ۱۶ به بعد.

در قرن سوم هجری و بعد از آن، فرهنگ وقف در جهان اسلام به‌ویژه در میان شیعیان و پیروان اهل بیت پیامبر صلوات الله علیهم اجمعین رونق خاصی به خود گرفت و ائمه اطهار علیهم السلام در بلاد شیعه‌نشین دارای موقوفات زیادی شدند.

در شهر قم که حرم اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد، متولیان و وکلای وقف و وجوهات شرعی از طرف امامان علیهم السلام بسیار بوده‌اند و همه آنها از شیعیان و موثقین و بسیاری از آنها از روات و فقها و علمای بزرگ بوده‌اند.

صالح بن محمد بن سهل از طرف امام جواد علیه السلام^۱ و احمد بن اسحاق اشعری قمی از طرف امام حسن عسکری علیه السلام^۲ و به قراینی مسافر و میمون و زکریا بن آدم از طرف ابو جعفر علیه السلام^۳، عبدالعزیز بن المهتدی وکیل امام رضا علیه السلام و علی بن ریان بن صلت وکیل امام هادی علیه السلام بوده‌اند.

اشعریهای قم نیز که از شیعیان اهل بیت علیهم السلام بودند، مزارع، سراها، ضیعتها و املاک بسیاری به ائمه علیهم السلام وقف نموده، در اختیارشان می‌گذاشتند و خمس اموال خود را برای آنها می‌فرستادند؛ اما خلفا و حاکمان عباسی آن املاک وقفی را از دست آنها می‌گرفتند و به اقطاع می‌دادند و باز اشعریها املاک دیگری را خریداری می‌کردند و

۱. ر.ک: «استبصار» شیخ طوسی، ج ۲، صص ۷۹-۸۰؛ «کتاب الغیبة» شیخ طوسی، ص ۲۱۳.

۲. ر.ک: «تاریخ قم» حسن بن محمد بن حسن قمی، صص ۲۱۳-۲۱۱؛ «رجال طوسی» محمد بن حسن طوسی، ص ۴۲۷ و ۳۹۸.

۳. ر.ک: «رجال کشی» محمد کشی، ص ۵۹۶، چاپ مشهد.

وقف می نمودند و به ساداتی که به قم پناه می آوردند، اموال و املاک بخشیده، آنها را غنی و بی نیاز می نمودند.^۱

حسن بن محمد بن حسن قمی در فهرست کتاب «تاریخ قم» باب پانزدهم را به موقوفات و مطالب مربوط به آن اختصاص داده و برای موقوفات قم چهل نفر متولی از عرب و عجم و متولیان که از طرف خلفا در قم بوده اند، ذکر کرده است؛^۲ متولیان که تا سال ۳۷۸ هجری قمری (سال تألیف این کتاب) بوده اند.

آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام ابتدا اوقافی نداشته جز باغ موسی بن خزر ج که وقف مقبره پاک حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها شد و طبعاً متولی هم نداشته است و بعد از اینکه زینب دختر امام جواد علیه السلام برای اولین بار در نیمه دوم قرن سوم، قبه و بارگاهی بر روی تربت پاک حضرت بنا کرد،^۳ ابتدا توسط خادم اداره می شد که یکی از آن خادمین، حسین بن اشکیب قمی خادم القبر بوده است.^۴

اگر نگوییم در قرن چهارم، مطمئناً در قرن پنجم و ششم قمری آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دارای اوقاف و متولی و شکوه و جلال بوده است. در کتاب «النقض» که در حدود سال

۱. ر.ک: «تاریخ قم» ص ۲۷۹.

۲. ر.ک: همان، ص ۱۸.

۳. ر.ک: همان، ص ۲۱۳.

۴. ر.ک: «رجال طوسی» صص ۴۱۳ و ۴۶۲؛ «رجال نجاشی» احمد نجاشی، ص ۴۴؛ «رجال حلی» حسن بن یوسف حلی، ص ۴۹.

۵۶۰ هـ. ق. تألیف یافته، آمده است: «آن سرای سنی فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهما السلام به اوقاف و مدرّس و فقها و ائمه و زینت تمام و قبول اعظم».^۱

متولیان قرن نهم هجری قمری مشخص هستند و آنها از سادات رضوی قم می‌باشند. اولین متولی که اسم او مشخص است، سید فخرالدین نقیب رضوی می‌باشد و این از فرمان جهان‌شاه از شاهان ترکمان قراقویونلو و آق‌قویونلو در واگذاری منصب نقابت سادات تولیت موقوفات آستانه مقدسه به فرزند سید فخرالدین، یعنی سید نظام‌الدین سلطان احمد روشن می‌شود.^۲

قبل از سید فخرالدین نیز متولیان اوقاف مزار و آستانه حضرت فاطمه معصومه بنت امام موسی الکاظم علیهما السلام با بزرگان سادات رضوی بوده است. در متن فرامین و احکام شاهان مغول، مثل: تیمور و شاه‌رخ و همچنین ترکمانان و شاهان صفوی تصریح شده که «از قدیم الایام الی یومنا هذا، منصب نقابت و تقدم سادات و تولیت اوقاف روضه منوره و تربت مقدسه امامزاده معصومه بنت الامام سنی فاطمه علیها و علی آبائها التحية و السلام به آباء عظام و اجداد کرام جناب مشار الیه بلا مداخلت و مشارکت غیر، مفوض بوده».^۳

با توجه به متن فرامین و احکام شاهان در واگذاری تولیت اوقاف

۱. ر. ک: «النقص» عبدالجلیل قزوینی رازی، ص ۱۹۵.

۲. ر. ک: «ترت پاکان» صص ۲۰۶-۲۰۳؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۵۶-۵۴.

۳. ر. ک: «ترت پاکان» ص ۲۰۴؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» ص ۵۵.

آستانه به سادات رضوی می‌توان این قول و نظر را نزدیک به یقین دانست که از ابتدای تشکیل تولیت برای اوقاف آستانه مقدسه، متولیان آن از سادات رضوی بوده‌اند.

احتمال دیگری هست که تولیت آستانه مقدسه با نقابت و تقدم سادات قم همراه بوده است و کسانی که نقابت سادات قم را داشته‌اند، متولی اوقاف آستانه نیز بوده‌اند؛ چه نقبای سادات قم به تناوب از سادات حسینی شجری و ارقطی از نوادگان عبدالله باهر، فرزند امام سجاد علیه‌السلام و سادات رضوی از نوادگان امام جواد علیه‌السلام از نسل موسی مبرقع بوده‌اند.^۱

این احتمال خیلی قوی نیست؛ چون تا اوایل قرن هفتم، هم تعدادی از بزرگان سادات رضوی و هم تعدادی از اکابر و بزرگان سادات حسینی منصب نقابت و تقدم سادات قم را بر عهده داشته‌اند و تعداد نقبای سادات حسینی حدود هیجده نفر شناخته شده و نقبای رضوی حدود هفت نفر از آنها تا قرن هفتم شناخته شده‌اند؛^۲ لذا نمی‌توان این را قبول کرد که لزوماً تولیت اوقاف آستانه همراه با نقابت سادات قم به عهده آنها بوده است.

در یک صورت، این احتمال می‌تواند درست باشد که بگوییم سادات قم در هر زمانی دو نقیب داشته‌اند: یک نفر از نقبای سادات رضوی و یک نفر از نقبای سادات حسینی. و تولیت آستانه به عهده

۱. ر.ک «تاریخ نقباء السادات قم» حمید رضایی، قم، انتشارات زائر آستانه مقدسه، در دست چاپ.

۲. ر.ک: همان.

نقبای سادات رضوی بوده است؛ اما اثبات این، مشکل می‌باشد. احتمال سومی هم وجود دارد که تولیت اوقاف آستانه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بر عهده متولیان و وکلای وقف منصوب از طرف امامان علیهم السلام در قم بوده است. ناگفته نماند که در این اثر شرح حال افرادی که احتمال آن می‌رود تولیت اوقاف آستانه را بر عهده داشته‌اند، در بخش اول کتاب آورده شده است.

شیوه تولیت در عصر صفویه تا پایان عصر قاجاریه

آستان منور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قرنهای پنجم و ششم دارای اوقاف و تشکیلات و تولیت بوده و متولی، اداره امور اوقاف و تعیین مدرّس، فقها و ائمه جماعت و عزل و نصب تمامی مشاغل و مناصب را در آستانه به عهده داشته است.^۱

بعدها نیز تا اواخر قرن دهم هجری قمری علاوه بر تقدم و نقابت سادات قم و نواحی، تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و تولیت مزار علی بن امام محمد باقر علیه السلام در اردهال و تمامی مزارات موجود در قم، همگی بر عهده متولی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام بوده است. متولی آستانه، تمامی [صاحبان] مشاغل و مناصب مختلف در آن را عزل و نصب می‌نموده و تعیین خادمان و مشرفان و مجاوران آستانه و مسجد و مزارات دیگر قم با او بوده و هیچ حاکم، قاضی، والی و... حق دخالت و مزاحمت در امور

۱. ر.ک: «النفص» ص ۱۹۵.

او را نداشته است.^۱

اما در زمان حکومت صفویه و بعد از آن تا پایان دوره قاجاریه شیوه اداره آستانه مقدسه کاملاً متفاوت گردید؛ به طوری که مشاغل و مناصب مختلف در آستانه از طرف شاهان معین می شد.

و بعد از مقام تولیت، منصب «استیفاء» (حسابداری) بالاترین شغل و مقام در آستانه مقدسه بوده که اصطلاحاً به صاحب آن منصب و مقام، مستوفی گفته می شد. این مقام مستقیماً با فرمان شاه به افرادی که توسط دیوان الصداره خاصه مشخص می شد و یا با مثالهایی^۲ که از طرف صدر خاصه شاهان نوشته می شد، واگذار می گردید.

تمامی مستوفیان در این سه قرن و نیم (عصر صفویه تا پایان حکومت قاجاریه) از سادات رضوی قم بوده اند، اسامی تعدادی از آنان چنین است: میرزا محمد جعفر قمی مستوفی، میرزا محمد ابراهیم مستوفی، میرزا محمد اسحاق مستوفی، میرزا محمد ابراهیم فرزند میرزا محمد اسحاق، میرزا علی رضا فرزند میرزا محمد ابراهیم مستوفی و دیگران.^۳

شخص عهده دار خدمت صاحب نسقی، یعنی کارپردازی ذر آستانه مقدسه نیز با فرمان مستقیم شاهان معین می شده است. چنانچه صاحبان

۱. متن فرامین و احکام شاهان در واگذاری تولیت آستانه مقدسه به افراد، موجود در «فهرست نسخ خطی آستانه مقدسه قم» و «تربت پاکان» ج ۱ مراجعه کنید.

۲. مثال: فرمان پادشاه و مثاله نویس به معنای فرمان نویس می باشد «فرهنگ فارسی معین».

۳. ر.ک: «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» ص ۸۰؛ «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۶۴-.

خدمت سرکشیکی، مدرسی، خطابت و بعضی مشاغل کوچک آستانه با فرمان شاهان معین می‌شدند.^۱

بعد از دوره قاجاریه باز شیوه عوض شد و اختیار تمامی امور به دست تولیت افتاد.^۲

موقعیت اجتماعی و اقتصادی متولیان

متولیان آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام غالباً از سادات رضوی و حسینی بوده‌اند و همه آنها از طرف شاهان و حاکمان وقت فرمان و حکم تولیت داشته‌اند. بدین جهت، دارای قدرت اجتماعی زیادی بودند.

واقفین املاک به مزارات و آستانه‌ها و اماکن مقدس و سایر امور معمولاً برای متولیان آن «حق التولية» قرار می‌دادند و الآن هم این سنت و قانون در بسیاری از مزارات جریان دارد و معمولاً عشر از درآمد حاصل از آن را برای متولی قرار می‌دادند؛ هر چند طبق قانون اوقاف، اگر واقف حق التولية برای متولی معین نکند، اجرة المثل را به متولی آن می‌دهد.^۳

در آستانه مقدسه قم نیز این سنت و قانون از ابتدای پدید آمدن تولیت برای آستانه مرسوم بوده و الآن نیز جریان دارد. و شاهان و حکام

۱. ر.ک: «ترت پاکان» ج ۱، ص ۲۵۱ به بعد.

۲. ن.ک: «ترت پاکان» ج ۱، فرمانهای صادره در زمان قاجاریه.

۳. ر.ک: «تاریخچه وقف در اسلام» ص ۳؛ «وقف در ایران» مینو دخت مصطفوی رجالی، صص ۷۶-۷۵؛ و نیز به متن وقف‌نامه‌ها و فرامین شاهان در نصب متولیان آستانه‌ها نگاه کنید.

نیز این حق و سایر مسایل و حقوق را در متن فرامین خود برای متولیان متذکر شده‌اند.

بیش از هفت الی هشت قرن متوالی که سادات رضوی متولی مطلق و یا متولی شرعی آستانه مقدسه بودند، علاوه بر حق التولیه، حق النقابة نیز دریافت می‌کردند؛ چون آنها نقیب سادات قم نیز بودند و در فرمانها این مسأله به روشنی آمده است.

متولیان از سادات رضوی و حسینی از قدرتمندترین و ثروتمندترین طبقات جامعه آن روز محسوب می‌شدند و در دستگاه حکومت زمان خودشان نفوذ داشتند و از هر جهت مورد حمایت بودند. البته ناگفته نماند که بعضی از آنها در کارهای خیر اجتماعی و مذهبی سهمیم بودند و آثار نیکی نیز از خود بر جای گذاشتند و بعضی از آنها انسانهای عالم و ممتاز و متدین و به فکر مشکلات جامعه و پیرامون خود بودند.

حکومتها از املاک و درآمدهای آستانه مقدسه و متولیان حرم هیچ گونه مالیات و اخراجات و حقوق دیوانی و امثال آن نمی‌گرفتند؛ حتی از املاک شخصی متولیان که بسیار متمول بوده‌اند نیز مالیات نمی‌ستاندند و علاوه بر این، از سایر سادات رضوی و مجاورین آستانه مقدسه نیز به همان منوال هیچ گونه مالیاتی دریافت نمی‌شد. نگاهی به متن احکام و فرامین شاهان مبنی بر نصب متولیان به مقام تولیت آستانه مقدسه نشان می‌دهد که چه امتیازاتی برای آنها قائل شده‌اند؛ امتیازاتی که غیر از معاف بودن آستانه مقدسه از مالیاتها بوده است.

در فرمان جهان شاه قرا قویونلو که در سال ۸۶۷ ه. ق. صادر شده و به موجب آن سید نظام‌الدین احمد رضوی به مناصب نقابت سادات و تولیت اوقاف آستانه مقدسه برگزیده شده، آمده است که امرا و وزرا و سادات و حکام و قضات و متصدیان اعمال و اکابر و سکان و وطن‌بلده المؤمنین قم مع التوابع و اللواحق همه باید مشارالیه را متصدی مناصب مذکوره دانسته و در اموری که سبب رونق روضه معطره حضرت معصومه علیها السلام می‌شود، رعایت کنند و از صواب‌دید او بیرون نروند و در قسمتی از آن آمده که: «پرسش و قطع و فصل معاملات شرعی و عرفی سادات بدو مفوض شمرند» و «چون حسب‌المستور، بدین مهمات اقدام نماید، حق النقابة و رسم التولية به دستور معیار سابق تصرف نماید و زیاده توقع نکند».^۱

طی قرون متوالی علاوه بر تولیت آستانه مقدسه، تولیت مسجد امام حسن عسکری علیه السلام که دارای موقوفات بوده و همچنین تولیت آستان امام‌زاده علی بن محمد الباقر علیه السلام در اردهال نیز به آنها واگذار شده و مزایای آن اماکن متبرک نیز عاید آنها می‌شده است.

همان‌طور که املاک و اموال آستانه از مالیاتهای مختلف معاف بوده، املاک شخصی متولیان نیز از حقوق دیوانی و مالیاتها و اخراجات معاف بوده‌اند. در فرمان یعقوب بیگ آق قویونلو، مورخ ۸۸۴ ه. ق. در تفویض تولیت آستانه و نقابت سادات و مزار امام‌زاده علی بن محمد

۱. ر. ک: «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۰۵-۲۰۳؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم»

الباقر علیه السلام به سید نظام الدین سلطان احمد رضوی و برادرش سید کمال الدین عطاء الله آمده است:

«و به دستوری که در فرامین سلاطین مذکور مسطور است، از موقوفات مشهدين منورين و املاک و اسباب ایشان و سایر سادات رضویه و مجاوران مزارات مذکوره که در شهر و ولایت قم دارند، ارثاً و اکتساباً مال و اخراجات و حقوق دیوانی نمی گرفته اند و بر ایشان معاف و مسلم بوده و تا غایت استمرار یافته، به همان دستور معاف و مسلم و ترخان و مرفوع القلم دانند و تغییر و تبدیل به قواعد مستمره راه ندهند و کسی را در خانه های ایشان فرود نیاورند و چهار پایان ایشان را به الاغ^۱ نگیرند و مواشی^۲ و مراعی^۳ و تمغا^۴ نستانند و برزیگران ایشان را بیکار و شکار نفرمایند و قبحور^۵ نستانند و امیرانی نطلبند و احکام سابق ایشان را شمرده، در کل، ابواب رعایت و مراقبت واجب دانند و شرایط اعزاز و لوازم احترام به جای آورند»^۶.

این احکام و فرامین شاهان و امتیازات زیادی که به متولیان می دادند، باعث گردید که آنها دارای ثروتهای کلان و املاک و اموال و

۱. الاغ: کاریبی مزد (فرهنگ فارسی معین).

۲. مواشی: مالیات چارپا (فرهنگ فارسی معین).

۳. مراعی: مالیات مرتع (فرهنگ فارسی معین).

۴. تمغا: مالیات بر مال و سرمایه (فرهنگ فارسی معین).

۵. قبحور: مالیات متعلق به چارپایان و حیوانات (فرهنگ فارسی معین).

۶. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۱۲ - ۲۱۱؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۶۱ - ۵۹.

مزارع و باغات و وسایل و مواشی و حشم بسیار زیادی شوند. به عنوان نمونه، آیه‌الله مسعودی خمینی، تولیت کنونی آستانه مقدسه، در خاطرات خود می‌گوید: «چندی قبل حاج احمد آقا تولیتی از اقوام مصباح التولیه، نزد من آمده و می‌گفت: مصباح التولیه، نود میلیون دلار در بانک انگلستان پول دارد».^۱

و قبل از او در اوایل به حکومت رسیدن قاجار نیز وضعیت به همین صورت بوده است. آقای دانش پژوه به نقل از «سفرنامه قم» افضل الملک می‌گوید: «در باره باغهای قم که به پنجاه می‌رسد، گفته شده که این باغات تمام از آب رودخانه مشروب می‌شوند. هر باغی که متعلق به متولی باشی است، به واسطه استیلاء قدرت یا نقدی و اجحافی که دارد، همیشه پر آب و در انهارش آب جاری است؛ اما سایر باغات به نوبت آب دارند».^۲

و همچنین به هزینه آستانه مقدسه در سال ۱۳۱۶ ه. ش. که در کتاب «راهنمای قم» درج شده، به عنوان عشر حق التولیه نگاه کنید.^۳

متولیان سادات رضوی از ابتدا تا قرن یازده - دوازده هجری قمری و متولیان از سادات حسینی از قرن دهم تا اواخر حکومت طاغوت پهلوی دارای چنین موقعیتهایی بودند و البته شخصیت‌های ممتازی داشتند که خدمات زیادی به جامعه رسانده و بلاگردان بسیاری

۱. «خاطرات آیت‌الله مسعودی خمینی» جواد امامی، ص ۸۲.

۲. «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» ص ۱۰۱، به نقل از «سفرنامه قم» افضل الملک، ص ۲۶۵ و ۲۷۶.

۳. ر. ک: «راهنمای قم» نشریه دفتر آستانه قم، ص ۱۱۶.

حوادث از قم و جامعه آن روز خود بوده‌اند؛ مثلاً میرزا محمد خلیل متولی باشی از سادات حسینی در نیمه دوم قرن دوازدهم هنگامی که آقا محمد خان قاجار به قم حمله کرد و قم را محاصره نمود و بعد شهر را به تصرف خود در آورد و مشغول قتل و غارت شد، با وساطت و شفاعت وی و چند تن دیگر، از گسترش این فاجعه جلوگیری شد که شرح آن در ذیل نام وی خواهد آمد و همچنین میرزا سید محمد باقر متولی باشی دارای شخصیتی ممتاز و محبوب و خدوم و دانشور و بامعنویت بوده است که پرداختن به این جهت، خود نگارش اثری مستقل می‌طلبد.

و نیز تعدادی از متولیان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی که از سادات رضوی و حسینی نبوده‌اند، از درباریان و رجال سیاسی بوده‌اند که رژیم برای کنترل یا بهبود اوضاع قم و حوزه علمیه به تولیت آستانه مقدسه منصوب می‌نمود که شرح آن مجالی دیگر می‌طلبد.

اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دو تن از روحانیان فرهیخته و وارسته حوزه علمیه قم که سابقه انقلابی و سیاسی درخشانی داشتند، عهده‌دار مقام تولیت آستانه مقدسه شدند که مختصری از شرح زندگانی آنها خواهد آمد.

قراردادن ناظر از طرف حاکم یا واقف جهت نظارت بر کارهای متولیان

حاکمان و واقفان معمولاً یک یا چند نفر را به عنوان «ناظر» جهت مراقبت و نظارت بر کارهای متولی مزارات و املاک موقوفه‌ای معین

می‌کنند و این امری لازم است؛ خصوصاً در امور مالی و عایدات املاک و اجاره رقبات، مخارج آن، عمران رقبات موقوفه و عمران مزارات، و مصرف عایدات بر طبق نظر حاکم و واقف، و امور ثبتی و دادرسی و اداری و یا احیاناً فروش و تبدیل به احسن املاک وجود ناظر امری لازم و ضروری است.^۱

وقتی که حاکم، متولی را تعیین می‌کند و یا واقف، تولیت وقف را مشخص می‌سازد و ناظر نیز برای آن تعیین می‌گردد، اگر کارهای متولی در مزارات اوقاف منوط به امضا و تصویب ناظر شود، آن ناظر را «ناظر استصوابی» می‌گویند و اگر متولی را موظف کرده باشند که امور را فقط به اطلاع و نظر ناظر برساند، این ناظر را «ناظر اطلاعی» می‌گویند.^۲

و معمولاً برای ناظرین، حقوقی به عنوان «حق النظارة» تعیین می‌کنند. در آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام و امور وقفی آن نیز ناظر یا ناظرین معین بوده‌اند و حق النظارة نیز دریافت می‌کردند. در زمان طاغوت، این نظارت از طرف اداره کل اوقاف بوده است.

در سال ۱۱۳۹ ه. ق. آستانه مقدسه هم بر کارهای «تولیت جدیدی» (تفویضی) و هم بر کارهای «تولیت قدیمی» (شرعی) ناظر داشته و حق النظارة آنها هم مشخص بوده است.

در نسخه مداخل و مخارج سال مزبور ناظرین و حق النظارة آنها آمده است که نام ناظر تولیت تفویضی به طور واضح برده نشده و فقط

۱. ر.ک: «تاریخچه وقف در اسلام» ص ۴؛ «وقف در ایران» صص ۱۰۶-۱۰۵.

۲. ر.ک: همان مدارک.

لقب او آمده و گویا خود تولیت جدیدی حق النظارة نیز داشته است؛ ولی ناظر تولیت قدیمی بر عهده شخصی به نام میر محمد حسین و غیر او از اولاد میر ابوالمفاخر و میر ابوالفضل بوده است.^۱

همچنین در گزارش عملکرد دوساله در سالهای ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ ه. ش. آمده که متولی آستانه مقدسه به نام محمد مهران مبلغی را به عنوان حق النظارة و کمک به هزینه اداری اوقاف در نظر گرفته است.^۲

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۴۵۷.

۲. ر.ک: «آستانه مقدسه، قم، گزارش عملکرد دو ساله از اسفند ماه ۱۳۴۴ تا بهمن ماه ۱۳۴۶» محمد مهران، ص ۱۵.

بخش اول

خادمان، مؤسسان بناها، مجددین بناها و آنان

که در آستانه مقدسه دارای اثر هستند

آنان که در آستانه مقدسه منشأ اثر بوده‌اند

در این بخش، اسامی و شرح حال کسانی مطرح می‌شود که متولی رسمی آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نبوده‌اند و یا حداقل مدرک و یا فرمانی از حاکمان بر تولیت آنها به دست نرسیده؛ اما در عین حال، یا در آستانه مقدسه خدمت کرده و خادم آستانه بوده‌اند؛ چون در ابتدا، آستانه متولی نداشته و فقط خادم داشته است، مثل حسین بن اشکیب قمی خادم القبر که مدتی در آن آستانه منوره خدمت کرده است. یا بنایی را در آستانه تأسیس نموده‌اند، مثل: زینب دختر امام جواد علیه السلام که برای اولین بار قبه و بارگاهی را بر روی تربت پاک حضرت بنا نموده و یا در آستانه تجدید بنایی را به عهده داشته‌اند، مثل: امیر ابوالفضل عراقی و یا شاه بیگی بیگم، همسر شاه اسماعیل اول سرسلسله صفویه. و یا اینکه تعمیرات و کاشی‌کاری و یا وقفی بر آستانه مقدسه نموده‌اند.

شایان ذکر است که ترتیب تاریخی در حد امکان رعایت شده است.

(۱)

موسی بن خزر ج بن سعد اشعری^۱

موسی بن خزر ج از اشراف و بزرگان قم و از رؤسای شیعه اشعری در قم بوده است.^۲ وی صاحب علم و دانش و از روایت حدیث ائمه معصومین علیهم السلام می باشد.^۳

موسی بن خزر ج اولین کسی بود که در سال ۲۰۱ هـ. ق. وقتی که خبر به آل سعد اشعری رسید که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، به ساوه رسیده است به استقبال حضرت شتافت و زمام ناقه آن حضرت را گرفته و با احترام و عزت تمام به سرای خود در قم فرود آورد. و این در حالی بود که حضرت در شهر ساوه مریض شده بود و توان ادامه حرکت به سوی مرو را نداشت.

اشعریها و شیعیان قم همگی خوشحال شدند و به وی خوش آمد گفته و مقدم حضرت را گرامی داشتند. موسی بن خزر ج در سرای خود اتاقی را به ایشان اختصاص داد تا محل استراحت و عبادت او باشد. سفر پررنج و زحمتی که باعث بیماری حضرت فاطمه علیها السلام

۱. ر. ک: «تاریخ قم» حسن بن محمد بن حسن قمی، ص ۲۱۳؛ «بحار الانوار» محمد باقر مجلسی، ج ۶۰، ص ۲۱۴؛ «تنقیح المقال فی علم الرجال» عبدالله مامقانی، ج ۳، ص ۲۵۵؛ «ریاض المحدثین فی ترجمه الرواة و العلماء القمیین» محمد علی نائینی، ص ۸۱۰؛ «تاریخ قم» محمد حسین ناصر الشریعة، ص ۷۳؛ «گنجینه آثار قم» عباس فیض، ج ۲، ص ۶۶۹۹؛ «معجم رجال الحدیث» سید ابوالقاسم موسوی خوئی، ج ۱۹، ص ۴۲.

۲. همان مدارک.

۳. ر. ک: «معجم رجال الحدیث» ج ۱۹، ص ۴۲؛ «بحار الانوار» ج ۶۰، ص ۲۱۴.

شده بود، ناتمام ماند و بیماری وی بهبودی نیافت و پس از هفده روز اقامت در قم در دهم ربیع الثانی، سال ۲۰۱ ه‍.ق. در سرای موسی بن خزر ج به دیدار حضرت حق شتافت و رحلت نمود.

موسی بن خزر ج در بابلان باغی داشت که در آن، سردابی آماده نمودند و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را پس از غسل و کفن و نماز، در آن سرداب دفن نمودند و سایه بانی از بوریا بر روی قبر مطهر ساختند تا مأمنی برای مشتاقان و احترامی به آن حضرت باشد.^۱

موسی بن خزر ج خانه و سرای خود را که مدت کوتاهی در اختیار حضرت معصومه علیها السلام قرار داشت، وقف نمود و در آنجا مسجدی ساخت و آن مسجد و مکان پربرکت همچنان تا حدود سال ۱۳۲۰ ه‍.ق. پابرجا بود؛ هرچند در آن هنگام، سقف آن منهدم و خراب شده بود. و حجره‌ای که حضرت در آن سکونت داشته و به عبادت و راز و نیاز پرداخته بود، معروف به «بیت النور» گردید و پیوسته پذیرای مردم مشتاقی شد که برای زنده ماندن یاد آن حضرت، به آن مکان رفته، نماز و عبادت به جای می‌آوردند.^۲ در حال حاضر، آن حجره و مسجد را تجدید بنا نموده و مدرسه‌ای نیز به نام «مدرسه سَیِّه» در آن محل ساخته‌اند.

موسی بن خزر ج و نقل روایات

وی از ابوالحسن امام موسی کاظم علیهما السلام و امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام روایت نقل کرده است. از موسی بن خزر ج، علی بن

۱. ر.ک: «تاریخ قم» ص ۲۱۳.

۲. ر.ک: «ریاض المحدثین» کچونی قمی، ص ۸۱۲.

اسحاق و برادرش احمد بن خزر ج روایت نقل می‌کنند. روایت وی از امام رضا علیه السلام در مدح اردهال می‌باشد که چنین است:

«احمد بن خزر ج بن سعد از برادرش موسی بن خزر ج نقل کرده که گفته: ابو الحسن الرضا علیه السلام به من فرمود: آیا موضعی که به آنجا «ور اردهار» می‌گویند، می‌شناسی؟ گفتم: بله و در آنجا دو مزرعه دارم. پس امام فرمود: آنجا را حفظ کن و به آن چنگ بزنی! سپس سه مرتبه فرمود: ورار دهار جای خوبی است».^۱ و روایتی در باب نماز مسافر از امام علیه السلام نقل نموده است.^۲

موسی بن خزر ج اولین خادم حضرت در قم، در زمان کوتاه حیات و پس از رحلت او اولین خدمت‌گزار به قبر مطهرش می‌باشد، تاریخ وفات و مکان دفن موسی بن خزر ج معلوم نیست.

(۲)

صالح بن محمد بن سهل

صالح بن محمد از طرف امام محمد جواد علیه السلام در قم متولی اوقاف بوده است^۳ و احتمال دارد که در آن زمان روضه منوره حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دارای موقوفاتی بوده و تولیت آن با

۱. ر.ک: «بحار الانوار» ج ۶۰، ص ۲۱۴.

۲. ر.ک: «الاستبصار» شیخ طوسی، ج ۱، باب الرجل الذي يسافر الى ضيعته، حدیث ۸۱۳؛ «تهذیب الأحکام» شیخ مفید، ج ۳، باب الصلاة في السفر من الزیادات، حدیث ۵۱۰.

۳. ر.ک: «استبصار» طوسی، ج ۲، صص ۷۹-۸۰؛ «کتاب الغیة» طوسی، ص ۲۱۳؛ «تهذیب» طوسی، ج ۴، ص ۱۴۰؛ «قاموس الرجال» ج ۵، ص ۱۰۶.

صالح بن محمد بن سهل بوده باشد. با این حال، صالح بن محمد مورد رضایت و تأیید امام جواد علیه السلام نبوده و در امانت‌داری ضعیف بوده و درآمد حاصل از اوقاف را حیف و میل می‌کرده است.

ابراهیم بن هاشم روایت نموده که من نزد ابو جعفر ثانی (امام محمد جواد) علیه السلام بودم، صالح بن محمد بن سهل بر امام وارد شد و او از طرف امام علیه السلام در قم متولی وقف بود، و گفت: ای آقای من! مرا در ده هزار درهم که خرج کرده‌ام، آزاد کن و حلال نما! پس امام علیه السلام فرمود: «تو در حلیت هستی».

پس از آن، وقتی صالح بیرون رفت، ابو جعفر علیه السلام فرمود: «یکی از آنها بر اموال آل محمد و ایتامشان و فقرا و مساکین آنها و در ماندگان آل محمد صلی الله علیه و آله چنگ می‌زند و آن اموال را گرفته و تصرف می‌نماید، بعد می‌آید و می‌گوید: مرا در حلیت آن قرار بده و اجازه می‌خواهد، آیا او را می‌بینی که فکر و گمان می‌کند که من می‌گویم: این کار را نمی‌کنم (و اجازه نمی‌دهم) بلکه او می‌داند که من اجازه می‌دهم، به خدا سوگند! خداوند در روز قیامت از آنها درباره آن اموال سؤال سختی خواهد نمود».^۱ شیخ طوسی رحمه الله علیه نیز صالح بن محمد بن سهل را جزء وکلای ائمه علیهم السلام که از ناحیه آنان مذمت و سرزنش شده‌اند، آورده است.^۲

۱. ر. ک: «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی، ج ۴، ص ۱۴۰؛ «کتاب الغیبة» طوسی، ص ۲۱۳؛ «قاموس الرجال» محمد تقی تستری، ج ۵، ص ۱۰۶؛ «استبصار» ج ۲، صص ۸۰-۷۹.

۲. ر. ک: «کتاب الغیبة» ص ۲۱۳.

(۳)

زینب دختر امام محمد جواد علیه السلام^۱

این بانوی گرامی همراه برادرش، ابو جعفر موسی بن امام محمد جواد علیه السلام و خواهرانش، فاطمه، ام محمد و میمونه در کوفه زندگی می کردند و بعد از آمدن برادرشان، ابو جعفر موسی مبرقع به قم، آنها نیز به خاطر آنکه در کنار برادرشان باشند و با او زندگی کنند، در طلب وی از کوفه به قم آمدند؛ بعد از آنها نیز بریهه، دختر موسی مبرقع وارد قم شد.^۲

زینب اولین کسی بود که بر روی مضجع و تربت مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قبه ای بنا کرد^۳ و آن را بعد از سال ۲۵۶ ه. ق. ساخت؛ چرا که برادرش ابو جعفر موسی مبرقع در این سال وارد قم شد و زینب بعد از برادرش به قم آمد. از عبارت «تاریخ قم» معلوم می شود که این بنای مبارک تا زمان تألیف این کتاب، یعنی سال ۳۷۸ ه. ق. باقی بوده است.

تاریخ وفات این بانوی بزرگوار معلوم نیست، اما محل دفن وی به احتمال زیاد در جوار حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می باشد^۴ و به احتمال ضعیف ممکن است در چهل اختران مدفون باشد.^۵

۱. ر. ک: «تاریخ قم» ص ۲۱۳ و ۲۱۶.

۲. ر. ک: همان، ص ۲۱۶.

۳. ر. ک: همان، ص ۲۱۳.

۴. ر. ک: «انوار پراکنده» محمد مهدی فقیه محمدی جلالی گیلانی، ص ۲۱۲.

۵. ر. ک: همان و «تاریخ قم» ناصر الشریعة، ص ۱۲۲.

(۴)

حسین بن اشکیب قمی خادم القبر^۱

کنیه حسین بن اشکیب، ابو عبدالله^۲ و ابو محمد^۳ می‌باشد. اسم پدر وی احمد و معروف به اشکیب است.^۴ در بعضی از کتب رجال به جای «اشکیب» نام و شهرت پدرش «اسکیب» با سین آمده که هر دو یکی می‌باشد. وی شهرت قمی، مروزی و خراسانی نیز دارد. اما به احتمال زیاد اصل وی قمی و تولد او در این شهر بوده است.

حسین بن اشکیب در سال ۲۶۴ ه. ق. زنده بوده است.^۵ او مدتی خادم قبر مطهر و قبه منور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بوده است و به همین خاطر، به «خادم القبر» شهرت دارد. نجاشی می‌گوید که کشی گفته: «هو القمی خادم القبر»^۶ او همان قمی خادم قبر است». شیخ طوسی نیز وی را جزء اصحاب امام

۱. ر.ک: «اختیار معرفة الرجال» شیخ طوسی، ص ۴۰؛ «رجال طوسی» ص ۴۶۲ و ۴۱۳؛ «رجال ابن داود» تقی‌الدین حسن بن علی بن داود حلی، ص ۱۲۱؛ «توحید صدوق» باب ۲۸، ص ۱۷۹، ح ۱۳؛ «رجال حلی» ص ۴۹؛ «ایضاح الاشتباه» حسن بن یوسف حلی، ص ۱۴۹؛ «معجم الرجال» علی قهپائی، ج ۲، صص ۱۶۸ - ۱۶۷؛ «تنقیح المقال فی علم الرجال» مامقانی، ص ۳۲۰؛ «الذریعة» آقا بزرگ تهرانی، ج ۱۰، ص ۲۰۰ و ۲۲۷ و ج ۲۴، ص ۳۲۸؛ «موسوعة طبقات الفقهاء» گروه علمی مؤسسه امام صادق علیه السلام، ج ۳، ص ۲۱۵.

۲. ر.ک: «موسوعة طبقات الفقهاء» ج ۳، ص ۲۱۵؛ «معجم رجال الحديث» ج ۵، ص ۲۰۰، به نقل از «رجال طوسی» اما در آنجا موجود نیست.

۳. ر.ک: «الذریعة» ج ۱۰، ص ۲۲۷.

۴. ر.ک: «الجامع فی الرجال» موسی زنجانی، ج ۱، ص ۵۸۲.

۵. ر.ک: «اصول کافی» محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، باب مولد الصاحب علیه السلام، ص ۵۱۶.

۶. ر.ک: «رجال نجاشی» ص ۴۴.

هادی علیه السلام دانسته و گفته: «حسین بن اشکیب قمی و خادم قبر است».^۱

مؤلف کتاب «تنقیح المقال» نیز عبارت شیخ را صریح در قمی بودن و خادم قبر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بودن او می داند.^۲

تحقیقاً هر جا که اسم حسین بن اشکیب با شهرت قمی آمده، خادم القبر نیز بعد از آن ذکر شده است و هر جا بدون قمی، یعنی با مروزی یا خراسانی آمده، خادم القبر ذکر نشده است. و این بهترین دلیل بر مدعای فوق است که وی در اصل قمی و خادم قبر حضرت معصومه علیها السلام بوده است و بعدها به مرو و خراسان رفته و مدت‌ها در آنجا اقامت داشته است؛ لذا به مروزی و خراسانی نیز معروف شده است و بعد به کش سفر نموده و مدتی نیز در آنجا مقیم بوده است.

شخصیت علمی حسین بن اشکیب

او یکی از شخصیت‌های برجسته علمی و فاضل و جلیل‌القدر شیعه و از فقها و متکلمین بنام عصر خود بوده و تألیفاتی نیز داشته است. از جمله تألیفات او که در جاهای مختلف از آنها نام برده شده، آثار ذیل است:

۱. الرد علی من زعم ان النبی صلی الله علیه و آله کان علی دین قومه؛

۲. الرد علی الزیدیه؛

۳. النوادر.^۳

۱. ر.ک: «رجال طوسی» ص ۴۱۳.

۲. ر.ک: «تنقیح المقال فی علم الرجال» مامقانی، ج ۱، ص ۳۲۰.

۳. ر.ک: «رجال نجاشی» ص ۴۴؛ «الذریعة» ج ۱۰، ص ۲۲۷ و ج ۲۴، ص ۳۲۸؛ «موسوعة طبقات الفقهاء» ج ۳، ص ۲۱۵.

حسین بن اشکیب از افراد ذیل روایت کرده:

۱. محسن بن احمد؛ ۲. محمد بن اورمه؛ ۳. محمد بن خالد البرقی؛
 ۴. حسن بن خرداد؛ ۵. حسین بن یزید النوفلی؛ ۶. محمد بن السری؛
 ۷. حسن بن حسین المروزی؛ ۸. بکر بن صالح الرازی؛ ۹. هارون بن عقبه الخزاعی؛ ۱۰. محمد بن علی الکوفی؛ ۱۱. عبدالرحمن بن حماد.^۱
- حسین بن اشکیب شیخ و استاد بوده و شاگردان زیادی داشته که تعدادی از آنان شهرت جهانی دارند و در جهان اسلام و تشیع شخصیت‌های بزرگی به شمار می‌آیند، از جمله:

۱. محمد بن مسعود، معروف به «عیاشی» مؤلف تفسیر معروف عیاشی که از بزرگان شیعه می‌باشد.^۲
۲. محمد بن وارث.^۳
۳. کشی.^۴

۴. محمد بن عمر بن عبدالعزیز که از چهره‌های معروف شیعه و صاحب کتاب «معرفة احوال الرجال» می‌باشد.^۵ وی علاوه بر فقاقت و علم و دانش و فضلی که داشت و در علم کلام نیز چیره‌دست بود، مناظره‌کننده‌ای ماهر و غالب به شمار می‌آمد. او در مناظره‌ای با ابوسعید غانم هندی که علمای اهل سنت نتوانسته بودند او را که ابتدا

۱. ر.ک: «الجامع فی الرجال» ج ۱، ص ۵۸۲.

۲. ر.ک: همان.

۳. ر.ک: همان.

۴. ر.ک: «الذریعة» ج ۱۰، ص ۲۰۰ و ۲۲۷.

۵. ر.ک: «رجال نجاشی» ص ۴۴.

اهل کتاب بود، قانع کنند، شرکت جسته، با غلبه بر او زمینه تشریف او را به دین اسلام و مذهب تشیع فراهم آورده است.

حسین بن اشکیب در این مناظره حقانیت خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اولاد طاهرین او علیهم السلام را اثبات می کند که در اینجا، مناسب است متن مناظره و چگونگی شکل گیری آن نقل شود: «مرحوم کلینی از علی بن محمد و تعدادی از روات شیعه قمی از محمد بن محمد عامری از ابو سعید غانم هندی نقل می کند که: من در شهر معروف هند، یعنی کشمیر بودم و دوستانی داشتم و صندلیهایی از طرف پادشاه آنجا گذاشته بودند که من همراه آنها - که چهل مرد بودند - بر آن صندلیها نشستیم همه کتب چهارگانه تورات و انجیل و زبور و صحف ابراهیم علیه السلام را قرائت می کردیم و ما بین مردم قضاوت می کردیم و آنها را در مسایل دینشان آگاه می کردیم و در حلال و حرامشان فتوا می دادیم، مردم هم به ما مراجعه می کردند. پادشاه و پایین تر از او نیز همه به ما مراجعه می کردند. روزی نام رسول الله صلی الله علیه و آله را مورد بحث و جریان قرار دادیم و گفتیم: پیامبری که در کتب ما مذکور است، امرش برای ما نامعلوم و ناشناخته مانده، و تحقیق و فحص درباره او بر ما واجب است.

نظر همه ما یکی شد و توافق نمودیم که من از آنجا بیرون آیم و مسافرت کنم و حقیقت را دنبال کنم تا روشن شود. از کشمیر بیرون آمدم، در حالی که مال زیادی همراه من بود. دوازده ماه راه پیمودم تا نزدیک کابل شدم، طایفه ای از ترک بر من حمله آوردند و راه را بر من

بستند و اموال مرا گرفتند و بر من جراحات شدیدی وارد ساختند. بعد به شهر کابل آمدم و امیر کابل مرا کمک نمود و روانه بلخ کرد. در آن وقت امیر بلخ، داود بن عباس بن اُبی اُسود بود. وقتی خبر روانه شدن من به امیر بلخ رسید - در حالی که من از هند به قصد آنجا خارج شده و زبان فارسی را یاد گرفته بودم. و با فقها و اصحاب کلام مناظره کرده بودم - داود بن عباس، پیکی به سوی من فرستاد و مرا به مجلس خود حاضر نمود و فقهای آن دیار را جهت مناظره با من جمع کرده بود. آنها مناظره را شروع کردند و من به آنها تفهیم کردم که من از وطنم بیرون آمده‌ام تا طلب کنم پیغمبری را که در کتب یافته‌ام.

داود بن عباس به من گفت: او کیست و اسم او چیست؟

من گفتم: اسم او محمد صلی الله علیه و آله است.

داود بن عباس گفت: او پیغمبر ماست که تو در طلب او هستی. سپس من از دستورات پیامبر، از آنها سؤال کردم و آنها به من یاد دادند. به آنها گفتم: می‌دانم که محمد صلی الله علیه و آله نبی است، اما نمی‌دانم او همان کسی است که شما توصیف کردید یا نه؟ پس مرا از جایگاه او آگاه نمایید؛ برای اینکه من او را قصد نموده‌ام. پس من سؤالاتی از نبی مورد نظر خود از شما می‌کنم و این سؤالات از روی علامات و دلایلی است که نزد من هست. پس اگر آن کسی را که من در طلب او هستم، یافتم، به او ایمان می‌آورم.

آنها گفتند: او (صلی الله علیه و آله) در گذشته است.

من گفتم: جانشین و خلیفه او چه کسی است؟

گفتند: ابوبکر.

گفتم: این کنیه او می تواند باشد، اسم او را به من بگویید.

گفتند: عبدالله بن عثمان، و نسب او را به قریش منتسب دانستند.

گفتم: نسب محمد نبی خودتان را برایم بگویید.

سپس آنها نسب او را برای من گفتند.

گفتم: این شخص آن کسی که من به دنبال او هستم، نیست. کسی که من او را می خواهم، خلیفه و برادر اوست در دین و پسر عموی اوست در نسب و شوهر دختر او و پدر فرزندان او می باشد ولی از فرزندان او - که خلفای واقعی این نبی بودند - کسی به خلافت نرسید.

آنها از جا برخاستند و گفتند: ای امیر! این مرد که قبلاً مشرک بوده، حال از شرک خارج شده و کافر شده این مرد خونش حلال است.

به آنها گفتم: ای قوم! من مردی هستم که با من دینی است و من به آن دین چنگ زده ام و از آن دست برنمی دارم تا اینکه قوی تر از آن دین را ببینم. من صفت این مرد (پیامبر صلی الله علیه و آله) را در کتبی که خداوند آن کتب را بر انبیایش نازل فرموده، یافته ام و من از بلاد هند بیرون آمدم و از آن عزت و موقعیتی که داشتم، دور شده ام تا او را بیابم. سپس وقتی که درباره امر پیامبر شما که او را توصیف کردید، تفحص نمودم، متوجه شدم او آن پیغمبری که در کتب توصیف شده نیست. پس از من دست بردارید. آن گاه امیر عامل خود را به دنبال مردی که به او حسین بن اشکیب گفته می شد، فرستاد و او را خواست و به او گفت: با این مرد هندی مناظره و بحث کن!

حسین بن اشکیب به امیر گفت: أصلحک الله! فقها و علما در حضور تو هستند و آنها داناتر و آگاه تر برای مناظره با او هستند. امیر دوباره به او گفت: با او مناظره کن همان طور که من به تو گفتم و با او خلوت کن و با ملایمت با او رفتار نما!

بعد حسین بن اشکیب به من گفت: آن نبی و صاحب که تو در طلب او هستی، همان پیغمبری است که آنها توصیف کردند، اما امر درباره خلیفه او آن طور که آنها گفتند، نیست. این نبی محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب و وصی و جانشین او علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب است و او همسر فاطمه بنت محمد و پدر حسن و حسین، دو سبط محمد صلی الله علیه و آله می باشد.

غانم ابوسعید می گوید که من گفتم: الله اکبر! این همان کسی است که من در طلب او هستم و بعد از آن به سوی داود بن عباس برگشتم و به او گفتم: ای امیر! آنچه که در طلب او بودم به دست آوردم و من شهادت می دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد فرستاده خداست. امیر هم به من نیکی کرد و صله و هدیه به من داد و به حسین بن اشکیب گفت که از او دلجویی کن!

غانم هندی می گوید: پس مدت زمانی با حسین بن اشکیب سپری کردم و به او انس پیدا کردم و او نیز در آنچه که به آن نیاز داشتیم، از نماز و روزه و واجبات دینی به من آموخت.

بعد می گوید: به حسین بن اشکیب گفتم که ما در کتب آسمانی خود خوانده ایم اینکه محمد صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران است و بعد

از او نبی و پیامبری نخواهد بود و امر بعد از او به وصی و وارث و خلیفه او بعد از خودش واگذار خواهد شد و بعد به وصی دیگر و امر خدا زایل نمی‌شود و در أعقاب و نسل آنها جاری است تا عمر دنیا تمام شود. پس وصی بعد از وصی محمد کیست؟

حسین بن اشکیب گفت: وصی وصی محمد، حسن و پس از او حسین، دو فرزند محمد صلی الله علیه و آله می‌باشند. پس از آنها امر وصی و خلافت ادامه دارد تا منتهی به صاحب الزمان علیه السلام می‌شود. غانم هندی می‌گوید: بعد از آن، حدیث را به من یاد داد و آن‌گاه برای من انگیزه و همتی برای ماندن نماند و به طرف ناحیه خود حرکت کردم...^۱ سال وفات این مرد دانشمند و بزرگ شیعه معلوم نیست.

(۵)

احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک بن احوص اشعری قمی^۲

کنیه احمد بن اسحاق، ابوعلی می‌باشد. وی از محدثان و روات بزرگ عصر خود و شیخ قمیین و از خاندان بزرگ و معروف اشعری در قم می‌باشد. جد چهارم وی، احوص در سال ۱۲۱ ه.ق. در قیام زید، فرزند بزرگوار امام سجاد علیه السلام حضور و نقش فعال داشته است

۱. ر.ک: «اصول کافی» ج ۱، باب مولد الصاحب علیه السلام، صص ۵۱۶-۵۱۵، ح ۳؛ «کمال الدین و تمام النعمه» شیخ صدوق، ج ۲، باب ۴۳، صص ۴۳۹-۴۳۷، ح ۶.

۲. ر.ک: «تاریخ قم» صص ۲۱۳-۲۱۱؛ «رجال طوسی» ص ۴۲۷ و ۳۹۸؛ «الفهرست» شیخ طوسی، ص ۵۰؛ «رجال نجاشی» ص ۹۱؛ «رجال کشی» صص ۵۵۸-۵۵۶؛ «تاریخ قم» ناصر الشریعه، ص ۱۶۸؛ «معجم رجال الحدیث» ج ۲، صص ۵۰-۴۳؛ «بحار الانوار» ج ۵۱، ص ۱۶، ح ۲۱ و ج ۵۲، ص ۲۳، ح ۱۶؛ «ایان الشیعه» سید محسن الامین، ج ۲، ص ۴۷۸.

که بعد از شهادت زید، توسط حاکم وقت عبدالملک بن مروان دستگیر و چند سال در زندان بود و بعد با وساطت برادرش آزاد شد و به قم عزیمت نمود. او همراه برادرش عبدالله اولین عربهایی بودند که وارد قم شدند و عبدالله مردی زاهد و عابد بود و همه روزه در قم حدیث می‌کرد و سخن می‌گفت و احوص جهت برادرش مسجدی بنا نهاد تا او در آن نماز بگذارد.^۱

احمد بن اسحاق از طرف امام حسن عسکری علیه السلام وکیل اوقاف قم بوده و تولیت اوقاف مربوط به ائمه علیهم السلام و خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بر عهده داشته است.^۲ احتمال اینکه او متولی اوقاف آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام نیز بوده باشد، زیاد است. البته، این در صورتی است که در آن زمان مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دارای موقوفاتی بوده باشد.

بعضی از علمای عصر ما می‌گویند: «در عصر امام حسن عسکری علیه السلام، احمد بن اسحاق متولی آستانه مقدسه بوده و این به دستور خود حضرت بوده است».^۳

بنا به قولی، مسجد امام حسن عسکری علیه السلام نیز به دستور خود امام از راه اوقاف و وجوه خراج با تولیت احمد بن اسحاق بنا شده است و

۱. ر.ک: «تاریخ قم» ص ۳۷ و ۲۴۲.

۲. ر.ک: همان مدرک.

۳. ر.ک: «خاطرات آیت الله مسعودی خمینی» ص ۷۹.

بنابر قول دیگر، در آن زمان مسجد بنا شده بود و امام به احمدبن اسحاق دستور داد که از وجوه خراج قم، صُفه‌ای در آن مسجد بنا کند.^۱ احمدبن اسحاق از طرف امام زمان ارواحنا فداء، نیز وکیل اوقاف قم بوده است.^۲

احمدبن اسحاق و ائمه علیهم السلام

احمدبن اسحاق از اصحاب امام جواد، امام هادی، امام حسن عسکری و امام عصر علیهم السلام می‌باشد.^۳ و از وکلا و سفرا و أبواب آن حضرت بوده است.^۴

او مورد اعتماد و وثوق ائمه علیهم السلام و بزرگ و شیخ شیعیان قم بوده است. و از امام هادی، امام حسن عسکری و امام زمان علیهم السلام روایت نقل کرده و بنابر نقل «معجم رجال الحديث» در سلسله سند ۶۷ روایت قرار دارد و روایات او در کتب حدیث شیعه، مثل: استبصار، تهذیب، غیبت شیخ طوسی، کافی (فروع و اصول) نقل شده است.^۵ وقتی که امام زمان ارواحنا فداء متولد شد، پدر بزرگوارش امام حسن علیه السلام طی نامه‌ای، احمدبن اسحاق را با خبر نمود. ترجمه قسمتی از نامه امام چنین است:

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۲، صص ۱۱۷-۱۱۶، به نقل از «تاریخ دارالایمان قم» صص ۵۲-۵۱ و «خلاصة البلدان» ص ۴۳، نسخه محیط طباطبایی.

۲. ر.ک: «کمال الدین و تمام النعمة» ص ۴۴۲ و ۴۵۴، ح ۲۱؛ «بحار الانوار» ج ۵۲، صص ۳۱-۳۰، باب ذکر من راه علیه السلام، ح ۲۶.

۳. ر.ک: «رجال طوسی» ص ۴۲۷ و ۳۹۸؛ «فهرست طوسی»، ص ۵۰؛ «رجال نجاشی» ص ۹۱؛ «رجال کشی» صص ۵۵۸-۵۵۶؛ «بحار الانوار» ج ۵۱، ص ۱۶ و ج ۵۲، ص ۲۳.

۴. ر.ک: «کمال الدین و تمام النعمة» ص ۴۴۲.

۵. ر.ک: «معجم رجال الحديث» ج ۲، صص ۴۷-۴۳.

«فرزندم متولد شد، پس آن را نزد خود پوشیده دار و از تمام مردم پنهان کن؛ چون ما جز به نزدیکان خود به خاطر نزدیک شدن به او، و دوستداران به خاطر دوست داشتن او، به کسی اعلام نکرده‌ایم. دوست داشتیم آگاه شدن تو را تا اینکه خداوند تو را به این وسیله خوشحال نماید؛ همان طور که ما خوشحال شده‌ایم. و السلام»^۱.

احمدبن اسحاق سفرهای زیادی به عراق کرده تا به محضر ائمه علیهم‌السلام برسد. و بارها به حضور امام حسن عسکری و امام زمان علیهما‌السلام رسیده است.

نقل کرده‌اند در یکی از سفرهای خود به عراق، که در سامرا قصد شرفیابی حضور امام حسن عسکری علیه‌السلام را داشته تا امام را زیارت کند چون به در خانه حضرت رسید و اجازه خواست تا وارد شود، اما امام حسن عسکری علیه‌السلام اجازه ملاقات به وی نداد و از دیدار وی خودداری نمود. احمدبن اسحاق مدت زمان زیادی آمد و سر بر آستانه آن حضرت نهاد و بسیار گریه کرد و گفت: ای نور دیده هر دو عالم و ای برگزیده اولاد آدم! چه بی ادبی از من صادر شده که مرا به حضرت خود راه نمی‌دهی؟

پس از مدتی امام علیه‌السلام اجازه ورود به او داد و فرمود: ای احمد! یاد داری که فرزندزاده ما ابوالحسن در شهر قم به در خانه تو آمد و تو او را اجازه ورود ندادی؟

احمدبن اسحاق گریست و سوگند یاد نمود که من او را از صحبت

۱. ر.ک: «بحارالانوار» ج ۵۱، ص ۱۶، باب ولادت امام زمان عجل الله فرجه، ج ۲۱.

خود منع نکردم، مگر به جهت آنکه او شرب خمر می‌کرد، او را راه ندادم تا اینکه ترک شرب کند و توبه نماید.

امام فرمود: ای احمد! راست گفتی و لیکن باید که حق سادات علوی را بشناسی و حرمت آنها را نگه‌داری، در هر حال که باشند و با دید حقارت به آنها ننگری؛ چون در این صورت، بزه‌مند و گرفتار می‌شوی. چون احمد بن اسحاق به قم برگشت، سید ابوالحسن به همراه جمعی بسیار از مردم به دیدن احمد بن اسحاق آمد. وقتی احمد نظرش به ابوالحسن افتاد، از جای برخاست و به پیش او دوید و او را بسیار عزیز داشت و اکرام و احترام نمود و او را در صدر نشاند. ابوالحسن وقتی رفتار احمد بن اسحاق را غریب و تازه دید، از او سؤال کرد که در این مدت هرگز چنین لطف و ترحیب درباره‌ی من نکرده بودی، حال چه شده که مرا این طور احترام می‌کنی؟

احمد قضیه‌ی خود را در عراق که امام حسن عسکری علیه‌السلام به او اجازه‌ی ورود و ملاقات نمی‌داد و سبب آن را برای او توضیح داد. ابوالحسن وقتی جریان را شنید، بسیار گریه کرد و گفت: وقتی که امام تا این حد مرا حرمت می‌نهد، پس روا نباشد که من به غیر از رضای خداوند عمر و زندگی خود را بگذرانم و گفت: توبه کردم و به درگاه حضرت حق رجوع نمودم و پشیمان شدم از کارهایی که از سر جهل و نادانی از من سر زده. سپس برخاست و به سرا و منزل خود بازگشت و آلات شراب را درهم شکست و بعدها همه‌ی اوقات خود را در مسجد به سر برد و اعتکاف نمود تا اینکه مرگش در رسید و به سرای جاوید شتافت.

ابوالحسن را در مقبره بابلان دفن کردند. قبر او به قبه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام متصل است؛ به طوری که زوار چون از جانب شهر ری به زیارت حضرت فاطمه علیها السلام بروند، وارد مقبره او می‌شوند.^۱

احمد بن اسحاق درباره یکی دیگر از دیدارهای خود می‌گوید: به محضر امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم تا از جانشین ایشان سؤال کنم و با خبر شوم. قبل از اینکه سؤال خود را مطرح کنم، امام علیه السلام فرمود: «ای احمد بن اسحاق! خداوند تبارک و تعالی زمین را از اول خلقت آدم تا امروز از حجت خودش بر مردم خالی نگذاشته و تا روز قیامت هم خالی نخواهد گذاشت؛ به واسطه حجت خود بلاها را از اهل زمین دفع می‌کند و به واسطه او باران نازل می‌شود و به برکت او زمین برکات خود را آشکار می‌کند».

آن‌گاه احمد بن اسحاق پرسید: یابن رسول الله! پس امام و خلیفه بعد از تو کیست؟ امام عسکری علیه السلام برخاست و به اندرون خانه رفت، سپس بیرون آمد و در آغوشش کودکی سه ساله بود و صورتش مانند ماه شب چهارده بود و فرمود:

«ای احمد بن اسحاق! اگر احترام و مقام نزد خداوند و ائمه اطهار نداشتی، فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم، این کودک من همانم رسول خدا صلی الله علیه و آله و هم کنیه اوست؛ کودکی که زمین را پُر از عدل خواهد نمود، بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده است. ای احمد بن

۱. ر.ک: «تاریخ قم» صص ۲۱۳-۲۱۱.

اسحاق! مثل فرزند من در میان این امت مثل خضر علیه السلام و ذوالقرنین است. به خدا سوگند! او غایب خواهد شد و در زمان غیبت او جز کسانی که خداوند آنها را بر اعتقاد به امامت او ثابت قدم نموده، کسی از هلاکت رهایی نخواهد یافت».

احمد بن اسحاق می گوید: من به امام عرض کردم: ای سرور من! آیا علامت و نشانه ای برای اطمینان قلبم وجود دارد؟ اینجا بود که کودک خردسال با زبان عربی فصیح سخن گفت و فرمود: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُتَّقِمُ مِنْ أَغْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثَرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ؛ مَنْ حَجَّتْ مَانِدْغَارَ خَدَاوَنْدِ دَر زَمِينِ وَ انْتِقَامَ گِیرَنْدِه از دشمنان او هستم. پس ای احمد بن اسحاق! وقتی حقیقت را با چشم خود دیدی، نشانی مطلب».

احمد بن اسحاق می گوید: بعد از آن من بیرون رفتم، در حالی که بسیار خوشحال و شادمان بودم و فردای آن روز دوباره به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رفتم و به امام عرض کردم: یا بن رسول الله! خوشحالی من بسیار زیاد شده، به واسطه چیزی که مرا به آن برخوردار نمودی. سنت جاریه در او (امام زمان علیه السلام) چیست که به خضر و ذوالقرنین تشبیه فرمودی؟

امام علیه السلام فرمود: «طولانی بودن غیبت، ای احمد».

احمد بن اسحاق می گوید: گفتم: یا بن رسول الله! آیا غیبت امام زمان علیه السلام طولانی است؟

امام فرمود: «آری به پروردگارم سوگند! آن قدر طول می کشد که اکثر معتقدان به او از اعتقاد به او برمی گردند و کسی نمی ماند، مگر کسانی که

خداوند پیمان او به ولایت ما را نگه‌داشته و در قلبش ایمان را مستقر نموده و به وسیله روح او را یاری می‌رساند.

ای احمدبن اسحاق! این امری است از اوامر خداوند و سری از اسرار او و غیبی است خدایی. پس آنچه که به تو گفتم، داشته باش و آن را پنهان نگه‌دار و از شاگردان باش تا فردا در مقامی بالا باشی.^۱

تالیفات احمدبن اسحاق

احمدبن اسحاق دانشمند و راوی بزرگ شیعه، بخشی از معلومات خود را در کتبی جمع آوری نموده است که اسامی سه کتاب از او در دست است:

۱. کتاب «علل الصلوة» که کتاب بزرگی بوده است.
۲. کتاب «علل الصوم» که این نیز کتاب بزرگی بوده است.
۳. کتاب «مسائل الرجال» این کتاب متعلق به امام هادی علیه‌السلام بوده که احمدبن اسحاق آن را جمع آوری و تدوین کرده است.^۲

شیوخ و شاگردان احمدبن اسحاق

از جمله اساتید و شیوخ احمدبن اسحاق که از آنها نقل روایت کرده است:

۱. عبدالله بن میمون؛
۲. زکریابن آدم القمی؛
۳. زکریابن محمد؛

۱. «بحارالانوار» ج ۵۲، صص ۲۴-۲۳، باب ذکر من رآه علیه‌السلام، ح ۱۶.

۲. ر. ک: «رجال نجاشی» ص ۹۱؛ «فهرست طوسی» ص ۵۰؛ «معجم رجال‌الحديث» ج ۲، صص ۴۸-۴۷.

۴. بکر بن محمد الأزیدی؛
 ۵. سعدان عبدالرحمن،
 ۶. یاسر الخادم؛
 ۷. هاشم الحناط؛
 ۸. سعدان بن مسلم.
- و از جمله شاگردان احمد بن اسحاق که از او نقل روایت کرده‌اند:
۱. حسین بن محمد بن عامر الاشعری؛
 ۲. عبدالله بن جعفر الحمیری؛
 ۳. احمد بن ادريس ابو علی اشعری قمی؛
 ۴. احمد بن علی بن ابراهیم؛
 ۵. احمد بن محمد بن عیسی اشعری؛
 ۶. عبدالله بن عامر اشعری؛
 ۷. علی بن سلیمان الزاری (الرازی)؛
 ۸. محمد بن عبدالجبار قمی؛
 ۹. محمد بن یحیی عطار قمی؛
 ۱۰. سعد بن عبدالله اشعری (وی صاحب کتاب «بصائر الدرجات» می‌باشد و حدود چهل اثر و کتاب دیگر نیز دارد)؛
 ۱۱. احمد بن محمد بن عیسی؛
 ۱۲. محمد بن حسن بن صفار؛
 ۱۳. علی بن ابراهیم قمی.^۱

۱. ر.ک: «معجم رجال الحديث» ج ۲، صص ۴۷-۴۳.

وفات احمد بن اسحاق

احمد بن اسحاق، رجالی و فقیه و مفسر و مورخ و متکلم عصر خود، به امام و پیشوای خود، امام حسن عسکری علیه السلام یا به امام زمان ارواحنا فداه^۱ نامه‌ای نوشت و از امام اجازه رفتن به سفر حج را درخواست نمود و از امام علیه السلام تقاضای هزار دینار به عنوان قرض نمود. امام علیه السلام هم به او اذن رفتن به حج را داد و هم هزار درهم درخواستی را به وی عنایت کرد و برای او نوشت:

«هی له منّا صله، و اذا رجع فله عندنا سواها؛ این (هزار دینار) برای وی مرحمتی و صله است و وقتی که برگشت، نزد ما غیر از آن، باز هم صله دارد».

و برای احمد بن اسحاق لباسی فرستاد. احمد وقتی که لباس فرستاده شده توسط امام علیه السلام را دید، به خود گفت: امام علیه السلام خبر مرگ مرا با این لباس به من داده است و این در حالی بود که احمد بن اسحاق بسیار ضعیف شده بود و امید نداشت که به کوفه برسد. او هنگام بازگشت از حج یا قبل از انجام حج در حُلوان (سر پل ذهاب) که در استان کرمانشاه واقع شده، درگذشت و به دیدار حضرت حق شتافت.^۲

اکنون قبر مطهرش زیارتگاه مؤمنین و پیروان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد.

۱... تردید به خاطر این است که اسم امام ذکر نشده است.

۲. ر.ک: «رجال کشی» ص ۴۶۶.

(۶)

ابوالحسین زیدبن احمدبن بحر اصفهانی معتزلی

ابوالحسین زیدبن احمد حاکم قم بوده است. وی برادر زاده ابو مسلم محمدبن بحر اصفهانی بوده که او نیز حاکم قم بوده و در سال ۳۰۹ ه. ق. قم را مساحت کرده، در سال ۳۱۰ و ۳۱۱ ه. ق. خراج قم را زیاد نمود و برای عربها خراج جداگانه و برای عجمها نیز جداگانه مقرر داشت. ابو مسلم محمد در زمان حکمرانی خود، احترام بزرگان قم و شیعه را به جای آورده و هر جمعه با عده‌ای به دیدار آنها و رؤسای قم می‌رفته است. او مذهب معتزلی داشت.^۱ اما ابوالحسین زیدبن احمد نیز مذهب اعتزال داشته و در اواسط قرن چهارم هجری قمری والی و حکمران قم بوده است. وی درب آستان قدس فاطمی علیها السلام را که روبه روی رودخانه و بسیار کوچک و کوتاه بوده؛ به طوری که زوار برای رفت و آمد از آن در اذیت می‌شدند، بزرگ و فراخ گردانید و دو در بر آن نصب نمود تا زائران حضرت به راحتی برای زیارت به آن آستان مقدس رفت و آمد نمایند.^۲

(۷)

امیر ابوالفضل عراقی^۳

وی در عصر حکومت سلطان طغرل کبیر (۴۶۵ - ۴۲۹ ه. ق.)

۱. ر. ک: «تاریخ قم» ص ۱۰۶، ۱۲۵، ۱۴۲، ۲۱۷، و ۲۱۸.

۲. ر. ک: همان، ص ۲۱۴.

۳. ر. ک: «النقض» ص ۱۹۴ و ۲۱۹؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۰، ج ۲ ص ۱۱۰؛ «گنجینه آثار قم» ج ۲، ص ۲۲۷.

می‌زیسته و نزد این سلطان بسیار مقرب و محترم و از امرا و وزرای شیعی آن عصر بوده است.

در «گنجینه آثار قم» مطالبی دربارهٔ امیر ابوالفضل عراقی گفته شده، از جمله: قمی بودن او، وزارت او، نسب علوی داشتن و غیر آن که اشتباه می‌باشد؛ چون وی را با خواجه ابوالفضل عمید که در «النقض» ص ۲۱۷ آمده، اشتباه گرفته شده است.

امیر ابوالفضل مردی خیر و با اندیشه بوده و بنیان‌گذار اماکن مقدس و برج و باروی زیادی بوده است. یکی از کارهای بزرگ وی، تجدید بنای مشهد و قبه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می‌باشد. وی قبه‌ای را که زینب، دختر امام جواد علیه السلام بر روی قبر مطهر حضرت فاطمه علیها السلام بنا کرد، تجدید بنا نمود و آن را توسعه داد. این بنا تا نیمهٔ اول قرن دهم و اوایل حکومت صفویه باقی بود و در این زمان تجدید بنا شد.

شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی در «النقض» چنین آورده است:
 «و امیر ابوالفضل عراقی در عهد سلطان طغرل کبیر مقرب و محترم بود، و باروی شهر ری و باروی قم و مسجد عتیق قم و منارها^۱ فرمود. و مشهد و قبه سنی فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهما السلام او کرد، و خیرات بی مر^۲ که به ذکر همه کتاب بیفزاید».^۳

۱. منارها: مناره‌های مساجد و اماکن مقدس.

۲. بی‌مر: زیاد و بی‌شمار.

۳. «النقض» ص ۲۱۹.

و در جای دیگر گفته: «معلوم است که در شهر قم که همه شیعت‌اند، آثار اسلام و شعار دین و قوت اعتقاد چون باشد از جوامع که ابوالفضل عراقی کرده است بیرون شهر...»^۱

در آن عصر، یعنی قرن پنجم و همچنین قرن ششم، آستان قدس فاطمی دارای رونق خاصی بوده و زوار آن از شیعی و حنفی و شافعی به زیارت قبر مطهر حضرت می‌شتافتند و به او توسل می‌جستند و امرا و وزرای عالم اسلام، همه معتقد بودند و به زیارت آن تربت پاک می‌آمدند^۲ و علت آن اهمامی بوده که امرا و وزرا و رجالی چون: امیر ابوالفضل عراقی و وزیر شهید فخرالملک اسعدبن محمدبن موسی براوستانی قمی و کمال ثابت قمی و غیر آنها به آن آستان قدس و دیگر اماکن مقدسه داشته‌اند [و] در احیای ارزشهای دینی و مذهبی سعی می‌نمودند و احترام خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به جای می‌آوردند. مسجد عتیق قم که بسیار بزرگ و با عظمت بوده، یکی از کارهای بزرگ امیر ابوالفضل عراقی می‌باشد که بیرون شهر قم آن را بنا کرده است.

نویسنده «گنجینه آثار قم»^۳ بر این باور است که مسجد عتیق در میدان زکریابن آدم می‌باشد که در آن زمان خارج شهر محسوب می‌شده و الآن جز دو مناره چیزی از آن باقی نمانده است. و نویسنده «تربت

۱. همان، ص ۱۹۴.

۲. رک: همان، ص ۵۸۸.

۳. رک: «گنجینه آثار قم» ج ۲، ص ۲۲۷.

پاکان» معتقد است که مسجد عتیق قم که امیر ابوالفضل عراقی بنا کرده، همان مسجد امام حسن عسکری علیه السلام می باشد.^۱ نظر دوم با توجه به شواهدی که در کتاب «تربت پاکان» آمده است، صحیح تر به نظر می رسد. تاریخ تولد و همچنین وفات امیر ابوالفضل عراقی معلوم نیست.

(۸)

امیر صدرالدین مظفر

وی در اوایل قرن هفتم (سال ۶۰۳ یا ۶۰۵ ه.ق. یا کمی پیش تر) بزرگ ترین استاد کاشی ساز آن عصر، محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسین کاشی قمی را خواست تا برای مرقد منور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بهترین کاشیها را تهیه کند و بسازد. استاد کاشی ساز نیز در مدت هشت سال این کاشیها را آماده نمود که در سال ۶۱۳ ه.ق. کار گذاشته شد.^۲ این کاشیهای گران قیمت و نفیس که از نوع زرفام است تا امروز بر روی مرقد مطهر و بدنه آن باقی می باشد.

اما امیر مظفر سر دودمان ملوک آل مظفر و از امیران دولت سلجوقی بوده و مردی با ایمان و نیکوکار و از خاندان بزرگ شیعه کاشان بوده است. او فرزند وزیر معین الدین ابونصر احمد دوم می باشد. ابو نصر احمد، وزیر طغرل سوم، آخرین پادشاه سلجوقی بوده که سلطان طغرل

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۲، ص ۱۱۰، پاورقی ش ۲ و ص ۱۱۹.

۲. ر.ک: «گنجینه آثار قم» ج ۱، صص ۴۱۶-۴۱۵؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۱.

در محرم ۵۹۰ یا ۵۹۳ ه. ق. وی را از وزارت عزل نمود و در این سال بود که طغرل سوم در ری با سلطان تکش جنگید و در این جنگ کشته شد و سرش را به بغداد فرستادند و به احتمال زیاد معین الدین احمد نیز در همین سال کشته و یا وفات کرده است.^۱ و همچنین در این جنگ بعد از استیلای تکش بر ری، سید عزالدین یحیی، مرد بزرگ شیعه، نقیب النقباء و نقیب سادات قم به شهادت رسید.

پدر امیر مظفر، معین الدین ابو نصر احمد دوم فرزند فخر الدین ابو طاهر اسماعیل (وزیر سلطان ارسلان بن طغرل) فرزند معین الدین ابو نصر احمد اول ملقب به مختص الملوک وزیر مشهور سلطان سنجر سلجوقی بوده و ابو نصر احمد اول فرزند عبدالله بن فضل بن محمود کاشی است که عبدالله بن فضل از زهاد و عباد وقت بوده و در کارهای حکومتی دخالتی نمی کرده و مناصب حکومتی را نمی پذیرفته است. اما مختص الملوک مردی باهوش و باتدبیر و زیرک و دارای مناصب حکومت بوده و آثار خیر زیادی را از خود به جای گذاشته است، از جمله: چند مدرسه و دارالشفاء در کاشان و ابهر و زنجان و غیر آن و رابطهای مختلف ساخته و اوقات زیادی داشته و همچنین مدارس مختلفی را تأسیس و بنیان گذاری نموده است. او بر اثر ضربات کارد دو نفر ملحد نفوذی به شهادت رسید.^۲

۱. ر. ک: «دیوان راوندی» سید ابی الرضا راوندی، با تعلیق: آرموی، صص ۲۳۰ - ۲۲۹ و همچنین راجع به جنگ تکش با طغرل به «تاریخ الخلفاء» جلال الدین سیوطی، ص ۴۴۸ و «تاریخ اصفهان و ری» حسن جابری، ص ۱۳۱ و «تاریخ طبرستان» محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب، صص ۱۶۱ - ۱۵۹.

۲. ر. ک: «دیوان راوندی» صص ۲۲۵ - ۲۲۱.

اما امیر مظفر دختری داشته به نام شرف خاتون که با مجدالدین محمد بن مجدالدین عبدالله از دیگر نوادگان معین الدین ابو نصر احمد مختص الملوک ازدواج نموده و در کاشان دارای نسل و ذریه بوده است.^۱ او نه تنها متولی و عامل و باعث تهیه و نصب کاشیهای نفیس مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام توسط استاد کاشی ساز عصر خویش در قم بوده، بلکه خدمات و کارهای مفید دیگری در آن آستان مقدس به انجام رسانده است؛ لکن اسم وی فقط به روی کاشیهای موجود به روی مرقد مانده است. توصیف کاشیهای مذکور در «تربت پاکان»^۲ و «گنجینه آثار قم»^۳ آمده است.

در بدنه مرقد مطهر بر کتیبه‌ای درشت به خط ثلث زیبا اسم امیر مظفر، و همچنین نویسنده و تاریخ آن نوشته شده و متن آن چنین است: «امر بترکیب هذه الكتابة العينية العبد الضعیف الفقیر المحتاج الی رحمة الله تعالى و غفرانه مظفر بن احمد بن اسمعیل ابن الوزير الشهید معین الدین احمد بن فضل بن محمود ابتغاءً لمرضاة الله تعالى و تقرباً الیه و الی رسوله محمد و آله الطاهرين صلوات الله علیه و علیهم اجمعین. اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات برحمتک یا ارحم الراحمین. کتبه ابو زید فی الثانی من رجب سنة ۶۰۲»^۴.

۱. رک: همان، ص ۲۲۵.

۲. رک: «تربت پاکان» ج ۱، صص ۴۶-۵۰.

۳. رک: «گنجینه آثار قم» ج ۱، صص ۴۶۹-۴۶۳.

۴. «تربت پاکان» ج ۱، ص ۴۷.

کاشیه‌های مرقد مطهر ساخته امیر مظفر کتیه‌های دیگری نیز دارد. علاقه‌مندان به منابع مذکور مراجعه نمایند.

(۹)

شاه بیگی بیگم

اسم اصلی او «تاجلو بیگم» دختر مهمادبیک بن حمزه بیک بکتاش موصولو است و همسر شاه اسماعیل، سر سلسله شاهان صفوی می‌باشد.^۱ این زن نیکوکار و متدین در سال ۹۲۵ ه. ق. بنای روضه مقدسه حضرت فاطمه علیها السلام را تجدید نمود و ایوان صحن عتیق (ایوان شمالی) را نیز همراه بقعه بنا کرد. بدنه و سقف داخلی حرم و روضه منوره ابتدا با کاشیه‌های نفیس معرق آراسته بوده است و همچنین روی گنبد هم با کاشیهایی پوشانده شده بود و از کاشیهای ظریف قرن دهم تنها مشبکهای گرداگرد بر جای مانده که نموداری از چگونگی تزیینات آن زمان می‌باشد.^۲

او املاک بسیاری که واقع در قم و سلطانیه بوده، به آستان قدس فاطمی در قم وقف نموده است و از آثار خیر او وقف قریه حسن آباد ورامین ری است که بر مدینه مشرفه وقف نموده و محصول آن به سادات مستحق می‌رسیده است و همچنین ساختن گنبد عالی موسوم به جنت سرا در کنار قبه صفویه در اردبیل^۳ و تعمیر پل دختر در نزدیکی

۱. ر. ک: همان، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲. ر. ک: همان، ج ۱، ص ۵۲ و ۲۲؛ «گنجینه آثار قم» ج ۱، ص ۴۱۶.

۳. ر. ک: «تربت پاکان» ج ۱، صص ۱۳۲ - ۱۳۱، به نقل از «خلاصه التواریخ» (بخش صفویه) برگ ۱۱۰.

میانه (آذربایجان شرقی) در سال ۹۳۳ از آثار این زن خیر می‌باشد.^۱

اما متن وقف‌نامه شاه بیگی بیگم، همسر شاه اسماعیل صفوی که در تاریخ ۱۰ صفر ۹۲۹ ه.ق. نوشته شده و بر طبق آن املاکی در قم و سلطانیه بر آستان قدس فاطمی واقع در بیرون دروازه ساوه قم وقف شده و تولیت شرعی آن به سید مرشدالدین رشیدالاسلام متولی شرعی آستانه مقدسه واگذار گردیده و این سند از لحاظ جغرافیای تاریخی نیز حایز اهمیت بوده و چند سطر اول آن از بین رفته است، عبارت است از: «... لا تأخذ سنة ولا نوم، تاهت الافکار فی مسالک حکمته، ثم الصلوة والسلام التامات... علی نبیه و حبیبه المرتقی بتوفیق الله تعالی علی مراقی النبوة والاهتداء، الصاعد بتأییده علی مصاعد الرسالة و الاجتباء، الذی نسخ بسطوة رسالته جمیع الملل و الادیان و ارتفع بسلطان نبوته آثار البغی و الطغیان و نزل فی کمال جلاله جواهر القرآن و اخبر عن نبذ من کثیر مناقبه الباهرة آیات الفرقان محمد قاضی محاکم الجود و صاحب اللواء الممدود، حاکم دیوان امضاء القضاء بحسب الانتظام، قاطع مهمات ارباب الحاجات بسواطع الاحکام و علی العالم بدقایق حقایق الاولین و الاخرین و الواقف بمستودعات خواطر ارباب الحق و یقین، الذی قواعد ارشاده تبصرة و ذکرى لارباب الامصار و نافع شرایع احکامه وسیلة و ذریعة لاصحاب الاستبصار، تحریر تنقیح کلماته المهذبة نهج البلاغة و مختلف مبیناته البلیغة نثر اللالی بین دوی الفصاحة علی الجامع لکنوز غرایب انوار المعارف و رموز عجایب

۱. ر.ک: «نظری به تاریخ آذربایجان» محمد جواد مشکور، صص ۴۰۳-۴۰۲.

ازهار العوارف، الذی رفع بجواهر بیانه بنیان اساس الولاية فی الغایة القصوى و رصص بسواطع بیانه مبانی الهدایة و التقی. و علی آله و اولاده المعصومین الهادین الی دارالسلام، المؤیدین من عند الله ذی المجد و الانعام، الفایقین علی الاولیاء الفخام، السابقین فی مضممار التقی علی اهل الاسلام، صلوة ممتدة الی قیام الساعة و ساعة القیام.

و بعد بر رأی رزین ارباب فهم و فراست و فکر متین اصحاب علم و کیاست مخفی نیست، بلکه مثل طلّیعه صبح صادق روشن و تابان و ماننده رخساره آفتاب جهان تاب رخشان و درخشان است که بهترین بندگان ملک دیان کسی است که چون به نظر کیمیا اثر ربانی منظور و به تأیید و توفیق سبحانی منضور گردد و پرتو اشعه اعطاف نامتناهی الهی بر صفحه صحیفه روزگار او ظاهر، و آثار انوار الطاف بی بدایت یزدانی بر وجنات ایام او باهر شود، اضاعت فرصت ننموده، شرایف اوقات و لطایف ساعات خود را به نشر مکرمات و اذاعت خیرات معطوف و نفایس اموال دنیوی را جهت اکتساب ثواب اخروی مصروف دارد، و اشتغال به چیزی و اقدام به امری کند که موجب حصول مطالب و وصول مآرب او گردد.

و چون علیا حضرت مخدومه عظمی بانوی کبری، ملکه ملکات عالم سرور مطهرات امم، منعمه محسنه مکثره مکرمه معظمه مطهره رفیعه جلیله حاکمه عادله سلطانه الخواتین المطهرات محرزة انواع السعادات و اصناف المکرمات، مشرفه سریر رفعت و حشمت علی الاطلاق مزینه اریکه سولت و سعادت بالاستحقاق، بانیه مبرات عظیمه

مؤسسهٔ اساس خیرات جسیمه، آثار طهارت و صلاح از خیام رفعتش تابان و انوار نظافت و فلاح از حجال عظمتش درخشان، عصمة الدنیا و الدین شاه بیگی بیگم بنت حضرت امارت مآب مکرمت ایاب، دولت قباب سعادت نصاب رفعت انتساب، افتخار اعظم امراء عجم اختیار افاحم حکام عالم، الواصل الی جوار رحمة الله امیر کمال الدولة و الامارة و الاقبال و الدین مهمادیک ابن حضرت امارت و سعادت دستگاه، مغفرت قباب رضوان مآب، عمدة امراء زمانه قدوة کبراء اوانه، المستریح الی جوار رحمة الله حمزه بیک بکتاش موصلو خلدت ایام عظمتها و عفتها و عصمتها و رفعتها.

موفق است به توفیقات بی‌نهایت و مساعد است به سعادات بی‌غایت و مهبط احسانات عظیمه و مورد انعامات جسیمه است و به نعم کثیره فایز و به انواع عطایا مخصوص است، خواست که ذکر جمیل و اجر جزیل و آثار خیرات و امارات مبرات بر جریدهٔ روزگار باقی ماند و موجب ارتقاء او بر مراقی درجات اخروی و اصعاد او بر مصاعد غرفات عقبوی گردد و سبب نیل او به ثواب بی‌حساب و خلاص او از الیم عقاب شود چنانچه حدیث صحیح حضرت رسول ثقلین و نبی خافقین افضل الخلائق و کاشف الحقایق - صلوات الله و سلامه علیه و آله الطاهرین - به تصحیح این معنی فصیح صریح است حیث قال: «انَّ ما يلحق المؤمن من حسناته بعد موته علم علمه و نشره او ولد صالح تركه او مسجد بناه او نهر اجراه او صدقة اخرجها من ماله في صحته و

حياته يلحقه بعد موته»^١. و ايضا قال صلى الله عليه و آله الطاهرين: «اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا عن ثلاث: صدقة جارية و علم ينفع به و ولد صالح يدعوه له بعد وفاته»^٢.

فوقفت عن اصدق نية و اخلص طوية و اصفأ عقيدة قربة الى الله تعالى و طلباً لمرضاته - في حالة تصح منها جميع التصرفات الشرعية و ساعة تنفذ من امثالها جملة التبرعات السمعية لاتصافها بصفات الكمال و انعاتها بنعوت الاستبداد و الاستقلال من العقل و البلوغ و الرشد و الدراية و الهداية و وجدان الطواعية و الاختيار و فقدان الكراهية و الاجبار - جميع الاملاك و المواضع التي انتقلت من الملاك بالحق الى عليا حضرتها بالانتقالات الشرعية و المبايعات السمعية و الان حقها و في تصرفها الشرعى بالملكية بلا مانع و منازع كما نطقت بذلك صكوك شرعية و مجالات سمعية مسجلة بسجلات قضاة المسلمين و ولات المؤمنين.

فمنها عشرون سهماً من اصل اربعة و عشرين سهماً (و السهم عبارة عن الزيوار باصطلاح اهالى تلك الديار) من جميع الباغ المدعو لنجرود الواقع فى ناحية «وازكرو» من اعمال مدينة المؤمنين قم المحدود باراضى قرية لنجرود و باراضى قرية خورهاباد و باراضى مزرعة جنداب آباد و بحافة نهر لنجرود. مع جميع قطعة الارض المشهور بارض سفيد الواقع

١. «كتر العمال» ج ١٥، ص ٩٥٢، ح ش ٤٣٦٥٧، باندى تفاوت در عبارات.

٢. «مستدرک الوسائل» ج ١٢، ص ٢٣٠. متن حديث در مستدرک: «اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا عن ثلاث: ولد صالح يدعوه له، و علم ينتفع به، و صدقة جارية».

تحت الاراضی المدعوة بجنداب المحدودة بطاحونة ورثة الرئيس مظفر و باراضی مزرعة جنداب و بالشارع و بباغ بزرگ.

و منها ثلث تام شایع من جميع المزرعة المدعوة شریک آباد من مزارع قریه قاسم آباد من قرى مدينة قم المحدود بمزرعة خرج آباد و باراضی مزرعة نجیب آباد المشهور بنخاک سفید و بمزرعة زعلآباد و بجبل دانیان و بالشارع و الیه الممر.

و منها ثلث و نصف سدس تام شایع من جميع المزرعة المدعوة حظیر آباد من مزارع قمرود من اعمال بلدة قم المحدود باراضی شریف آباد و باراضی مزرعة جمالان و بحافة نهر دارو پشته و باراضی مزرعة بیان آباد مع مثله من القنوات المتعلقة به.

و منها سدس تام کامل شایع من جميع القرية المشهورة و المدعوة بکوارود و لایکوار من قرى و ازکروود من اعمال مدينة قم المحدود کما قیل باراضی مزرعة فستجان و بصحارى عزیز آباد و کمال آباد و بدولاب لنجروود و بصحارى لنجروود، مع ثلثین تامين شایعین من جميع الطاحونة المدعوة بمیانین.

و منها ثلث تام شایع من المزرعة المدعوة خزانجرد من توابع و زاکروود من اعمال مدينة قم المحدود باراضی قاسم آباد و باراضی زعل آباد و باراضی علی آباد و محمد آباد و بحصار شمس آباد و بصحارى قرية سراجیه مع مثله من القنوات المتعلقة به. و مع نصف تام شایع من جميع الباغ المدعو بعین الزاد و من جميع الباغ المدعو بشیرزاد. و الباغان المذكوران مکرومان و داخلان فی المحدود المذكور.

و منها جميع الباغ المحاط عليه الواقع خارج مدينة قم المدعو بباغ میانرود المحدود باراضی قرية قلاور من الطرفين و بشارع نهر صفی آباد من الطرفين.

و منها جميع الباغ المدعو بباغ بیسه الواقع فی قرية کرمجگان من قرى مدينة قم المحدود بباغ چاله و بحافة نهر القرية المذكورة و بباغ محمد و بباغ شهاب و هذا الباغ مکروم و مشجر و مشتمل على اثني و عشرين مناً من القمح بوزن قم و جميع الباغ المدعو بباغچه الواقع فی القرية المذكورة المحدود بباغ بیسه^١ و بباغ شیخ محمد و میان ده و باراضی معروفة بدرخت میانین مع مجرى شربه من قنوات القرية المذكورة و الباغ المذكور مشتمل على... عشرة من القمح.

و منها نصف تام کامل شایع من جميع القرية المدعوة پرچون الواقع فی ناحية سجاسرود من اعمال بلدة سلطانية المحدود باراضی قرية دشیر و باراضی تپه تاق و جنبده... و برباط کائن هناك.

و منها نصف تام شایع من جميع القرية المدعوة دشیر الواقع فی الناحية المذكورة المحدود باراضی القرية المذكورة و باراضی داودتپه و کهرازک و بموضع يدعى «میل سربند».

بجميع توابع الاملاك المذكورة و المضافات و المنسوبات و المتعلقةات و الملحقات و الاراضی و الصحارى و الجبال و التلال و الوهاد و الانجاد و السواقی و المساقی و الابنية و العمارات و حق الشرب للمحال المذكورة من العيون و الانهار و القنوات، سيما حق الشرب

١. شاید هم باغ تپه یا پنبه.

لسدس قرية كوار المذكور و هو سدس من نهر كوار على الرسم القديم و القانون المستقر، و كافة الحقوق الشرعية و قاطبة الضمان المليه:

على مرقد الحضرة العلية العالية السامية الطاهرة الزكية الشريفة الطيبة البهية التي قد خصها الله سبحانه و تعالى بالذات المنورة القدسية و الملكات المعبرة القدوسية، اللامعة من سرادقات عزتها لوامع الهداية و الصلاح، الطالعة عما وراء استار عظمتها انوار العصمة و الفلاح، الطائرة على اوج سماء السعادة بجناح النجاح القائمة بعرايض الطاعات فى الغدو و الرواح، و جعل باب مشهدها الشريف قبلة لمرادات ارباب الاكناف و صير فناء مضجعها المنيف كعبة مطالب الاكابر و الاشراف و وجه الى سدته السنية اعظم الاطراف و دلّ الى تقبيل عتبته الرفيعة اصحاب المجد و العفاف، وفقّ خلّص العباد للاحرام الى زيارة حرمها و ايدهم بحسن التأييد ليحوموا حول مرقدها، سمية سيدة نساء العالمين، شرف الفاطميات الطاهرات بنص الائمة الطاهرين، التى قال فى حقها اخوها حضرة امام الجن و الانس ابو الحسن على بن موسى الرضا عليه و آبائه افضل الصلوة و التحية و الثناء: «من زار اختى فاطمة بقم و جبت له الجنة» ستى فاطمة على آبائها و عليها الصلوة و السلام و التحية و الاكرام، الواقع هذا المرقد المنور المتبرك خارج درب ساوه من دروب بلدة المؤمنين قم من بلاد عراق العجم المستغنى عن التحديد و التوصيف لغاية الشهرة و نهاية المعرفة فى محلها.

وقفاً صحيحاً شرعياً مؤبداً مخلداً دائماً سرمداً بتاً بتاتاً باقياً بقاء

السموات و الارض و العرش جامعاً لجميع الشرائط و الاركان عارياً عن
المفسدات و البطلان حالياً بما يوجب الدوام خالياً عن الانقطاع و
الانصرام جاريّاً على حكم الاسلام و اردأً على منهج شريعة خير الانام
محمد عليه افضل التحية و اكمل السلام من الله الملك العلى العلام.
رجاء ان يوصل ثوابه الى روح اختها الاعيانية و هى الخاتون المعظمة
المكرمة المكبرة المفخمة الجليلة الموقرة الحسبية النسبية، تاج النساء
و الخواتين ملكة ملكات العالمين، ذات السعادات بين المسلمين،
السعيدة المرحومة المبرورة المدعوة بيكسى خانم فبمقتضى ذلك
لاتباع الموقوفات كلها و لا بعضها و لا يوهب و لا يرهن و لا يملك
بوجه ملك و لا يتلف بوجه تلف و لا ينقص بوجه نقص بل يكون قائماً
على اصله محفوظاً على محله مقروناً بشرايطه الى ان يرث الله الارض
و من عليها و هو خير الوارثين.

و شرطت الواقفة الواقفة على ما اعد الله لها فى المواقف التولية فى
الموقوفات المذكورة لعاليجناب المولى المرتضى الاعظم المجتبى
الاکرم الاقدم الافخم، افتخار العترة الطاهرة قرّة عيون ارباب السيادة،
مركز دايرة السعادة و الاعتلا محيط نقطة المكرمة و الاجتبا، لا محمودة
الا و هو بها فايز و لا مكرمة الا و هو عليها حايز، المستعين بعناية الله
الملك العلام السيد مرشد الملة و السيادة و النقابة و السعادة و التقوى و
الدين رشيد الاسلام بن عاليجناب المولى المجتبى الاكرم الاتقى الاورع
الافخم افتخار السادات بين الامم اختيار ارباب السادات فى العجم
السيد شمس الملة و السيادة و النقابة و الدين محمد ابن عاليجناب

المولى المقتدى الاعظم الاسبق الاكرم، ولاج رتاج العز و الكرم رائب امارات النقابة فى العجم، ناصب اعلام السيادة بين الامم عمدة ارباب العز و النعم اسوة اصحاب المجد و الكرم، السعيد الحميد المبرور المغفور، المستريح الى جوار رحمة الله الملك المعين الصمد السيد زين الملة و السيادة و النقابة و التقوى و الورع و الدنيا و الدين سلطان احمد الرضوى النقيب ابد الله تعالى ظلال سيادته و نقابته، بلا شرك و مداخلة سهيم و بعده لاكفى و ارشد و اصلح اولاده الذكور ثم لارشد و اكفى و اصلح و ازكى اولاد اولاده الذكور نسلاً بعد نسل و عقباً بعد عقب، و ان انقرضت الذكور من الاولاد المذكورين يكون التولية لبناته ثم لبنات بناته، الاكفى فالاكفى و الارشد فالارشد و الاصلح فالاصلح نسلاً بعد نسل و عقباً بعد عقب، و ان انقرضت الاولاد بالكلية يكون التولية لوالى الوقف فى هذا الزمان. و يكون عشر محاصيل الموقوفات من الكل للمتولى.

و شرطت ايضاً ان يصرف المتولى من محصولاتها بعمارة المرقد المنور المعطر المذكور و بعمارة رقباتها الموقوفة عليها و بما تحتاج اليه من اضاءه السرج و اعادة الفرش و الاوانى و غير ذلك، و ما فضل عن ذلك يصرف الى ساير المصالح و المصارف فى المشهد المقدس كما يراه و يستصوبه المتولى بحسب الشرع الشريف.

فلا يحل لسلطان و لا لقاض و لا حاكم و لا وارث و لا وزير و لا امير و لا نايب و لا لاحد يؤمن بالله و اليوم الاخر تغيير هذا الوقف و لا تبديله و لا نسخه و لا نقضه و لا تغيير متولىه و لا ازالة شىء من شروطه

ولا التصرف فی شیء من اوقافه او فی حاصله بغير شرط الواقف، فمن فعل شیئاً من ذلك فقد باء بغضب من الله و سخطه و مقته و علیه لعنه الله و الملائكة و الناس اجمعین، لا یقبل منه صرف و لا عدل، و اما من قام بشروط الواقف و لم يتجاوز شیئاً من مقرراته فالله تعالى معاونه فی جمیع اموره و مجازیه و یغفر له و یکافیه، یختتم له بالخیر و الحسنی و رزقه فی الدنیا و العقبی ما یشتهیه و یتمنی، ان الله لا یضیع اجر من احسن عملاً. و ذلك بعد ان رجعت الواقفة المومی الیها عن یمکنها الرجوع منه بموجب الشرع المقدس رجوعاً شرعياً.

ثم بعد جریان الوقف المشروح المذكور ازلت یدها عن التصرف فی الموقوفات المذكورة و تمكنت و تسلطت المتولی المشار الیه فی التصرف فی الموقوفات بالوقفية علی الشروط المذكورة و القيود المزبورة تمکیناً و تسلیطاً شرعیین. وغب رعاية المقدمات الشرعية و المنمیات الملیة اتصل بصحة مضمون الكتاب الصواب هذا و مشروعیة الخطاب المستطاب ذا الاحکام الشرعیة لاحکام المسلمین و قضاء المؤمنین ابد الله تعالى ظلال شرایعهم و معالیهم و افاداتهم الی يوم القیام و الدین.

و حرر ذلك فی العاشر من شهر صفر ختم باخیر و الظفر لسنة تسع و عشرين و تسعمائة هجرية نبویه. الحمد لله رب العالمین و الختم بالصلوة علی خاتم النبیین محمد و آله الطاهرین المنتجبین».^۱

شاه بیگم خواهری داشته با نام «بیکس خانم» که در این وقف نامه و

۱. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۱۴۱-۱۳۳.

در سند شماره ۵۷ در جلد اول «تربت پاکان» در فهرست رقبات موقوفه و مسلمیات و سیور غالات آستانه مقدسه قم از مسلمیات «زاویه بیکس خانم» یاد شده است. و سنگ قبر یکی دیگر از افراد این خاندان با نام «آقا شاه خاتون دختر حمزه بیک» عمه شاه بیگم در تعمیرات مقبره شاه عباس دوم از زیر خاک بیرون آمده است.^۱

شاه بیگم در سال ۹۴۶ ه. ق. به دستور شاه طهماسب از تبریز به شیراز تبعید شد. و بر کجاوه‌ای که بر شتر بسته بودند، وی را بر آن نشاندند و راهی آن دیار کردند و بعد از مدت کوتاهی در همانجا درگذشت و در مزار بی‌بی دختران به خاک سپرده شد.^۲

در «گنجینه آثار قم» نوشته است که شاه بیگم، خواهر شاه طهماسب در جوار سنی فاطمه علیها السلام دفن شده، و این اشتباه است. ناگفته نماند که شاه بیگم بچه‌ای نداشته و نامادری شاه طهماسب بوده است.

(۱۰)

شاه طهماسب صفوی

وی فرزند شاه اسماعیل صفوی، دومین پادشاه سلسله صفویه در قرن دهم هجری قمری می‌باشد. وی همچون دیگر شاهان صفوی نسبت به مشاهد و اماکن منسوب به خاندان اهل بیت پیامبر اکرم صلی

۱. ر. ک: همان، صص ۱۳۳-۱۳۲.

۲. ر. ک: همان، ص ۱۳۱؛ «فارسنامه ناصری» حسن حسینی فسایی، تصحیح: منصور رستگار فسایی، ج ۱، صص ۱۰۸-۱۰۷. جهت اطلاعات بیشتر راجع به شرح حال تاجلو بیگم به «تاریخ عالم آرای صفوی» نوشته یدالله شکری مراجعه فرمایید.

الله علیه و آله در جهت آبادانی، رونق، تجدید بنا و تعمیر این مشاهد مقدس توجه شایانی نمود و به ویژه به مزارات واقع در شهر قم و از همه بیشتر آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام توجه زیادی کرد و موقوفاتی برای آن قرار داد و در رونق و تعمیر و تجدید بناهای این آستان پاک تلاش و کوشش فراوانی نمود.

شاه طهماسب سفرهای زیادی به قم داشته و در این سفرها بیشتر اوقات خود را در ترویج و آبادانی و تعمیر و تجدید بنای اماکن مقدس صرف می کرده و به زیارت می پرداخته و مبالغ کلی از خزانه جهت عمارت و ترویج آن اماکن اختصاص می داده است. او هر سال چندین هزار تومان زر نقد از خزانه به آستانه مقدسه حضرت فاطمه علیها السلام می فرستاد و مبالغی نیز به سادات قم انعام می کرده و این برنامه را در مشهد مقدس نیز داشته است.^۱

بنای سر در شمالی صحن عتیق (ایوان جنوبی مدرسه فیضیه) را که راه ورودی حرم از آن طرف بوده و ایوانی با شکوه می باشد، به شاه طهماسب نسبت داده اند، در حالی که این بنا در زمان وی و با سعی و کوشش امیر شرف الدین اسحاق موسوی بنا شده است.

(۱۱)

امیر شرف الدین اسحاق تاج الشرف الموسوی

وی از امرا و سادات بزرگ و نقبای عصر شاه طهماسب صفوی در

۱. رک: «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۴-۲۲، به نقل از «خلاصة التواریخ».

قرن دهم بوده است. با سعی و تلاش وی سر در شمالی صحن عتیق (ایوان جنوبی مدرسه فیضیه) که قبلاً راه ورودی حرم مطهر از آن سو بوده و ایوانی با شکوه است، بنا شده است.

اگر چه در تمام منابع، این بنا را به شاه طهماسب نسبت داده‌اند، اما آنچه مدارک نشان می‌دهد این است که بنای مزبور را امیر شرف‌الدین اسحاق موسوی در زمان حکومت شاه طهماسب به انجام رسانده است. متن کتیبه بالای درگاه که به خط ثلث سفید در زمینه لاجوردی از کاشی معرق می‌باشد، چنین است:

«بسمه تیمناً بذكره - قد اتفق بناء هذه العمارة الشريفة والسدة السنية [و] العتبة العلية الفاطمية في زمان دولت سلطان اعظم السلاطين برهان اكارم الخواقين خلف الانبياء والمرسلين خليفة الائمة الطاهرين المعصومين مشيد مباني الشريعة المصطفوية مؤسس اساس الملة المرتضوية رافع الوية العدل والاحسان السلطان بن السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادر خان ايده الله تعالى بالنصر والتأييد و قرن سلطنته وشوكته بالخلود والتأييد، ولا زال الدهر مساعداً له في اقامة عماد الدين المتين والقدر موافقاً لما يرام في زمانه الشريف من اعلاء معالم الشرع المبين بمحمد وآله اجمعين بسعاية نقاوة اكابر السادات والنقبا الامير شرف الدين اسحق تاج الشرف الموسوى. فى سنة ٩٣٩هـ»^۱.

۱. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۷۷-۷۶.

(۱۲)

اعتمادالدوله قاضی جهان حسینی سیفی قزوینی

وی از بزرگان علما و سادات و در علم و زهد سرآمد زمان بوده است. او از سادات سیفی قزوینی و مردی نیکو کار و خیر اندیش و از شیعیان با اخلاص بوده و مدت پانزده سال وزیر شاه طهماسب صفوی، دومین پادشاه سلسله صفویه بوده است. از جمله کارهای نیک و خیری که وی بر جای گذاشت، دیواره کاشی است که بر گرد مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قم در سال ۹۵۰ ه. ق. بنا نهاد که توصیف آن خواهد آمد، و از کارهای دیگر او، اجرای نهر آب در کربلاست که ابونصر حسن پادشاه نزدیک ده هزار تومان صرف نموده و موفق نشده بود و قاضی جهان این نهر را اجرا کرد و موفق به این کار شد.^۱

خلاصه‌ای از زندگانی قاضی جهان

وی در بامداد پنجشنبه ۱۲ محرم سال ۸۸۸ ه. ق. در قزوین متولد شد. در «تذکره هفت اقلیم» راجع به وی آمده که او در هرات بوده و اشرار و افراد نمام نزد شاه طهماسب صفوی رفتند و گفتند که قاضی جهان نسبت به شاه استخفاف ورزیده است و لذا شاه مزبور ناراحت شد و حکم کرد که وی را مقید، به قزوین آورند. چون کسی شهادت بر علیه قاضی جهان نداد، شاه از خون وی درگذشت و در یک قلعه او را حبس نمود تا او را مرگ فرا رسید و بعد از این قضیه برادر بزرگ‌تر وی

۱. ر. ک: «تذکره هفت اقلیم» امین احمد رازی، ج ۲، ص ۱۳۲۷؛ «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۳ و ۵۲.

۵۰؛ «احسن التواریخ» حسن روملو، ص ۱۸۵ و ۳۷۳؛ «راهنمای قم» ص ۳۵.

که نامش ذکر نشده، به نجف اشرف گریخت.^۱

اگر مطالب فوق درست باشد، معلوم می‌شود که وزارت وی قبل از آن قضیه بوده است علاوه به نظر می‌رسد که آن مطالب درست نباشد و در «احسن التواریخ» روملو آمده که قاضی جهان وکیل از سادات قزوین در دولت شاه طهماسب وزیر بود که جامع اسباب قابلیت و استعداد بود و نظیر نداشت. او دارای شأنی رفیع و طبعی لطیف و خیر خواه و حلال مشکلات و راه‌گشای معضلات و دارای فضایی چون فطانت و کیاست و جودت فهم و حدت ذکا و روحی بلند بوده و در مباحث علمی نظر و نکته‌سنجی خاصی داشت وی از انشایی لطیف و خطی خوب برخوردار بود و در عبارت پردازی، ماهر و در تقریر مطالب با بهره‌جویی از بهترین عبارات و موجزترین بیان و استعاره کلمات لطافت کلام و بیانش آشکار بوده است؛ چنان‌که احکام مسوده او لازم‌الاطاعة بوده است. او عدالت‌پیشه و رعیت‌پرور و دارای خوف و خشیت الهی و دارای حسن سلوک بوده و با جمیع خلائق در کمال تواضع و فروتنی برخورد می‌نموده است.

در اوایل، قاضی جهان ملازم قاضی محمد کاشی (کاشانی) بود و بعد از آن در ایام وکالت میرزا شاه حسین به اتفاق خواجه جلال‌الدین محمد تبریزی، وزیر میرزا شاه حسین شد که مشترکاً وزارت را اداره می‌کردند. بعد از احراق خواجه جلال‌الدین محمد، منصب وزارت مستقلاً به قاضی جهان تفویض شد. او هنگام نزاع طایفه تکللو با

۱. ر.ک: «تذکره هفت اقلیم» ص ۱۰۸۲.

استاجلو که به قتال و جنگ انجامید، به گیلان افتاده و مدتهای مدید محبوس و مقید نزد مظفر سلطان پسر امیر حسامالدین بود و این به خاطر عداوت قدیمی بوده که با قاضی جهان داشته است و او را اهانت و آزار بسیار رساند و چون بین قاضی جهان و سلسله نوربخشیه خصومت دیرینه بود، مظفر سلطان که خود را مرید آن سلسله می دانست، از ناحیه آنها تحریک شده و بر اذیت و اهانت و آزار خود به قاضی جهان می افزود و چون مظفر سلطان مُرد، دیگر باره قاضی جهان از گیلان رهایی یافته، بیرون آمد و با کمک و مشارکت امیر سعدالدین عنایت الله خوزانی دوباره به منصب وزارت شاه طهماسب رسید و او پیوسته مورد کسر حرمت و اهانت نزد شاه قرار می گرفت تا اینکه دشمنیها تمام شد و او در منصب وزارت مستقل شده، مدت پانزده سال بر وفق اراده اوقات گذراند و وزارت نمود. در اواخر عمر که حدوداً هفتاد یا هشتاد ساله بود، ضعف پیری به او غالب و وزارت را مستقلاً نمی توانست اداره کند؛ لذا ترک مهمات دیوانی کرد و از منصب وزارت استعفا نمود و رخصت خواست تا در تنهایی به عبادت و دعا بپردازد. اگر چه بعدها از این کار خود پشیمان شد، اما دیگر پشیمانی به حال او سودی نکرد و به وزارت باز نگشت. از این رو، در قزوین رحل اقامت انداخت و در آنجا متوطن شد. به شاه طهماسب رساندند که قاضی جهان بعضی از قُرّای وقفی را مدت مدیدی است که به تصرف شخصی خود درآورده است. شاه دستور داد که با بدترین وجه آن محال را از تصرف وی درآورده و اجرة المثل گذشته را که تصرف نموده از او

بگیرند، قبل از اینکه این دستور به اجرا دربیاید، او خود را به نزد شاه رسانید و شاه به عجز و پیری و ضعف حال او و پریشانی احوال او دلش سوخته، او را چیزی نگفت و به رسم سیورغال مبلغی نیز به او داد و به او رخصت داد تا به قزوین بازگردد.

قاضی جهان در شامگاه جمعه ۱۷ ذوالحجّه سال ۹۶۰ ه. ق. یعنی ده سال بعد از بنای دیواره کاشی برگرد مرقد پاک حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در زنجان رود وفات کرد و او را در شاهزاده حسین دفن نمودند.^۱

اما توصیف دیواره کاشی که قاضی جهان اعتمادالدوله برگرد مرقد مطهر حضرت فاطمه علیها السلام بنا نهاده است، طبق توصیف «تربت پاکان» چنین است: «گرداگرد مرقد منور دیواره ای به بلندی دو متر، و درازا و پهنای تقریبی ۴/۸۰ × ۴/۴۰ متر قرار دارد که آن را اعتمادالدوله قاضی جهان حسینی در سال ۹۵۰ ه. ق. بنیاد نهاده و با کاشی معرق آراسته است. این دیواره اکنون با ضریح سیمین پوشیده است. زمینه کاشیهای مزبور لاجوردی و با نقش و نگار، و در قسمت بالای دیواره کتیبه ای است به ثلث سفید با پهنای تقریبی بیست سانتی متر و با این متن:

اللهم صل على النبي محمد المصطفى و صل على الامام على المرتضى و صل على سيدة النساء العالمين (کذا) و... [در این قسمت نام

۱. ر. ک: «احسن التواریخ» روملو، صص ۳۷۶-۳۷۳؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۳ باورقی ش ۴؛ «آثار الشيعة الامامية» عبدالعزيز جواهر الکلام، صص ۹۷-۹۶.

حسین علیهما السلام بوده که در پشت در طلا واقع شده] و صل علی
الامام زین العابدین و صل علی الامام الباقر محمد و صل علی الامام
الصادق جعفر و صل علی الامام کاظم موسی و صل علی الامام علی
الرضا و صل علی الامام محمد تقی و صل علی الامام علی النقی و صل
علی الامام العسکری و صل علی الامام التمام محمد المهدی الهادی
صاحب الزمان و خلیفه الرحمن القائم بالحق الداعی الی الصدق
المطلق صلوات الله علیه و علیهم.

اتفق عماره هذه الروضة المنورة المقدسة التي شرفتها سمية قرة
عين النبی فاطمة بنت مولانا و سیدنا ابی ابراهیم ابن جعفر بن محمد بن
علی بن الحسین اخوه الحسن بن علی بن ابی طالب و عمه محمد تقی و
علی النقی و الحسن الزکی و محمد المهدی صاحب العصر و الزمان و
خلیفة الرحمن [فی زمن] باسط مهاده الامن و الامان ماحی الکفر و
الطغیان ناشر العدل و الاحسان هادی الخلائق الی اشرف الادیان
السلطان ابن السلطان ابوالمظفر طهماسب بهادر خان خلد الله تعالی
ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه و ابد ظلال معدلته
علی مفارق المسلمین الی یوم الدین. کتبه علی الحسینی سنة ۹۵۰.

در هر یک از سه ضلع شمالی و جنوبی و شرقی دو چهار گوشه
مستطیل برای دیده شدن مرقد منور به جای گذارده شده و اکنون جز آن
در قسمت پایین پا (شرقی) به مقدار یک در برای ورود به داخل روضه
مقدس باز و مرقد شریف به درستی و کمال نمودار است.

در جانب راست این درگاه، در آغاز بدنه شرقی میان تزیینات نقش و

نگار، کاشی ترنجی ای است چهار گوشه که در میان آن این عبارات به ثلث دیده می‌شود:

امر ببناء هذا العمارة...

اعتماد الدولة القاهرة القاضي جهان الحسيني^۱.

(۱۳)

مرتضی قلیخان

مرتضی قلیخان، فرزند علیخان ملقب به صفی قلیخان، فرزند بهروز خان از رجال سلسله صفویه می‌باشد. او مدت زمانی در اصفهان در ملازمت شاه عباس ثانی بود و عمارات بسیاری، از جمله: عمارت عالیه را در آن شهر در زمان حکومت پدرش بنا نمود. از آثار او مرمت ایوان طلای آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام در قم می‌باشد.

شاه عباس ثانی به مساعدت مرتضی قلیخان به سلطنت رسید و پس از جلوس خود، وی را به لقب خانی که از القاب امیرالامرائی است، ملقب نمود.

بین مرتضی قلیخان و برادرش غیاث‌بیک کدورتی حاصل شد و او به قصد تنبیه برادرش غیاث‌بیک به طرف کاشان حرکت کرد. غیاث‌بیک از قم به استقبال وی آمد و اظهار اطاعت نمود، مرتضی قلیخان نیز وی را پذیرفت و عضو همراهان خود نمود؛ اما غیاث‌بیک مخفیانه برادر خود را مسموم کرد و هلاک نمود. شهباز خان پسر مرتضی قلیخان

۱. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۵۱-۵۰.

آشکار نمودن مطلب را مصلحت ندانست و جنازه پدرش را به قم آورد و در آنجا دفن نمود. از وی پانزده دختر و سه پسر بر جای ماند. اسامی پسران وی: شهباز خان، ایوب خان و شاهنواز بیک می باشد.^۱

(۱۴)

میر سید محمد مرعشی (شاه سلیمان دوم)

اسم وی محمد و ملقب به سلیمان میرزا بوده است. وی در سال ۱۱۲۸ ه. ق. موافق قوی نیل^۲ ترکی در دارالسلطنه اصفهان پا به عرصه وجود نهاد. پدرش میرزا محمد داود^۳ از سادات مرعشی مازندران و مادرش شهربانو بیگم دختر شاه سلیمان اول می باشد. مادر میرزا محمد داود نیز از نسل شاهان صفویه بوده است.

۱. ر. ک: «آثار الشيعة الامامية» عبدالعزيز جواهر الكلام، جزء چهارم، مترجم: علی جواهر الكلام،

صص ۲۰۹-۲۰۸؛ «راهنمای قم» ص ۳۶.

۲. قوی نیل: سال گوسفند (فرهنگ فارسی معین).

۳. نسب میرزا محمد داود بنابر نقل «مجمع التواریخ» محمد خلیل مرعشی صفوی چنین است: میرزا محمد داود بن میرزا عبدالله بن میرزا محمد شفیع (مستوفی کل موقوفات ممالک ایران) ابن میرزا رحمة الله بن میرزا ابوالحسن بن میرزا قوام الدین محمد بن میر عبدالقادر بن امیر قوام الدین محمد بن سید نظام الدین علی بن سید قوام الدین محمد بن تاج الدین حسن ابی محمد الامیر بن سید مرتضی خان (نواب والا والی مازندران و فیروزکوه) ابن (نواب والا سلطان با اقتدار ملک تاجدار) امیر سید علی بن امیر کمال الدین احمد بن امیر قوام الدین (المشهور بمیر بزرگ والی کل دار المرز و مازندران) ابن سید کمال الدین احمد بن سید عبدالله بن سید محمد بن سید ابی هاشم بن سید علی (نقیب طبرستان) ابن سید حسین بن سید علی بن سید حسن بن سید علی (المشهور بمرعشی) ابن سید عبدالله (ملقب به امیر العراقین و امیر العارفین) ابن سید محمد الاکبر بن سید حسن (المحدث) ابن سید حسین الاصغر ابن الامام المعصوم زین العابدین علی علیه الصلاة والسلام (مجمع التواریخ، ص ۹۱).

میر سید محمد، مقرنس قبه مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را تجدید و عمارت حرم را اصلاح و تعمیر کرد.^۱

میر سید محمد، در سن هفت سالگی بود که پدرش در اصفهان وفات کرد و او تحت تربیت مادر و دایی خود، یعنی سلطان حسین قرار گرفت. زمانی که افغانه به ایران حمله آوردند و اصفهان را محاصره نمودند، به حکم عنایت سلطان بافقی وی و دو دختر دیگر شاه طهماسب مخفیانه به یزد رفتند. بعد از رسیدن این خبر به شاه طهماسب، میر سید محمد و همراهان توسط محمد خان ترکستان اوغلی از یزد به قزوین و از آنجا به اردبیل برده شدند.^۲

وی در علوم فقه و حکمت متبحر و سرآمد و در علم هیئت و نجوم دانشمند بوده است و در مجالس و مباحثه‌های علمی شرکت می‌نموده و صاحب نظر بوده و در خط بسیار ماهر و در انشا زبردست بوده^۳ و چنان‌که گفته خواهد شد، مردی شجاع و با صلابت بوده است.

خدمات میر سید محمد مرعشی به قم و حرم مطهر و سعی در آبادانی

شهر و اخراج افغانه از قم

او در آبادانی شهر قم و حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام نقش بسیار مؤثری داشته است. وی سدّی بین رودخانه و حرم مطهر درست نمود؛ چرا که هر سال سیل باعث خرابیهایی در حرم می‌شده و ضرر به

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۶؛ «مجمع التواریخ» ص ۹۸.

۲. ر.ک: «مجمع التواریخ» صص ۹۳-۹۲.

۳. ر.ک: همان، ص ۱۴۶.

مردم نیز می‌رسانده است و مقرنس قبه مطهره را تجدید بنا نمود و عمارت حرم را ترمیم و تعمیر و در آبادانی آن کوشش بسیار نمود.

در مبارزه با افغانه و اُزبکها و اخراج آنان از قم و همچنین از ایران نقش اساسی داشت و با آنها به جنگ پرداخت و نقشه‌های آنها را که در مورد تصرف شهر قم بود، نقش بر آب ساخت و به طور کلی، سخت مخالف حضور افغانها در ایران بود و در این راستا، از هیچ کوششی دریغ نکرد که تفصیل آن خواهد آمد.

سید محمد مرعشی چون مدت‌ها تولیت آستان قدس رضوی را بر عهده داشت، به مراکز و اماکن مقدس دیگر، خصوصاً به آستان قدس فاطمی توجه خاصی داشت.

وی در تحصیل کمالات از هیچ فرصتی دریغ نمی‌کرد و با وجود مسافرتها و تردهای مختلف در اندک زمان، سرآمد اهل کمال شد و قزلباشیه و صوفیان صفویه به او عقیده‌مند شدند و لذا شاه طهماسب در باطن از این امر نگران و متوحش شد، ولی از عمه خود حساب می‌برد و رعایت ادب او را می‌نمود و اکراهی به میر محمد نمی‌توانست نشان دهد.^۱

بعد از فتح خراسان و شکست و اخراج افغانه از اصفهان، شاه، سید محمد و اهل حرم خود را به اصفهان طلبید و همشیره خود را به نکاح وی درآورد و سپس وی و اهل حرم را از راه سمنان و دامغان روانه مشهد مقدس و از آنجا روانه ساری و مازندران نمود و بعد از یک سال

توقف، از آنجا به سمنان و بعد به اصفهان فرستاد.^۱ خلاصه آنکه شاه نمی‌گذاشت وی در یک جا ماندگار شود و تدارکی و یا چاره و راهی برای تصاحب مسند شاهی بیندیشد.

نادر شاه نیز بعد از برگشتن از هندوستان، به طرف خراسان رفت و میر سید محمد را به نزد خود در مشهد طلبید تا صدارت کل ممالک ایران و تولیت آستان قدس رضوی را به او بدهد و به این بهانه وی را نزد خود نگه‌دارد. بعد از سه سال از این قضیه، مادرش وفات کرد و بنابر وصیت او جنازه مادرش را به آستان مقدس امام رضا علیه‌السلام برد و در آنجا دفن کرد. پس از آن، نادر شاه مدتی او را روانه داغستان کرد و بعدها او را طلبید و تولیت آستان قدس رضوی را به او تفویض نمود و او مدت هفت سال به امر تولیت مشغول بود. در این بین، به همراه سید حیدر، مجتهد آن زمان و عده‌ای از اعظام و علمای ایران برای شرکت در اجلاس علمای روم و اهل سنت و نصارا و یهود که جهت روشن شدن حقیقت مذهب جعفری و دین اسلام در نخجوان منعقد بود، روانه آن دیار شد که دو ماه و نیم این اجلاس و مباحثات به طول انجامید و بعد از اتمام به حضور نادر شاه رسید و مراتب آن اجلاس و مجمع بزرگ را به وی ابلاغ نمود و بعد دوباره به مشهد مقدس بازگشت.^۲

نادر شاه بعد از مراجعت از موصل و کرکوک به خراسان و دگرگونی

۱. همان.

۲. ر.ک: همان، صص ۹۵-۹۶.

ایران، محافظت قلعه مشهد مقدس را نیز به میر سید محمد مرعشی تفویض نمود و خود به سفرهای دیگر رفت و میر سید محمد هفت هزار نیروی افغانی را که نادر شاه جهت حفاظت از شهر به خدمت وی درآورده بود، از شهر بیرون کرد و قزلباشیان را جهت محافظت و صیانت از برج و باروی شهر تعیین نمود.^۱

بعد از قتل نادر شاه، نصرالله میرزا و امام قلی میرزا که در هفت فرسخی مشهد بودند، از میر سید محمد مرعشی اجازه دخول به شهر را درخواست نمودند و با تبانی نور محمد خان افغان و عطا خان اوزبک که هفتاد هزار نیرو داشتند، از به سلطنت رسیدن پسران نادر شاه جلوگیری کردند و چون به علی قلیخان قزلباشی، برادر زاده نادر شاه، حسن ظن داشتند، وی را به حفاظت از قلعه مشهد برگزیدند و او با سرعت تمام نزدیک شهر آمد که بنابر آیین متولیان آستان قدس رضوی از وی استقبال شد و او به تقبیل عتبه مبارکه رضویه سلام الله علیه مشرف گردید و بدین ترتیب، در همان روز وی را به تخت سلطنت ایران نشانند و علی قلیخان قزلباشی را به سلطان علی عادل شاه خطاب نمودند.^۲

وقتی که سلطان علی عادل شاه به جهت سرکوب برادر خود، ابراهیم میرزا عازم عراق و آذربایجان شد، جناب میر سید محمد مرعشی را همراه خود برد و ماندن وی را در مشهد مناسب و مصلحت

۱. ر.ک: همان، ۹۶.

۲. ر.ک: همان، صص ۹۷-۹۶.

ندید؛ لذا علاوه بر تولیت آستان قدس رضوی، صدارت خاصه و عامه کل ایران را به وی تفویض نمود و بعد از محاربه با ابراهیم شاه در تبریز و سفرهای متعدد، پنج هزار نفر را با میر سید محمد مرعشی همراه نمود و به قم فرستاد تا اینکه رودخانه قم را که هر سال باعث خرابی صحن مطهر و مقدس حضرت معصومه علیها السلام می‌گردید، سد کنند؛ لذا آنها وارد قم شدند و سدی بین رودخانه و حرم مطهر ساختند و با تولیت و دستور وی مقرنس‌کاری قبه مطهره تجدید بنا و عمارت حرم، تعمیر و اصلاح شد و ارگ و حصن و حصار قم ترمیم و مشغول حفاظت از شهر و تحقیق و تجویز محاسبات عمال عراق در قم گردید.^۱

بیش از دو ماه از ورود میر سید محمد با همراهانش به قم نگذشته بود که ابراهیم شاه نیز وارد قم شد و عادل شاه مکحول را با متعلقان حرم خود و جواهر خانه و خزانه و اسباب بیوتات پادشاهی و بنة امرا و لشکریان که متشکل از افغان و قزلباش و اوزبک بودند و توپخانه که بالغ بر چهل هزار نفر بودند، به میر سید محمد مرعشی سپرد و خود عازم خراسان جهت مقابله با شاهرخ میرزا شد؛ اما قزلباشها در منزل غار (آبادی سرخه) از بلوکات سمنان، به سبب اتحاد و تبانی وی با افغانها و اوزبکها بر علیه وی شورش نمودند و او را به همراه افغانها و اوزبکها به قم آوردند.^۲

در آن روزگار، سه گروه بر قم مسلط بودند و حکومت می‌کردند:

۱. ر.ک: همان، صص ۹۹-۹۷؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۶.

۲. ر.ک: همان، ص ۹۹.

افغانها، قزلباشها و اوزبکها. از همه خشن تر و جانی تر نسبت به مردم بی گناه و بی دفاع، افغانها بوده اند که با تباری و توافق اجباری یا اختیاری قزلباشها و اوزبکها در این شهر مقدس ماندگار شده بودند؛ اما قزلباشها چون دیدند که افغانها مخفیانه جنایات هولناکی انجام می دهند، آنها را از شهر بیرون کردند و البته این نبود، مگر به همت و کمک و شجاعت میر سید محمد مرعشی و مردم قم و اعتراضی که نسبت به این جنایات داشتند.

در آن ایام، الله یار خان افغان به علت مرضی که پیدا کرده بود، در قم ماندگار شده بود و نیروهای وی که با قزلباشها در جدال و دشمنی بودند، در اماکن خلوت از هر فرصتی استفاده می کردند و تعدادی از قزلباشها را می کشتند و در قتل و جنایت کوتاهی نمی کردند.

سلطان علی عادل شاه و سران دیگر، مثل: میر سید محمد مرعشی در تحقیق خود پیرامون جنایات واقع شده، پی بردند که کار افغانه است. چند بار به الله یار خان و شاهین خان افغان هشدار دادند، ولی آنها منکر شدند. باز چندی بعد، معلوم شد که جمعی از مردم بی گناه در اماکن مختلف به دست افغانها کشته شده اند؛ لذا حکم اخراج افغانها را صادر نمودند و عده ای را برای بیرون راندن آنها تعیین کردند و گفتند که هر کدام از افغانه بدون مقاومت و ضرر رساندن از شهر بیرون رفت، به او کاری نداشته باشید و کسانی که از بیرون رفتن ممانعت و مقاومت نمودند و باعث اذیت و آزار سکنه قم و مردم شدند، آنها را بکشید. و به سران افغان پیام دادند که قزلباشها از بودن افغانها در شهر راضی نیستند

و سپاه شما که متشکل از افغان و اوزبک می‌باشد، در تضرر و اذیت و قتل و غارت و جنایت کوتاهی نکرده‌اند، اگر می‌خواهید از طرف قزلباشها ضرری به شما نرسد، از شهر بیرون بروید و در خارج از شهر اردو بزنید. وقتی این خبر به الله‌یار خان رسید او به درستی جواب فرستاد که ما از جواهر خانه و خزانه و کارخانجات پادشاهی چگونه دست برداشته و بیرون رویم. سپس خود را برای جنگ آماده نمودند. در نتیجه، مردم و قزلباشها با آنها به جنگ و قتال برخاستند و آنها را متفرق و سرکوب نمودند که در این خصوص، میر سید محمد مرعشی نقش زیادی داشت. بدین ترتیب، الله‌یار خان و سران دیگر با تمام افراد خود از شهر قم رفتند و سران قزلباش حکم به استحکام سنگر و انضباط و آمادگی دادند تا اینکه اگر سپاه افغان و اوزبک که بیش از پنجاه هزار نفر بودند، حمله آورند، بتوانند آنها را دفع کنند.^۱

بعد از پنج روز سران افغانی و اوزبک، مثل: عطاخان، عظامراد خان اوزبک و شهداد خان و زله خان و آزاد خان افغان به همراه ابراهیم شاه وارد دو فرسخی قم شدند.

ابراهیم شاه یکی از اعظم افغان را با هدایایی نزد شاه عادل فرستاد و با پیامی مبنی بر اینکه قزلباشها از راه مخاصمت و عداوت با ما مخالفت نموده‌اند و چون افغانها و اوزبکها با عموی ما در کمال دوستی بودند، ما نیز همان شیوه را مراعات می‌نماییم و چنین صلاح می‌دانیم که نزد ما بیایید تا با هم جهت این اختلاف و انقلاب و آشوب علاجی بیابیم و با

هم سپاه و رعیت را اداره کنیم.

بعد از رسیدن این پیام عادل شاه سرداران قزلباش، اعم از ترکها و الوارها که پیرامون و در خدمت او بودند، مطلع نمود و شور و مشورت نمود و این پیام را در پاسخ فرستاد: بنابر اینکه بین قزلباش و افغان و اوزبک عناد و خصومت از سابق بوده و زوال دولت نادر شاه هم به همین علت بود و چون به کرات در اماکن خلوت آن قتلها و جنایات به دست آنها انجام شده، لذا مناسب و مصلحت است که سرداران افغان و اوزبک به جهت گفتگو و پیدا کردن راه حل به شهر بیایند و در این صورت، باعث اطمینان خاطر قزلباش می شود و قزلباش هم در خدمت شما خواهد بود و این در صورتی باید باشد که جمعیت افغان و اوزبک را برای قلع و قمع کردن احمد خان درانی که هرات و قندهار و نوریان را تصرف کرده است، فرستاده و روانه جنگ با آنها کنید و عادل شاه گفت که من اگر به آنجا بیایم، در دست افغانه بی اختیار خواهم شد و فایده ای مترتب بر آن نمی شود.^۱

معلوم است که افغانها می خواستند عادل شاه را به طرف خود بکشانند و قزلباش را متزلزل و متفرق کنند و در نتیجه، شهر را بدون مسؤول متصرف شوند و یا او را بکشند؛ اما چون دیدند که از این راه نتیجه ای عاید آنها نگردید، تصمیم گرفتند که با شمشیر وارد کارزار شوند. بنابراین، به قصد یورش و تسخیر شهر به دور شهر قم آمدند و جنگ بین آنها و قزلباش آغاز گردید.

۱. ر.ک: همان، صص ۱۰۱-۱۰۰.

سران قزلباش از جمله میر سید محمد حکم تشدید جنگ را صادر کردند و از ایلات اطراف، نیرو خواستند که حدود ده هزار نفر یکدفعه وارد شهر شدند و مجموعاً سواره و پیاده جنگی در قم به بیست هزار نفر رسید. بعد از شش روز جنگ با افغان و اوزبک، یک شب پنج هزار نیروی زبده جنگی را برداشتند و از طریق کوچه‌باغات به افغانها و اوزبکها شیخون زدند که بعد از این شیخون، آزاد خان افغان با بیست هزار نیرو از افغانها و اوزبکها جدا شد و به عادل شاه اظهار توسل نمود. عادل شاه نیز در جواب او دستور داد که از قوم افغان جدا شده، به سمت ساوه و قزوین روانه شود و به سرداران آن منطقه هم نوشت که با او مماشات و دوستی کنند تا بعد، تصمیمی درباره آنها گرفته شود.

مابقی سرداران افغانی و اوزبک نیز فرار کردند و به سمت قندهار حرکت نمودند. سپس ابراهیم شاه را به سلیم خان در قزوین تحویل دادند که در نتیجه، او را کشتند و نعش او را به مشهد بردند.^۱ بدین ترتیب، شهر قم و مردم آن از دست افغانه و اوزبکها خلاصی یافتند و راحت شدند.

سلطنت و تاج‌گذاری میر سید محمد مرعشی با نام و لقب شاه سلیمان دوم
وقتی که سید محمد مرعشی به مشهد مقدس به همراه خزائن و کارخانجات شاهی رفت، شاهرخ میرزا در پی کشتن او برآمد و به هر حيله‌ای متوسل شد تا وی را به قتل برساند، موفق نشد و امرای دولت شاهرخ میرزا چنین کاری را قبول ننمودند و با شاهرخ میرزا به جدل

پرداخته و او را در این کار سرزنش کرده و همگی به در دولخانه پادشاهی آمده و بهبود خان را که او مقید کرده بود، برداشته، متوجه سرای میر سید محمد شدند و چون این خبر به وی رسید، سپاه خود را آماده باش داد و بر سر کوچه‌ها و پشت بامها فرستاد تا مانع ورود امرای شاهرخ میرزا شوند. آنها شانزده نفر بودند و عریضه‌ای به میر سید محمد نوشتند که ما بی اسلحه و شمشیر اجازه ملاقات و ورود به سرایت را می‌خواهیم. او این اجازه را به آنها داد و آنها قصد شاهرخ را به عرض وی رساندند و آمادگی خود را جهت تبعیت و پشتیبانی از او برای سلطنت اعلام کردند و تمام سرداران و لشکریان که در خارج دولت‌سرا بودند، همه اعلان بیزاری از شاهرخ میرزا و طرفداری از میر سید محمد نمودند. آنها قصد قتل شاهرخ را نمودند، ولی میر سید محمد ممانعت نمود و دستور داد که از وی محافظت کنند.

بدین صورت، در سال ۱۱۶۳ ه. ق. روز بیستم محرم الحرام به مقرر سلطنت رفت و تاج‌گذاری نمود و خطبه به نام وی خواندند و سکه ضرب نمودند؛ اما جشنهای شاهی به بعد از محرم موکول گردید.^۱

میر سید محمد مرعشی (شاه سلیمان دوم) بر اثر ابتلا به مرض سل در سال ۱۱۷۷ ه. ق. در مشهد مقدس وفات کرد و در صحن پایین پای حضرت ثامن الائمه، علی بن موسی الرضا علیهما السلام در مقبره‌ای که پدرش برای خود تدارک دیده بود، مدفون گردید.^۲

۱. ر.ک: همان، صص ۱۲۱-۱۱۱.

۲. ر.ک: همان، ص ۱۴۵.

(۱۵)

فتحعلی شاه قاجار

نام اصلی وی بابا خان جهانبانی، فرزند حسینقلی خان قاجار قوآنلو و برادر زاده آقا محمد خان قاجار می‌باشد. فتحعلی شاه، دومین پادشاه سلسله قاجاریه، در دوران حکومت خویش نسبت به شهر قم و آستان قدس فاطمی خدمات زیادی نموده و در توسعه و رونق و آبادانی قم و آستانه مقدسه، چه در جهت تزیینات و چه مرافق و بیوتات نقش بسیار مؤثر و نمایانی داشته است و این پس از ویرانگری و چپاول و قتل و غارت افغانها و ابراهیم خان ابدالی و محاصره آقا محمد خان قاجار بوده است.

او نذر کرده بود که اگر به حکومت برسد، مالیات از قم نگیرد و شهر قم و حرم حضرت معصومه علیهاالسلام و اماکن متبرکه این شهر را آباد کند. به نذر اولی عمل نکرد و قم را به مادرش داد و تیول او کرد؛ اما به نذر دومی عمل نمود.

وی در اولین سال سلطنت خود حکم به تذهیب قبه منوره حضرت معصومه علیهاالسلام و آرایش گنبد مطهر با خشتهای طلا نمود و مبلغ یکصد هزار تومان زر نذر آستانه مقدسه کرده بود که آن را جهت افزودن مرافق و تجدید بنا و تزیین آستانه اختصاص داد^۱ و دستور ساختن درب طلا را نیز صادر کرد و بخشش زیادی به مساکین شهر نمود.

معماران و مهندسان آن عصر به دستور وی به تعمیر بقاع و مساجد

۱. رک: «تاریخ روضة الصفاء» میر محمد بن سید برهان‌الدین، ج ۱۰، ص ۹۱.

و آستانه مقدسه که به مرور زمان مندرس و منهدم شده بودند، پرداختند. تعمیر مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و تجدید بنای دارالشفاء و کاروانسرای وقفی آستانه مقدسه و حمام و بازار نیز از جمله کارهای فتحعلی شاه در قم می باشد.

در بهار سال ۱۲۱۵ ه. ق. دستور تذهیب قبه پاک و منور حضرت فاطمه معصومه را صادر کرد و مدرسه فیضیه را تجدید بنا نمود و سد محکم بر رودخانه بست و همچنین دو صحن کهنه^۱ (صحن عتیق فعلی) را به هم متصل و یکی نمود و در آبادانی این صحن تلاش بسیار کرد.

بنای دو درب زرین و مأذنه زرین صحن عتیق و تذهیب ایوان شمالی در صحن عتیق و آینه کاری ایوان بزرگ صحن نو [فعلی] در حرم مطهر و اصل بنای مسجد بالاسر و تزیین حرم از آثار فتحعلی شاه می باشد.

موقوفات زیادی را برای آستان مقدس قرار داد، از جمله: قریه تبرته از روستاهای ساروق اراک را به آستانه وقف نمود و همچنین روستای سر تو من از روستاهای فراهان را نیز وقف آستانه نمود.^۲

فتحعلی شاه حدود ۳۸ سال سلطنت کرد و در سال ۱۲۵۰ ه. ق. در سن ۶۶ سالگی در عمارت هفت دست اصفهان درگذشت که جنازه وی به قم آورده و در بقعه ای که قبلاً در زمان حیاتش برای خود آماده کرده بود، به خاک سپرده شد.^۳

۱. از عبارت استفاده می شود که صحن عتیق ابتدا دو قسمت بوده است و در زمان فتحعلی شاه به یک صحن تبدیل شده است.

۲. ر. ک: «تربت پاکان» صص ۳۱-۲۶ و جاهای دیگر.

۳. ر. ک: «شرح حال رجال ایران» مهدی بامداد، ج ۳، ص ۶۸.

(۱۶)

کیکاوس میرزا

وی پسر بیست و هشتم فتحعلی شاه قاجار می‌باشد. وی مدتها حکومت قم و کاشان را داشت و در قم متوقف و ساکن شده بود.^۱ او در زمان حکومت خود در قم، سقف گنبد مطهر حضرت معصومه علیها السلام را در سال ۱۲۱۵ ه. ق. مقرر نمود و سپس آن را آئینه کاری نمود و کتیبه‌ای گرداگرد گنبد نگاشت که تاریخ اتمام آن سال ۱۲۵۱ ه. ق. می‌باشد.^۲

او در ایام حکومت خود عمارت دیوانی جنب حرم حضرت معصومه علیها السلام را ساخت و آن را با تزیینات بسیار آراست و صورت فتحعلی شاه و یکصد و پنجاه نفر از اولاد و احفاد او را نقاشی کرد.^۳

(۱۷)

میرزا شفیع

میرزا شفیع حاکم و وزیر یزد بوده است. وی در سال ۱۲۷۳ ه. ق. توسط ناصرالدین شاه قاجار به منصب استیفا منصوب شد.^۴ میرزا شفیع در زمانی که حکومت یزد را در دست داشت، از آن شهر سنگهای مرمر برای آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام

۱. ر. ک: همان، ص ۱۷۹.

۲. ر. ک: «راهنمای قم» ص ۳۷؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۹ و ۵۲.

۳. ر. ک: «شرح حال رجال ایران» ج ۳، ص ۱۷۹.

۴. ر. ک: «تاریخ منتظم ناصری» اعتماد السلطنه، ج ۳، ص ۱۷۹۵.

فرستاد که رواق را با آن سنگها فرش نمودند و سنگهای قدیمی را در جای دیگر، یعنی ایوان طلا به کار بردند.^۱

(۱۸)

میرزا نصرالله فراهانی

میرزا نصرالله فراهانی در سال ۱۲۷۶ ه. ق. دو درب از خاتم را به آستان قدس فاطمی علیها السلام وقف نمود، یکی از آن دو درب را در ضلع جنوب غربی جایی که به مقبره شاه عباس باز می شود، نصب و دیگری را در ضلع غربی متصل به مسجد بالا سر نصب نمود.^۲

(۱۹)

محمد حسین خان شاهسون شهاب الملک

وی گلدسته های ایوان طلای آستانه حضرت معصومه علیها السلام را بنا نهاد و آن را با خشتهای کاشی ترتیب و تزیین داد.^۳ او حکمران قم بوده و مأذنه ها (گلدسته ها) را به سال ۱۲۸۵ ه. ق. بنا کرد.^۴ توصیف مأذنه ها در کتاب «تربت پاکان» این چنین است: «بر فراز ایوان طلا دو مأذنه استوانه ای رفیع به بلندی ۱۷/۴۰ (از

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۱۱۵ (از ابیاتی که بر لبه سنگها نوشته شده: آن را که شفیع از دل و جان است غلام...)؛ «راهنمای قم» ص ۳۷.

۲. ر.ک: «راهنمای قم» ص ۳۹؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۳۳.

۳. ر.ک: «راهنمای قم» ص ۳۷.

۴. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۶۸ و ۳۳.

سطح بام، و از کف صحن حدود $31/50$ و قطر $1/50$ قرار دارد. پوشش مآذنه‌ها کاشی گرهی به شکل مارپیچ است که در میان پیچها نامهای «الله» و «محمد» و «علی» به خط بنایی خوانده می‌شود. در قسمت بالای مآذنه‌ها مقرنسی لطیف در سه ردیف پرداخته‌اند که زیر آن گرداگرد کتیبه‌ای پهن به خط سفید مشتمل بر آیه «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی» (بر مآذنه غربی) «یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه»^۱ (بر مآذنه شرقی) و بالای آن تالارچه‌ای به بلندی دو متر و اندی بر دوازده ستون چوبی گرداگرد و ستونی سنگی در میان دیده می‌شود و پس از آن سقف و قبه و میله بالای مآذنه‌ها زران‌دود است.^۲

(۲۰)

عزت الدولة

وی خواهر ناصرالدین شاه قاجار می‌باشد و در سال ۱۲۹۳ ه. ق. دری از خاتم را به آستان قدس فاطمی تقدیم نمود که در ضلع شمال غربی رواق، متصل به مسجد زنانه نصب نمودند.^۳

(۲۱)

کامران میرزا نایب السلطنة

وی پسر سوم ناصرالدین شاه قاجار است. لقب او نایب السلطنة و

۱. احزاب، ۵۷.

۲. همان، صص ۶۸-۶۷.

۳. ر. ک: «راهنمای قم» ص ۳۹؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۳۳.

امیر کبیر است. او در سال ۱۲۷۲ ه. ق. متولد شد و در سال ۱۲۸۳ ه. ق. در سن سیزده سالگی ملقب به امیرکبیر گردید و شانزده سال وزارت جنگ را بر عهده داشت. وی در سال ۱۲۹۳ ه. ق. حکومت قم، ساوه، زرنند و کاشان را داشته و همچنین حکومت تهران و چند حکومت و ایالت دیگر ایران سالها زیر نظر وی بوده است.^۱

او زمانی که حکومت قم را در اختیار داشت، قبه دو مأذنه ایوان طلا را تذهیب نمود. تاریخ تذهیب آن سال ۱۳۰۱ ه. ق. نوشته شده است.^۲ حکمی از وی در واگذاری منصب نظارت مقبره محمد شاه به سید حسین سرکشیک موجود است که این حکم خطاب به آقا محمد کریم مباشر و رئیس مقبره محمد شاه می باشد و در رجب ۱۲۹۷ ه. ق. صادر شده است.^۳

کامران میرزا که به مرض نفرس گرفتار بود، در سال ۱۳۰۷ ه. ش. در سن هفتاد و پنج سالگی در تهران درگذشت و در مقبره پدرش، ناصرالدین شاه، در حرم حضرت عبدالعظیم شهر ری به خاک سپرده شد.^۴

(۲۲)

میرزا اسماعیل خان امین الملک

وی پسر سوم آقا ابراهیم امین الملک و برادر اعیانی میرزا علی

۱. ر. ک: «شرح حال رجال ایران» ج ۳، صص ۱۶۱ - ۱۴۹.

۲. ر. ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۳۳ و ۶۸.

۳. ر. ک: همان، ص ۳۰۵.

۴. ر. ک: «شرح حال رجال ایران» ج ۳، ص ۱۶۱.

اصغر خان امین الملک اتابک می‌باشد که در سال ۱۲۸۴ ه. ق. متولد شد. وی ابتدا دروس دین را تحصیل نمود و معمّم شد، ولی در حدود ۱۷ سالگی لباس روحانیت را کنار گذاشت و کلاهی شد و سپس برادرش میرزا علی اصغر خان به او لقب «امین الملک» را داد و او را به ریاست خزانه انتخاب نمود. بعد گمرکات و کلیه مالیه و فلات ایران به او محول شد و در سال ۱۳۰۳ ه. ق. در سن ۲۰ سالگی به عضویت دارالشورای کبری انتخاب شد و در بسیاری از کارها نایب کل میرزا علی اصغر خان بود.^۱

میرزا اسماعیل امین الملک در سال ۱۳۰۵ ه. ق. ازارة حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام را با سنگ مرمر پوشانید.^۲ او در پنج شنبه ۱۶ ذی حجه سال ۱۳۱۶ ه. ق. در تهران در سن ۳۳ سالگی بر اثر بیماری در گذشت و در قم، در مقبره اختصاصی خانوادگی در حرم حضرت معصومه علیها السلام دفن گردید.^۳

(۲۳)

حسینقلی خان مافی نظام السلطنة

حسین قلی خان مافی، فرزند شریف خان قزوینی که ابتدا لقبش سعدالملک و بعد ملقب به نظام السلطنة شد، از حکمرانان عصر قاجار بوده است. وی مردی ادیب، خوش خط، شاعر، و زرنگ و

۱. ر.ک: همان، ج ۱، صص ۱۲۷-۱۲۹.

۲. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۳۳.

۳. ر.ک: «شرح حال رجال ایران» ج ۱، ص ۱۲۷.

موقع‌شناسی بوده که در سال ۱۲۴۸ ه.ق. متولد شده است. او مدتها والی فارس، بوشهر و ولایات و شهرهای بزرگ در آن زمان بود. و هنگامی که ناصرالدین شاه به قم مسافرت نمود، همراه و ملتزم شاه بود و در همین سال (۱۳۰۵ ه.ق.) به حکومت خوزستان و بختیاری و چهارمحال اصفهان منصوب شد.^۱ تفصیل سرگذشت و زندگینامه وی در کتب تاریخی و رجال موجود است.

وی در سال ۱۳۱۰ ه.ق. درب نقره‌ای را به آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام تقدیم کرد، و در سال ۱۳۱۴ ه.ق. نیز دربی دیگر از نقره به حرم مقدس تقدیم نمود^۲ که این درها را در ضلع غربی حرم نصب نمودند.

(۲۴) (۲۵)

آقا ابراهیم امین‌السلطان و فرزندش

میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان اتابک

آقا ابراهیم امین‌السلطان، فرزند زال ارمنی از اهالی سلماس بود. امیر سلیمان خان اعتضادالدوله (جد خانواده امیر سلیمانی) زال را در زمره غلامان خود قرار داد و او را مسلمان کرد و زنی مسلمان به تزویج او در آورد که در نتیجه آن آقا ابراهیم متولد شد. مدتی در زمان کودکی شاگرد کفش دوز بود.

۱. ر.ک: همان، صص ۴۵۶-۴۴۸.

۲. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۳۳؛ «راهنمای قم» ص ۳۹.

سالیانی بعد به دربار راه یافت و ملقب به امین السلطان شد و در سال ۱۲۸۸ ه. ق. به سمت صاحب جمعی دربار منصوب شد و به تدریج ادارات و وزارتخانه‌ها زیر نظر وی قرار گرفت، مانند: صندوقخانه، شترخانه، انبار غله مرکزی، ضرابخانه، ساختمانها، باغات، قنوات، وزارت گمرک و خزانه و خلاصه هر اداره و وزارتخانه‌ای که پر سود و درآمد بود، در اختیار وی قرار گرفت.^۱

آقا ابراهیم امین السلطان شالوده صحن جدید (بزرگ) را ریخت و دست به بنای این صحن زد و قبرستان را تا حدود صحن فعلی از هر طرف پی برداری نمود؛^۲ اما قبل از به پایان رساندن این کار، در سال ۱۳۰۰ ه. ق. در ماه رمضان در قریه داورزن درگذشت و در حرم امام رضا علیه السلام در قسمتی که به نام دار السعادة است، دفن شد.^۳

کار ناتمام آقا ابراهیم را فرزندش میرزا علی اصغر خان امین السلطان اتابک ادامه داد که ایوان آئینه و گلدسته‌های آن و حجرات و همچنین ایوان شرقی آن صحن که رو به روی ایوان آئینه قرار دارد، از بناهای میرزا علی اصغر خان اتابک می‌باشد.

ایوان آئینه از بناهای باشکوه و کم نظیر تاریخی است که سقف آن مقرنس و آراسته شده با قطعه‌های آئینه بزرگ و کوچک می‌باشد و گلدسته‌های آن نیز کاشی‌کاری و باشکوه می‌باشد. طرح و نقشه این

۱. ر.ک: «شرح حال رجال ایران» ج ۱، صص ۷-۲.

۲. ر.ک: «راهنمای قم» ص ۳۸؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۳۲؛ «نشریه آستانه قم» سال ۱۳۱۷ ه. ش.، صص ۴۰-۳۷.

۳. ر.ک: «شرح حال رجال ایران» ج ۱، ص ۷.

صحن توسط استاد حسن معمار قمی از معماران مشهور آن عصر می‌باشد.^۱

میرزا علی اصغر خان علاوه بر بنای صحن بزرگ و ایوانهای آن، دو بنای دیگر نیز در قم دارد که در دوران برکناری اش، وقتی که در قم اقامت داشته است، بنا نموده است، از جمله یکی: بنای بقعه شاهزاده حمزه است که اصل بنای آن در نیمه نخستین قرن دهم ساخته شده و سبک بنای آن مثل بنای حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام اما کوچک‌تر و کوتاه‌تر از آن می‌باشد.^۲

توصیف این بقعه در «تربت پاکان» و «گنجینه آثار قم» آمده است. و دیگری بنای بقعه شاهزاده احمد بن قاسم از نوادگان امام هفتم در نزدیکی دروازه جنوبی قم (دروازه قلعه) می‌باشد که بنابر کتیبه بالای درگاه ورودی آن، بنایش در سال ۱۳۱۷ ه. ق. به دستور میرزا علی اصغر خان امین السلطان و با مباشرت عزیزخان و اهتمام علی اکبر انجام پذیرفته است.^۳

میرزا علی اصغر خان که یکی از هفت پسر ابراهیم امین السلطان می‌باشد، با القاب امین الملک، امین السلطان، اتابک اعظم و صاحب جمع، صدر اعظم سه تن از شاهان عهد قاجار، یعنی ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه و محمد علی شاه بوده است.

۱. ر.ک: «راهنمای قم» ص ۳۸؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۹۵ و ۳۲.

۲. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۲، ص ۸۸.

۳. ر.ک: همان، ص ۹۰.

وی که در سال ۱۲۷۵ ه. ق. متولد شد، پس از مرگ پدر در سال ۱۳۰۰ ه. ق. عهده‌دار تمامی مشاغل و سمتهای پدر از طرف ناصرالدین شاه گردید.

میرزا علی اصغر خان خدمات شایسته‌ای نیز به انگلیسیها و روسها داشت که دو امتیاز مهم را به آنها بخشید.^۱

وی در سال ۱۳۱۴ ه. ق. به واسطه فشار انگلیسیها از صدارت معزول و به قم تبعید و مقیم شد و سپس توسط روسها دوباره به صدر اعظمی انتخاب شد.

میرزا علی اصغر خان، در سال ۱۳۲۵ ه. ق. روز شنبه ۲۱ رجب، شب، هنگامی که از مجلس شورای ملی خارج می‌شد، در سن ۵۰ سالگی به قتل رسید و در بقعه‌ای در صحن بزرگ (صحن نو) به خاک سپرده شد.^۲

۱. درباره سرگذشت وی، ر. ک: «شرح حال رجال ایران» ج ۲، صص ۴۲۵-۳۸۷.

۲. ر. ک: همان؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۹۵.

بخش دوم

شرح حال متولیان رسمی آستانه مقدسه قم

تا اواخر قرن دهم

فصل اوّل

توضیحی کوتاه دربارهٔ پیشینه و چگونگی تولیت این دسته از متولیان

آنها همگی از سادات رضوی قم می‌باشند و تمامی امور اوقاف آستانهٔ مقدسه و ادارهٔ آن را به طور مطلق عهده دار بودند. اسامی تعدادی از آنها از اوایل قرن نهم هجری قمری تا اواخر قرن دهم در دست می‌باشد.

از این متولیان به «متولی اوقاف مزار» یا «تولیت اوقاف روضه منوره» تعبیر شده و آنها مستقیماً با فرمان و حکم شاهان به این سمت منصوب می‌شدند. علاوه بر تولیت آستانه مقدسه، نقابت و تقدم سادات قم، تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام، تولیت مزار امام‌زاده علی بن امام محمد باقر علیه‌السلام در ارده‌ال، تولیت تمامی مزارات قم و نواحی، و نیز عزل و نصب خادمان، مشرفان و مجاوران آستانهٔ مقدسه و مسجد و مزار امام‌زاده علی در ارده‌ال و

تمامی مزارات قم به عهده متولی آستانه مقدسه بوده است و اگر در متن احکام، حکم به تولیت اوقاف مزار یا روضه منوره سنی فاطمه علیها السلام شده، به معنای تمامی مناصب فوق می باشد و حتی قطع و فصل معاملات شرعی و عرفی سادات نیز به او مفوض بوده است. پیشینه تولیت سادات رضوی به عصر مغول و به احتمال زیاد به قبل از آن، زمانی که آستانه مقدسه قم دارای اوقاف بوده، بر می گردد. قسمتی از متن احکام و فرامین تیمور و شاهرخ در ادامه ذکر شده است که از لحاظ بررسی تاریخی بسیار مفید می باشد.

فصل دوم
اسامی و شرح حال واحکام
و فرامین مربوط به تولیت سادات رضوی تا اواخر قرن دهم

(۲۶)

۱. سید فخرالدین نقیب رضوی

اولین کسی که نام او در تاریخ متولیان آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام معلوم است، سید فخرالدین نقیب رضوی می باشد؛ هر چند نام اصلی وی مشخص نیست و فخرالدین لقب اوست. وی در نیمه نخستین قرن نهم و اواسط این قرن تا سال ۸۶۷ ه. ق. مقام تولیت آستانه مقدسه و نقابت سادات قم را بر عهده داشته است و این از متن فرمان جهان شاه قرا قویونلو که تولیت آستانه حضرت معصومه علیها السلام را برای فرزندش سید نظام الدین سلطان احمد رضوی در سال ۸۶۷ ه. ق. تنفیذ نموده است، روشن می شود. و اینکه سید فخرالدین نقیب رضوی، پدر سید نظام الدین سلطان احمد بوده است، از سنگ قبر سید نظام الدین که در گلزار علی بن جعفر

علیه السلام می باشد، روشن می شود. متن آن چنین است:
 «هذا مدفن العلامة المرتضى المجتبى الاعظم الاكرم السيد النقيب
 نظام الدين سلطان احمد بن المرتضى النقيب المغفور السيد فخرالدين
 نقيب الرضوى»^۱

(۲۷)

۲. سید نظام الدین سلطان احمد نقیب رضوی

نام وی احمد و لقبش نظام الدین، فرزند سید فخرالدین نقیب
 رضوی می باشد. وی که مرد دانشمندی بوده، طی فرمانی از جهان شاه
 قراقویونلو از سال ۸۶۷ تا ۹۰۴ ه.ق. تولیت آستانه مقدسه و نقابت
 سادات و تولیت آستانه علی بن محمد الباقر علیه السلام در اردهال و
 تولیت و امامت و خطابت مسجد امام حسن عسکری علیه السلام را
 عهده دار بوده است.

متن فرمان:

«بالقدرة الكاملة الاحدية و القوة الشاملة الاحمدية^۲

ابوالمظفر جهان شاه بهادر سوزومیز^۳

بر مقتضی کلام ربانی و تنزیل سبحانی عزوجل حیث قال: «قل لا
 اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی»^۴ و فحوی حدیث سید رسل و هادی

۱. «تربت پاکان» ج ۱، ص ۱۹۹، به نقل از «تحفة الفاطمیین» ج ۱، ص ۲۶۲، نسخه اصل.

۲. در «سفرنامه قم» افضل الملک، الاحدیه آمده است.

۳. سوزومیر، لفظ ترکی است و به معنای فرمایش یا فرمان همایون می باشد.

۴. سورة شوری: ۴۲، آیه ۲۳.

سبل «ترکت فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی»^۱ تعظیم و اکرام و توقیر و احترام سادات عظام کی نور حدقه لولاک^۲ و نور حدیقه و ما ارسلناک^۳ آند، موجب فوز و نجات دارین و سبب رفع درجات منزلین تواند بود؛ خاصه نسبت با طائفه [ای] که صیت طهارت نسبت ایشان در اقطار و اکناف بل من القاف الی القاف^۴ چون نور خورشید عالمگیر و در بسیط غبرا^۵ ورد زبان صغیر و کبیر است، و صحت انتساب سادات رضوی با حضرت سید کونین و خواجه ثقلین محمد الامی العربی الهاشمی الابطحی - علیه من الصلوة افضلها و من التحية اکملها ما خطب عنادل الاخطاب علی رئوس منابر الاشجار و ضحک من بکاء السحاب مباسم الانوار و الازهار^۶ - از غایت ظهور و وضوح از شرح مستغنی است. هر آینه در اعلاء منزلت و ارتقاء مرتبت و اسعاف^۷ مطالب و انجاش مآرب^۸ این خانواده^۹ مبارک بر وجهی التفات باید نمود که شایسته دولت قاهره باشد و لله الحمد و المنة کی از ابتداء طلوع

۱. «بصائر الدرجات الکبری» ابو جعفر محمد بن الحسن بن فروخ، ص ۴۳۴؛ «کمال الدین و تمام النعمة» ص ۲۳۴؛ «المستدرک الحاکم» محمد بن محمد الحاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۰۹.

۲. اشاره به حدیث قدسی «لولاک لما خلقت الافلاک».

۳. اشاره به آیه شریفه «وما ارسلناک الا رحمة للعالمین» انبیاء، ۱۰۷.

۴. القاف الی القاف: سراسر جهان. «فرهنگ معین».

۵. بسیط غبرا: زمین «فرهنگ معین».

۶. برترین درودها و کاملترین تحیتها بر او باد، مادامی که برگهای خطبه خوان بر بالای منبرهای درختان می خوانند و شکوفه های آن از گریه ابرها می شکفند.

۷. اسعاف: برآوردن، رواکردن. «فرهنگ معین»

۸. انجا مآرب: برآوردن حاجت. «همان»

۹. اصل: خانه واده.

آفتاب جهانگشایی و ظهور تابشیر صبح فرمانروایی کی مفاتیح ابواب خیر و شر و مقالید امور نفع و ضربه قبضه اقتدار ما باز داده‌اند، دقایق اعزاز و احترام ایشان مهمل نگذاشته‌ایم و همت بر حصول مقاصدشان مصروف داشته.

مقصود از ترتیب این مقدمات و غرض از ترکیب چنین کلمات آن که چون سیادت مآب نقابت قباب، مرتضی اعظم اکرم، ملک السادة و النقا اعتضاد آل عبا، سلیل الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام، السید الامجد نظام الملة و الدین احمد ادام الله تعالی نقابت و سیادته احکام سلاطین ماضیه خصوصاً خاقان سعید شاهرخ میرزاکی به امضاء نشان سلطان مرحوم مبرور امیر تیمور گورکان (انار الله مرقدهما) نافذ شده - مشتمل بر این که از قدیم الایام الی یومنا هذا منصب نقابت و تقدم سادات و تولیت اوقاف روضه منوره و تربت مقدسه امامزاده معصومه بنت الامام، ستی^۱ فاطمة علیها و علی آبائها التحية و السلام به آباء عظام و اجداد کرام جناب مشار الیه بلا مداخلت و شراکت غیر مفوض بوده و هر یک از ایشان که بر مصدوق^۲ «کل شیء هالک الا وجهه»^۳ به جوار رحمت حق پیوسته‌اند، نوبت تقلد آن^۴ شغل عظیم الشأن^۵ به اولادشان بلا مشارکت منتهی شده - به عرض همایون رسانید و التماس

۱. ستی: مخفف سیدتی و به معنای سرور من می‌باشد.

۲. در «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» «مصادق» آمده است.

۳. سورة قصص: ۲۸، آیه ۸۸.

۴. در «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» «تقلدات» آمده است.

۵. در همان مدرک «عظیم ایشان» آمده است.

امضا کرد. چون استحقاق و استیصال جناب مومی الیه اظهر من الشمس و ابین من الامس است، ملتمس او مبذول داشته، به مقتضی ﴿ان الله يأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها﴾^۱ رجوع این امر خطیر بلا مشارکت غیری بدو تفویض فرمودیم و برو ارزانی داشتیم تا چنانچه از فرط و شرط پرهیزکاری او سزد به وظایف آن کما ینبغی قیام نموده، محصول موقوفات را به موجب شرع و شروط واقفین به مصرف وجوب رساند و رقبات^۲ را معمور داشته، در رواج و رونق آن بقعه عالی غایت اجتهاد به تقدیم رساند.

فرزندان کامکار نصرت شعار ابقاهم الله تعالی و امراء نامدار و وزراء رفیع مقدار و سادات و حکام و قضات و متصدیان اعمال و اکابر و اصول و صواب و صدور و سکان و وطان بلدة المؤمنین قم مع التوابع و اللواحق باید که مرتضی^۳ اعظم مشارالیه را متصدی مناصب مذکوره دانسته، شرایط اجلال و اکرام به جای آورند و در امری کی سبب انتظام و رونق روضه معطره مذکوره باشد، لوازم امداد^۴ مرعی دارند و از صواب دید او کی در باب رواج و ضبط امور و اعمال روضه منوره مذکوره گوید، بیرون نروند و عزل و نصب خادمان و مشرفان و

۱. سورة نساء: ۴، آیه ۵۸.

۲. رقبات: جمع رقبه به معنای غلام و از زمان صفویه به بعد، به معنی چند ده واقع در یک بلوک یا ناحیه و مخصوصاً ده‌هایی که مجموعاً یک واحد از املاک موقوفه را تشکیل می‌دهد، به کار رفته است. «فرهنگ معین»

۳. «مرتضی» لقب می‌باشد.

۴. در «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» «امر او» می‌باشد.

مجاوران مشهد معطره مذکوره به رأی او متعلق شناسند و در تحقیق انساب سادات کی به عهده اوست، معاونت و همراهی لازم دانسته، مجال حمایت هیچ آفریده ندهند و پرسش و قطع و فصل معاملات شرعی و عرفی سادات بدو مفوض شمرند. مرتضی مشار الیه نیز باید که در تعظیم سادات علی اختلاف مراتبهم به واجبی بکوشد و حصه هر یک را از نذورات و اوقاف به دستور سابق و شرط واقف بدهد و معاش به نوعی نماید که «یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم»^۱ مرضی و مشکور باشد. و چون حسب المسطور بدین مهمات اقدام نماید، حق النقابة و رسم التولية به دستور معیار سابق تصرف نماید و زیاده توقع نکند. و چون به توقیع اشرف موشح گردد، اعتماد کنند.^۲

تحریراً سابع عشرین^۳ جمادی الاولی فی سنة سبع و ستین و ثمانمائه^۴.

شایان ذکر است که فرامین دیگر مربوط به سید نظام الدین سلطان احمد در ذیل عنوان بعدی، یعنی سید کمال الدین عطاءالله مطرح می شود؛ زیرا سید نظام الدین و سید کمال الدین مدتی به طور مشترک مناصب تولیت و نقابت را عهده دار بوده اند.

۱. سورة شعراء: ۲۶، آیه ۸۸ و ۸۹.

۲. در «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» «کند» می باشد.

۳. در همان مدرک «عشر» آمده است.

۴. «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۵۶ - ۵۴؛ «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۰۶ -

۲۰۳؛ «مجموعه فرمانهای ترکمانان قراقریونلو و آق قویونلو» صص ۴۳ - ۳۸؛ «از سعدی تا جامی»

ادوارد برون، ترجمه علی اصغر حکمت، صص ۵۶۹ - ۵۶۸.

(۲۸)

۳. سید کمال الدین عطاءالله

وی گویا برادر سید نظام الدین سلطان احمد و فرزند سید فخرالدین نقیب رضوی باشد. او طی دو فرمان از ترکمانان یکی از طرف اوزون حسن آق قویونلو و دیگری یعقوب بیک آق قویونلو به مناصب تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام و آستانه مقدس امامزاده طاهر علی بن محمد الباقر علیه السلام در اردهال و همچنین تولیت و امامت و خطابت مسجد امام حسن عسکری علیه السلام، مشترکاً با برادرش سید نظام الدین سلطان احمد برگزیده شد.

فرمان اول که از اوزون حسن آق قویونلو می باشد، در مورخه شعبان ۸۷۴ ه. ق. فرمان دوم از یعقوب بیک آق قویونلو در مورخه ۱۵ رمضان سال ۸۸۴ ه. ق. صادر شده است.

متن فرمان اوزون حسن آق قویونلو:

«بسم الله الرحمن الرحيم

«اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم»^۱

التعظيم لامر الله و الشفقة على خلق الله

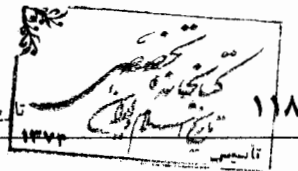
الحکم لله

ابو النصر حسن بهادر سیوز^۲ و میز

بر مقتضی کلام ربانی و تنزیل سبحانی عزوجل حیث قال: «قل لا

۱. سوره نساء: ۴؛ آیه ۵۹.

۲. در «فهرست نسخ خطی آستانه مقدسه قم» «سوز» می باشد.



تاریخ متولیان آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

اسئلكم عليه اجراً الا المودة فى القربى»^۱ و فحوى حديث سيد رسل و هادى سبل «تركتم فيكم الثقلين كتاب الله و عترتى»^۲ تعظيم و اكرام و توقير و احترام سادات عظام كى^۳ نور حدقه لولاك و نور حديقته و ما ارسلناك اند موجب فوز و نجات دارين^۴ و سبب رفع درجات منزلين^۵ تواند بود؛ خاصه نسبت با طایفه [اى] كه صيت طهارت نسبت ایشان در اقطار و اكفاف بل من القاف الى القاف چون نور خورشيد عالمگير و در بسيط غربا ورد زبان صغير و كبير است. و صحت انتساب سادات رضويه با حضرت سيد كونين و خواجه ثقلين محمد الامى العربى الهاشمى الابطحى - عليه من الصلوة افضلها و من التحيات اكملها ما خطب عنادل الا خطاب على رئوس منابر الاشجار و ضحك من بكاء السحاب مباسم^۶ الانوار و الازهار - از غایت ظهور و وضوح از شرح مستغنى است. هر آينه در اعلاء منزلت و ارتقاء مرتبت و اسعاف مطالب و انجاح مآرب اين خانواده^۷ مبارك بر وجهى التفات بايد نمود كه شايسته دولت قاهره باشد. و لله الحمد و المنة كى^۸ از ابتداء طلوع آفتاب جهانگشايى و

۱. سورة شورى: ۴۲، آیه ۲۳.

۲. بصائر الدرجات الكبرى، ص ۴۳۴؛ «كمال الدين و تمام النعمة» ص ۲۳۴؛ «المستدرک الحاکم» ج ۳، ص ۱۰۹.

۳. در «فهرست نسخ خطى كتابخانه آستانه مقدسه» كى با «كه» آمده كه هر دو يك معنا دارد.

۴. در همان مدرک «خيريت» مى باشد.

۵. در همان مدرک «منزلت» مى باشد.

۶. در همان مدرک «مناسم» مى باشد.

۷. اصل: خانه واده.

۸. در همان مدرک «له» مى باشد.

ظهور تباشیر صبح فرمانروایی که مفاتیح ابواب خیر و شر و مقالید امور نفع و ضرر به قبضه اقتدار ما باز داده‌اند، دقایق اعزاز و احترام ایشان مهمل نگذاشته‌ایم و همت بر حصول مقاصدشان مصروف داشته.

مقصود از ترتیب این مقدمات و غرض از ترکیب این کلمات آن که مرتضیان اعظمان، ملکی السادة و النقباء، اعتضادی آل عبا، سلیلی الامام علی بن موسی الرضا علیهما و علی آبائهما التحیه و الرضوان: «السید نظام الدین سلطان احمد» و «سید کمال الدین عطاء الله» ادام الله تعالی سیادت‌هما، احکام سلاطین ماضیه خصوصاً خاقان سعید شاهرخ میرزا^۱ کی به امضاء نشان سلطان مرحوم تیمور گورکان^۲ و پادشاه مزبور^۳ جهان شاه میرزا نافذ شده - مشتمل بر آن که از قدیم الایام الی یومنا هذا منصب نقابت و تقدم سادات و تولیت اوقاف مزار متبرک امامزاده

۱. شاهرخ میرزا چهارمین فرزند تیمور گورکانی در سال ۷۷۸ ه. ق. متولد و در سن بیست سالگی به فرمان پدر، حاکم کل خراسان شد و بعد از مرگ پدر در سن ۳۸ سالگی در سال ۸۰۷ ه. ق. به سلطنت رسید. او در زمان سلطنت خود مازندران، ماوراء النهر، اصفهان، فارس و آذربایجان را گرفت، خرابی‌های زمان پدر را آباد نمود و مردمی دانش‌پرور و عالم دوست بود. او در سال ۸۵۰ درگذشت. «تاریخ مفصل اسلام و ایران» عماد الدین حسین اصفهانی، صص ۹۲۹-۹۳۳.
۲. تیمور گورکان: پادشاه بزرگ مغول پسر امیر توغای در سال ۷۳۶ ه. ق. در ترکستان به دنیا آمد و پرورش یافت. او بین سالهای ۷۷۳ و ۷۸۱ ه. ق. چهار بار به خوارزم حمله کرد و آن را ویران ساخت، دشت قفچاق و مغولستان را فتح کرد و در سال ۷۵۰ ه. ق. مازندران را تسخیر نمود و سپس آذربایجان، لرستان، ارمنستان، گرجستان، شیروان و اصفهان را یکی پس از دیگری تسخیر نمود و از سرهای بریده مناره ساخت و بعد هندوستان را گرفت و با عثمانی‌ها نیز جنگید و قصد چین کرد که در بین راه مریض شد و در ۷۱ سالگی در سال ۸۰۷ ه. ق. درگذشت. «فرهنگ معین»
۳. در همان مدرک «مبور» می‌باشد.

معصومه سنی^۱ فاطمه و مزار متبرک امامزاده طاهر علی بن محمد الباقر علیهما التحیه و الغفران به آباء عظام و اجداد کرام مرتضیان مشار الیهما متعلق بوده و خطابت و تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری رضی الله عنه بدیشان تعلق گرفته و هر یک ازیشان که بر مصدوق ﴿کل شیء هالک الا وجهه﴾^۲ به جوار رحمت حق پیوسته اند، نوبت تقلدات آن^۳ شغل عظیم به اولادشان منتهی شده - به عرض همایون رسانیدند و التماس امضا کردند. چون استحقاق و استیصال مرتضیان مشار الیهما اظهر من الشمس و ابین من الامس^۴ است، ملتمس ایشان مبذول داشته، بر مقتضی ﴿ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها﴾^۵ رجوع آن امور^۶ خطیر بدیشان تفویض فرمودیم و بریشان مسلم داشتیم تا چنانچه از فرط و شرط پرهیزکاری ایشان سزد، به وظایف آن کما ینبغی قیام نموده، محصول موقوفات را به موجب شرع و شرط واقف به مصرف وجوب رسانند و رقبات را معمور داشته، در رواج و رونق مسجد و مشهدین منورین غایت اجتهاد به تقدیم رسانند.

سبیل^۷ فرزندان کامکار نصرت شعار و امراء نامدار و وزراء رفیع

۱. «سنی» مخفف «سیدتی» می باشد.

۲. سورة قصص: ۲۸، آیه ۸۸.

۳. در «فهرست نسخ خطی آستانه مقدسه قم» «این» می باشد.

۴. در همان مدرک «الامن» می باشد.

۵. سورة نساء: ۴، آیه ۵۸.

۶. در «فهرست نسخ خطی آستانه مقدسه قم» «این امر» می باشد.

۷. در همان مدرک «سبیل» می باشد.

مقدار و سادات و حکام و قضات و متصدیان اعمال و اکابر و اصول و صواحب و صدور و سکان و وطن بلده المؤمنین قم مع التوابع و اللواحق آن که مرتضیان مومی الیهما را متصدی مناصب^۱ مذکوره دانسته، شرایط اجلال و اکرام به جای آورند و در امری^۲ کی سبب انتظام و رونق روضتین منورتین و مسجد باشد، لوازم امداد مرعی دارند و از صواب دید ایشان تجاوز ننمایند و عزل و نصب خادمان و مشرفان و مجاوران مزارات و مشهدين منورین و مسجد به رأی ایشان متعلق شناسند و در تحقیق انساب سادات کی به عهده ایشان است، معاونت و همراهی لازم دانسته، مجال حمایت هیچ آفریده ندهند و پرسش و قطع و فصل معاملات شرعی و عرفی سادات بدیشان مفوض شمرند.

و به دستوری که در فرامین سلاطین مذکور مسطور است، از موقوفات مشهدين منورین و املاک و اسباب ایشان و سایر سادات رضویه و مجاوران مزارات مذکوره که در شهر و ولایت قم دارند - ارثاً و اکتساباً - مال و اخراجات و حقوق دیوانی نمی گرفتند و بریشان معاف و مسلم بوده و تا غایت استمرار یافته، به همان دستور معاف و مسلم و ترخان و مرفوع القلم دانند و تغییر و تبدیل به قواعد مستمره راه ندهند و کسی را در خانه های^۳ ایشان فرود نیاورند و چهارپایان ایشان و متعلقان ایشان را به الاغ نگیرند و مواشی و مراعی قطعاً نستانند

۱. در همان مدرک «منصب» آمده است.

۲. در همان مدرک «اموری» می باشد.

۳. در همان مدرک «خانه های» می باشد.

و برزیگران ایشان را بیگار و شکار نفرمایند و قبیچوریه^۱ نستانند و امیرانی نطلبند و احکام سابق ایشان را به امضا مقرون شمرده، در کل ابواب رعایت و مراقبت واجب دانسته، شرایط اعزاز و لوازم احترام به جای آورند. و هر ساله درین ابواب حکم و پروانچه مجدد نطلبند و چون به توقیع رفیع منیع موشح گردد، اعتماد نمایند.

تحریراً بالامر العالی^۲ اعلاه الله تعالی و خلد نفاذه^۳ فی ثانی عشر شعبان المعظم سنة اربع و سبعین و ثمانمائه.

رب اختم بالسعادة والحسنی [محل مهر و سجع] الواثق بالملك الرحمن حسن بن علی بن عثمان^۴.

در پشت فرمان نیز وزراء و مستوفیان مهرهایی زده‌اند.

اما فرمان یعقوب‌بیک آق قویونلو در تفویض نقابت سادات و تولیت موقوفات آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام و مزار امامزاده طاهر علی بن محمد الباقر علیهما السلام در مشهد اردهال و همچنین خطابت و تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری علیه السلام به طور مشترک به سید نظام‌الدین احمد نقیب رضوی و سید کمال‌الدین عطاءالله رضوی در سال ۸۸۴ ه. ق. صادر شده است.

۱. در همان مدرک «فجوریه» می‌باشد. قبیچور: به مالیات متعلق به مواشی و حیوانات در زمان ایلخانان قبیچور می‌گفتند. «فرهنگ معین»

۲. در همان مدرک «العال» می‌باشد که معنای همان «العالی» را دارد.

۳. در همان مدرک «بقانه» می‌باشد.

۴. «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۵۸ - ۵۶؛ «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۰۹ - ۲۰۶؛ «مجموعه فرمانهای ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو» صص ۶۷ - ۶۲.

متن فرمان چنین است:

«الحکم لله

ابوالمظفر یعقوب بهادر^۱ سوز و میز

فرزندان کامکار ابقاهم [الله تعالی] و امراء نامدار و صدور شریعت
شعار و وزراء رفیع مقدار و حکام و سادات و قضات و مشایخ و موالی
و اشراف و اهالی و اصول و اعیان و عمال و مباشران و کلانتران و
کدخدایان و معماران مدینه قم بدانند که درین وقت نشان حضرت
خاقانی فردوس مکانی بیک بابام (انار الله برهانه) به عز عرض رسید
مضمون آنک:

«بر مقتضی کلام ربانی و تنزیل سبحانی عزوجل حیث قال: ﴿قل لا
اسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی﴾^۲ و فحوی حدیث سید رسل و
هادی سبیل «ترکت فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی»^۳ تعظیم و اکرام و
توقیر و احترام سادات عظام که نور حدیقه لولاک و نور حدقه و ما
ارسلناک اند موجب فوز و نجات دارین و سبب رفع درجات منزلین
تواند بود؛ خاصه نسبت با طایفه‌ای که صیت طهارت نسب ایشان در

۱. ابوالمظفر یعقوب بهادر (یعقوب بیک آق قویونلو) فرزند اوزون حسن از خاندان ترکمانان آق قویونلو که از سال ۷۸۰ تا ۹۰۷ ه. ق. در آذربایجان و دیار بکر حکومت کردند. آنها رقیب خاندان قره قویونلو بودند. پادشاهی یعقوب بیک بیشتر با یاری فرخ یسار امیر شروان بوده است. «فرهنگ معین»، «تاریخ مفصل اسلام و ایران» عماد زاده، صص ۹۳۹ - ۹۴۵.

۲. سورة شوری: ۴۲، آیه ۲۳.

۳. «بصائر الدرجات الکبری» ص ۴۳۴؛ «کمال الدین و تمام النعمة» ص ۲۳۴؛ «المستدرک الحاکم» ج ۳، ص ۱۰۹، قسمتی از حدیث.

اقطار و اکناف بل من القاف الی القاف چون نور خورشید عالمگیر و در بسیط غبرا ورد زبان صغیر و کبیر است.

و صحت انتساب سادات رضویه با حضرت سید کونین و خواجه ثقلین محمد الامی العربی الهاشمی الابطحی - (علیه من الصلوة افضلها و من التحیات اکملها) ما خطب عنادل الاخطاب علی رؤوس منابر الاشجار و ضحک من بکاء السحاب مباسم^۱ الانوار الازهار - از غایت ظهور و وضوح از شرح مستغنی است. هر آینه در اعلاء منزلت و ارتقاء مرتبت و اسعاف مطالب و انجاح مآرب آن خانواده مبارک بر وجهی التفات باید نمود که شایسته دولت قاهره باشد. و لله الحمد و المنة که از ابتداء طلوع آفتاب جهانگشایی و ظهور تباشیر صبح فرمانروایی که مفاتیح ابواب خیر و شر و مقالید امور نفع و ضرر به قبضه اقتدار ما باز داده اند، دقایق اعزاز و احترام ایشان مهمل نگذاشته ایم و همت بر حصول مقاصدشان مصروف داشته.

مقصود از ترتیب این مقدمات و غرض از ترکیب این کلمات آنک مرتضیان اعظمان ملکی السادة و النقباء، اعتضادی آل عبا، سلیلی الامام علی بن موسی الرضا علیهما و علی آبائهما التحیه و الرضوان السید نظام الدین احمد و سید کمال الدین عطاء الله ادام الله سیادتہما احکام سلاطین ماضیه؛^۲ خصوصاً خاقان سعید شاه رخ میرزا (انار الله برهانه) که به امضاء نشان سلطان مرحوم امیر تیمور گورکان و پادشاه مزبور

۱. در «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه» «السماء مناسم» می باشد.

۲. در «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» «انار الله برهانهم» دارد.

جهان شاه میرزا نافذ شده^۱ - مشتمل بر آنک از قدیم الایام الی یومنا هذا منصب نقابت و تقدم سادات و تولیت اوقاف مزار متبرکه امامزاده معصومه ستی فاطمه و مزار متبرک امامزاده طاهر علی بن محمد الباقر علیهما التحیه و الغفران به آباء عظام و اجداد کرام مرتضیان مشار الیهما متعلق بوده و خطابت و تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری رضی الله عنه بدیشان تعلق گرفته و هر یک از ایشان که بر مصدوق ﴿کل شیء هالک الا وجهه﴾^۲ به جوار رحمت (حق) پیوسته اند، نوبت تقلدات این شغل عظیم به اولادشان منتهی شده - به عرض همایون رسانیدند و التماس امضا نمودند.

چون استحقاق و استیصال مرتضیان مشار الیهما اظهر من الشمس و ابین من الایس است، ملتمس ایشان مبذول داشته، بر مقتضی ﴿وان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها﴾^۳ رجوع این امر خطیر بدیشان تفویض فرمودیم و بریشان مسلم داشتیم تا چنانچه از فرط و شرط پرهیزکاری ایشان سزد به وظایف آن کما ینبغی قیام نموده، محصول موقوفات را به موجب شرع و شرط واقف به مصرف وجوب رسانند و رقبات را معمور داشته، در رواج و رونق مسجد و مشهدین منورین غایت اجتهاد به تقدیم رسانند. باید که مرتضیان مومی الیهما را متصدی مناصب مذکوره دانسته، شرایط اجلال و اکرام به جای آورند و در امری که سبب

۱. در همان مدرک کلمه «نافذ شده» نیست.

۲. سورة قصص: ۲۸، آیه ۸۸.

۳. سورة نساء: ۴، آیه ۵۸.

انتظام و رونق روضتین منورتین و مسجد باشد، لوازم امداد مرعی دارند و از صوابدید ایشان تجاوز ننمایند و عزل و نصب خادمان و مشرفان و مجاوران مزارات و مشهدين منورین و مسجد به رأی ایشان متعلق شناسند و در تحقیق انساب سادات که به عهده ایشان است، معاونت و همراهی لازم دانسته، مجال حمایت هیچ آفریده^۱ ندهند و پرسش و قطع و فصل معاملات شرعی و عرفی سادات بدیشان مفوض شمردند.

و به دستوری که در فرامین سلاطین مذکور مسطور است از موقوفات مشهدين منورین و املاک و اسباب ایشان و سایر سادات رضویه و مجاوران مزارات مذکوره که در شهر و ولایت قم دارند، ارثاً و اکتساباً مال و اخراجات و حقوق دیوانی نمی گرفته‌اند و بریشان معاف و مسلم بوده و تا غایت استمرار یافته، به همان دستور معاف و مسلم و ترخان و مرفوع القلم داند و تغییر و تبدیل به قواعد مستمر راه ندهند و کسی را در خانه‌های ایشان فرود نیاورند و چهارپایان ایشان^۲ را به الاغ نگیرند و مواشی و مراعی و تمغانستانند و برزیگران ایشان را بیگار و شکار نفرمایند و قبیچور^۳ نستانند و امیرانی نطلبند و احکام سابق ایشان را به امضا مقرون شمرده، در کل ابواب، رعایت و مراقبت واجب دانند و شرایط اعزاز و لوازم احترام به جای آورند.

و التماس امضاء همایون نمودند. ایجاب ملتمس ایشان را این حکم

۱. در «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» «به هیچ آفریده‌ای» آمده است.

۲. در همان مدرک «کلمات و متعلقات ایشان» اضافه دارد.

۳. در همان مدرک «قیچور» می باشد.

جهان مطاع نفذه [الله تعالی] شرف اصدار یافت تا به موجبی که در صدر قلمی گشته به تقدیم رسانند و احکام سلاطین سابقه را من الفاتحه الی الخاتمه به امضاء مبارک متصل و مقرون شناسند و در استمرار و استقرار آن کوشیده، از شائبه تغییر و تبدیل مصون و محروس شمرند و در تعظیم و تبجیل و اعزاز و احترام ایشان باقصی الغایت و الامکان کوشیده، دقیقه [ای] نامرعی نگذارند و از مضمون احکام به هیچ وجه من الوجوه تجاوز ننمایند و تخلف نورزند و به علت رسم الصداره و غله ابتیاعی مزاحم نشوند.

و چون مصارف حاصل موقوفات حضرت مقدسه سستی فاطمه علیها و علی آبائها التحیه و الرضوان سادات رضویه و عمارات رقبه است، محصص اوقاف متولیان مزار

معطره موصوفه را به مجلس توجیهات و تحصیصات نطلبند و به خلاف شرع مطهر بریشان حوالتی نکنند و از ایشان مطالبه [ای] ننمایند و در جمیع ابواب شکر و شکایت ایشان عظیم مؤثر شناسند و سال به سال به تجدید نشان محتاج ندانند و چون به توقیع رفیع اشرف اعلی موشح و موضع و مزین و محلی گردد، اعتماد نمایند.

کتب بالامر العالی اعلاه الله تعالی و خلد نفاذه و لا زال مطاعاً متبعاً فی خامس عشر رمضان المبارک سنة اربع و ثمانین و ثمانمائة بمدينة قم. رب اختتم بالخير والسعادة والاقبال.^۱

۱. «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۶۱ - ۵۹؛ «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۱۳ -

۲۰۹؛ «سفرنامه قم» افضل الملک.

(۲۹)

۴. سید مرشدالدین رشیدالاسلام

او فرزند سید شمس الدین محمد و نواده سید نظام الدین سلطان احمد می باشد. البته در وقف نامه بیگمی (سند شماره ۴، تربت پاکان، ج ۱) چنین است، ولی در فرمان الوندبیک (سند شماره ۵۴، تربت پاکان، ج ۱) او را فرزند سید نظام الدین سلطان احمد دانسته است که احتمال می رود از جهت اینکه نوه را فرزند دانسته است، چنین باشد. او از سال ۹۰۴ تا حدود سال ۹۴۸ ه. ق. مقام تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام و نقابت سادات قم و تولیت و امامت جماعت مسجد امام حسن عسکری علیه السلام را دارا بوده و پیش از ۱۸ جمادی الاول سال ۹۴۸ ه. ق. در گذشته است.^۱

فرامین شاهان خطاب به سید مرشدالدین رشیدالاسلام مجموعاً چهار فرمان است: یک فرمان از الوندبیک آق قویونلو و دو فرمان از شاه اسماعیل کبیر (اول) و یک فرمان از شاه طهماسب می باشد که به ترتیب به نقل آنها می پردازیم.

متن فرمان مورخ ۱۴ رجب ۹۰۴ ه. ق. از الوندبیک آق قویونلو که در آن تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام و نقابت سادات قم به سید مرشدالدین رشیدالاسلام واگذار شده است:

۱. ر. ک: «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۰۰-۱۹۹؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم»

«هو الغنی

الحکم لله

ابوالمظفر الوند بهادر سوز و میز

سادات رفیع الانساب و قضات منیع الاحساب و حکام عظام و اکابر و اشراف ذوی الاحترام و متولیان و مباشران امور اوقاف مدینه المؤمنین قم بالتوابع و الملحقات بدانند که چون اعزاز و احترام و تعظیم و اکرام سادات عظام که مطمح انظار لاهوتی و مطرح انوار جبروتی ایشانند از لوازم ملکات سلطنت و جهاننداری و کرایم صفات ملک و کامکاری می دانیم هر آینه اقتدا به مآثر اسلاف و اقتضا^۱ به آثار کریمه کریمان حمیده^۲ اوصاف فرموده، در انجام حاجات و اسعاف ملتمسات ایشان خصوصاً طایفه [یی] که صیت طهارت نسب ظاهر و نباهت حسب فاخرشان کالشمس لاتخفی بکل مکان بر عالمیان واضح و لایح است مزید التفات و اعتنا به ظهور می رسانیم. فردا که هر کسی به شفیعی زنند دست

ماییم و دست و دامن اولاد مصطفی

بنابر آن درین اوقات فرخنده ساعات، شمه [یی] از عنایات بلاغایات در شأن عالی جناب سیادت پناه نقابت دستگاه، افاضت مآب عالی انتساب، افتخار اکابر السادات منبع ینابیع السعادات، قدوة العترة الطاهرة خلاصة الملة الزاهرة، مشرف اولاد سید المرسلین اعتضاد آل

۱. در «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» «اقتضاء» می باشد.

۲. در همان مدرک «جمیل» می باشد.

طه و یس، ملک السادة و النقا مرجع اولاد آل عبا سلیل الامام بالحق علی بن موسی الرضا علیهما و علی آبائهم التحیه و الرضوان و الرحمة و الغفران السید الاید نظام الحق و الدین سلطان احمد ادام الله تعالی میامن برکاته الشریفة و سیادته و نقابته المنیفة به ظهور رسانیده، مقرر فرمودیم که احکام سلاطین ماضیه و خواقین سالفه خصوصاً فرمان حضرت خاقانی فردوس مکانی جد صاحب قرانی که به امضاء فرامین امیر بزرگ تیمور گورکان و خاقان سعید شاهرخ میرزا و پادشاه مرحوم جهان شاه میرزا درباره سید مومی الیه و جناب مغفرت مآبی سید کمال الدین عطاء الله صادر شده بود، مشتمل بر آنک:

از قدیم الایام الی یومنا هذا منصب نقابت و تقدم سادات و تولیت اوقاف مزار متبرک حضرت امامزاده معصومه ستنی فاطمه و مزار متبرک امامزاده طاهر علی بن محمد الباقر علیهما التحیه و الغفران به آباء عظام و اجداد کرام ایشان متعلق بوده و خطابت و امامت مسجد امام حسن عسکری رضی الله عنه به مشار الیهما تعلق گرفته، بنابر آن بر مقتضاء ﴿ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها﴾^۱ این امور خطیره را به ایشان تفویض فرمودیم و بدیشان مسلم داشتیم تا چنانچه از کمال پرهیزکاری ایشان سزد به وظایف آن کما ینبغی قیام نموده، محصول موقوفات را به موجب شرع و شرط واقف به مصرف وجوب رسانند و رقبات را معمور داشته در رواج و رونق مسجد و مشهدین منورین غایت اجتهاد به تقدیم رسانند. باید که مرتضیین مومی الیهما را

متصدی مناصب مذکوره دانسته، شرایط اجلال و اکرام به جای آورند و در امری که سبب انتظام و رونق روضتین مطهرتین و مسجد باشد، لوازم امداد مرعی دارند و از صواب دید ایشان تجاوز ننمایند و عزل و نصب خادمان و مشرفان و مجاوران مزارات و مشهدين منورين^۱ به رأی ایشان متعلق شناسند و در تحقیق انساب سادات که به عهده ایشان است، همراهی لازم دانسته، مجال حمایت هیچ آفریده ندهند و پرسش و قطع و فصل معاملات شرعی و عرفی سادات بدیشان مفوض شمرند و به دستوری که در فرامین سلاطین مذکورین مسطور است، از موقوفات مشهدين منورين و املاک و اسباب ایشان و سایر سادات رضویه و مجاوران مزارات مذکوره که در شهر و ولایت قم دارند، ارثاً و اکتساباً مال و اخراجات و حقوق دیوانیه نمی گرفته‌اند و بریشان معاف و مسلم بوده و تا غایت استمرار یافته، به همان دستور معاف و مسلم و ترخان و مرفوع القلم دانند و تغییر و تبدیل به قواعد مستمره راه ندهند و کسی را در خانه‌های ایشان فرود نیاورند و چهار پایان ایشان را به الاغ نگیرند و مواشی و مراعی و تمغانستانند و برزگران ایشان را بیگار و شکار نفرمایند و قبحچور نستانند و امیرانی نطلبند و احکام سابق ایشان را به امضا مقرون شمرده، در کل ابواب رعایت و مراقبت واجب دانند و هر ساله درین ابواب حکم و پروانچه مجده نطلبند.

و معروض داشت که سید کمال‌الدین عطاءالله به جوار رحمت

۱. در «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» کلمه «و مسجد» اضافه دارد.

ایزدی پیوسته و ازو اولاد نمانده و عالی جناب سید نظام الدین سلطان احمد به کبر سن و زمان شیخوخت رسیده و التماس نقابت سادات و تولیت مزار منور حضرت ستی فاطمه علیهما التحیه و الرضوان به اسم فرزندان خود، جناب سیادت مآب نقابت قباب معالی ایاب اعالی انتساب، نقاوة اعظم السادات و النقباء زبده صنادید آل عبا، افتخار السادة و الاشراف رفیع الانساب و کریم الاوصاف، ذی النسب العالی و الحسب المتعالی، سید مرشد الملة و النقابة و الدین رشید الاسلام ادام الله تعالی سیادته و نقابته فی الایام نمود.

ایجاباً لملتسمه و اظهاراً للاعتقاد و العناية فی شأنه به اسم فرزندان مشار الیه ممضی و منفذ دانند و مناصب مذکوره و آنچه از لوازم آن است، بدو مخصوص شناسند و حسب الشرع غیری را با او مجال مداخلت و مشارکت ندهند و وظایف تقویت و تمشیت مرعی دارند و موقوفات و مزارات مذکوره و جهات سادات عظیم الشأن رضویه را حسب الاستمرار معاف و مسلم و حر و ترخان و مرفوع القلم دانند و به علت توجیهات و تحصیصات و توابعات و اخراجات و خارجیات و رسم الصداره و غله ابتیاعی و سایر تکالیف دیوانی^۱ مزاحم نشوند و به خلاف شرع مطهر حوالتی بر ایشان و موقوفات مذکوره ننمایند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند، و نصف یک سرگوسفند که به موجب حکم حضرت پادشاه مرحوم سلطان رستم که به امضاء فرمان حضرت خاقانی فردوس مکانی بر عالی جناب مشار الیه مسلم بوده، بر جناب

۱. در همان مدرک «الوانی» آمده است.

رشیدالاسلامی به همان دستور معاف دانند و به علت شحم و جلد و غیره تعرض نرسانند و به هر کس که رجوع نمایند و در هر محل که ذبح نمایند، تمغا و خطیره نطلبند و هیچ آفریده مانع نشود و به هیچ وجه من الوجوه پیرامون نگردند و از شوائب تغییر و تبدیل مصون و محروس شمرند و هر ساله درین ابواب نشان و پروانچه مجده نطلبند و چون به توقیع رفیع منیع^۱ اشرف اعلی موشح و موضح و مزین و محلی گردد، اعتماد نمایند. مقرر است که حق التولية و النقابة به دستور نقباء سابق که بر وفق شرع خواهد بود، ستانند. تحریراً فی رابع عشر رجب المرجب لسنة اربع و تسعمائة بمدينة قم.^۲

در سال ۹۱۸ ه. ق. آغاز جمادی الثانیة، شاه اسماعیل اول طی فرمان ذیل برخی از مال و خراج موقوفات آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام را به سید رشیدالاسلام بخشیده و سنن و رسوم سابق را در مورد حقایق موقوفات آستانه و موقوفات مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و املاک شخص سید مرشدالدین رشیدالاسلام، به مشار الیه تنفیذ نموده است.

متن حکم چنین است:

«حکام و داروغگان و کلانتران مدینه [المؤمنین] قم بدانند که درین وقت، مقرر فرمودیم که به علت غله ابتیاعی و طرح مزاحم و متعرض

۱. در همان مدرک، کلمه «منیع» قبل از «رفیع» آمده است.

۲. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۱۶-۲۱۳، به نقل از «مجموعه فرمانهای ترکمانان قراقریونلو و آق قویونلو» صص ۱۲۳-۱۱۸؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۶۴-۶۱؛ «سفرنامه قم» افضل الملک.

موقوفات سرکار [آستانه] مقدسه منوره معطره سستی فاطمه (علیها التحیه و السلام) و متولی آنجا سیادت مآبی سید رشید الاسلام نشوند و پیرامون نگردند و در خانه‌های سید مشار الیه نزول ننمایند. امراء... و عسکر نصرت شعار و غازیان عظام ظفر فرجام حسب المسطور مقرر دانند و رعایت و ملاحظه واجب و لازم شناسند. و همچنین مقرر فرمودیم که حقایق باغ نقیب و باغ زکریا را و جمیع مواضع وقفی مزار و مسجد امام الهمام المعصوم الامام ابی محمد حسن العسکری (علیه الصلاة و السلام) و ملکی سید مشار الیه به دستور قدیم مقرر و جوب بوده، به همان دستور رسانند و چیزی قاصر و منکسر نگردانند و خلاف شرع شریف مطلقاً جایز ندارند.

به عهده حاکم و داروغه آنجا که برین موجب مقرر دانند و امداد تمام به تقدیم رسانند و خلاف کننده را منع نمایند و اعزاز و احترام تمام به جای آورند و هر ساله به نشان و پروانچه مجدد محتاج ندانند. و همچنین مقرر شد که هر کس املاک موقوفه مزار متبرک مذکور را به غصب و غیر حق متصرف شده باشد و نزد قضات اسلام آنجا به ثبوت رسد، بلا تعلل به متولی مزار مذکور تسلیم نماید و اصلاً اهمال ننماید و از مخالفت محترز و مجتنب باشد. در این باب تقصیر ننماید.

مقررست که حکام در موقوفات مزار و مسجد مذکورین اصلاً مدخل نسازند و از فرموده تخلف نورزند. در عهده دانند.

تحریراً فی غرة شهر جمادی الثانی سنة ثمان عشر وتسعمائة.^۱

۱. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۱۷-۲۱۶؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۷۴-۷۵.

فرمان مورخ ۲۰ ربیع الاول ۹۲۰ ه. ق. از شاه اسماعیل اول در بخشیدن مال و خراج موقوفات آستانه و مسجد امام حسن عسکری علیه السلام که تیول بوده است، با واگذاردن تولیت آنها به رشیدالاسلام، پشت سند صورت موقوفات مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و آستانه مقدسه، مقدار مال و خراج بخشیده شده آنها به نقد و جنس ثبت بوده که در اثر و صالی کاغذ بیشتر آنها خوانده نشده است.

اینک متن سند و فرمان:

«... [موقوفات قدیم و جدید مزار پر انوار برکت آثار در... و مسجد امام بالحق... [و متولای... [رشیدالاسلام] شر] ف نفاذ یافته که مالاً و خراجاً معاف و مسلم و ترخان و مرفوع القلم باشد و مواضع مجده که بر آن مزار کثیر الانوار وقف فرموده مال و جهات و وجوهات آن را دانسته و در بسته به موجب... از تیول باطل گردانیده بر آنجا ارزانی داشته ایم و تولیت آن به سیادت مآب مشار الیه مفوض و مرجوع شد که آنچه املاک... شده به جای آورده حسب الحکم جهان مطاع سابق به مصرف رسانند به همان دستور مقرر و معین دانسته، تغییر و تبدیل به قواعد مستمره آن راه ندهند و به علت مال و جهات و اخراجات و تفاوت تسعیر و خارجیات حکمی و غیر حکمی به هر اسم و رسم که باشد، مزاحمت نرسانند و پیرامون نگردند و به علت علفه و علوفه و قتلغا و بیگار تعرض نکنند و به قلیل و کثیر طمع و توقع ننمایند و به حرز و مساحت در نیاورند و شماره و تعداد نکنند و قلم و قدم از آن محال کوتاه و کشیده داشته، رعایت و مراقبت به همه ابواب به جای

آورند و رعایا [ی] محال مسلمی چون جهات خود به محلی دیگر برده باشند، حقوق دیوانی خود بالتمام به متولی مذکور جواب گویند و کسی پیرامون رعایا [ی] آنجا نگردد و مدخل نسازند و گذارند که متولی مشار الیه مال و جهات و حقوق دیوانی ایشان بازیافت نماید. و از احکام مجملی که به اسم ارباب سیورغات و مسلمیات و موقوفات صادر شود، محال مسطوره را مستثنی دانسته، اصلاً به متولی آنجا حوالی نکنند و در توجیهاات و تحصیصات سهیم و شریک نسازند.

قضات اسلام و محصصان موقوفات برین موجب مقرر دانسته، از مضمون صدر تجاوز نکنند و به جهت غله طرحی و کاه و هیمة بر مزارعان و کارکنان آنجا حوالتی ننمایند. به عهده حاکم و داروغه قم که درین ابواب امداد به تقدیم رسانیده، مجال مخالفت احدی ندهد و از فرموده تخلف نورزد و از تمرد که موجب خطاب پادشاهی خواهد بود، محترز و مجتنب باشند.

درین باب قدغن دانسته، هر ساله نشان مجدد نطلبند و چون به توقیع رفیع اشرف اعلی رسد، اعتماد نمایند.

تحریراً فی عشرين شهر ربیع الاول سنة عشرين و تسعمائة.^۱
فرمان مورخ ۱۸ شوال ۹۱۳ از شاه طهماسب اول در واگذاری همه مناصب سید مرشدالدین رشیدالاسلام رضوی که به موجب احکام و

۱. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۱۹-۲۱۸، در ضمن، نویسنده اظهار نموده که اصل این فرمان در قم به خط تعلیق برکاغذ خانبالغ است و قسمتی از آغاز آن پاره شده و تاکنون این سند در جایی نشر نشده است و برای نخستین بار در این کتاب چاپ می شود.

ارقام شاه اسماعیل اول در حق او تنفیذ شده بود، به خصوص تولیت اوقاف قدیمه و جدیده سلطانی و بیگمی آستانه مقدسه و مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و بخشیدن همه مال و خراج دیوانی به ایشان پشت سند صورت کامل موقوفات آستانه مقدسه و مسجد امام حسن عسکری علیه السلام با ذکر محصولات نقدی و جنسی هر یک می باشد. اصل سند در قم است. افضل الملک میرزا غلامحسین خان ادیب زندی شیرازی، نود سال پیش آن را در همین شهر دیده و متن مغلوپ از آن را در سفرنامه قم خود (صص ۲۵۵-۲۵۷) نقل نموده است.^۱ البته در اینجا مطالب پشت سند آورده نشده است.

متن حکم و فرمان:

«الحکم لله

ابوالمظفر طهماسب بهادر سیوز و میز

حکام کرام و سادات عظام و قضات اسلام و عمال^۲ و متصدیان امور و اشغال دیوانی و کلانتران و کدخدایان مدینه المؤمنین قم و خطه سلطانیه بالتوابع و اللواحق بدانند که درین وقت عنایت و شفقت بی نهایت [پاد]شاهی درباره سیادت مآب نقابت قبابی عمده السادات و الاشراف سید مرشدالدین رشیدالاسلام الرضوی فرموده، جمیع مناصب متعلقه به سیادت مآب مشار الیه به موجب احکام عالی حضرت خاقان جم جاه فردوس مکان و سلطان سلاطین سپاه علیین

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۲۱-۲۲۰.

۲. در «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» کلمه «عمال» وجود ندارد.

آشیان، هادی الخلائق الی اشرف الادیان (شاه بابام انار الله مضجعه)^۱ خصوصاً تولیت اوقاف قدیمه و جدیده سلطانی و بیگمی منسوبه به مزار کثیر الانوار حضرت معصومه مقدسه سیده النساء فی العالمین (ستی فاطمه علیها و علی آبائها التحیه و السلام)^۲ و مسجد حضرت امام معصوم (أبی محمد حسن العسکری علیه الصلاة و السلام)^۳ بلامشارکت و مداخلت غیری بدو تفویض فرمودیم و ارزانی داشتیم و سیور غالات و مسلمیات و معافیات و مقرریات خودی و مفروزی قدیمی و جدیدی مزار مذکور و مسجد مزبور بر نهج مسطور که در احکام عالی حضرت خاقان فردوس مکان مشار الیه مرقوم است، مقرر داشتیم و ضبط و نسق و صرف محصولات مالی و منالی آن محال را حسب الضمن منوط بر رأی متولی مومی الیه گردانیدیم.

باید که نقابت مآب مشار الیه را متولی و متصدی مناصب مزبوره دانسته، دست تصدی او را درین امور قوی و مطلق دانند و حاصل و منافع موقوفات و مسلمیات و محصولات مزار شریف و مسجد منیف مذکور^۴ را به تصرف او گذارند تا به موجب شرع شریف و شرط واقف و حکم عالی حضرت خاقان مشار الیه به مصارف معینه صرف نماید و عشر حق التولیه خود را تصرف کند.

مستأجران موقوفات مذکوره و رعایاء مواضع سیورغال و مسلمی

۱. در همان مدرک آمده که این کلمات با آب طلا نوشته شده است.

۲. در همان مدرک نوشته شده که این کلمات در بالا با آب طلا نوشته شده است.

۳. در همان مدرک، کلمات «أبی محمد حسن العسکری علیه الصلاة و السلام» نیامده است.

۴. در همان مدرک «مذبور» آمده است.

مزار و مسجد مذکورین او را متولی خود دانسته، وجوه اجاره و حقوق دیوانی خود را حسب الاستمرار تحویل و کلاء و گماشتگان متولی مذکور نمایند^۱ و بی مهر و برات او یک دینار و یک من بار به کسی به خلاف شرع ندهند و هر قضیه و قضایاء متعلقه به تولیت که در آن سرکار واقع شود، بدو رفع نمایند که به فیصل رسانند و داروغگان در آن مدخل نسازند.

مقرر است که هیچ آفریده در جهات آستانه مذکوره و مسجد مزبور به خلاف شرع شریف و شرط واقف و قیود احکام عالی حضرت خاقان جنت مکان و شروط مسطوره در وقفیه حضرت بلقیس مکانی تصرفی نکند و هر سنتی که به خلاف این معنی حاصل نموده باشند، سند^۲ نسازند.

و عمال و متصدیان امور دیوانی قم و سلطانیه به علت مال و اخراجات حکمی و غیر حکمی از ساوری و سلامی و پیشکش و کندلک و شیلان بها و صردو و مواشی و مراعی^۳ و ممیزانه و مباشرانه و عیدی و نوروزی و رسم الوزاره و رسم الصدازه و رسم المهر همایون و خدمتانه و دست انداز و طرح و بیگار و علفه و علوفه و قتلغا و ده نیم و داروغگی و آنچه اطلاق مال و خارج بر آن توان کرد، به هر اسم و

۱. در همان مدرک «نمایند» آمده که صحیح می باشد.

۲. در همان مدرک «شبهه» آمده است.

۳. در متن فرمان، بالای «مراعی» نوشته شده است: «داده نشود - صحیح است»؛ ضمناً در دو سطر قبل از آن اختلافاتی در دو نسخه «ترت پاکان» و «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» وجود دارد.

رسم که باشد، مزاحمتی نرسانند و به قلیل و کثیر طمع و توقع ننمایند و احکام مجملی که به اسم ارباب سیورغات و مسلمیات و موقوفات صادر شود، محال مذکوره را سوی و مشتثنی دانسته، اصلاً بر متولی آنجا حوالتی نکنند و در توجیهات و تحصیصات شریک و سهم ندانند و ن سازند.

قضات اسلام و محصصان از مضمون مسطور فی الصدور تجاوز نمایند و سایر قیودی را که در احکام عالیحضرت خاقانی جنت آشیانی و امثله دیوان الصداره مسطور و مذکور باشد، ممضی و منفذ دانند. سیادت مآبی سید فخرالدین^۱ به علت نظارت و اشراف در سرکار مزبور^۲ و موقوفات سید سلطان احمدی مدخل نماید و تعرض به حال مزارعان آنجا نرسانند.

از جوانب برین جمله روند و از فرموده عدول نجویند و هر ساله درین ابواب پروانچه و نشان مجدد نطلبند. درین باب قدغن دانسته از مخالفت محترز باشند و چون به توقیع رفیع منیع اشرف اعلی موشح و مزین و محلی گردد، اعتماد کنند.

تحریر آفی ۱۸ شهر شوال^۳ سنة احدى و ثلاثین و تسعمائه^۴.

۱. در «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» کلمات «به خلاف شرع شریف» آمده است.

۲. در همان مدرک «مزار» آمده است.

۳. در همان مدرک «ختم ۱۸ شعبان» آمده است.

۴. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۲۴ - ۲۲۱؛ «سفرنامه قم» افضل الملک، صص ۲۵۷ - ۲۵۵؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۶۶ - ۶۵.

(۳۰)

۵. سید شجاع‌الدین سلطان محمود الرضوی

ایشان فرزند سید مرشد‌الدین رشید‌الاسلام است و با فرمان شاه طهماسب اول در تاریخ ۱۸ جمادی الاولی ۹۴۸ ه. ق. به تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام و تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری علیه السلام منصوب شده و قبل از سال ۹۷۲ ه. ق. و یا احتمالاً در آن سال درگذشته است.

اما متن فرمان شاه طهماسب:^۱

«بسم الله الرحمن الرحيم

یا محمد یا علی

الحکم لله

ابوالمظفر طهماسب بهادر سیوز و میز

درین وقت، بنابر وفور امانت و رشد و کاردانی سیادت مآب نقابت ایاب عمدة السادات و الاشراف سید شجاع‌الدین سلطان محمود الرضوی النقیب تولیت رقبات موقوفه آستانه مقدسه منوره حضرت معصومه مطهره سمیه سیده النساء فی العالمین (ستی فاطمه علیها التحیة و السلام) و مسجد متبرک منسوب به حضرت امام الجن و الانس (أبی محمد حسن العسکری علیه الصلاة و السلام) و امامت آنجا که به موجب شرع شریف و شرط واقف و احکام مطاع همایون به والد

۱. ر. ک: «تذکره الملوک» (سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک)

مرحوم او، سیادت و نقابت پناه، سید مرشدالدین رشیدالاسلام الرضوی النقیب متعلق بوده به همان دستور بلامشارکت غیر بدو مفوض و مرجوع فرمودیم که در ترویج و تنسیق آستانه مقدسه و مسجد متبرک کوشیده، به ضبط محصولات و تعمیر رقبات آنجا قیام نموده، نگذارد که قصوری در آنجا واقع شود و حاصل رقبات آنجا را به موجبی که در دستور العمل مقرر شده به وقوف و اطلاع سیادت پناه افادت دستگاهی زیناً للسیادة و الدین علی الرضوی النقیب به نوعی که موافق شرع شریف باشد، به مصرف وجوب رساند.

مستأجران و عمله و کارکنان و رعایاء محال متعلقه به آستانه مقدسه و مسجد متبرک اصلاً یک دینار و یک من بار بی وقوف و مهر و برات متولی مشار الیه داد و ستد نمایند و هر قضیه و قضایا که در میانه ایشان واقع شود، بدو رفع نمایند و پوشیده و پنهان ندارند و متوجهات خود را به دستور معمول مملکت به متولی جواب گویند و هیچ آفریده به خلاف شرع و شرط واقف در موقوفات آستانه مقدسه و مسجد مذکور مدخل ننماید.

سادات عظام و قضات اسلام و حکام کرام و اکابر و اهالی و کلانتران و کدخدایان مدینه المؤمنین قم و سلطانیه حسب المسطور مقرر دانسته، اعانت و اسعاد سیادت مآب مشار الیه به جای آورند و سرکار آستانه مقدسه را از جمیع توجیهات و تحصیصات به دستور قدیم و نهج استمرار مفروز و مستثنی شناسند و حکم مجملی که به اسم ارباب سیورغات و مسلمیات و موقوفات صادر گردد، رقبات سرکار آستانه

متبرکه را از آن موضوع شمرند.

ارباب و ظایف و عمله سرکار مذکور به خلاف شرع شریف و شرط واقف طلبی از متولی مذکور ننمایند و به طریقی که در دستور العمل مقرر شده، ستانند و زیاده تعرض نرسانند و احکام و امثله [بی] که نقیض این معنی حاصل نموده... سابقاً و لاحقاً اعتبار نکنند. عمله و فعله آنجا خود را به عزل او معزول و به نصب او منصوب شناسند و حق التولية به دستور شرط واقف از قرار عشر رسانند.^۱ سیادت مآب امیر فخرالدین النقیب الرضوی به خلاف شرع شریف در تولیت آستانه مقدسه و مسجد مذکور و رقبات موقوفه به زاویه امیر نظام الدین سلطان احمد به علت اشراف و نظارت مدخل ننماید و پیرامون نگردد. در این ابواب قدغن عظیم لازم دانند و هر ساله نشان و پروانچه و حکم مجدد طلب ندارند. در عهده دانند.

تحریراً فی ۱۸ شهر جمادی الاولی سنة ۹۴۸هـ.^۲

(۳۱)

۶. امیر سلطان احمد

وی یا فرزند سید شجاع الدین سلطان محمود است و یا برادر او و بعد از وفات سید شجاع الدین سلطان محمود، متولی آستانه مقدسه

۱. ستانند؟

۲. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۲۷ - ۲۲۶؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۷۶ -

۷۵؛ مجله «بررسی های تاریخی» سال چهارم، ش ۴، صص ۲۲۶ - ۲۲۵؛ «سازمان اداری حکومت

صفوی» ص ۲۶۲.

حضرت معصومه علیها السلام شده است. حکم و فرمان شاه طهماسب مبنی بر انتصاب وی به این مقام، در دست نیست؛ چنانکه تاریخ درگذشت او نیز مشخص نیست و تنها یک فرمان از شاه طهماسب خطاب به امیر سلطان احمد، در تاریخ دههٔ اول جمادی الثانیه سال ۹۷۲ ه.ق. دربارهٔ ابقا و یا جایگزین کردن شش نفر حافظ قرآن غیر از حافظ آستانه مقدسه، برای تلاوت قرآن بر سر قبر سلطانی، خواهر شاه طهماسب در دست است که متن آن چنین است:

«فرمان همایون شد آن که چون شش نفر حافظ سوی حافظ سرکار آستانه مقدسه مطهره (ستی فاطمه علیها و علی آبائهما الصلاة والسلام) قبل از این مقرر شده که در سر قبر همشیره مرحومه مغفوره ام، سلطانم به تلاوت کلام (ملک علام جل جلاله) اشتغال نمایند. بنابراین، شش نفر حافظ مذکور به موجب ضمن در سر قبر همشیره مرحومه به تلاوت اشتغال نمایند و اگر از ایشان کسی ترک خدمت نماید، سیادت و نقابت دستگاه، امیر سلطان احمد، متولی آستانه مقدسه منوره، دیگری را به جای او تعیین نماید و حافظ سرکار آستانه منوره را دخل ندهد و به حکم نقیض این معنی مستند نگردد. در این باب قدغن دانند.

تحریراً فی عشر اول شهر جمادی الثانی سیچقان ثیل^۱ اثنی و سبعین و تسعمائة.

[حاشیه:]

مقررست که آنچه حسب الحکم جهان مطاع در وجه وظیفه

۱. سیچقان ثیل: سال موش (فرهنگ فارسی معین).

جماعت مزبوره مقرر شده، بر وجهی که موافق شرع شریف باشد، بدیشان رسانند و اگر متولی عوض ایشان به وجه شرع کسی تعیین کند، به وقوف مدرس آنجا کند.

[مهر مسوده ایوان اعلیٰ].^۱

۱. «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۲۹؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۷۷-۷۶؛ مجله «بررسی‌های تاریخی» ش ۴، سال چهارم، صص ۲۲۸-۲۲۷؛ «سازمان اداری حکومت صفوی» ص ۲۶۳؛ «تذکره الملوک» ص ۲۶۳.

بخش سوم

متولیان «قدیمی» یا «شرعی» آستانه مقدسه

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

دگرگونی و تحوّل در تولیت آستانه مقدسه در اواخر قرن دهم

قبلاً اشاره شد که در دوره حکومت صفویه در اواخر قرن دهم هجری قمری یک دگرگونی و تحوّل در نحوه اداره امور اوقاف به وجود آمد. از جمله تحولات این بود که تولیت مشاهد، مزارات و مقابر که معمولاً اوقاف زیادی داشته‌اند، به کسانی سپرده شد که از جانب دیوان صدارت برای این کار برگزیده می‌شدند و تمامی امور بر عهده آنان بود، به استثنای موقوفاتی که اماکن مقدسه در گذشته داشته‌اند، و تولیت وقف به عهده خاندان متولی آن عصر واگذار شده بود، مثل: موقوفات شاه بیگی بیگم^۱ که بخشی از آن به آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام اختصاص داشت و تولیت آن نیز بر عهده خاندان سادات رضوی واگذار شده بود؛ خاندانی که مقام تولیت را به شکل موروثی عهده‌دار بودند. اینجا بود که حاکمیت ناچار شد، تولیت چنین موقوفاتی را به موجب شرع و شرط واقف در دست متولیان آن باقی بگذارد و منصبی را تحت عنوان «تولیت موقوفات قدیمی» که عبارت

۱. «تربت پاکان» ج ۱، سند شماره ۴.

مختصر آن «تولیت قدیمی» یا «تولیت شرعی»^۱ است، به وجود آورد. خاندان سادات رضوی در این دگرگونی و تحوّل، در اواخر قرن دهم، تولیت مطلق را از دست دادند و تنها منصب «تولیت قدیمی سرکار فیض آثار» را عهده‌دار شدند و این تا نیمه دوم قرن چهاردهم ادامه داشته است.^۲

تولیت قدیمی در کنار سیستم جدید اداره امور مزارات و مشاهد و موقوفات که «تولیت جدیدی یا تفویضی» نام داشت، به وجود آمد و تولیت جدیدی غیر از موارد ذکر شده، تمامی امور آستانه‌ها، از جمله: آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام را بر عهده گرفتند؛ بدین ترتیب که تولیت جدیدی یا تفویضی تمامی مناصب و مشاغل گوناگون آستانه را تعیین می‌کرد؛ مناصب و مشاغلی، مانند: استیفاء، مشرف، خازن، ضابط، سرکشیک، خطیب، حافظ و قندیلچی و خادمی و خدمت و همچنین سرپرستی و نظارت بر نذورات و اوقاف و هدایا^۳ و غیر آن. تولیت تفویضی که با جدایی نقابت سادات از مقام تولیت آستانه مقدسه همراه شد، ابتدا به بعضی از امرا و بزرگانی واگذار شد که در بین آنان علما و دانشمندان و صاحب آثار علمی بودند و حتی تعدادی از آنان از سادات و علویون هم نبودند؛ افرادی مانند: مولانا آقاجانی تبریزی، علی قلی خان خلجی قمی، فرزند قرچقای خان و مهدی قلی

۱. همان، صص ۱۹۸-۱۹۷.

۲. سرانجام و چگونگی پایان کار تولیت قدیمی در اواخر همین بخش (بخش سوم) بحث خواهد شد.

۳. «سیاحتنامه شاردن» ترجمه محمد عباسی، ج ۳، صص ۷۸-۷۶.

خان، فرزند علی قلی خان که هر سه از دانشمندان بنام و صاحب اثر آن عصر بوده‌اند. و بعضی از آنان نیز از سادات حسینی اصفهان، از نوادگان میر سید حسین کرکی خاتم‌المجتهدین بودند؛ خاندانی که مورد توجه صفویه و صاحب مناصب و مسؤولیتهای بزرگ بودند، همچون: میرزا حبیب‌الله صدر، فرزند میر سید حسین کرکی که از افاضل و علمای بزرگ آن عصر بوده و نیز پسرش میرزا محمد مهدی اعتمادالدوله و دیگر بزرگان این خاندان که همواره دارای مشاغل و مناصب مهم دیوانی و قضایی و غیر آن بوده‌اند.

تولیت آستانه مقدسه بدین شکل تا پایان قرن یازدهم ادامه داشته و به شکل موروثی نبوده است؛^۱ اما به مرور زمان، هنگامی که تولیت به خاندان سادات حسینی^۲ رسید (پایان قرن یازدهم)، به شکل موروثی درآمد. البته چنان‌که ذکر شد تولیت آستانه مقدسه به غیر از سادات حسینی هم تفویض می‌شد؛ اشخاصی مثل: میرزا حبیب‌الله و میرزا محمد مهدی اعتمادالدوله که در بسیاری از جلسات و مسافرتها شاهان صفویه همراه آنان بودند و در اداره امور کشور به ایشان کمک می‌کردند و مأموریت‌های مختلفی را عهده‌دار می‌شدند.

اینک بعد از روشن شدن وضعیت تولیت آستانه مقدسه در این دگرگونی و تحوّل و تفکیک تولیت به «جدیدی یا تفویضی» و «قدیمی یا شرعی»، شرح حال متولیان این دو نوع بیان می‌گردد.

۱. «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۲.

۲. منظور سادات حسینی اصفهان است که از نوادگان میر سید حسین کرکی خاتم‌المجتهدین بودند.

متولیان «قدیمی» یا «شرعی»

متولیان قدیمی یا شرعی آستانه مقدسه، همگی از خاندان سادات رضوی قم بوده‌اند و از آنها به «سرکار فیض آثار» تعبیر شده است و اسامی تعدادی از آنها به همراه احکام مربوطه و حتی الامکان با شرح حالی از آنها ارائه می‌شود:

(۳۲)

۱. میر شمس الدین نقیب رضوی

وی نواده سید مرشدالدین رشیدالاسلام است که از دوره شاه خدابنده صفوی تا سال ۱۰۱۷ ه.ق. متولی قدیمی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام بوده و پیرامون شوال این سال درگذشته است^۱ و این از فرمان مورخ شوال ۱۰۱۷ شاه عباس اول معلوم می‌شود که طی آن سیورغالات میر شمس الدین نقیب رضوی، متولی قدیمی آستانه مقدسه پس از درگذشت او به برادرش امیر ظهیر الدین ابراهیم که تنها وارث او بوده، منتقل شده است و مؤلف «تربت پاکان» می‌نویسد: «و شاید تولیت قدیمی آستانه نیز به همین شخص واگذار گردیده باشد».^۲

متن فرمان شوال ۱۰۱۷ ه.ق. شاه عباس اول در ذیل نام امیر ظهیرالدین ابراهیم خواهد آمد.

۱. «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۰۱؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۷۹-۷۷.

۲. همان.

(۳۳)

۲. امیر ظهیرالدین ابراهیم

وی برادر میر شمس الدین نقیب رضوی و نواده سید مرشدالدین رشیدالاسلام می باشد.^۱

او پس از برادر خود میر شمس الدین در سال ۱۰۱۷ ه. ق. طی فرمانی از شاه عباس اول عهده دار سیورغال برادر خود که تنها وارث او بوده، شده است که البته چون تولیت شرعی یا قدیمی موروثی بوده و سیورغال معمولاً به متولی شرعی می رسیده، پس باید امیر ظهیرالدین ابراهیم از آن زمان تا سال ۱۰۳۶ ه. ق. متولی شرعی یا قدیمی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام باقی مانده باشد.

متن فرمان شاه عباس اول در تاریخ شوال ۱۰۱۷ ه. ق. در واگذاری سیورغال میر شمس الدین نقیب رضوی متولی شرعی آستانه مقدسه به برادرش امیر ظهیرالدین ابراهیم:

«فرمان همایون شد آن که چون حسب الحکم جهان مطاع آفتاب شعاع مبلغی از بابت مال و جهات قریه ابرین غارری حسب الذیل:

پنج هزار و پانزده دینار

مال	نقد	جنس	سایر الجهات
۵ هزار [دینار]	۲۸۰۰ [دینار]	۳۴۲۰۰ [دینار]	۱۵ [دینار]

۱. ر. ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۰۱؛ «فهرست نسخ کتابخانه آستانه مقدسه قم» ص ۷۹.

۲. در «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» هشتصد و سی و هشت دینار آمده است.

۳. همان، چهار هزار و یکصد و شصت و دو دینار آمده است.

به سیورغال اولاد سیادت و مغفرت پناه امیر رشیدالاسلام رضوی نقیب مقرر بود و در وقتی که به نفس نفیس تحقیق سیورغالات و استحقاق ارباب سیورغال می فرمودیم، به حقیقت سیورغال مزبور رسیدیم و سیادت پناه مرحوم میر شمس الدین نقیب رضوی متولی سرکار قدیمی آستانه منوره متبرکه [حضرت سنی فاطمه علیها (و علی آبائها) التحیه و السلام]^۱ که از اولاد مغفرت پناه مذکور بود، به نظر اشرف درآمده، سیورغال مزبور را به او و سایر اولاد شفقت فرموده بودیم و داخل نسخه معروضه شده، حکم امضا به اسم او و سایر اولاد گذشته. درین ولا به عرض رسید که سیادت پناه مرحوم مزبور^۲ به جوار رحمت [حق]^۳ پیوسته و وارث منحصر در سیادت و نجابت پناه امیر ظهیرالدین ابراهیم برادر مرحوم مذکور است. بنابر ظهور استحقاق سیادت پناه مشار الیه، شفقت و مرحمت درباره او فرموده، به دستور مبلغ پنج هزار و پانزده دینار مذکور فوق را از بابت مال و جهات قریه مزبور به سیورغال ابدی و احسان سرمدی او عنایت و مرحمت فرموده، ارزانی داشتیم.

کدخدایان و رعایاء محل مذکوره سیادت پناه مومی الیه را صاحب سیورغال مبلغ مزبور دانسته، وجه سیورغال او را سال به سال موافق دستور العمل و اصل و عاید ساخته، چیزی موقوف ندارند و اگر چیزی

۱. قسمتی از بالای سند که طبق معمول این نامها در آنجا نوشته می شد، پاره شده یا در تصویر نیست.

۲. در «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» بعد از کلمه «مزبور» کلمه «خود» آمده است.

۳. باید چنین کلمه ای افتاده باشد.

از وجه سیورغال مانده باشد، به مشار الیه عاید گردانند و احدی از حکام و تیول داران و عمال الکاءری دخل در سیورغال مومی الیه ننموده، مادام که از دیوان اعلی حوالتی بر سیورغالات نشود در جزو به علت اخراجات و عوارضات خلاف حکم و حساب به هر اسم و رسم که بوده باشد، حواله و اطلاقی ننموده، قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند. مستوفیان عظام دیوان اعلی حسب المسطور در دفاتر عمل نموده، تغییر و تبدیل به قواعد آن راه ندهند. درین باب قدغن دانسته، از فرموده در نگذرند و هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و چون به مهر مهر آثار اشرف اعلی رسد، اعتماد نمایند.

تحریر آفی شهر شوال سنه سبع عشر و الف.^۱

(۳۴)

۳. میر محمد سعید رضوی

وی به وسیله دو مثال از دیوان صدارت، از سال ۱۰۳۶ تا پس از سال ۱۰۶۳ ه. ق. تولیت قدیمی یا شرعی آستانه مقدسه و تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و نقابت و پیشوایی قم و آستانه را عهده دار بوده است. تاریخ ولادت و وفات وی در دست نیست.

متن مثال اول از میرزا رفیع الدین محمد شهرستانی صدر عباس اول

۱. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۳۱ - ۲۳۰؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۷۸ - ۷۷.

۲. ر. ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۰۱، توضیح اینکه تاریخ ۱۰۶۳ در جایی نوشته نشده و فقط در «تربت پاکان» آمده است و سندی ندارد.

و شاه صفی:

«من رفیع الدین محمد الموسوی الحسینی

چون از مضمون احکام مطاعه لازم الاطاعه سلاطین سابق و شاه جنت مکان علیین آشیان و وقفیه شرعیه مستفاد شد [که تولیت قدیمی] آستانه متبرکه منوره مقدسه عرش درجه (معصومه علی مشرفها السلام) موافق شرع شریف و شرط واقف و استمرار و تولیت مسجد (امام حسن عسکری علیه السلام) و نقابت و پیشوایی مدینه المؤمنین قم و آستانه منوره عرش درجه به آبا و اجداد سیادت و نقابت پناه نجابت دستگاه سلاله السادات و النقباء العظام میر محمد سعید رضوی متعلق بوده و الیوم نوبت تولیت مزبور به سیادت و نقابت پناه منتهی شده و درین وقت به دیوان الصدارة العلیه العالیه حاضر شده، حقیقت استعداد و استحقاق خود را به منصه ظهور رسانیده، طلب و استدعاء امضاء آنها به اسم خود نمود؛ لهذا از ابتداء توشقان نیل^۱ تولیت قدیمی و تولیت مسجد مزبور و نقابت و پیشوایی مدینه القم و آستانه به مشار الیه مرجوع شد که به واجبی به امور مزبوره و لوازم آنها از ترویج و تنسیق و آبادانی مساعی جمیل به تقدیم رسانیده، دقیقه [بی] از دقایق فوت و فرو گذاشت ننماید.

سادات عظام و اکابر ذوی الاحترام و ارباب طریق و درویشان و مباشران و عمله و فعله و خدمه آستانه متبرکه سیادت پناه مشار الیه را متولی قدیمی آستانه و نقیب و پیشوا دانسته، دست تصدی و تکفل او

۱. توشقان نیل: سال خرگوش (فرهنگ فارسی معین).

را در امور مزبوره قوی و مطلق دانند و اعزاز و احترام مشار الیه را به جای آورند و آنچه لازمه امور مزبوره است به مشار الیه مخصوص و متعلق شناسند و از سخن و صلاح شرعی متولی شرعی مزبور بیرون نروند و موافق شرع شریف و شرط واقف و دستور العمل دیوان الصدارة العلیة العالیة حاصل آن سرکار را به وقوف و اطلاع ناظر به مصارف و جوب صرف نمایند. مباشران و مستأجران و رعایا [ی] آن سرکار عشر حاصل آن سرکار را موافق شرع شریف و شرط واقف و استمرار به علت حق التولیة قدیمی مختص متولی شرعی مومی الیه دانند.

طریق سیادت و نقابت پناه متولی و نقیب مزبور آن که در رواج و رونق و نظم و نسق آن سرکار مساعی جمیله به عمل آورد و موافق شرع شریف میانه ارباب طریق عمل نماید و دقیقه [یی] از دقایق فوت و فرو گذاشت ننماید. و هر ساله در این باب خطاب و مثال مجدد نطلبند و از جوانب برین جمله روند. حکام آنجا در باب امر نقابت و پیشوایی تقویت و تمشیت و امداد و اعانت مشار الیه را به جای آورند.

تحریراً فی شهر رمضان المبارک من شهور سنة ۱۰۳۶.

[پشت سند:]

ثبت دفتر موقوفات دیوان الصدارة شد.^۱

متن مثال دوم از میرزا مهدی اعتمادالدولة، صدر شاه عباس دوم که

۱. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۳۳ - ۲۳۱؛ «مثالهای صدور صفوی» سید حسین مدرسی طباطبائی،

در آن تولیت قدیمی آستانه مقدسه به میر محمد سعید رضوی واگذار شده است. البته تکه‌ای از پایین سند افتاده و چند سطری از آن در دست نیست:

«من محمد مهدی بن حبیب‌الله الحسینی

چون به موجب مثال لازم الامثال دیوان الصدارة سابق تولیت قدیمی آستانه (معصومه علی مشرفها الف الف التحية) و تولیت و پیشنمازی مسجد مبارک منسوب به حضرت امام الهمام (امام حسن عسکری علیه السلام) و نقابت و پیشوایی دار المؤمنین قم و آستانه متبرکه مزبوره به سیادت و نجابت پناه نقابت و کمالات دستگاه سلاله السادات و النقباتی شمساً للسیادة و النجابه و النقابة امیر محمد سعید الرضوی متعلق است و تغییری به قواعد آن راه نیافته. بنابراین، مقرر شد که سادات عالی درجات و اکابر و اهالی و خدام و عمله و فعله سرکار فیض آثار و ارباب و اصحاب و کدخدایان و جمهور متوطنین دار المؤمنین مزبور سیادت و نقابت پناه مشار الیه متولی قدیمی آستانه مقدسه و متولی و پیشنماز مسجد مزبور و نقیب و پیشوای آستانه و دار المؤمنین مزبور دانسته، لوازم امور مزبوره را به او متعلق شناسند و دیگری را با او شریک و سهیم ندانند و حق التولی سرکار قدیمی را مختص سیادت و نقابت پناه مشار الیه دانند و موافق معمول و استمرار سنوات سابقه سال به سال واصل سازند.

متولی جلیل القدر آن سرکار حسب المسطور مقرر دانسته، تقویت و تمشیت و اعزاز و احترام سیادت و نجابت پناه مشار الیه به تقدیم

رساند و حق الارض و نذورات آن سرکار فیض آثار را به وقوف و شعور و اطلاع سیادت و نقابت پناه متولی شرعی قدیمی میانه سادات عظام و خدام کرام و عمله قسمت نمایند. سادات عظام و قضات اسلام و عمله آن سرکار فیض آثار مشار الیه را متولی قدیمی آن سرکار دانسته، از سخن و صلاح مشار الیه... ننمایند...^۱.

(۳۵) (۳۶)

۴ و ۵. میرزا یحیی و میر جعفر

آنها تولیت قدیمی سرکار فیض آثار بوده‌اند و در حدود سال ۱۱۳۹ ه. ق. این منصب را بر عهده داشته‌اند؛ اما معلوم نشد که آیا به صورت مشترک تولیت قدیمی را عهده‌دار بوده‌اند یا هر یک بعد از دیگری به این مقام رسیده‌اند؛ چون در نسخه جمع و خرج آستانه چنین آمده است: «حق التولیه: تفویضی...»

قدیمی در وجه جماعت مزبور: میرزا یحیی - میر جعفر^۳.
به احتمال زیاد اسم میر جعفر، میرزا محمد جعفر بوده است که او پدر میرزا محمد ابراهیم مستوفی آستانه در سال ۱۱۳۶ ه. ق. می‌باشد.^۴

۱. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۳۴ - ۲۳۳؛ «مثال‌های صدور صفوی» ص ۱۹.

۲. «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۰۱، تاریخ ۱۱۳۷ را آورده، در حالی که ارجاع ایشان به نسخه جمع و خرج آستانه است که در پایان مجموعه اسناد این جلد، صص ۳۵۶ - ۳۵۷ آمده و در آن تاریخ ۱۱۳۹ ذکر شده است.

۳. «تربت پاکان» ج ۱، ص ۳۵۷.

۴. ر. ک: «سفرنامه قم» افضل الملک، به متن فرمان شاه طهماسب خانی مبنی بر انتصاب میرزا محمد

(۳۷)

۶. میرزا سید احمد مجتهد

وی متولی قدیمی و شرعی آستانه و مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری قمری بوده است.^۱

(۳۸)

۷. میرزا محمد یحیی رضوی

وی متولی قدیمی و شرعی آستانه و نقیب سادات قم در آغاز قرن سیزدهم هجری قمری بوده است.^۲ راجع به فرمان نقابت شخص مزبور که به تولیت نیز اشاره شده است، نویسنده «تربت پاکان» می گوید: «فرمان نقابت گویا از محمد خان قاجار بالای عریضه محمد یحیی الرضوی النقیب متولی شرعی آستانه مقدس، با اشاره به احکام مربوط به این منصب از تیمور تا آن زمان [است].

این سند در اوراق مربوط به خاندان مستوفی نزد آقای بهمن پورادینی دیده می شد، جز آن که اندکی از بالای سند که مشتمل بر سطر اخیر و تاریخ فرمان و مهر شاه بوده است، افتاده؛ لیکن پیداست که فرمان یا از آقا محمد خان است و یا از شاهان زند (به قرینه وقوع مهر در پایان آن).»^۳

→ ابراهیم جهت مقام استیفای آستانه مقدسه مراجعه کنید.

۱. ر.ک: همان، ص ۲۰۲، به نقل از «سفرنامه قم» افضل الملک، ص ۱۴۶.

۲. همان، به نقل از «سفرنامه قم» افضل الملک، ص ۱۴۶ و ۱۴۸؛ «تاریخ قم» فیض، ص ۱۶ پ و ۳۵ ر.

۳. «تربت پاکان» ص ۲۳۷.

(۳۹)

۸. میرزا سید احمد رضوی قمی

وی فرزند میرزا محمد یحیی رضوی است و در نیمه اول قرن سیزدهم هجری قمری متولی شرعی آستانه مقدسه بوده و در سال ۱۲۴۱ ه. ق. درگذشته است.^۱

در مختار البلاد (تاریخ قم نوشته ناصر الشریعة) آمده است:
 «میرزا سید احمد؛ مرحوم میرزای فیض گوید: از فضلی متبحر و علمای متدین این بلد بوده در سرکار فیض آثار به منصب سرکشیکی مفتخر بود. تولیت شرعی سرکار فیض آثار هم با ایشان بوده».^۲
 متن عریضه میرزا سید احمد رضوی درباره تولیت شرعی آستانه مقدسه و متن حکم حاکم شرع، مرحوم آیه الله میرزای قمی مبنی بر صحت تولیت شرعی اوقاف آستانه مقدسه و مسجد امام حسن عسکری علیه السلام چنین است:

«مستول از خدمت بندگان عالی آن که نظر به ارقام سلاطین ماضیه و خواقین سالفه از امیر تیمور [گور] کانیه و عثمان جغیه و پادشاهان صفویه انارالله برهانهم الی شاه طهماسب بن شاه حسین که درباره آباء و اجداد این اقل السادات الی مرحمت پناه میرزا یحیی الرضوی والد مرحوم این اقل السادات احمد الرضوی صادر شده، مشتمله بر آن که از

۱. همان، ص ۲۰۲، به نقل از «تاریخ قم» فیض، برگ ۱۶ نسخه اصل؛ «تحفة الفاطمیین» ج ۱، ص ۴۱۲؛

«تاریخ قم» ناصر الشریعة، ص ۲۵۰.

۲. «تاریخ قم» (مختار البلاد) ص ۲۵۰.

قدیم الایام الی یومنا هذا تولیت شرعی موقوفات آستانه مقدسه معصومه [علیها السلام] و مسجد امام به آباء و اجداد این اقل السادات مرجوع و مفوض بوده، نسلأ بعد نسل و عقبأ بعد عقب الی والد مرحوم این اقل السادات و بعده به این اقل السادات، و الآن مستمر و برقرار است و نظر به صورت وقف نامچه که مجموع آنها به نظر بندگان عالی رسیده و نظر به استفاضه و شیاع و استمرار آنچه بر بندگان عالی ثابت و واضح شده در این باب قلمی و به مهر مهر آثار خود مزین و موشح فرمایند که عند الحاجة حجت بوده باشد. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»^۱.

[متن حکم میرزای قمی رحمة الله علیه]

«هو - نظر به استفاضه و تسامع و تظافر و ملاحظه ارقام و قرائن داخله و خارجه متولی شرعی بودن اجداد عالی جناب فضائل مآب سلالة السادات العظام میرزا سید احمد و انتقال به ایشان در باب موقوفات آستانه مقدسه و مسجد فی الجمله بر حقیر ظاهر است و اما به تفصیل، یعنی این که آیا در همه است یا بعض، بر حقیر محقق نشده است و بعض عدول هم در نزد حقیر اقامه شهادت کرد که من علم دارم به این که جمیع موقوفات شاه طهماسبیه الی مافوق تولیت آن به عالی جناب مشار الیه می رسد و موقوفات ما بعد شاه طهماسب را علم ندارم و ما شهدنا الا بما علمنا و کتبه الاقل عبده ابوالقاسم بن حسن»^۲.

۱. «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۳۸.

۲. همان، صص ۲۳۹ - ۲۳۸.

(۴۰)

۹. میرزا سید محمد حسین

وی فرزند میرزا سید احمد رضوی قمی است و با توجه به عریضه او به آیه الله سید اسماعیل رضوی مجتهد قم و حکم مجتهد مذکور که یکی از بزرگ ترین شاگردان میرزای قمی رحمه الله علیه بوده، می توان استفاده کرد که تولیت شرعی آستانه مقدسه و مشهد اردهال، یعنی مزار علی بن محمد الباقر علیه السلام را داشته و به دنبال تنفیذ آن از طرف شاه بوده است. وی در دوران محمد شاه قاجار متولی بوده و گویا آخرین متولی شرعی و قدیمی آستانه مقدسه بوده است. در اواخر زمان شاه مزبور به تولیت تفویضی نیز برگزیده شد، اما در این مقام نپایید.^۱

متن عریضه:

«به شرف عرض مقدس بندگان عالی می رساند که از قرار فرامین سلاطین ماضیه طاب الله ثراهم وجعل الجنة مثواهم مثل سلطان عادل امیر تیمور گورکان و سلاطین بعده تولیت مشهدين منورین مشهد مقدس معصومه طاهره، ستنی فاطمه بنت امام همام موسی الکاظم علیها و علی آبائها السلام و مشهد منور علی بن محمد باقر علیه التحیه و الثنا با [آ]باء عظام و اجداد کرام این داعی (میرزا محمد حسین بن میرزا سید احمد الرضوی القمی) بوده و الیوم من حیث الارث منتقل به این داعی دوام دولت قاهره می باشد. مستدعی از مراحم بی کران آن است که از مراتب مزبوره آنچه به سرکار شریعت مدار واضح و لایح و هویدا

می باشد، در فوق عریضه به خط شریف تحریر و مهر شریف منیر فرمایند که عند الحاجة حجت بوده باشد. امره العالی مطاع مطاع.^۱

متن حکم حاج سید اسماعیل رضوی مجتهد قم:

«بسم الله تعالى - بلی به ملاحظه فرامین قدیمه و سائر...^۲ قدیمه و جدیده تولیت شرعیه روضه متبرکه عرش درجه فاطمیه علیها السلام و تولیت بقعه مبارکه علی بن محمد الباقر در مشهد بار کرسف اردهال من محال بلده طیبه قم صانها الله عن التلاطم و التصادم با اجداد کرام و آباء عظام جناب مستطاب میرزا محمد حسین سائل بوده و الحال تولیت شرعیه روضه فاطمیه علیها السلام به استمرار قدیم الی الحال برقرار می باشد. مستدعی از امناء دولت قاهره سلطانیه چنان است به ایشان مرحمت و مفوض فرمایند. و الله المعین.

کته الجانی اسماعیل بن جعفر الرضوی.^۳

پایان تولیت قدیمی یا شرعی

تولیت شرعی یا قدیمی آستانه مقدسه حضرت فاطمه علیها السلام که در خاندان سادات رضوی بوده است، چنان که گفته شد از اواخر قرن دهم هجری قمری شروع و تا حدود نیمه دوم قرن سیزدهم و حداکثر تا اوایل نیمه اول قرن چهاردهم ادامه داشته و بعد از میرزا سید محمد حسین، فرزند میرزا سید احمد رضوی که گویا آخرین متولی شرعی

۱. همان، ص ۲۳۹.

۲. شاید کلمه «شهادت» باشد.

۳. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۴۰ - ۲۳۹.

اوقاف آستانه مقدسه بوده، کسی این تولیت را نداشته است.

در زمان خود میرزا سید محمد حسین و حتی پدر او میرزا سید احمد رضوی نیز آنان برای ابقای تولیت شرعی مشکلاتی داشته‌اند که متوسل به عرایض و شکایات و جمع‌آوری شواهد مطمئن از حکام شرع و بزرگان آن زمان شده‌اند. میرزا سید محمد حسین اولاد ذکور نداشته است و تنها بازمانده او دختری به نام سیده رقیه رضوی بوده که همسر حاجی آقا تقی ولد سید جعفر، سرکشیک سرکار فیض آثار (سرکشیک آستانه) بوده است. وی علی‌رغم تلاش فراوان، نتوانست تولیت شرعی را برای خود احیا نماید و دعاوی خود را به اثبات برساند؛ هرچند تا مدت‌ها وجه اجاره «دشیر» و «پرچون» سلطانیه را که از موقوفات بیگمی بوده، دریافت می‌کرده است.

این تلاش‌ها و کشمکش‌های دامنه‌دار میان بازماندگان دودمان تولیت قدیمی و خاندان مقتدر متولی تفویضی آستانه مقدسه ادامه داشت تا سرانجام نواده دختری میرزا سید محمد حسین به سازش تن در داد و بنابر آنچه در مصالحه‌نامه مورخ ۱۲ شوال ۱۳۴۶ ه. ق. که به گواهی دو تن از علمای آن دوره قم رسید، برای بقای خود در منصب سرکشیکی آستانه همه حقوق تولیت قدیمی را در برابر «یک سیر نبات معمولی بلده طیبه قم» به متولی تفویضی آستانه واگذار نمود و بعد از این تاریخ (شوال ۱۳۴۶ ه. ق.) تولیت تفویضی قدرت مطلقه آستانه مقدسه را به دست گرفت و تمامی موقوفات آستانه را عهده‌دار گردید.^۱

بخش چهارم

متولیان «تفویضی» یا «جدیدی»

فصل اول

توضیح مختصر دربارهٔ تولیت جدیدی

چنان‌که در ابتدای بخش سوم توضیح داده شد، در اواخر قرن دهم هجری قمری با دگرگونی و تحول در نحوهٔ ادارهٔ امور اوقاف و تولیت مشاهد و مزارات که دارای اوقاف زیادی بودند، تولیت «جدیدی» یا «تفویضی» و به عبارتی، تولیت دولتی در مقابل تولیت «شرعی» یا «قدیمی» پدید آمد و تمامی امور مشاهد و مزارات را در اختیار خود گرفت. تولیت آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام نیز دچار چنین تحولی شد و به جز موقوفات خاص که در دست تولیت شرعی باقی ماند، ادارهٔ تمامی امور در اختیار تولیت تفویضی یا جدیدی قرار گرفت و عملاً سادات رضوی که مدتهای طولانی متولی مطلق آستانه بودند، از این منصب کنار گذاشته شدند.

فصل دوم

تشکیلات آستانه مقدسه در دوره صفویه

در دوره صفویه که تولیت تفویضی در آستانه به وجود آمد، تشکیلات، ابنیه و موقوفات آستانه مقدسه به گسترده‌گی حال نبوده است. ابنیه آستانه را حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام، ایوان طلا، صحن عتیق و به مرور زمان، مقابر شاهان صفوی تشکیل می‌دادند و در زمان شاه طهماسب صفوی، آستانه مقدسه قم حدود پنجاه نفر خادم داشته است که پاسبانی حرم و انتظام داخل آستانه را بر عهده داشته‌اند.^۱

در «سیاحتنامه شاردن» آمده است که سازمان اداری آستانه قم بر عهده سه نفر از رجال معتبر ایران می‌باشد و هر یک سرپرست و متولی یکی از بارگاههای سه‌گانه^۲ هستند و نفایس و خزاین مزارات زیر نظر آنها بوده، بودجه و عایدات مربوطه با مراقبت و ترتیب و تنظیم و

۱. ر.ک: «راهنمای قم» ص ۱۰۵.

۲. مقصود آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام و دو مقبره از مقابر شاهان صفوی می‌باشد.

مدیریت آنان می‌باشد.^۱ بنابراین، حرم مطهر و مقابر شاهان صفوی هر کدام تولیت جداگانه‌ای داشته‌اند.

چنان‌که در همان کتاب نوشته است که بودجه سالیانه بارگاه حضرت معصومه علیهاالسلام و مرقد شاه عباس ثانی و شاه صفی اول مبلغ سه هزار و دویست تومان است و از این مبلغ، هزار و پانصد تومان برای مرقد شاه عباس ثانی و هزار تومان برای مزار شاه صفی اول و تنها هفتصد تومان برای بارگاه مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام اختصاص دارد. و این وجوهات برای نگهداری بنای بارگاهها و مرمت خرابیها و حفاظت از اثاث و لوازم و شموع و مشاعل و همچنین تأمین معاش روحانیان مقیم آستانه و اطعام و انفاق به فقرا می‌باشد. در آن زمان، همه روزه از طرف آستانه مبارکه و مزار شاهان صفوی ارزاق و خوار و بار بین واردین و خدام توزیع و تقسیم می‌شده و پول نقد خیلی کمی به کارکنان و خدام آستانه داده می‌شده و بلکه حقوق آنها به صورت جنس و کالا پرداخت می‌شده است.^۲

در زمان تولیت میرزا سید حبیب‌الله، فرزند میر سید حسین خاتم المجهت‌دین، جد متولیان از سادات حسینی آستانه مقدسه، وی بنابر مقتضیات زمان و احتیاجات آستانه، هفتاد نفر بر تعداد خدام افزود و شغل آنها را به شرح ذیل تعیین نمود:

۱. ر.ک: «سیاحتنامه شاردن» ترجمه محمد عباسی، ج ۳، ص ۷۷.

۲. ر.ک: همان، صص ۷۷-۷۶؛ «دستور الملوك» فصل چهارم از باب یکم؛ «سازمان اداری حکومت صفوی» ص ۲۶۱.

۱. مستوفی: مقام استیفاء بعد از شخص تولیت، بالاترین مقام در آستانه بوده که مسؤول تنظیم حساب درآمد و هزینه آستانه و مصرف آن و نگهداری سوابق خدام بوده است.
۲. مشرف: مسؤول نگهداری و تنظیم دو دفتر: یکی ثبت اسناد آستانه و دیگری ثبت تعداد و مشخصات هدایا بوده است.
۳. خازن: مسؤول نگهداری نفایس و عتیقه‌جات آستانه بوده است و کار موزه فعلی را انجام می‌داده است.
۴. ضابط: کسی که اثاثیه خارج از خزانه را که در حرم یا بیوتات دیگر بوده یا مورد احتیاج کشیک خدام بوده، نگهداری و ضبط و ثبت می‌نموده است.
۵. سرکشیک: مسؤول انتظام داخلی یا به عبارت دیگر، مدیریت داخلی آستانه مقدسه بوده است.
۶. خطیب: آن که با حضور خدام آستانه خطبه‌ای که شامل حمد و ثنای پیامبر صلی الله علیه و آله و دعا برای سلطان وقت بوده، می‌خوانده است.
۷. خادم: کسی که تحت نظر سرکشیک به نگهداری آستانه مقدسه می‌پرداخته است.
۸. امام جماعت: آن که با انتصاب تولیت، متصدی اقامه نماز جماعت در آستانه مقدسه می‌شده است.
۹. زیارت‌نامه‌خوان و قاری قرآن: که این نیز انتصابی بوده است.
۱۰. مؤذن: آن که با انتصاب متولی اذان را در آستانه می‌گفته است.

۱۱. قندیلچی: که متصدی روشنای شمعها و قنادیل بوده است.
 ۱۲. کسانی نیز موظف به نظافت محوطه و آبیاشی در مسجد بوده‌اند.
 ۱۳. آبکش: که آب لازم را برای وضو و تطهیرات تهیه می‌کرده است.^۱
 علاوه بر موارد فوق، بعدها شغل‌های دیگری نیز به مرور زمان مورد
 احتیاج شده که تولیت آستانه افرادی را برای آن شغلها منصوب
 می‌نموده است.

۱. ر.ک: «راهنمای قم» صص ۱۰۶-۱۰۵؛ «سیاحتنامه شاردن» ج ۳، ص ۷۷؛ «دستور الملوک» ص ۲۶۱؛ «سازمان اداری حکومت صفوی» ص ۲۶۱.

فصل سوم

چگونگی روی کار آمدن متولیان جدیدی یا تفویضی

در تحولات و دگرگونیهای مربوط به اوقاف و مزارات چنانکه گفته شد، تولیت آستانه مقدسه به دو دسته تقسیم شد: یکی تولیت شرعی که طبق شرط واقف می‌بایست تولیت با آنها باشد. و دیگری تولیت تفویضی که تولیت سایر اوقاف (غیر از آنکه واقف شرط کرده) و سرپرستی و تولیت آستانه به مرور زمان به دست آنان افتاد.

در باره چگونگی انتقال تولیت شرعی از سادات رضوی قم به تولیت تفویضی سادات حسینی، گفتنی است که میرزا سید حسین خاتم‌المجتهدین کرکی، جد سادات حسینی، نزد صفویه بسیار مورد احترام و مقرب بود و فرزندان و خاندان وی در دستگاه حکومتی سلسله مزبور دارای مناصب مهم دیوانی، قضایی و دینی بودند؛ به طوری که در کارهای مهم با آنها مشورت می‌شد و در مسافرتها شاهان صفوی همراه آنان بودند.

به همین علت، یعنی نفوذ بسیار زیاد این خاندان در دستگاه صفویه

و به جهت جایگاه علمی و تقوا و کیاست آنان بود که میرزا حبیب‌الله، فرزند سید میرزا حسین خاتم‌المجتهدین به قم فرستاده شد و سپس به عنوان متولی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیهاالسلام معرفی گردید. حال به چه منظوری تولیت را از دست سادات رضوی گرفتند و آنها را محدود کردند، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما طبق گفته افضل الملک در «سفرنامه»، اینکه تولیت از آبا و اجداد حاجی میرزا تقی (یکی از سادات رضوی قم) متنزع شده و به آبا و اجداد جناب سید حسین متولی‌باشی رسیده، این است که یکی از اجداد متولی‌باشی، یعنی میرزا سید حبیب‌الله، با جنازه و نعش سلطان صفوی از اصفهان به قم آمد تا سلطان را در جوار حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام دفن کند. آن‌گاه به عنوان تولیت مقبره «سلطان صفوی» در قم باقی ماند تا موقوفات مقبره صفویه را به مصارف خود رساند.

بعد از مدتی که در قم ماند، نفوذی پیدا کرد و چون از طرف سلاطین صفویه به این شهر آمده بود و قبور آباء ایشان را تولیت می‌نمود، مرجع اهالی قم نیز شد و هر هفته و هر ماه به دولت صفویه کاغذها و نامه‌ها می‌نوشت و موارد مختلف را گزارش می‌کرد. در یکی از آن نامه‌ها که به اصفهان - پایتخت شاهان صفوی - فرستاد، شرح حال اغتشاشات امور آستانه مقدسه قم و بی‌نظمی موقوفات آن را نوشت و این سبب شد که از جانب سلاطین صفوی، تولیت عرفی (همان تولیت تفویضی یا جدیدی) برای او رسید تا در موقوفات و امور آستانه مقدسه رسیدگی نماید و تولیت آنجا را بر عهده بگیرد و چنین مقرر شد که سادات

رضوی متولی شرعی، و سادات حسینی متولی عرفی و یا دولتی (تفویضی) باشند و انتظام امور آستانه با آنها باشد.

رفته‌رفته سادات رضوی ضعیف شدند و سادات حسینی نفوذ بیشتری پیدا کردند و به مرور زمان تولیت مطلق آستانه مقدسه را در دست گرفتند. البته بعد از انقراض سلسله صفویه نیز که سلاطین افشار و زند و قاجار بر سر کار آمدند، رسم صفویه را که بر اساس تولیت قدیم و جدید بود، بر هم نزدند و به همان ترتیب، عمل می‌کردند. در این بین، سادات رضوی علاوه بر تولیت اوقاف خاص آستانه، در بسیاری از مواقع، استیفای حرم را نیز عهده‌دار بوده و در آستانه مقدسه مشاغل گوناگون داشته‌اند، اما قدرت غالب با سادات حسینی بوده است.^۱

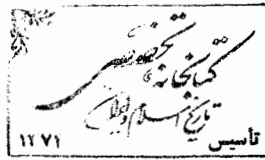
افضل الملک در سفرنامه خود مقداری جانب سادات رضوی را گرفته و به خاندان سادات حسینی بدبینانه نگریسته است. اگرچه بسیاری از مطالب را درست نوشته، اما باید گفت که در حدود یک قرن، بعد از دگرگونی در اداره اوقاف و آستانه‌ها، سادات حسینی تولیت آستانه مقدسه را بر عهده نداشتند و سلاطین صفوی این منصب را به بعضی از امرا و بزرگان اهل علم که از سادات حسینی نبوده‌اند، می‌سپردند؛ افرادی مثل: مولانا آقاجانی تبریزی، علی قلی خان خلجی قمی و دیگران. و این انتصابها نشان می‌دهد که نگرش افضل الملک با تحولات و واقعیات متفاوت است.

در عین حال، درست است که مدتی تولیت به غیر سادات حسینی

۱. ر.ک: «سفرنامه قم» افضل الملک، صص ۲۰۶-۲۰۴.

سپرده می شده، اما به نظر می رسد که تحت اشراف و نظارت سادات حسینی به این مقام رسیده اند؛ زیرا سادات حسینی در مشاغل مهم دیوانی، قضایی، مذهبی و دینی اشتغال داشتند و در مسافرت های شاهان همراه آنها بودند؛ لذا به احتمال زیاد، این متولیان با نظر آنها و یا در بعضی موارد به نیابت از آنان در آستانه مقدسه متولی می شدند و امور آستانه را انتظام می بخشیدند، تا هم آنان به کارهای مهم تر خود برسند و هم سادات رضوی دوباره به تولیت مطلق آستانه دست نیابند و خود بتوانند بعدها به قم آمده، تولیت مطلق آستانه را عهده دار شوند.

نکته دیگر اینکه توسعه حرم مطهر و اضافه شدن مزارات شاهان صفوی و اضافه شدن موقوفات حرم مطهر، ایجاد تولیتی قوی تر و منظم تر را اقتضا می کرده که به نظر می رسد تولیت قدیمی نتوانسته آن چنان که شایسته است از عهده این مهم بر آید.



فصل چهارم

متولیان جدیدی یا تفویضی که از سادات حسینی و رضوی نبوده‌اند

(۴۱)

۱. مولانا آقا جانی تبریزی

وی مردی دانشمند و فاضل و از علمای بزرگ عصر خود بوده و در اواخر قرن دهم هجری قمری، مدتی متولی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام بوده است. او در ذی حجه سال ۹۹۹ ه. ق. پس از تشرف به مکه مکرمه و انجام مراسم حج و طواف رکن و مقام در آن بلدة طویه و معظمه، جان به جان آفرین تسلیم کرد و در همانجا به خاک سپرده شد.^۱

(۴۲)

۲. میرزای عالمیان خواجه میرزا محمد شفیع کدکنی نیشابوری^۲

میرزا محمد شفیع، نیای نور جهان زن جهانگیر و ممتاز محل، مادر

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۳؛ «خلاصة التواریخ» ص ۹۹، چاپ و یسبادن.

۲. ر.ک: «تاریخ عالم آرای عباسی» اسکندر بیگ ترکمان، ج ۲، ص ۷۰۸ و ۸۰۳ و ۱۰۹۳؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» ص ۸۲.

اورنگ زیب و دار اشکوه است.^۱ وی از شیخزاده‌های کدکن از توابع نیشابور بوده است. آقای محمد تقی دانش‌پژوه در مقدمه «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم»^۲ به نقل از آقای دکتر عطاردی متولی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در ری بیان می‌کند که میرزا محمد شفیع کدکنی نیشابوری متولی آستانه قم بوده است.

وی در عنفوان جوانی در مشهد مقدس نزد کتاب سرکار حاکم، نویسندگی را آموخت و ملازم کاظم قلی خان پرناک شد و بعد از فوت کاظم قلی خان، وزیر ابراهیم خان ترکمان شد. وقتی ابراهیم خان ترکمان از منصب خود برکنار شد، میرزا محمد شفیع نیز در اردوی معلى بی‌سر و سامان گشت تا اینکه در سال ۱۰۰۰ ه. ق. هنگامی که فرهاد خان به نیشابور می‌رفت، در توشقان نزد خان رفت و التماس ملازمت وی را نمود و چون رخصت ملازمت و همراهی یافت، در آن سفر به تحریر مکتوبات اقدام نمود و رفته رفته جوهر قابلیت او ظاهر گشته، به رشد و کاردانی رسید و روز به روز بر عزت و اعتبارش افزوده شد و بارها فرهاد خان در حضور شاه عباس اول زبان به توصیف او گشود و از کاردانی او اظهار خشنودی کرد.

بعد از فرهاد خان مورد لطف شاه عباس نیز قرار گرفت و به وزارت کل گیلان منصوب شد و در آن منصب خدمات پسندیده به جای آورد و

۱. ر. ک: «فهرست نسخ خطی آستانه مقدسه قم» ص ۸۲.

۲. همان.

به او خطاب عالی میرزای عالمیانی نمودند و بعد وزارت، دارالسلطنه قزوین نیز به او واگذار شد و در سال ۱۰۱۵ ه.ق. منصب وزارت کل خراسان هم به مناصب وی اضافه شد و رتق و فتق و تنظیم امور آن ولایت و جمیع امور ملک و مالی و عزل و نصب عمال و کلانتران به رأی و رویه او منوط و مربوط گشته، اختیار و اقتدار تام یافت.

میرزا محمد شفیع با امرای خراسان خصوصاً محراب خان، حاکم مشهد مقدس، سلوک ناهنجار پیش گرفت؛ لذا حسب الامر شاه عباس از مناصب مذکور عزل و چند گاهی از قرب دربار شاهنشاهی دور افتاد و در بیلاقات اصفهان مریض گشته، به قزوین رفت و در آنجا بیماری او شدت یافت و در اثر بیماری در اوایل سال ۱۰۱۸ ه.ق. (سال بیست و سوم جلوس شاه عباس) از دنیا رفت.

از گماشتگان او بهزادبیک استرآبادی وزیر گیلان و اصلان بیک وزیر قزوین و میرزا ابوالقاسم وزیر مازندران که از بستگان وی بود و همچنین خواجه کمال الدین حسینی وزیر مشهد مقدس بوده‌اند.^۱

(۴۳)

۳. علی قلی خان خلجی قمی

وی فرزند قرچقای خان می‌باشد. علی قلی خان فیلسوف و حکیم و دانشمند بزرگ قرن یازدهم هجری قمری می‌باشد که در سال ۱۰۲۰ ه.ق. متولد شده و در سال ۱۰۹۷ یا ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ ه.ق.

۱. ر.ک: «تاریخ عالم آرای عباسی» ج ۲، صص ۸۰۴-۸۰۳.

در گذشته است.^۱ آثار گرانبهای متعددی از او برجای مانده است،^۲ مثل: احیاء حکمت، الاربعون حدیثا، الایمان الکامل، ایمان و کفر، تعلیقات بر شرح اشارات خواجه طوسی، التمهیدات، التنقیحات، خزائن جواهر القرآن و غیر آن.

او از شاگردان برجسته محقق آقا حسین خوانساری و ملا حکیم شمس الدین گیلانی بوده^۳ و در دوره شاه عباس دوم یا شاه سلیمان مدتی متولی آستانه مقدسه بوده است.^۴

(۴۴)

۴. مهدی قلی خان

مهدی قلی خان، فرزند علی قلی خان بن قرچقای خان است. او مدتی در دوره شاه سلطان حسین یا شاه سلیمان متولی آستانه مقدسه بوده است.^۵

وی شاعر، ادیب و دانشمند بوده و تخلص او در شعر صفاً بوده

۱. ر.ک: «الذریعة» ج ۲۰، ص ۲۲۸؛ «تذکره نصرآبادی» محمد طاهر نصرآبادی اصفهانی، ص ۳۱؛

«تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۳.

۲. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۲، ص ۲۳۶؛ و همچنین جاهای مختلف «الذریعة».

۳. ر.ک: «خدمات متقابل اسلام و ایران» مرتضی مطهری، ص ۵۹۲؛ «الذریعة» ج ۱، ص ۳۰۸.

۴. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۳؛ «تذکره نصرآبادی» ص ۳۱.

۵. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۴، به نقل از «جنگ شماره ۴۸۰۸ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران» (معرفی شده در فهرست آنجا ۱۴: ۳۸۴۵)، ص ۱۷۴.

۶. ر.ک: «تذکره نصرآبادی» محمد طاهر نصرآبادی، ص ۳۱؛ «تربت پاکان» ج ۲، ص ۲۴۱ - ۲۳۵؛

«فرهنگ سخنوران» خیابپور، ص ۳۳۷.

است. دو اثر برای او نقل شده: یکی «دیوان صفا قمی» و دیگری «سما» الاسماء» که در لغت عربی به فارسی است و کتاب مفصل و بزرگی می باشد.^۱

مدرسه خان قم که در گذر عبدالله خان است، توسط او در سال ۱۱۲۳ ه. ق. ساخته و تأسیس شد.^۲ قبر وی در حجره کنار راهرو ورودی مدرسه خان است که پس از احداث خیابان ارم این شهر جزء پیاده رو شده است.^۳

(۴۵)

۵. نظر علی بیک

او باید نظر علی بیک، فرزند نجف قلی بیک، ناظر بیوتات سرکار خاصه شریف باشد که پدر او مدرسه‌ای در قم بنا کرده و خود وی در ۸ ذی قعدة سال ۱۱۱۵ ه. ق. در پیرامون این شهر کشته شد و در طنابی^۴ که به جهت مرقد شاه سلیمان در آستانه حضرت معصومه علیها السلام ساخته بودند، به خاک رفت.^۵ او مدتی متولی آستانه قم بوده است.^۶

۱. ر.ک: «الذریعة» ج ۹، صص ۶۱۰-۶۰۹ و ج ۱۲، ص ۲۲۸؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۴.

۲. ر.ک: «الذریعة» ج ۱۲، ص ۲۲۸؛ «تربت پاکان» ج ۲، ص ۲۳۵.

۳. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۲، ص ۲۴۱.

۴. طنابی: تالار، اطاقی وسیع.

۵. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۴؛ «وقایع السنین» صص ۵۵۴-۵۵۳.

۶. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۴، به نقل از «مجموعه ۲۵۹۱ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران» (شناسنامه شده در فهرست آنجا ۹: ۱۴۲۲ - ۱۳۹۵)، نامه شماره ۹۲ هاشم، کتابی که میرزا محمد جعفر، وزیر سابق قلعه ایروان به خدام نظر علی بیک متولی قم نوشته است.

(۴۶)

۶. میرزا سید محمد حسین

میرزا سید محمد حسین، فرزند میرزا سید احمد رضوی قمی است و آخرین متولی شرعی آستانه مقدسه قم بوده است. وی در اواخر عهد پادشاهی محمد شاه به معاضدت مرحوم میرزا نصرالله صدر الممالک که از عظمای امرای پادشاهی بود، به تولیت آستان فاطمه معصومه علیها السلام سرافراز شد تا آنکه این پادشاه از دنیا رفت. و چنانکه گفته شد ایشان به دنبال تجدید فرمان و تنفیذ حکم تولیت شرعی از طرف شاه جدید، ناصرالدین شاه بوده، و در کتاب «تربت پاکان» آمده است^۱ که او بدین منظور به دار الخلافه رفته که در این حین، فتنه بابیه به اوج خود می‌رسد و سرخیل این فتنه حاجی محمد علی در قلعه طبرس مازندران بوده است. بنابراین میرزا سید محمد حسین فرمان تولیت را در دست کتاب دفترخانه نا تمام گذاشته، به سوی قلعه طبرس می‌رود. حال معلوم نیست فرمان تولیت، تولیت قدیمی بوده یا تولیت تفویضی. از این رو، نام میرزا سید محمد حسین هم در اینجا ذکر شد و هم در تولیت قدیمی.

او را در این جریان «به جرم دستیاری با بابیان از قم به تفصیلی که در تذکره شعراء و جنگ فیض آمده است، به عتبات عالیات تبعید نمودند و وی تا پایان زندگی در کاظمیه مقیم بود و در همان جا

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۴۵ - ۲۴۴، به نقل از «تذکره فیض» ش ۱۴۵، کتابخانه آیه الله

مرعشی و جنگ شماره ۱۴۶ همان جا، هر دو در عنوان وفا - میرزا آقا.

درگذشت. پیداست که این اتهام بی اساس از سوی دشمنان سید بر او وارد آمده بود.^۱

۱. «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۵.

فصل پنجم

متولیان تفویضی یا جدیدی که از سادات حسینی قم بوده‌اند

(۴۷)

۱. سید میرزا حبیب الله

وی فرزند میرزا سید حسین خاتم المجتهدین بن الحسن الحسینی الموسوی العاملی الکرکی می‌باشد. خاندان سادات حسینی معتقدند وی اولین شخص از سادات حسینی است که به تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام انتخاب شد. او دانشمند جلیل القدر و عظیم الشأن و معاصر با شیخ بهایی رحمة الله علیه بوده است. جدّ و پدر و اولاد و برادرش نیز همگی از فضلا و دانشمندان بوده‌اند.^۱

سید میرزا حبیب الله در سال ۱۰۴۲ ه. ق. پس از عزل میرزا رفیع شهرستانی به صدارت رسید.^۲ او همواره مورد توجه خاص شاه صفی

۱. ر.ک: «امل الآمل» ج ۱، ص ۵۶؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۵؛ «ریاض العلماء» ج ۲، صص ۷۵-

۶۲؛ «وقایع السنین» ص ۴۸۸ و ۵۲۲ و ۵۵۵.

۲. ر.ک: «ذیل عالم آرای عباسی» اسکندر بیک ترکمان، صص ۹۲-۹۰؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۶.

بوده است و فرزندان وی تا پایان سلسله صفویه مناصب مهم دیوانی و صدارت و تولیت و غیر آن را داشته‌اند. وی تا سال ۱۰۴۲ ه. ق. متولی آستانه مقدسه بوده است که پس از رسیدن به مقام صدارت شاه صفی، پسرش سید میرزا محمد مهدی جانشین او شد. میرزا حبیب‌الله در سال ۱۰۶۳ ه. ق. درگذشت.^۱ به احتمال زیاد میرزا حبیب‌الله ابتدا برای تدفین شاه عباس ثانی به قم آمد و بعد از آن به عنوان متولی مزار او انتخاب شد و پس از آن متولی آستانه مقدسه شد.

(۴۸)

۲. سید میرزا محمد مهدی اعتماد الدولة

سید میرزا محمد مهدی، فرزند سید میرزا حبیب‌الله الموسوی العاملی الکرکی می‌باشد و در سال ۱۰۵۲ ه. ق. متولی آستانه مقدسه بوده است.^۲ ایشان در سال ۱۰۶۳ ه. ق. یعنی بعد از درگذشت پدرش، میرزا حبیب‌الله، به مقام صدارت شاه عباس دوم رسید و بعد از آن، به مقام وزارت اعظمی برگزیده شد.

او در مقام وزارت اعظمی شاه عباس دوم و شاه سلیمان از سال ۱۰۷۲ تا سال ۱۰۸۱ ه. ق. باقی ماند و در سال ۱۰۸۱ ه. ق. از وزارت اعظم برکنار شد^۳ و در همان سال یا سال ۱۰۸۲ ه. ق.^۴ درگذشت. او

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۶؛ «مثالهای صدور صفوی» صص ۱۹-۱۸.

۲. ر.ک: «ذیل عالم آرای عباسی» ص ۲۵۷؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۶.

۳. ر.ک: «تذکره نصرآبادی» ص ۱۶؛ «مثالهای صدور صفوی» ص ۱۹.

۴. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۶.

مردی عالم و دانشمند، فاضل، جلیل القدر و عظیم الشأن بوده است^۱ و صاحب «دیوان میرزا مهدی صدر» است.^۲ از وی در فرمان مورخ ۱۰۶۶ ه. ق. شاه عباس دوم در مورد موقوفات آستانه ری با عنوان صدر ممالک محروسه یاد شده است و توقیع و مهر او پشت بسیاری از فرمانهای شاه صفی و شاه عباس دوم دیده می شود.^۳

(۴۹)

۳. سید میرزا محمد معصوم

وی فرزند سید میرزا محمد مهدی صدر و نوۀ میرزا حبیب الله می باشد. او شخصیتی فاضل، عالم، محقق و جلیل القدر است.^۴ هنگام نقل جسد شاه عباس دوم به قم برای تدفین، او متولی آستانه مقدسه بوده است^۵ و بعد از اینکه پدرش میرزا محمد مهدی صدر به مقام صدارت رسید، به جای پدر تولیت آستانه را بر عهده گرفت. او بر طبق وقف نامه ای موجود از جانب میر محمد هاشم گیلانی بر آستانه مقدسه و مدرسه آن، در سال ۱۰۴۶ ه. ق. متولی آستانه بوده است.^۶

۱. ر. ک: «امل الآمل» ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. ر. ک: «الذریعة» ج ۹، ص ۱۱۳۴.

۳. ر. ک: «اسناد آستانه ری» ص ۹۷؛ «سازمان اداری حکومت صفوی» ذیل نام میرزا مهدی صدر.

۴. ر. ک: «امل الآمل» ج ۱، ص ۱۸۰.

۵. ر. ک: «سیاحتنامه شاردن» ج ۹، ص ۱۲۸؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۶.

۶. ر. ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۱۵۵.

در سال ۱۰۹۱ ه. ق. پس از درگذشت عمویش، (میرزا علی رضا)، شیخ الاسلام اصفهان شد^۱ و قبل از اینکه شروع به کار کند، در سال ۱۰۹۵ ه. ق. درگذشت.^۲

(۵۰)

۴. سید میرزا محمد امین

سید میرزا محمد امین فرزند دیگر سید میرزا محمد مهدی اعتماد الدوله می باشد که مردی عالم، دانشمند و فقیه بوده است. او بعد از آنکه میرزا محمد معصوم، برادرش به شیخ الاسلامی اصفهان انتخاب شد، از سال ۱۱۰۲ ه. ق. تولیت آستانه مقدسه را بر عهده گرفت و تا اواخر سال ۱۱۱۱ ه. ق. در این منصب قرار داشت^۳ و در ۱۴ محرم سال ۱۱۱۶ ه. ق. به منصب قضای اصفهان منصوب شد و در سال ۱۱۱۷ ه. ق. درگذشت.^۴ از او دو پسر شناخته شده است: یکی میرزا سید محمد که پس از درگذشت پدر منصب قضا در اصفهان را عهده دار شد^۵ و دیگر میرزا سید حسن که بعدها مدتی طولانی متولی تفویضی آستانه مقدسه گردید.

۱. ر.ک: «امل الآمل» ج ۱، ص ۱۸۰؛ «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۶.

۲. ر.ک: «امل الآمل» ج ۱، ص ۱۸۰؛ «ریاض العلماء» ج ۵، صص ۱۸۳ - ۱۸۴.

۳. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۷، که ارجاع به عرضهای روی نسخ قرآن و کتابهای آستانه داده است.

۴. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۷؛ «وقایع السنین» ص ۵۵۵.

۵. ر.ک: همان مدارک.

(۵۱)

۵. میرزا سید ابوطالب

او فرزند میرزا سید محمد معصوم و نواده میرزا محمد مهدی اعتماد الدولة است. به نظر می‌رسد میرزا سید ابوطالب از سال ۱۱۱۶ ه. ق. که عمویش، میرزا محمد امین به منصب قضای اصفهان منصوب شد، تولیت جدیدی آستانه مقدسه را بر عهده داشته است. البته در «تربت پاکان» آمده که وی از ذی حجه سال ۱۱۱۱ تا ذی قعدة ۱۱۲۵ ه. ق. متولی آستانه مقدسه بوده است. آنگاه بر اثبات این مطلب به عرضهای^۱ روی نسخ قرآن و کتابهای آستانه ارجاع می‌دهد،^۲ در حالی که استفاده اینکه مقام تولیت در عرضهای روی نسخ قرآن و کتابها با نام میرزا سید ابوطالب بوده، کمی مشکل است. بنابراین، او در سال ۱۱۱۱ یا ۱۱۱۶ تا سال ۱۱۲۵ ه. ق. متولی آستانه بوده است.

(۵۲)

۶. سید میرزا محمد مهدی

میرزا محمد مهدی، فرزند دیگر میرزا محمد معصوم است که در فاصله سال ۱۱۲۵ تا رمضان سال ۱۱۲۹ ه. ق. مدتی تولیت جدیدی

۱. عرض: ورقه‌ای که شکایت خود را در آن نویسند، اظهار شخص کوچکتر مطلبی را به بزرگتر (فرهنگ معین). عرض روی نسخ قرآن همان نوشته‌های روی قرآن و کتابها که معمولاً متولیان یا واقفین می‌نگاشتند.

۲. ر. ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۷.

آستانه مقدسه را بر عهده داشته است.^۱ البته کتاب «تربت پاکان» با استناد به عرضها، سال ۱۱۳۰ ه.ق. را سال عهده دار شدن مقام تولیت برای او ذکر کرده، در حالی که در اصلاحیه آخر همین کتاب آمده که شاه سلطان حسین در سال ۱۱۲۹ ه.ق. میرزا سید حسن، فرزند میرزا محمد امین را به مقام تولیت برگزیده است. در نتیجه، بنابراین سخن، میرزا محمد مهدی مذکور در این سال متولی آستانه نبوده است و شاید آمدن اسم او در عرضها، به جهت داشتن منصب دیگری، در آستانه مقدسه بوده است.

(۵۳)

۷. میرزا سید حسن

فرزند میرزا سید محمد امین و نواده میرزا سید محمد مهدی اعتماد الدوله می باشد^۲ و دو فرمان در واگذاری تولیت آستانه مقدسه به میرزا سید حسن به دست آمده که هر دو از شاه سلطان حسین است: یکی مورخ رمضان سال ۱۱۲۹ ه.ق. و دیگری مورخ ذی حجه سال ۱۱۳۴ ه.ق. - در تنفیذ حکم قبل - می باشد و عکس هر دو فرمان در آخر کتاب «تربت پاکان» با شماره ۱ و ۲ موجود است، اما متن آنها چاپ نشده است.

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۷؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۸۱ - ۸۰.

۲. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۷.

(۵۴)

۸. میرزا سید محمد رحیم

سید محمد رحیم، فرزند میرزا محمد مهدی بن میرزا محمد معصوم است که در رجب سال ۱۱۴۰ ه. ق. متولی آستانه مقدسه بوده است.^۱ او طی فرمانی از شاه طهماسب دوم در مورخ جمادی الثانی سال ۱۱۴۲ ه. ق. در مقام تولیت آستانه مقدسه تنفیذ شده و از ابتدای تخاقوی ثیل^۲ به دستوری که به والد او مفوض بوده، به این منصب رسیده است.^۳ عکس این فرمان، در آخر کتاب «تربت پاکان» ج ۱، به شماره ۳ موجود است، ولی متن آن چاپ نشده است.^۴ وی تا پس از رجب ۱۱۵۷ ه. ق. در این مقام بوده است.^۵ تاریخ درگذشت او معلوم نیست، ولی احتمالاً پیرامون سال ۱۱۶۰ ه. ق. از دنیا رفته است.

۱. همان، با این توضیح که نویسنده «تربت پاکان» عرض میرزا محمد رحیم را بر روی برگ آغاز نسخه‌ای از جزء سادس کتاب «وافی» تحریر محمد سعید بن محمد علی قمی در شب پنجشنبه دهه دوم شعبان ۱۰۹۲ دیده است، در حالی که کتاب متعلق به آقای عبداللهی از عتیقه فروشان و کتاب فروشان قم بوده است.

۲. تخاقوی ثیل: سال مرغ (فرهنگ فارسی معین).

۳. ر. ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۷؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۸۱-۸۰. ۴. توضیح اینکه ارجاع نویسنده «تربت پاکان» به سند شماره ۶۹ راجع به فرمان مزبور اشتباهی است و این سند با شماره ۶۹ در صفحه ۲۴۹ راجع به فرمان شاه سلطان حسین در واگذاری تولیت آستانه به میرزا حسین است.

۵. با ارجاع نویسنده «تربت پاکان» به سند شماره ۳۵، صص ۱۷۷-۱۷۶، البته مطلبی که راجع به تولیت میرزا سید محمد رحیم در سال ۱۱۵۷ ه. ق. باشد، دیده نشد و شاید اسم شخص مذکور بوده، اما چاپ نشده است.

(۵۵)

۹. میرزا سید محمد خلیل

او فرزند دیگر میرزا محمد مهدی و نواده میرزا محمد معصوم بن میرزا محمد مهدی اعتماد الدوله است که در مورخ ربیع الاول سال ۱۱۶۳^۱ و محرم سال ۱۱۷۲ ه. ق.^۲ متولی جدیدی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام بوده است.

وی در زمان تولیت خود، خدمت بزرگی به اهل قم نمود و اهل قم را از آزار و قتل و غارت آقا محمد خان قاجار نجات داد و جریان این بود که بعد از وفات کریم خان زند، آقا محمد خان از شیراز به طرف ری روانه شد. چون به قم رسید و در آن وقت، نجف خان زندی سردار جعفر خان زند، حاکم عراق و فارس، در قم حکومت می کرد و مردی با اقتدار بود، آقا محمد خان را به شهر راه نداد و آقا محمد خان در حالی که شهر قم را محاصره کرده بود، در پشت دروازه ری در کنار سنگری (که بعد هم آن محل به سنگر معروف شد) ایستاده بود که خواست شهر را تصرف نماید، اما نتوانست.

نجف خان که در محله عربستان قم منزل داشت، هر روز از شهر بیرون می رفت و ضربه ای به آقا محمد خان می زد و برمی گشت. این جریان هفده روز طول کشید و آقا محمد خان ناامید شد. وی خواست

۱. ر. ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۸، به سند شماره ۲۲ کتاب ارجاع داده که مطلبی راجع به تولیت شخص مزبور استفاده نشد.

۲. ر. ک: همان، با ارجاع به عرضها؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۸۱-۸۰.

به طرف ری حرکت کند که اهل قمرود نزد او رفتند و از او وعده التفات درخواست نمودند و گفتند: از دروازه‌ای که به ما سپرده شده، تو را داخل شهر می‌کنیم، به شرط آنکه با ما نیکی کنی. او را به باغ سرو و کاج بردند و از آن راه، وارد شهر قم کردند.

او حکم به قتل عام کرد و نجف خان زندگی، تمام اموال و اسباب و جواهر خود را بر جای گذاشته و از دروازه‌ری از شهر خارج شده، به طرف اصفهان گریخت و طایفه‌ای به نام طایفه حاجی حسینی که اصل آنها گرجی بود، اموال او را بردند و آقا محمد خان هم در قم مشغول قتل و غارت شد.

میرزا محمد خلیل متولی باشی و شیخ الاسلام و ابو محمد و شیخ محمد سعید دیار بکری و چند نفر دیگر به نزد آقا محمد خان رفتند برای اینکه نزد او شفاعت کنند تا او از قتل و غارت دست بردارد. سه نفر از آنها از شدت ترس برگشتند و به حضور او نرفتند؛ اما میرزا محمد خلیل متولی باشی و شیخ محمد سعید دیار بکری به نزد او رسیدند و شفاعت کردند، اما آقا محمد خان قبول نکرد و آنها متعرضانه از جا برخاستند و گفتند: ما به تکلیف اسلامی رفتار کرده، امیدیم محض رضای خدا شفاعت کنیم و شما قبول نمی‌کنید، الآن بر ما حرجی نیست. آقا محمد خان آنها را نزد خود نشانید و شفاعت آنها را قبول کرد و دست از قتل و غارت برداشت.^۱

۱. ر.ک: «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۱۱۱ - ۱۱۰، به نقل از «کتابچه میرزا غلامحسین ادیب» صص ۳۸ - ۳۶؛ «تاریخ روضه الصفا» ج ۹، ص ۱۹۰.

(۵۶)

۱۰. میرزا سید محمد معصوم

وی گویا فرزند میرزا محمد خلیل یا فرزند دیگر میرزا محمد مهدی باشد که در مورخ ربیع الاول سال ۱۱۸۲ ه. ق. متولی آستانه بوده است.^۱ اطلاع بیشتری از وی در دست نیست.

(۵۷)

۱۱. میرزا سید محمد مهدی

میرزا محمد مهدی فرزند محمد خلیل بن میرزا محمد مهدی بن میرزا محمد معصوم بن میرزا محمد مهدی اعتمادالدوله است که در رمضان سال ۱۱۹۰ تا ذی حجه سال ۱۲۱۹ ه. ق. و پس از آن، متولی آستانه مقدسه بوده^۲ و مدت تولیت وی بیش از ۳۹ سال بوده است. در سه سند به شماره ۱۲۰ و ۱۳۳ و ۱۳۴ در «تربت پاکان» ج ۱، اسم میرزا سید محمد مهدی به عنوان متولی آمده که به ترتیب هر سه سند ذکر می شود. البته شایان ذکر است که این اسناد فرمان تولیت نیستند و هر کدام موضوع جداگانه ای دارند.

سند شماره ۱۲۰ مربوط به قبالة مورخ رمضان ۱۱۹۰ ه. ق. است، حاکی از آن که میرزا محمد کاظم مدرس در این تاریخ، قطعه ملکی را به

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۸، با ارجاع به کناره بالای سند شماره ۱۹؛ «فهرست نسخ خطی

کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۸۱ - ۸۰.

۲. ر.ک: همان مدارک.

وکالت از جانب مالک به میرزا محمد مهدی متولی آستانه فروخته است. در روی دیگر این قباله، میرزا محمد مهدی، نیمی از این ملک را به میر عبد الکَریم خادم، پدر سید حسن سرکشیک فروخته است.

متن روی سند:

«هو المالك بالاستحقاق

و بعد غرض اصلی و مطلب کلی از تحریر این نميقة^۱ شرعیه آن است که فروخت به بیع لازم جازم اسلامی حسب و وکالة عنها عالی جناب مقدس القاب مرتضوی انتساب افضل الفضلائی علامی فهامی مجتهد العصر و الزمانی، میرزا محمد کاظم مدرس، سرکار فیض آثار همگی و تمامی کل دو دانگ مشاع از کل بیوتات منهدمه که در اصل، سه باب بوده، از جانب عفت و عصمت پناه، مریم خانم شهیره به خانم بزرگ که من حیث الارث از والد مشار الیها به او منتقل گردیده، واقعه در خیابان محدود به حدود اربعه: حدی به مسجد امام و حدی به مزار مسلمین و حدی به خانه حضرت میر عبد الکَریم خادم و حدی به خیابان مزبور، با جمیع توابع و لواحق شرعیه از ممر و مدخل و کل ملحقات و منضمات،

خصوصاً مجرای حقابه، به عالی جناب مقدس القاب مبادی آداب مرتضوی انتساب، سلاله السادات العظام، میرزا محمد مهدی متولی، سرکار فیض آثار به مبلغ پانزده هزار دینار تبریزی رایج المعامله که عبارت از شش عدد اشرفی مسکوک به سکه اصفهان بوده باشد و صیغه

۱. نميقة: نوشته (شده). «فرهنگ معین».

مبايعه شرعيه عليه ايجاباً و قبولاً جاری گردید و غبن مبايعه را صلح صحيح شرعی نمود عالی جناب بايع مزبور به عالی جناب مشتری مزبور، دانسته و فهمیده، عالماً بالکمیة و کیفیة، به مبلغ یک صد دینار تبریزی فلوس که عبارت از پنج عدد فلوس چهار مثقالی بوده باشد و اقرار به قبض الثمن و اقباض المثل و اسقاط کافه خیارات، سیما خیار الغبن و لو کان فاحشاً بل افحش، وقوع و لزوم یافت.

تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۱۹۰.

[حاشیه:]

مقررأً ثمن مبايعه مبلغ یک تومان است که موازی چهار اشرفی باشد و یک سدس از خودش و یک سدس از همشیره اش به او انتقال یافته، تحریراً فی المتن.

قد اوقعت المبايعه كما زبر. حرره الجاني بيده الجانية الخائنة الفانية [مهر میزرا محمد کاظم مدرّس].

بسم الله و الحمد لله - ما فعله السيد الفاضل العالم الكامل صحيح كما سطر [مهر:] عبده محمد سعيد ۱۱۸۵]».

متن پشت سند:

هو المالک بالاستحقاق

بعد، باعث بر این سطور شرعیت مسطور آن است که فروخت به بیع لازم جازم اسلامی، عالی جناب مقدس القاب مبادی آداب مرتضوی انتساب سلالة السادات العظام، میرزا محمد مهدی متولی سرکار فیض آثار همگی و تمامی کل یک دانگ از جمله دو دانگ ضمن

به شروحي که مسطور گشته با جميع توابع شرعيه بدان چه به یک دانگ مزبور دانند و شناسند به حضرت سيادت و نجابت و معالي پناه، مير عبد الکریم خادم، والد المرحوم مير محمد تقی به مبلغ یک تومان تبریزی رایج المعامله، و صیغه مبیعه شرعيه ایجاباً و قبولاً و غبن مبیعه را صلح صحیح شرعی نمود عالی جناب بايع معزی الیه با مشتری مومی الیه، دانسته و فهمیده به مبلغ یک صد دینار تبریزی، و اقرار به قبض ثمن و اقباض المثلث و اسقاط كافة خيارات سيما خيار الغبن و لو كان فاحشاً بل افحش، وقوع و لزوم یافت.

تحریراً فی شهر ربیع الاول سنه ۱۱۹۱.

[مهر:] محمد مهدی بن محمد خلیل الحسینی.^۱

سنده شماره ۱۳۳ مربوط به فرمان فتحعلی شاه در واگذاردن خدمت‌گزاری در طلای روضه مقدسه در مورخ ذی حجه ۱۲۱۷ ه. ق. به میر عبد الکریم موسوی قمی که ضابط موقوفات آستانه بوده است، بالای عرضه داشت شخص مزبور:

«عرضه داشت کمترین بندگان [میرزا عبد الکریم الموسوی القمی] تراب آستان مرحمت بنیان را کحل الجواهر دیده امیدواری خود ساخته، به موقف عرض واقفان بزم حضور فیض گنجور ساطع النور بندگان سکندرشان دارا دربان قیصر پاسبان اقدس ارفع اعلی می‌رساند که قربان خاک پای جواهر آسای مبارکت گردم، چون امور آستانه

۱. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۳۱۸-۳۱۶، نویسنده می‌گوید که سند متعلق به خاندان سید حسن سرکشیک می‌باشد.

مقدسه عرش درجه بضعة الاحمدی [علیها] آلاف التحية و الثنا از هر جزوی و کلی خدمه جداگانه دارد و درب طلای آن هنوز خدمه به هم نرسانیده و حسب الامر الاقدس مقرر گردیده که خدمت داشته باشد، استدعا از مراحم بی کران و اشفاق بی پایان خدیوانه چنان است که خدمت درب طلای مقدس را به این غلام دعاگو مقرر و محول فرمایند که هر ساله مشغول خادمی و خدمت مقرر گردیده، از روی امیدواری و خاطر جمعی تمام به دعاگویی دوام دولت قاهره قیام و اقدام نماید که هر آینه باعث امیدواری و تحصیل دعاء خیر به جهت ذات اقدس و وجود مقدس بندگان ظل الهی خواهد بود. چون مراتب معروضه از لوازم بود، لهذا جرأت و جسارت به عرض نمود.

الباقی امره الاشرف الاقدس الاعلی مطاع.

[متن فرمان:]

حکم و الاشد آن که بنابر ظهور قابلیت و شایستگی و اهلیت و پیراستگی عالی جناب مقدس القاب فضائل و کمالات اکتساب سلالة السادات العظام میرزا عبد الکرم از ابتداء معامله هذه السنة تنگوز نیل^۱ خیریت تحویل خدمت خادمی درب طلای آستانه مقدسه متبرکه مطهره را به عالی جناب مشار الیه مفوض و مرجوع فرمودیم که به نحوی که باید، به طریقی که شاید، از روی حصول استظهار به مراسم خدمت مقرر قیام و اقدام داشته، به دعاگویی دوام دولت قاهره سلطانی اشتغال نماید. عالی جناب مقدس القاب فضائل و کمالات اکتساب

۱. تنگوز نیل: سال خوک (فرهنگ فارسی معین).

حقایق و معارف انتساب سلاله السادات العظام میرزا محمد مهدی متولی آستانه عرش درجه به نهج مقرر لوازم شغل مذکور را به مشار الیه مرجوع دارد و در عهده شناسد.

تحریراً فی شهر ذی حجة الحرام سنة ۱۲۱۷^۱.

سند شماره ۱۳۴ که مربوط به حکم عباس میرزا نایب السلطنه در مورخ ذی حجه سال ۱۲۱۹ ه. ق. در تنفیذ ملا محمد تقی قمی کفشدار آستانه در خدمت خود (کفشداری) خطاب به میرزا محمد تقی متولی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام و حاجی محمد حسین خان بیگلر بیگی اصفهان و کاشان و قم. اما متن سند:

«حکم و الاشد آن که چون خدمت کفشداری آستانه مقدسه منوره معصومه علیها السلام و التحیه ابا عن جد، به عالی حضرت ستوده فطرت نجابت و سعادت مرتبت ملا محمد تقی قمی مفوض و رعایت جانب او منظور نظر مرحمت دستور و در آن آستان سدره نشان به نیابت نواب و الا مشغول زیارت و دعای ذات کامل الصفات اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاهی و نواب کامیاب والاست، علی هذا امر و الامفاد مقرون می گردد که عالی جایگاه عزت و جلالت پناه افادت و افاضت دستگاه مجدت و محمادت اکتناه سلاله السادات و الاشراف، میرزا محمد مهدی متولی و عالی حضرات خدام و سرکشیکان روضه منوره معصومه علیها السلام، شغل مزبور را کماکان بی اشتراک و مداخلیت غیر، مخصوص مشار الیه دانسته، احدی را در امر او دخل و

۱. همان، صص ۳۳۵ - ۳۳۴، به نقل از مجموعه اسناد خاندان سرکشیک میر عبد الکریمی.

تصرف ندهند و او را حسب الواقع در خدمت و شغلی که دارد، مستقل سازند. عالی جاه رفیع جایگاه عزت و جلالت پناه مجدت و مناعت انتباه فخامت و نباهت اکتناه، امیر الامراء العظام خیر الحاج الکرام حاجی محمد حسین خان بیگلر بیگی دار السلطنه اصفهان و کاشان و قم، خدمت مزبور را مختص او دانسته، رعایت جانب او را در هر باب منظور دارد و کسی را در امر او دخل و تصرف نداده، شغل مزبور را بی اشتراک غیر مخصوص او شمارد و در عهده شناسد.

تحریراً فی شهر ذی حجة، حجة ۱۲۱۹^۱.

(۵۸)

۱۲. میرزا سید محمد^۲

وی فرزند دیگر میرزا سید محمد خلیل می باشد که از سال ۱۲۲۳ تا ربیع الثانی ۱۲۲۷ ه. ق. بر اساس دو سند موجود، متولی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام بوده است: یکی سند شماره ۱۳۵ در جلد اول «تربت پاکان» و دیگری سند شماره ۱۴۰ همان کتاب، که به ذکر آنها می پردازیم.

سند شماره ۱۳۵ مربوط به فرمان فتحعلی شاه قاجار در مورخ ربیع الاول سال ۱۲۲۳ ه. ق. در تنفیذ ملا محمد تقی قمی کفشدار به خدمت

۱. همان، صص ۳۳۷ - ۳۳۶، سند متعلق به آقایان وزیری و کییری، بازماندگان دودمان کفشدار آستانه معرفی می شود.

۲. ر. ک: «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» ص ۸۱، به نقل از «تاریخ قم» فیض.

حافظی و کفشداری آستانه، خطاب به میرزا سید محمد متولی که بالای عریضه ملا محمد تقی قمی آمده است.

متن عریضه:

«عریضه داشت کمترین بندگان ملا محمد تقی کفشدار، فرزند ملا رضای حافظ ارض مقدسه قم به موقف ایستادگان پایه سریر خلافت مصیر بندگان سکندر نشان دارا دربان قیصر پاسبان اشرف اقدس اعلی می‌رساند که قربان خاک پای مبارکت شوم از قدیم الایام خدمت حافظی آستانه متبرکه جناب حضرت معصومه علیه الصلاة و علیه السلام اباً عن جد، موروثی و با کمترین بوده و حال دیگری تصرف می‌کند و چون این داعی دوام دولت پادشاهی ابداً نایب الزیاره و دعاگوی دولت ابد مدت بوده و می‌باشم، التماس و استدعا از مرحمت خسروانه آن که فرمان مبارک مطاع پادشاهی از مصدر جاه و جلال امر و مقرر گردد که در ید کمترین باشد که از یمن دولت ابد مدت دیگری دخل و تصرف در شغل و خدمت کمترین نداشته باشد که این کمترین بندگان به خاطر جمعی تمام متوجه شغل و خدمت خود بوده و به دعاگویی دوام دولت قاهره مشغول گردم. باقی امره اعلی مطاع.

[متن فرمان:]

حکم همایون شد آن که چون عارض به شرح مسطور متن عرض و استدعا نموده است، لهذا امر و مقرر می‌شود که عالی جاه معلی جایگاه عزت و سعادت پناه خلاصه الاطیاب، میرزا سید محمد متولی سرکار فیض آثار بعد از حصول اطلاع از مضمون حکم جهان مطاع در این که

شغل حافظی و کفشداری روضه مطهره محول به صاحب عریضه بود، حال نیز به دستور سابق مختص مشار الیه دانسته، احدی را در خدمت مزبوره دخیل نداند که به دستور سابق متوجه شغل مزبور بوده، از آن ممر مدار و معاش نموده باشد. در این باب قدغن لازم دانسته، حسب المقرر معمول دارد و در عهده شناسد.

تحریراً شهر ربیع الاول سنه ۱۲۲۳.^۱

سند شماره ۱۴۰ که تعلیقه میرزا سید محمد متولی‌باشی در مورخ ربیع الثانی سال ۱۲۲۷ ه. ق. در واگذاردن خدمت یک نفر خادمی سرکار فیض آثار به آقا محمد باقر، فرزند آقا محمد علی خادم، با توقیع و ثبت «عبد اسحاق بن محمد ابراهیم» در پشت سند.

متن تعلیقه:

«چون حضرت نجابت و معالی پناه آقا محمد باقر ولد عالی حضرت آقا محمد علی خادم، از جمله قدیمی زادگان سرکار فیض آثار می‌باشد و به شغلی از مشاغل سرکار مفتخر و سرافراز نگردیده بود، بنابر مراعات جانب مومی الیه از ابتداء هذه السنه پیچی نیل^۲ خیریت دلیل و مابعدها خدمت یک نفر خادمی سرکار فیض آثار مزبور را به مومی الیه مفوض و مرجوع نمودیم که به لوازم آن قیام و اقدام نماید. مواجب و نذورات به نحوی که در سایر خدام مقرر است، درباره مومی

۱. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۳۳۸ - ۳۳۷. این سند متعلق به آقایان وزیر و کبیری بازماندگان دودمان کفشدار آستانه می‌باشد.

۲. پیچی نیل: سال میمون (فرهنگ فارسی معین).

الیه نیز مقرر فرمودیم که همه ساله باز یافت و صرف معیشت خود ساخته، فارغ البال و مرفه الحال به دعاگویی دوام دولت جاوید مدت اشتغال نماید. عالی حضرات کتاب مستوفی و مشرف سرکار مذکور سواد تعلیقه را به جهت استحضار در دفتر خود ثبت و ضبط نمایند.

تحریراً فی شهر ربیع الثانی ۱۲۲۷.^۱

(۵۹)

۱۳. میرزا سید اسدالله^۲

وی فرزند دیگر میرزا سید محمد خلیل می باشد که در جمادی الاولی ۱۲۲۷ ه.ق. تا اواخر دروۀ سلطنت فتحعلی شاه قاجار متولی جدیدی آستانۀ مقدسه بوده است.

در اینجا چند سند که نام میرزا اسدالله متولی در آنها آمده، ذکر می شود.

سند شماره ۱۰۵ «تربت پاکان» که مربوط است به حکم شاهزاده حسنعلی میرزا فرمانفرما در مورخ جمادی الاولی سال ۱۲۲۷ ه.ق. در واگذاری نیابت زیارت خود به آخوند ملا علی قمی که متن آن چنین است:

«حکم والا شد آن که چون به جهت دعای بقای عمر و دولت اعلی حضرت قدر قدرت کیوان رفعت دارا درایت ظل الهی روح العالمین

۱. همان، ص ۳۴۵.

۲. ر.ک: «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانۀ مقدسه قم» صص ۸۱ - ۸۰.

فداه و نواب مادر تحت قبه مطهره مقدسه منوره وجود شخص امین و عادل ضرور و عالی جناب مقدس القاب فضیلت انتساب آخوند ملا علی قمی که در زمره دعاگویان در این دولت ابد قرین محسوب و منسلک، و خود را مورد عنایات خاطر خطیر مرحمت آیات اشرف ساخته است، لهذا خدمت نیابت زیارت را به او موکول و مرجوع داشتیم که بدانچه باید و شاید و از مراسم دعاگویی او سزد و آید در لوازم آن قیام و اقدام نماید. مقرر آن که عالی جناب مقدس القاب فضایل و کمالات اکتساب حقایق و معارف انتساب سلاله السادات العظام دعاگوی دولت ابد فرجام میرزا اسدالله متولی سرکار فیض آثار نایب الزیاره ای سرکار را مختص عالی جناب مشار الیه دانسته، رعایت و حمایت جناب او را در هر حال منظور داشته و مبلغ یک تومان تنخواهی که به صیغه مواجب از قرار تصدیق و خطاب عالی جاه رفیع جایگاه مقرب الحضرة الخاقانی ملا علی اصغر ملاباشی علاوه بر پنج هزار دینار مواجب سابق او شده است، هر ساله در وجه او کارسازی به نحو مقرر معمول و از فرموده عدول نورزیده، در عهد شناسد.

تحریر فی شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۲۷^۱.

متن فرمان فتحعلی شاه در مورخ جمادی الاولی سال ۱۲۲۷ ه.ق. در تفویض تولیت به میرزا اسدالله با اشاره به درگذشت پدر او، میرزا سید

۱. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۳۰۲-۳۰۱، این سند نیز متعلق به خاندان میر عبد الکرم می باشد که نزد آقای سید ابوالفضل معصومی، فرزند حاج میرزا آقا، فرزند حاج میرزا خلیل سرکشیک بوده است (ر.ک: همان، ص ۲۸۷).

محمد متولی پیشین در این سال که عکس آن در آخر جلد یکم «تربت پاکان» آمده است:

«از آن روز که توقیع تولیت مادر بقاع و مصاقع ممالک اقطار و اقطاع به امضای دیوان قضا پیوسته، و جهانیان از تطاول طوارق جهان در دارالامان حضرت خلافت بست امان جسته، ما را به اشاعت سنت دین مبین، تعظیم روضات ائمه دین و تنظیم بقاع طیبین و طاهرین منظور نظر حق بیز: و مکنون ضمیر مرحمت قرین افتاده. از جمله بقاع متبرکات و روضات مطهرات، بقعه بقیع آسا و مرقد فرقد سای معصومه مکرمه بضعه مرضیه رسول، و صاحب زرایای عذرای بتول، عمده خواتین حریم با حرمت رسالت، و زبده بانوان حرم عصمت و طهارت. لراقمه:

معصومه مکرمه کاندرا بر کرام

هر کس گزید بندگی او مکرم است

آن کو به وصف مرقد او پیر عقل گفت

این بارگاه فاطمه یا عرش اعظم است

نه مریم نه آسیه خوانم ورا آزانک

در قدر بیش از آسیه، افزون ز مریم است

محیی ملکات مادر عیسی فاطمه بنت موسی علیها السلام و الثناء، و

دیگر مراقد و مضاجع امام زادگان عظام و فضلالی عالی مقام که در دار

الایمان قم تشریف وقوع دارد. و چون درین اوقات میرزا سید محمد

متولی بقاع مزبور به رحمت ایزدی پیوسته و مدارج استعداد و

شایستگی عالی جاه سیادت و سعادت همراه، نتیجه السادات و الافاخم میرزا سید اسدالله ولد مرحوم مزبور، بر پیشگاه خاطر مهر ظهور ظاهر آمده از ابتدای هذه السنه پیچی نیل^۱ خجسته دلیل و مابعدها، تولیت بقعه شریفه معصومه معظمه و سایر بقاع و مزارات و مقابر فضلائی مدفونین بلده و بلوکات دار الایمان مزبور را به مشار الیه مفوض و مرجوع دانستیم. و بدین خدمت با سعادت پایه مفاخر او را بر افایم و اکابر افراشتیم. باید از روی کمال اهتمام به ملزومات خدمت مزبور قیام، و در طی آن تحصیل دعای خیر جهت دولت ابد ار تسام نماید»^۲.
سند شماره ۱۵۱ «تربت پاکان» کشیک نامه سید حسن سرکشیک با تعلیق میرزا اسدالله متولی آستانه که مورخ جمادی الاول سال ۱۲۳۶ ه. ق. بالای آن است.

اما متن سند:

«عالی حضرت سلاله السادات آقا سید حسن سرکشیک سرکار فیض آثار کشیک یک شبانه روز از جمله هفت شبانه روز کشیک سرکار را با کشیک چیان مفصله ذیل به عهده خود دانسته، در یک شبانه روز کشیک خود در نهایت سعی و کمال اهتمام به محافظت و محارست روضه مقدسه مشغول بوده که خدا نخواستہ سرقتی واقع نگردد و اجناس و اشیاء وقفی که به هم رسد، از مقوله فروش و ظروف و قنادیل و شمع دان و غیره مراقب بوده که از میان نرفته، به اطلاع داعی

۱. پیچی نیل صحیح است که به معنای «سال میمون» است.

۲. «سفینه الفرامین» میرزا محمد منشی نائینی، صص ۱۷۸ - ۱۷۷.

دوام دولت ابد مدت قاهره تحویل صاحب جمعان سرکار شده، قبض باز یافت شود و از نذورات و تبرعات آنچه به عمل آمده، نقداً و جنساً تا معادل سه تومان فی ما بین خود و کشیک چیان بالسویت قسمت کرده، زیاده چنانچه از یک نفر واحد در زمان واحد یا تبرع از یک نفر میت باشد، ضبط که به استحضار سرکشیک چیان و مباشرین هر هفت کشیک قسمت نمایند و حضرات کشیک چیان مرقومه مشار الیه را سرکشیک و پیش سفید خود دانسته، سخن و صلاح او را که خاصه کشیک مزبور بوده باشد، معتبر دانسته، احترام او را منظور دارند و کمال اهتمام در خدمات مرجوعه خود به عمل آورند.

تحریراً بتاریخ شهر جمادی الاولی ۱۲۳۶.

[مهر: [الوائق بالله الغنی اسدالله الحسینی]]^۱

سند شماره ۱۵۲ که قرار کشیک آقا سید حسن و میرزا بهاء الدین در مورخ ۲۴ شعبان سال ۱۲۴۵ ه. ق. است، با مهر و گواهی اطلاع میرزا اسدالله متولی آستانه مقدسه بالای آن و مهر دو سرکشیک در پایان آن چنین است:

«قرار کشیک آقا سید حسن و میرزا بهاء الدین که از تاریخ یوم پنجشنبه ۲۴ شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۴۵ دو جوبه^۲ شده است، از قرار تفصیل این که آنچه تنخواهی که به هم می‌رسد، تنصیف بشود،

۱. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۳۷۵-۳۷۴، این سند جزء اسناد خاندان سرکشیک میر عبد الکریمی در اختیار آقای سید أبو الفضل معصومی بازمانده آن دودمان است.

۲. «جوبه» در اصطلاح دوره اخیر در آستانه قم به سهمی گفته می‌شد که هر کشیک از درآمد کفشداری داشته است و در این سند نیز در معنایی قریب به همین معنا به کار رفته است.

خواه کشیک چی دو جوبه به کشیک آمده باشند یا نیامده باشند و هرگاه این که خدا نخواسته چیزی از سرکار مفقود شود یا عیب دیگر نماید تا یک تومان اهل آن جوبه که کشیک ایشان است، از عهده برآیند و علاوه بر یک تومان را اهل دو جوبه بالمناصفه از عهده برآیند و هر یک از کشیک چیان که بدون عذر شرعی به کشیک نیایند... به آنها ندهند و با عذر شرعی به استرضا بدهند.

کشیک آقا سید حسن و اهل جوبه کشیک مزبور

آقا سید حسن سرکشیک / آقا سید حسین فراش حرم / آقا سید حسین صدر / سید آقا جان حاجی / آقا سید مهدی / آقا مسعود خازن / سید اسماعیل فراش / سید آقا ولد آقا حسن / سید حسین ولد آقا سید حسن / میر تقی فراش / آقا جونی آقا محمد علی / ملا ابراهیم حافظ / شیخ زکی مؤذن»^۱.

(۶۰)

۱۴. میرزا سید محمد رضا

میرزا محمد رضا فرزند میرزا اسدالله می باشد که در سال ۱۳۴۸ ه. ق. فتحعلی شاه طی فرمانی تولیت آستانه را به وی تفویض کرده است. عکس این فرمان در آخر کتاب «تربت پاکان» ج ۱ آمده و متن آن چاپ شده است. او تا سال ۱۲۷۳ ه. ق. که شاید درگذشت او نیز

۱. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۳۷۶ - ۳۷۵. این سند نیز جزء اسناد خاندان سرکشیک میر عبد الکریم در اختیار آقای سید ابوالفضل معصومی بازمانده آن دودمان است.

پیرامون همین سال باشد، متولی آستانه مقدسه بوده است.^۱ مجموعاً دوازده سند در «ترتت پاکان» اثبات کننده تولیت میرزا سید محمد رضا می باشد که در اینجا همراه با توضیح مختصری راجع به هر یک، چند سند نیز به عنوان نمونه نقل می شود.

۱. سند شماره ۸۷ فرمان مورخ جمادی الثانی سال ۱۲۴۸ ه. ق. از فتحعلی شاه در امضای مقرری میرزا محمد علی صاحب نسق از آستانه، خطاب به کیکاوس میرزا و میرزا محمد رضا متولی باشی، بالای عرضه داشت صاحب نسق مزبور. اصل این سند در کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی رحمة الله علیه در قم است. اما متن سند:

«عرضه داشت اقل دعاگویان [محمد علی صاحب نسق سرکار فیض آثار] آفتاب عنایت بی زوال راضیا افزای ساحت احوال و آمال خود دانسته، به موقف عرض قرب یافتگان حضور باهر النور اعلی حضرت قدر قدرت قضا مهابت فلک رفعت خورشید رایت مریخ سطوت مشتری درایت خاقان گیتی ستان و سلطان صاحب قران ظل الله فی الارضین روحی و روح العالمین فداء می رساند که قربان خاک پای جواهر آسای مبارکت گردم، سال هاست بل قرن هاست که از عهد سلاطین سلف و از بدو دولت اعلی حضرت خاقان صاحب قران الی

۱. ر. ک: همان، ص ۲۴۸؛ «تاریخ دار الایمان قم» محمد تقی بیگ ارباب، ص ۳۱؛ «تذکره سخنوران قم» محمد علی مجاهدی، ص ۲۰۵؛ «تفصیل وقایع قحطی سال ۱۲۸۸ قم» میرزا علی اکبر فیض قمی، تحقیق: محمد صحتی سردودی، ص ۱۰؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» صص ۸۱-۸۰؛ «المآثر و الآثار» محمد حسن بن علی اعتماد السلطنة، ص ۱۵.

الان خدمت صاحب نسقی سرکار موهبت مدار ابا عن جد به کمترین بندگان مفوض و مرجوع بوده و عشر مقرری به ازاء شغل مزبور در وجه داعی از سرکار فیض آثار مستمر و برقرار است و فرمان قضا جریان اعلی حضرت شاهنشاهی را نیز در دست دارد و حال بعضی می خواهند که از مقرری این دعاگویان کسر و نقصان نمایند. استدعا از مرحمت و مکرمت بی نهایت پادشاهی چنان است که فرمانی به امضاء فرمان سابق شرف صدور پذیرد که مقرری این دعاگو را مطابق فرامین قضا آیین و موافق معمولی سنوات سابق بدون کسر و نقصان کارسازی نموده، مطالبه فرمان مجدد نمایند و به هیچ وجه من الوجوه دخل و تصرف به شغل مزبور و مقرری آن احدی ننماید که فارغ البال و مرفه الحال به دعاگویی دوام عمر و دولت جاوید مدت اعلی حضرت شاهنشاهی اشتغال نماید که هر آینه موجب خشنودی خدا و رسول خواهد بود. امرکم الاشرف الارفع الاعلی».

[متن فرمان:]

«حکم همایون شد که فروزان کوکب آسمان خلافت و تاج داری و تابان پرتو مهر سلطنت و جهان داری فرزند مسعود کیکاوس میرزا صاحب اختیار دارالایمان قم به ترادف خاطر خطیر پادشاهی مباهی بوده، بدانند که چون عالی جناب مقدس القاب میرزا محمد علی عارض به شرح مسطور متن عرض و در مقام استدعا برآمده است، ایجاباً لمستوله به آن فرزند مسعود حکم و مقرر می فرماییم که به حقیقت مراتب معروضه رسیده، در صورتی که عالی جناب مشار الیه موافق

فرامین سابق به ازاء شغل صاحب نسقی از سرکار فیض آثار حضرت معصومه علیه آلاف الثنیه عشر مقررى داشته باشد، قدغن نماید که مقررى او را کما فی السابق عاید او نموده، موقوف و معطل ندارند و مطالبه فرمان مجدد نمایند. مقرر آن که عالی جاه رفیع جایگاه عزت و افادت همراه سلاله السادات، میرزا محمد رضای متولی باشی سرکار فیض آثار حسب المقرر معمول و موافق معمول سابق همه ساله مقررى عالی جناب عارض را بدون کسر عاید او ساخته، تخلف جایز ندارد و در عهده شناسد.

تحریراً فی شهر جمادى الثانی سنه ۱۲۴۸.^۱

۲. سند شماره ۹۹ که نامه «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده محمد باقر» به میرزا محمد رضا متولی باشی از میان سالهای ۱۲۵۸- ۱۲۵۰ ه. ق. درباره موقوفه قریه تبرته و مواجب آقا سید حسن سرکشیک می باشد.^۲

۳. سند شماره ۱۳۷ که تعلیق مورخ جمادى الاول سال ۱۲۵۲ ه. ق. از میرزا محمد رضا متولی آستانه مقدسه است در واگذاری خدمت کفشداری مردانه به ملا رضا وزیر، فرزند ملا محمد تقی، بالای عرضه داشت او.^۳

سند شماره ۱۰۰ که نامه «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده نصر

۱. «تربت پاکان» ج ۱، صص ۲۷۷-۲۷۵.

۲. ر. ک: همان، صص ۲۹۵-۲۹۴.

۳. همان، صص ۳۴۱-۳۴۰.

الله» (که شاید صدر الممالک اردبیلی باشد) به میرزا سید محمد رضا متولی آستانه در سال ۱۲۵۸ ه. ق. که آقا سید حسن سرکشیک در گذشته و درخواست واگذاری منصب او را به میر عبد الکریم، فرزند بزرگ وی کرده است.^۱

۵. سند شماره ۱۰۱ که تعلیقه میرزا سید محمد رضا متولی باشی در تاریخ ذی قعدة سال ۱۲۵۸ ه. ق. در واگذاری خدمت سرکشیکی آستانه که به آقا سید حسن سرکشیک مفوض بوده، به فرزندش میر عبد الکریم می باشد.

متن سند:

«چون خدمت یک نفر سرکشیکی سرکار فیض آثار به مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان جایگاه آقا سید حسن سرکشیک مفوض و مرجوع بود و در این اوقات مشار الیه داعی حق را لیک اجابت گفته و خدمت مزبور در عهده تعویق و تعطیل است و منظور کلی نظم و نسق و رواج و رونق سرکار مزبور می باشد و قرار و مدار تفویض خدمات سرکار بنابه وراثت و قابلیت و استعداد و اولویت می باشد. بناء علیه چون عالی حضرت رفیع منزلت سلاله السادات، میر عبد الکریم خلف اکبر مشار الیه، و قابلیت و استعداد و اولویت تفویض خدمت مزبور را دارد، علاوه بر مراتب مزبوره، مرحوم مزبور کمال صداقت و ارادت و خدمتگزاری را مادام العمر به عمل آورده و عالی حضرت مومی الیه هم به مضمون الولد سربایه نهایت راستی و درستی و اهتمام در خدمت

سرکار موهبت مدار دارد، از هذه السنه بارس نیل^۱ و ما بعدها خدمت سرکشیکی مزبور را به طریق سابق به مومی الیه مفوض و مرجوع نمودیم که در کمال سعی و کوشش به ملزومات خدمت مزبور قیام و اقدام و دقیقه [یی] خود را معاف ندارد که موجب ازدیاد نظم و نسق و رواج و رونق سرکار فیض آثار بوده باشد و مواجب و نذوراتی که به ازاء شغل مزبور در دفتر سرکار برقرار است، کماکان باز یافت و صرف معاش خود نموده، فارغ البال و مرفه الحال به دعاگویی دوام عمر و دولت و بقای سلطنت اعلیٰ حضرت شاهنشاه روحنا فداه اشتغال نماید. کتاب دفتر استیفا و مشرف سرکار سواد تعلیقه را به جهت استحضار در سر رشته جات خود ثبت و ضبط نمایند.

تحریراً فی شهر ذی الحجة الحرام مطابق هذه السنه بارس نیل خیرت دلیل سنه ۱۲۵۸^۲.

۶. سند شماره ۱۰۶ مربوط است به تعلیقه مورخ ربیع الاول سال ۱۲۶۲ هـ. ق. از میرزا محمد رضا متولی آستانه در گماردن سید حسین فرزند میر عبد الکریم سرکشیکی به خدمتگذاری آستانه مقدسه. متن سند:

«چون عالی حضرت گرامی مرتبت سید حسین ولد عالی جناب امیر عبد الکریم سرکشیکی از سلسله خدام والا مقام سرکار فیض آثار است و آبا و اجداد او از قدیمی های سرکار مزبور هستند، در این اوان و

۱. بارس نیل: سال پلنگ (فرهنگ فارسی معین).

۲. همان، صص ۲۹۷-۲۹۶.

زمان اکثر از اولاد و احفاد و اقارب هر یک از خدام سرکار مرقوم به خدمات جدید سرافراز و ممتاز گردیده‌اند و مومی الیه به خدمتی از خدمات سرکار مفتخر و مباهی نگردیده و رعایت جانب عالی جناب والد مومی الیه نظر به خدمات ایشان لازم است. بناءً علیه از هذه السنه یونت ئیل^۱ نصرت دلیل و مابعدا خدمت یک نفر خادمی سرکار فیض آثار را به مومی الیه مفوض و مرجوع نمودیم که از روی صداقت و راستی و کمال سعی و اهتمام متوجه خدمات محوله به خود بوده، موجب و نذوراتی که در وجه سایر خدام سرکار برقرار است، همه ساله از قرار استمرار از بابت مداخل سرکار باز یافت و صرف معاش خود نموده، فارغ البال و مرفه الحال به لوازم شغل مزبور پردازد و به دعاگویی دوام عمر و دولت ابد مدت اعلی حضرت قدر قدرت شهریاری قیام و اقدام نماید. مقرر آن که کتاب خیریت اکتساب دفتر استیفاء و مشرف سرکار موهبت مدار شرح سواد تعلیق را به جهت استحضار در سر رشته جات خود ثبت و ضبط نمایند. و کان ذلک فی ربیع الاول ۱۲۶۲»^۲.

۷. سند شماره ۱۴۳ که تعلیق مورخ ربیع الثانی سال ۱۲۶۲ ه. ق. از میرزا محمد رضا متولی باشی است، در واگذاری خدمت یک نفر خادمی به سید حبیب، فرزند میر عبد الرحیم خادم سرکار فیض آثار که متن سند به این شرح است:

۱. یونت ئیل: سال اسب (فرهنگ فارسی معین).

۲. همان، ص ۳۰۲.

«نظر به پاس حقوق و خدمات عالی حضرت رفیع منزلت سلالة السادات، میر عبد الرحیم که سال‌های بسیار و قرن‌های بی‌شمار که اباً عن جد به خدمت‌گزاری و جان‌فشانی آستانه مقدسه منوره عرش درجه اشتغال داشته و عمری گذرانیده و حال مشار الیه جمعی عیال و اولاد به هم رسانیده که مداخل او به خرجش وفا نمی‌نماید و گذران این سلسله خدام می‌باید که از این آستان عرش بنیان بشود و رعایت جانب او هم منظور است و اولاد متعدد دارد که صاحب عیال شده‌اند و از عهده مخارج ایشان نمی‌تواند برآید. از جمله سیادت پناه سید حبیب که یکی از اولاد مشار الیه است و مطلقاً مداخلی ندارد و به خدمتی از سرکار فیض آثار مفتخر و مباهی نیست.

بناءً علیه از هذه السنه یونت ثیل^۱ و مابعدھا خدمت یک نفر خادمی سرکار فیض آثار را به مومی الیه مفوض و مرجوع نمودیم که از روی راستی و درستی و کمال سعی و اهتمام به لوازم شغل مزبور قیام و اقدام و نهایت خدمت‌گزاری و جان‌فشانی را به عمل آورد و مواجب و نذوراتی را که در وجه سایر خدام سرکار برقرار است، در وجه او برقرار نمودیم که از مداخل سرکار باز یافت و صرف معاش خود نموده، فارغ البال و مرفه الحال به دعاگویی دوام عمر و دولت اعلی حضرت شهریاری اشتغال نماید.

تحریراً فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۶۲»^۲.

۱. سال اسب. (فرهنگ فارسی معین).

۲. همان، صص ۳۴۹-۳۴۸.

۸. سند شماره ۱۱۶ که تعلیقه میرزا محمد رضا متولی آستانه مقدسه، مورخ ۱۲۶۳ ه. ق. در واگذاری منصب سرکشیکی آستانه به میرزا سید حسین که قبلاً سرکشیکی با میرزا بهاءالدین محمد، پدر او بوده و در گذشته است.^۱

۹. سند شماره ۱۰۷ که تعلیقه میرزا محمد رضا متولی باشی در مورخ صفر ۱۲۶۴ ه. ق. است، در گماردن سید علی، فرزند میر عبد الکریم سرکشیک به خدمت‌گزاری آستانه که با پشت نویسی حاجی میرزا محمد حسین مستوفی همراه است.

متن سند چنین است:

«چون عالی حضرت گرامی منزلت، سید علی ولد عالی جناب سلاله السادات میر عبد الکریم سرکشیک از سلسله خدام والا مقام سرکار فیض آثار است و آبا و اجداد او از قدیمی‌های سرکار مزبور هستند و در این اوان و زمان اکثر از اولاد و احفاد و اقارب و عشایر هر یک از خدام سرکار مرقوم به خدمتی جدید سرافراز گردیده‌اند و مومی الیه به خدمتی از خدمات سرکار مفتخر و مباهی نشده و رعایت جانب عالی جناب والد مومی الیه نظر به خدمات ایشان لازم است، بناءً علیه از هذه السنه قوی ٹیل^۲ فرخنده تحویل و مابعداً خدمت یک نفر خادمی سرکار فیض آثار را به مومی الیه مفوض و مرجوع نمودیم که از روی صداقت و راستی و کمال سعی و اهتمام متوجه خدمات محوله به خود

۱. همان، ص ۳۱۱.

۲. قوی ٹیل: سال‌گوسفند (فرهنگ فارسی معین).

بوده، موجب و نذوراتی که در وجه سایر خدام مستمر و برقرار است، همه ساله از بابت مداخل سرکار بازیافت و صرف معاش واگذاران خود نموده، فارغ البال و مرفه الحال به لوازم شغل مزبور پردازد و به دعاگویی دوام دولت ابد مدت اعلی حضرت قدر قدرت شهر یاری قیام و اقدام نماید. مقرر آن که کتاب خیریت اکتساب دفتر استیفاء و مشرف سرکار موهبت مدار شرح سواد تعلیقه را به جهت استحضار در سر رشته جات خود ثبت و ضبط نمایند.

و کان ذلک تحریراً فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۶۴»^۱.

۱۰. سند شماره ۱۵۳ تعلیقه مورخ جمادی الثانی سال ۱۲۶۷ ه. ق. از میرزا محمد رضا متولی آستانه مقدسه درباره کشیک میر عبد الکریم و میرزا حسین سرکشیک پس از کاستن شمار خدمتگذاران آستانه.^۲

۱۱. سند شماره ۸۹ تعلیقه میرزا محمد رضا متولی باشی در ابلاغ حکم شاه، مورخ ذی حجه سال ۱۲۷۱ ه. ق. با تحشیه مستوفی آستانه که با مهر متولی بعدی می باشد که پس از عهده داری تولیت بنابر معمول تعلیقه را توشیح نموده است، با اشاره به تعلیقه جات متولیان قدیم آستانه درباره این خدمت.^۳

۱۲. سند شماره ۱۲۹ تعلیقه میرزا محمد رضا متولی آستانه مقدسه در مورخ جمادی الثانی سال ۱۲۷۳ ه. ق. در واگذاری خدمت یک نفر

۱. همان، ۳۰۳.

۲. همان، ص ۳۷۶.

۳. همان، ص ۲۷۸.

خادمی به ملا آقا جان، فرزند میرزا جونی حافظ سرکار فیض آثار، با تعلیقه میرزا سید حسین متولی باشی بالای سند مبنی بر آن که خدمت حافظ‌ی پس از درگذشت میرزا جونی (به سال ۱۲۷۳) به همین فرزند او و خدمت یک نفر خادمی به فرزند دیگرش میرزا آقا واگذار شده است، با تصدیق و دستخط مستوفی آستانه در حاشیه.^۱

(۶۱)

۱۵. حاج میرزا سید حسین متولی باشی

وی فرزند میرزا محمد رضا متولی باشی است. او پس از درگذشت پدر خود، یعنی حدود سال ۱۲۳۷ ه. ق. تا اواخر زندگی خویش^۲ تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام را عهده‌دار شد.^۳ او در سال ۱۳۰۱ ه. ق. ایوان وسط را که در مدخل مدرسه مبارکه فیضیه در صحن عتیق می‌باشد، تزیین و تعمیر کرد. و در یک کیلومتری جنوبی قاسم‌آباد که قریه‌ای بوده (که در یک قرن قبل خراب شده است) به نام محمدآباد که عمارات مصفا و مجلل و باغ شاداب و گلکاری و گلخانه داشته و میانه آن با زالون‌آباد در طول سه کیلومتر

۱. همان، ص ۳۲۸.

۲. اگر چه نویسنده «تربت پاکان» مدت تولیت میرزا سید حسین متولی باشی را تا اواخر زندگی او دانسته است؛ اما در اسناد آخر جلد اول همین کتاب، فرمانی از ناصرالدین شاه در مورخ ۱۲۸۴ ه. ق. مبنی بر تولیت میرزا سید محمد باقر آمده است.

۳. ر. ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۸، به نقل از «جنگ شماره ۱۶۲ کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی قم» برگ ۱۱۲ پ؛ «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» ص ۸۱؛ «المآثر والآثار» اعتماد السلطنة، ص ۱۵.

خیابانی مشجر وجود داشته که در طرفین آن درختان توت بسیاری برای تغذیه کرم ابریشم داشته و همگی متعلق به میرزا سید حسین متولی باشی بوده است، ولی چون تربیت کرم ابریشم با مرگ یکی از فرزندان وی مصادف شد، آن را به فال بد گرفت و کار خود را تعطیل نمود.^۱

میرزا سید حسین متولی باشی در ۲۷ ذی حجه سال ۱۳۱۷ ه. ق. دار فانی را وداع گفت.^۲

شایان ذکر است که در زمان تولیت حاج میرزا سید حسین متولی باشی، نائب التولية «حاج میرزا محمد تقی» برادر وی بوده است.^۳

۱. ر.ک: «گنجینه آثار قم» ج ۱، ص ۵۱۰ و ج ۲، صص ۵۱۸-۵۱۷.

۲. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۲۴۸.

۳. ر.ک: «المآثر والآثار» ص ۱۵.

بخش پنجم

متولیان آستانه مقدسه که تولیت قدیمی نیز به آنها
واگذار شد و آستانه بایک تولیت اداره می شد

فصل اول

متولیانی که تولیت کامل آستانه را
بر عهده داشته و از سادات حسینی بوده‌اند:

(۶۲)

۱۶. میرزا سید محمد باقر متولی باشی (سالار التولية)

وی از شخصیت‌های بزرگ قم و مردی عالم، متدین، متعهد و از
چهره‌های شاخص و مورد اعتماد و احترام عام و خاص بوده است.
او به احتمالی قبل از درگذشت پدرش، میرزا سید حسین، تولیت
آستانه مقدسه را بر عهده گرفته؛ اما به طور قطعی در سال ۱۳۱۷ ه.ق.
طی یک فرمان از طرف مظفرالدین شاه قاجار به مقام تولیت آستانه
مقدسه قم منصوب شده است.^۱
مدت تولیت وی در آستانه مقدسه طولانی و تا پایان زندگی، یعنی
سال ۱۳۶۰ ه.ق. استمرار داشته است.^۲

۱. ر.ک: «تربت پاکان» ج ۱، ص ۷۱۴.

۲. ر.ک: همان، ص ۲۴۹.

شجره‌نامه میرزا سید محمد باقر متولی باشی:

«میرزا سید محمد باقر متولی باشی، ابن جناب آقای حاجی میرزا سید حسین متولی باشی، ابن میرزا سید محمد رضا متولیباشی، ابن جناب امیرزا سید اسدالله متولیباشی، ابن امیرزا سید محمد متولی باشی، ابن جناب امیرزا محمد خلیل متولی باشی، ابن امیرزا سید مهدی متولی باشی، ابن امیرزا سید حسن متولی باشی، ابن امیرزا سید محمد امین متولی باشی، ابن میرزا سید مهدی متولی باشی، ابن میرزا سید معصوم متولی باشی، ابن میرزا سید مهدی متولی باشی، ابن میرزا سید حبیب‌الله متولی باشی، ابن امیرزا سید حسین خاتم المجتهدین اثاری، ابن علی ابن حسن اثاری، ابن حسین ابن علی الاثاری، ابن عبدالله ابن مفضل الاثاری، ابن احمد ابن جعفر الاثاری، ابن محفوظ ابن حسن الاثاری، ابن عدنان ابن جعفر الاثاری، ابن محمد ابن حسین الاثاری، ابن علی ابن محمد الدیباج الاثاری، ابن علی ابن محمد الدیباج، ابن جعفر الصادق، ابن محمد الباقر، ابن علی سید الساجدین، ابن الحسین سید الشهداء، ابن امیر المؤمنین و سید الوصیین صلوات الله علیهم اجمعین».^۱

چنان‌که گفته شد، وی از شخصیت‌های بزرگ و متدین و عالم در قم بوده و خدمات بسیاری در آستانه مقدسه و به جامعه متدین آن روز نموده و مورد احترام مردم و علما بوده و در نامه‌ها از وی بسیار محترمانه و با عظمت یاد شده است. از جمله آن نامه‌ها و مراسلات، نامه

۱. «مراسلات» (مخطوط) ج ۷، صص ۱۲۹-۱۲۸.

حضرت آية الله العظمى مرعشى نجفى رحمة الله عليه در سال ۱۳۵۸ ه. ق. می باشد که متن آن چنین است:

فرستنده: حضرت آية الله العظمى سيد شهاب الدين مرعشى نجفى عليه الرحمة؛

گیرنده: تولیت آستان قدس فاطمی؛

موضوع: بیان ویژگیهای تولیت به زبان عربی و سفارش پرداخت حقوق معوق آقا شیخ حسین خادم؛

متن: سواد مراسله آقای میر سید شهاب الدین نجفی است [به تاریخ ۲۶ ذوالحجۀ ۱۳۵۸]:

«بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد و الصلاة، تحية زاكية أقدمها إلى خلاصة المجد و الشرف، مفخر السلف و الخلف، دوحة المجد اللتي أيننت أثمارها، و روضة الغرّ اللتي تضيّعت أزهارها، سماء الكرات اللتي أشرقت بنجومها، و جادت بغيوث الكرم غيومها، الذي كرم اصله و حسن فعله، اقتنى المحامد و طابت منه المصادر و الموارد، الشريف الحرّى بأن تعقد عليه الخناصر، و يخلد مدحه فى بطون الدفاتر، المقدم الذى ضم تأله المجد إلى طارفه، و لبس من ثياب الحمد أحسن مطارفه، فله من شرف نسب و كرم و حسب، هما فى سماء الفخر فرقدان، و غرة الملوان، سلالة العترة العلوية، و ثمرة الشجرة الفاطمية، المشرف بتولية القبة المعصومية، و المفتخر بخدمة تلك الساحة البهية العلية، لازل كاسمه اللامع محمد، أبين للأنام، و باقر الحجج المكارم مدى الليالى و

الایام، فاقد مجده و دام سنده، أنار بمصباحه، وصال سالاره.
 به عرض سامی می‌رساند: پس از تقدیم مراتب تحیت و ثناء و
 استعلام از سلامتی وجود محترم و حضرت علی‌ه‌ی‌عالیه سیده
 المخدرات و أسوة الفاطمیات، غرض از تصدیع آنکه: چندی قبل به
 وسیله‌ی پست دولتی مصدع اوقات شریفه و مزاحم ساعات منیفه شده
 بودم و ضمناً استدعا شده بود که مقرر فرمایید حقوق خدمت آقای آقا
 شیخ حسین خادم آستان قدس [فاطمی] برسد؛ چون چند سال است
 تأخیر افتاده، و فعلاً در خیال طبع کتاب می‌باشند که ترجمه کلمات
 قصار حضرت مولی الموالی سلام الله علیه می‌باشد به طریق نظم.
 خیلی محتاج هستند، و البته در این مقصد خیر، وجود مبارک عالی
 شریک خواهند بود. امید است عرض به هدف اجابت رسیده، در
 جواب همین عریضه - لفاً - حواله مرقوم و مرسول فرمایند.

در خاتمه سلام مخلصانه حضور باهر النور، مشکوة التولية، بنراس
 النبالة، سراج الكرامة سرکار بندگان آقای مصباح التولية العظمی أدام الله
 أيامه، و أسعد اعوانه و حضرت مستطاب آقای سالار التولية دامت
 معاليه و حسنت مساعیه دارم، زیاد جسارت نمی‌نماید. أقل أهل بیت
 النبوة و السفارة، الراجی شهاب‌الدین الحسینی النجفی عفی عنه.
 عنوان الجواب: قم سید شهاب‌الدین نجفی، انشاء الله تعالی
 می‌رسد.

روی پاکت: طهران: خارج دروازه دولت، خانه‌های اردشیر، محضر
 انور گماشتگان حضرت مستطاب، سید الأشراف، كهف الأجلّة، فخر

الأركان، إنسان العين و عين الإنسان بندگان آقای تولیت عظمی آستان قدس حضرت معصومه مشرف باد. ۲۶ ذی الحجة ۱۳۵۸^۱.
 درباره میر سید محمد باقر متولی باشی مطالب زیادی وجود دارد که بیانگر شخصیت والای وی و همچنین اتفاقات گوناگونی که در زمان تولیت وی رخ داده می باشد که از نظر تاریخی بسیار مفید است و بسیاری از این مطالب در «مراسلات» مندرج است. همچنین کتابهایی که درباره قم در زمان تولیت وی و بعد از آن تألیف شده، می تواند روشنگر بعضی از مطالب باشد.

چنان که گفته شد تولیت قدیمی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام در سلسله دودمان سادات رضوی بود که در زمان تولیت میرزا سید محمد باقر مصالحه شد و به تولیت رسمی و جدیدی تحویل گردید.

(۶۳)

۱۷. سید ابوالفضل تولیت (مصباح التولية)

وی فرزند میرزا سید محمد باقر متولی باشی - سالار التولية - و مشهور به مصباح التولية است که در سال ۱۲۸۳ ه. ش. متولد شد. وی از سال ۱۳۲۰ ه. ش. به تولیت آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه علیها السلام برگزیده شد و تا سال ۱۳۴۴ ه. ش. به مدت ۲۴ سال در این منصب باقی بود.

او با ثروتهایی که در اختیار داشت، سعی می‌کرد به گروه‌های مبارز و اسلامی کمک نماید. وی همراه روحانیت مبارز بود و در پیشرفت کارها به آنان کمک می‌کرد. حجة الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی که در جریان مبارزات خود، گاهی به خارج از کشور سفر می‌کرد و به فعالیت می‌پرداخت، در خاطرات خود چنین می‌گوید:

«به کمک یک افسر از دوستان آقای تولیت [سید ابوالفضل] توانستم گذرنامه بگیرم و سفر اول را همراه همسرم با قطار از تهران به ترکیه رفتیم... از استانبول به بلژیک پرواز کردیم... در فاصله دو سفر، با اتکا به اطلاعات جمع شده، امکاناتی برای نیازهای مبارزه در خارج تهیه کردم و عازم شدم».^۱

و باز می‌گوید: «با [ابوالفضل] تولیت هم کم‌کم در جریان مبارزه و سربازی و روابط سیاسی که ضمن آن پیش آمد، آشنا شده بودم...».^۲

مصباح التولية در متن مبارزات علیه رژیم پهلوی حضور داشته و در جریان کاپیتولاسیون در تهیه اخبار و اسنادی که به خدمت حضرت امام (قدس سره) ارائه شد، نقش مهم و اساسی داشته است.^۳

ثروت مصباح التولية مهم‌ترین سرمایه مبارزه علیه رژیم ستم‌شاهی بوده است.

حجة الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی درباره نیاز جریان

۱. «هاشمی رفسنجانی دوران مبارزه» اکبر هاشمی رفسنجانی، ج ۱، ص ۲۷۲.

۲. همان، ص ۱۷۵.

۳. ر.ک: همان، ص ۱۹۷.

مبارزات به سرمایه، خصوصاً برای تأمین نیروهای خارج از کشور و آماده شدن مصباح التولية جهت وقف همه ثروت خود به عنوان تأسیس حکومت اسلامی، می‌گوید:

«همان طور که پیش از این هم اشاره کردم، در سفر قبلی شناخت خوبی از امکانات و نیازهای نیروها در آنجا داشتم که حالا با فراهم کردن امکاناتی، این سفر برای تأمین نیازها انجام می‌شد.

نیازی که ما به نیروهای خارج داشتیم، این بود که به عنوان پایگاه‌هایی مطمئن صدای ما را به دنیا برسانند، نیروهایی را که امکان ماندن آنها در ایران نیست، جذب کنند و یا احیاناً نیروهایی را برای پاسخ به پاره‌ای نیازها به داخل بفرستند.

ایجاد چنین پایگاه‌هایی در خارج، نیاز به سرمایه دارد که تأمین آن را نمی‌شد از نیروهایی که در خارج بودند، انتظار داشت. آنها یا دانشجویانی بودند نیازمند، یا کسانی که از ایران در جریان مبارزه فرار کرده بودند... کاری که ما بعد از آن سفر اول انجام دادیم، عمدتاً جلب حمایت آقای تولیت [سید ابوالفضل] بود. ایشان امکانات مالی زیادی داشت، بچه هم نداشت. فردی بود روشنفکر و از نظر اعتقادی هم بیشتر جریان مبارزه اسلامی را قبول داشت. او آماده شد که همه ثروت خود را وقف مبارزه بکند، به عنوان تأسیس حکومت اسلامی.

برای این منظور مؤسسه‌ای تأسیس کردیم، اساسنامه آن را نوشتیم و هیأت مدیره‌ای تعیین کردیم که من خودم عضو آن بودم. تولیت همه ثروت و اموالش را - به استثنای خانه تهران، خانه سالاریه قم و مقداری

برای گذران زندگی شخصی - در اختیار گذاشت؛ به صورتی که انجام کارها از حضور و تصمیم خود ایشان بی نیاز بود. هیأت مدیره برای انجام هر اقدامی اختیارات کافی داشت.

به هر حال، پول زیادی - در مقیاس آن روز - از طریق فروش زمین و سایر مستغلات فراهم شد. پولی هم ایشان حواله کرده بود به خارج و خود تولیت هم سفری به خارج کرد که مصادف با همان سفر دوم من به خارج از کشور بود و یکی از برنامه‌های این سفر من، گفت و گو با ایشان بود و بعضی کارها را مشترکاً تنظیم کردیم.

با استفاده از این امکانات سعی شد که در خارج از کشور سرمایه‌گذاری‌هایی بشود که با تکیه بر درآمدهای آن، نیازهای نیروها و پایگاه‌های ما در لبنان، عراق، اروپا و امریکا تأمین شود و اگر در داخل کشور هم نیازهایی پیش آمد، به حل مشکلات داخل هم کمک شود. مرحوم تولیت در قم زمینهای زیادی داشتند، برای استفاده مناسب از آنها و به کمک دوستان ما شرکتی به نام «دژساز» تأسیس شد. به سرعت قیمت زمینها بالا رفت که امکانات زیادی در اختیار هیأت مدیره خیریه قرار می داد.^۱

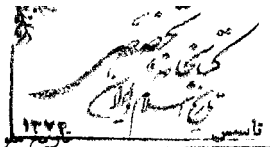
حجة الاسلام و المسلمین رفسنجانی درباره گرایش مصباح التولية به سمت نهضت آزادی و سرنوشت وی می گوید: «پس از بازگشت من از اروپا و دستگیری و زندانی شدن، با استفاده از روابط صمیمانه آقایان تولیت و [احمد] صدر حاج سید جوادی، تغییراتی در هیأت مدیره به

سود نهضت آزادی انجام شد. هر چند که حضور من محفوظ بود، اما دوستانی را که برای ما بیشتر مورد اعتماد بودند - مثل آقای باهنر - کنار گذاشتند. از جزئیات مسائل اطلاع دقیق ندارم، اجمالاً می‌دانم که مقداری پول به امریکا فرستادند که صرف پایگاهی شد، برای آقای یزدی [ابراهیم]. بعدها تغییراتی پیش آمد.

در روزهایی که امام پاریس بودند، تولیت اموال خود را در اختیار ایشان گذاشته بود. امام هم اختیارات را به هیأتی سه نفره - مرکب از من و آقایان منتظری و مطهری - داده بودند که آقای عراقی مأمور شده بود این خبر را به ما برساند. این در شرایطی بود که هیچ فرصتی برای این گونه مسائل نداشتیم و همه نیرو و توان ما صرف مسائل مهم مملکتی می‌شد؛ زیرا این پیغام در آستانه پیروزی انقلاب رسید، در شرایطی که همه جای کشور مسأله داشت.

حضور شخصی تولیت هم نیاز به دخالت فوری ما را کم می‌کرد. رفته رفته رنجشهایی برای او پیش آمد، توقعاتی داشت که مورد توجه قرار نگرفت. در نتیجه، منعطف شده بود به سمت نهضت آزادی و وصیتی برایش تنظیم شده بود که همه اختیارات به خانم ایشان داده می‌شد. البته با واگذاری این اموال به امام و اهاله اختیار از طرف امام به جمع ما، دیگر جای این تغییرات نبود و در زمان حیات تولیت هم من مطلع نشدم.

اما بعد از مرگ تولیت، بهره‌برداری از این امکانات با مشکل اساسی برخورد کرد. بخش عمده‌ای از این ثروت در یکی از بانکهای انگلیس



بود که برای برداشت از آن اشکال قانون مطرح شد و مطالبه انحصار وراثت کردند.

در اینجا موسی خان (امیر حسینی) مدعی وراثت شد. او که از قضات است، پسر عمه تولیت بود. تولیت هم که وارث بلافصلی نداشت و اینها به عنوان طبقات بعدی وارث ادعایی داشتند. با اعتراض ایشان، پولها در بانک لندن باقی ماند و زمینه‌ای شد برای مراجعه مجدد آقایان به ما و پیشنهاد کمک برای حل مشکل با حکمی از دستگاه قضایی. با این مقدمات، زمینه دخالت آقای منتظری پیش آمد که ایشان حکم کردند که اموال تولیت تخمیس شود. خمس آن را خود ایشان برداشت و بقیه به جامعه الصادق - که ایشان هم از اعضای تصمیم گیرنده آن بودند - واگذار شد که فعلاً در اختیار دانشگاه امام صادق علیه السلام است.

آنچه از این اموال به مصرف نیازهای انقلاب، پیش از پیروزی، در خارج کشور رسید - جز آنچه در آن سفر خود من در حل مشکلاتی استفاده کردم - من از آن بی اطلاع. در داخل هم استفاده‌هایی از آن شد؛ مثلاً در ایجاد پایگاهی مثل نشر فرهنگ اسلامی.^۱

او هنگام عهده‌داری مقام معاونت تولیت به نمایندگی مردم قم در مجلس شورای ملی در دوره یازدهم برگزیده شده و هفت دوره پی در پی به مجلس راه یافته بود.^۲ وی در سال ۱۳۶۵ ه. ق. ضریح مقدس

۱. همان، صص ۲۸۵ - ۲۸۴.

۲. ر. ک: «گنجینه آثار قم» ج ۱، ص ۳۷۴.

حضرت فاطمه علیها السلام را تعویض نمود.^۱ در سال ۱۳۳۸ ه. ش. دفتر آستانه مقدسه در سمت شمالی کتابخانه از ناحیه سید ابوالفضل تولیت، متولی وقت بنیان گردید^۲ و همچنین بنای مسجد بالاسر از سطح زمین برداشته شد و به جای آن عمارت رفیع کنونی بنیان گردید.^۳ سید ابوالفضل تولیت دارای فرزند نبود و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دار فانی را در قم وداع گفت و در کنار مسجد چهارده معصوم علیهم السلام که زمین آن و خانه‌های اطراف را وقف نموده بود، به خاک سپرده شد.

بنابراین، دوره تولیت سادات حسینی با رحلت سید ابوالفضل تولیت به پایان می‌رسد که بیش از سه قرن تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام را عهده‌دار بوده‌اند.

۱. رک: همان، ص ۴۸۱.

۲. رک: همان، ص ۵۷۸.

۳. رک: همان، ص ۶۲۱.

فصل دوم

متولیان آستانه مقدسه که از سادات حسینی قم نبوده‌اند

(۶۴)

۱. سید محمد مشکاة

سید محمد مشکاة، فرزند سید علی در سال ۱۳۴۴ ه.ش. به مقام تولیت آستانه مقدسه قم برگزیده شد که مدت تولیت وی بیش از چند ماه نبود؛ یعنی تا ۱۳۴۴/۱۲/۲ در این منصب بوده است و در این تاریخ محمد مهران به جای وی به تولیت آستان قدس فاطمی برگزیده شد. سید محمد مشکاة در بیست و دوم مرداد سال ۱۳۵۹ ه.ش. درگذشت و در مقبره شماره ۸ صحن اتابکی دفن شد. «وی از نمایندگان تهران بود و از طرف آقای شریعتمداری به عنوان مدرّس در دارالتبلیغ به قم دعوت شد».^۱

(۶۵)

۲. محمد مهران

وی قبل از اینکه تولیت آستانه مقدسه قم را بر عهده بگیرد، تولیت

۱. ر.ک: «خاطرات آیت‌الله مسعودی خمینی» ص ۲۹۰.

آستان مقدس حضرت رضا علیه السلام را در مشهد به مدت سه سال بر عهده داشته است.

او در تاریخ دوم اسفند سال ۱۳۴۴ ه. ش. از طرف رئیس سازمان اوقاف وقت به مقام تولیت آستانه مقدسه منصوب شد و در بیست و یکم تیر ماه سال ۱۳۴۵ از طرف محمد رضا شاه پهلوی معدوم رسماً با استدعای سازمان اوقاف به تولیت آستان قدس فاطمی تعیین گردید.

متن حکم رئیس سازمان اوقاف وقت درباره نصب محمد مهران به تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام و رونوشت آن به اداره اوقاف قم و دفتر آستانه مقدسه:

«نخست وزیر

سازمان اوقاف

اداره اوقاف قم

چون اداره کل تحقیق اوقاف بر طبق تقاضای اداره اوقاف قم آقای ابوالفضل تولیت متولی آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام را ممنوع از مداخله در امور آستانه نموده و در نتیجه تمشیت امور موقوفات آن به اوقاف محول گردیده است، به منظور حسن اداره آستانه مقدسه و استفاده از تجربیاتی که جنابعالی هنگام نیابت تولیت عظمی بارگاه مقدس حضرت ثامن الائمه علیه آلاف التحية و الثناء اندوخته‌اید، بدینوسیله اداره کلیه امور آستانه مقدسه قم و موقوفات آن را تا زمانی که آقای متولی در حال ممنوعیت است، از جنابعالی تمنی می‌نماید که با رعایت مقررات و قوانین اوقافی قیام و اقدام فرمائید.

معاونت نخست وزیر و رئیس سازمان اوقاف - عصار ۳۴۷۳۷/۴ - ۴۴/۱۲/۲.

«رونوشت جهت اطلاع به اداره اوقاف قم ابلاغ می شود. مقتضی است کلیه اموال و دفاتر متعلق به آستانه مقدسه را با تنظیم صورتمجلس مشروح جناب آقای مهران تحویل و یک نسخه از صورت رد و تحویل را به سازمان اوقاف ارسال دارید به آقایان شمشعانی رئیس اوقاف تهران و نقیبی معاون کل حسابداری سازمان ماموریت داده شده است که به قم عزیمت و در این تحویل و تحول نظارت و مراقبت نمایند. م

معاون نخست وزیر و رئیس سازمان اوقاف - عصار ۵۲۷۲ - ۱۳۴۴/۱۲/۳.

«رونوشت به اطلاع دفتر آستانه مقدسه حضرت معصومه سلام الله علیها می رساند. مقتضی است با تشریف فرمائی معظم له و مأمورین سازمان اوقاف همکاریهای لازم را معمول دارید.

رئیس اداره اوقاف قم - آیین نژاد
محل امضاء
۷۱۵۰ - ۴۴/۱۲/۳.

اما متن حکم محمد رضا شاه معدوم مبنی بر انتخاب محمد مهران به تولیت آستان قدس فاطمی:

«با تأییدات خداوند متعال

ما

محمد رضا پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران [محل امضاء]

نظر به علاقه کاملی که به تشیید مبانی اسلام و ترویج شعائر مذهبی داریم و انتظام امور مشاهد مشرفه و بقاع متبرکه که همواره مورد توجه مخصوص ماست و ضرورت ایجاب می نمود برای تصدی تولیت شخص امینی که مورد اعتماد باشد، منتخب گردد؛ لذا بر طبق استدعای سازمان اوقاف به موجب این فرمان جناب محمد مهران را به تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام منصوب می داریم تا با کمال جدیت به انجام وظایف خود اقدام نماید و موجبات رضایت خاطر ما را بیش از پیش فراهم سازد.

به تاریخ بیست و یکم تیر ماه یک هزار و سیصد و چهل و پنج.
محمد مهران در اوایل سال ۱۳۴۷ ه. ش. از مقام تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام عزل گردید و رسماً با انتخاب عبد الوهاب اقبال از طرف محمد رضا شاه به مقام تولیت آستانه مقدسه، از این منصب کناره گیری نمود. متن نامه محمد مهران در تاریخ ۱۳۴۷/۲/۱۶ به سعودی معاون آستانه مقدسه مبنی بر نمایندگی سعودی از طرف وی جهت تحویل امور آستانه و حسابهای آستانه به عبد الوهاب اقبال و مطالبی دیگر چنین است:

«قم

تولیت آستانه مقدسه

به وسیله سازمان محترم اوقاف

آقای سعودی معاون آستانه مقدسه قم

چون استعفاء اینجانب مورد قبول ذات اقدس ملوکانه قرار گرفته

و به طوریکه از طرف سازمان اوقاف گفته شد، فرمان مطاء^۱ مبارک همایونی برای تولیت آستانه مقدسه قم به نام جناب آقای عبدالوهاب اقبال شرفصدور یافته، لهذا جنابعالی از طرف اینجانب نمایندگی دارید آستانه و کلیه حسابهای آن را تحویل ایشان نمائید و یک نسخه از صورتمجلس ممضی را بعنوان بنده ارسال فرمائید ماشین سواری^۲ ۱۲۵۱ آستانه مقدسه به رانندگی آقای احمد گودرزی نیز صحیحا و سالما در تاریخ امروز به سازمان محترم اوقاف داده شد تا بمن لا الحق^۳ برسانند.

التماس دعای مخصوص دارم خدمت عموم دوستان و همکاران مراتب ادب و تودیع را به جای می آورم و همه را به خدای متعال می سپارم.

محمد مهران ۱۳۴۷/۲/۱۶

شماره ثبت دفتر $\frac{۴۷/۲/۲۶}{۱۴۷۹}$ ، رونوشت برابر با اصل در پرونده ص ۱ بایگانی شده است»^۴.

توطئه محمد مهران برای انهدام مدرسه مبارکه فیضیه

در زمان تولیت او در حرم ملکوتی حضرت معصومه علیها السلام نامه ای به شاه نوشته می شود و از او درخواست می شود که اجازه دهد مدرسه فیضیه با خاک یکسان شده، به جای آن صحنی به نام صحن رضا

۱. «مطاء» صحیح است.

۲. «سواری» صحیح است.

۳. «بمن لاحق» یا «بمن له الحق» صحیح است.

۴. اسناد مربوط به محمد مهران در پرونده وی در اداره اوقاف موجود است.

بنا شود. در جواب به او گفته می‌شود که طرح بسیار خوبی است و در خصوص نام این صحن بعداً تصمیم خواهیم گرفت.

محمد مهران کار را شروع می‌کند و با طیّ مقدمات قانونی به صورت دقیق که همه آنها روی کاغذ آمده و ثبت می‌باشد، زمینه را برای تخریب مدرسه مبارکه فیضیه فراهم می‌کند؛ اما با اوج‌گیری و بالا گرفتن حرکت و خیزش انقلاب اسلامی ادامه این کار نامبارک متوقف می‌شود.^۱

آیه‌الله مسعودی اظهار می‌دارد: «به نظر من اگر پیروزی انقلاب تنها یک سال به تعویق افتاده بود، چیزی به نام مدرسه فیضیه وجود خارجی نداشت».^۲

محمد مهران در دوران تولیت خود در آستانه مقدسه عملکرد خود را از تاریخ اسفند سال ۱۳۴۴ تا بهمن ۱۳۴۶ ه. ش. گزارش نموده که شامل اطلاعات خوبی در جهت روشن شدن امور ذیل است:
- وضعیت کارکنان و خدام آستانه مقدسه که مبلغ زیادی به آنان بدهکار بوده؛

- بدهی آستانه مقدسه به مردم جهت تعمیرات ضروری؛
- وضعیت اوقاف و ملک و سهام و اراضی و غیره که اغلب مخروبه شده بودند؛

- اشاره به غارت مال و املاک آستانه مقدسه؛

۱. ر.ک: «خاطرات آیت‌الله مسعودی خمینی» صص ۱۰۱-۱۰۰.

۲. همان، ص ۱۰۱.

- میزان درآمد قبل و بعد از گزارش وی از آستانه مقدسه و وضعیت امور داخلی آن؛

- تعمیرات آستانه و بناهای انجام گرفته و خرید و سایل مورد نیاز و کارهای دیگر؛

- تقسیم عوائد حق الدفن و غیر آن بین اشخاص؛

- وضعیت حق التولية و متولی یا متولیان قبل از وی و عملکرد آنها در آستانه مقدسه؛

و نکات دقیق دیگری که از آن می توان استفاده نمود.

اما متن کامل این گزارش:

«علاقه و ارادت به خاندان جلیل رسالت و ائمه اطهار علیهم الصلوة و السلام سر لوحه آرمانهای مقدس شاهنشاه آریامهر است. ملت مسلمان ایران در ترویج شعائر اسلامی از منویات مبارک شاهنشاه اسلام پناه خویش الهام می گیرند.

به حکم تقدیر الهی و به امر اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و تصمیم دولت و سازمان اوقاف به ریاست جناب آقای عصار، سحرگاه روز سوم اسفندماه ۱۳۴۴ به شهر مذهبی قم برای خدمت به دستگاه پر افتخار حضرت معصومه سلام الله علیها و اداره امور آستانه مقدسه از تهران حرکت و با خدمات موفقیت آمیزی که طی مدت سه سال به موجب فرمان مبارک همایونی و تحت تعالیم عالیّه معظم له نسبت به دربار با عظمت حضرت ثامن الائمه علیه آلاف الثناء و التحية که سمت تولیت عظمای آستان قدس رضوی را دارا می باشند، نموده

بودم، با کمال امید و آرزو پس از ادای احترام و عتبه بوسی و زیارت مرقد مطهر بی‌بی با هیئتی از رؤسا و امناء اوقاف که جهت نظارت در تحویل به معیت نماینده دادسرای شهرستان قم شرکت فرموده بودند، در دارالتولیه حاضر و بلافاصله از ساعت هفت صبح روز مزبور به انجام وظیفه مقدس خود پرداختم.

طبق صورت‌هایی که تنظیم گردید و نسخه‌ای به اینجانب تحویل شد، آستانه مقدسه قم قریب چهار میلیون ریال بابت حقوق عقب افتاده کارکنان و خدام خود که طلب بعضی به ۱۹ ماه می‌رسید، مدیون بود؛ حتی اسناد مختصر و جوهی که در ماههای اول سال ۱۳۴۴ برای بعضی تعمیرات ضروری صادر و همچنان در دست مردم مانده، باقی بود و در مقابل فقط ۳۹۰ ریال موجودی داشت و خلاصه آستانه حضرت معصومه علیها سلام با آن همه جاه و جلال و عظمت و حرم و رواق و ایوان و بقعه و صحن بافر و شکوه و متجاوز از چهل پارچه ملک و آب و سهام و اراضی وسیع و قریب یکهزار قطعه زمین مورد اجاره و پانصد فقره مستغل و حمام و کاروانسرا و میدان اغلب به حالت مخروبه و مستخدمین آن، غیر از معدودی که دست تطاول و غارت به مال حلال او دراز کرده بودند، باقی به نان شب محتاج!

با ملاحظه آمار درآمد گذشته که برای مزید اطلاع از تحویل و تحول آن‌روز استخراج گردید، وصولی آستانه دچار کاهش فاحش بود و با دقت بیشتری معلوم شد نسبت به جمع‌آوری درآمدها ابداً دلسوزی و مراقبت معمول نمی‌گردید و حتی بعضی عوائد از قبیل: کفشخانه و

شمعخانه و حق الدفن و اشباه آن غالباً به حساب آستانه گرفته نمی شد و بین اشخاص تقسیم می گردید و در بدایت امر عشری از آن را عنوان حق التولية و باقی گاهی غرما و اگر احیاناً چیزی باقی می ماند و به حساب می آمد، از آن هم مجدداً حق التولية دریافت می شد و چون حقوق بعضی عهده تعویق می افتاد و برای تعمیرات و ساختمانها و عمران دهات اقدامی نمی شد، موجودی را عنوان وام و مساعده برداشت می فرمودند تا وجهی در صندوق و بانک باقی نماند، مبادا طلبکارها به وجود آن اطلاع پیدا کنند و در مقام استیفاء حق خود برآیند. با این وصف تردیدی نیست هرگاه مدت کمی بدین منوال می گذشت، درآمد از میان می رفت و مخارج پا بر جا باقی می ماند و بر خرابیها افزوده می شد و معلوم نبود کار دستگاه مقدسی که سالیان دراز پا بر جا و استوار بوده و مردم از راه دور و نزدیک با اعتقاد کامل و خضوع و خشوع تمام به زیارتش می شتابند و بر حرم مطهرش طواف می کنند، به کجا می رسد.

به هر حال، آنچه لازمه تعقیب بود، شد و برای ایجاد نظم و جلوگیری از تعدیات و سائلی آماده گردید تا آنجا که شایستگی چنین دستگاه امن و مقدسی دارد، به کار رود و از درگاه باری تعالی و آستان ملائک پاسبان حضرت معصومه سلام الله علیها مزید توفیق در خدمتگزاری صادقانه را برای خود و عموم آرزو مند است. ۳ اسفندماه ۱۳۴۶ و بالله التوفیق و علیه التکلان.

متولی آستانه مقدسه قم - محمد مهران

گزارش عملکرد دوساله از اسفندماه ۱۳۴۴ تا بهمن ماه ۱۳۴۶

اولاً، امور داخلی و انتظامات

۱. چون کارکنان آستانه مقدسه پرونده‌های کارگزینی مرتبی نداشته و حتی میزان حقوقی را که دریافت می‌داشتند، در پرونده‌های ناقص مزبور منعکس نبود، لهذا در بدایت کار اقدام به این امر ضروری گردید و گواهی بهداشتی و نداشتن سوء سابقه، برگ انجام خدمت مقدس نظام وظیفه، پایه معلومات، سن و سابقه خدمت، تعداد زن و فرزند و امثال آن تعیین و دریافت و ضمیمه گردید و آنهایی که حقوق از صندوق آستانه مقدسه می‌گرفتند و در خانه اشخاص به خدمت خانوادگی مشغول و یا به دو عنوان موجب دریافت می‌نمودند و یا در ادارات دولتی و مؤسسات ملی حتی در خارج از شهر قم وظیفه داشته و از صندوق حضرت معصومه سلام الله علیها حقوق علیحده‌ای مرتباً می‌گرفتند، تکلیف خود و مقرری آنان روشن شد و از این راه و با خاتمه به خدمت اشخاص اضافی یا ناباب صرفه جوئی قابلی به دست آمد و اختصاص به اضافه حقوق باقی ماندگان و تأمین زندگانی آنان داده شد و بالتیجه با این انقلاب اداری موضوع از کمیت به کیفیت گرائید و برای آن که روش آینده نیز معلوم باشد، کمیسیون دائمی جهت رسیدگی به این قبیل کارها تشکیل و با دقت نظر سر و سامانی یافت.

۲. آستانه مقدسه بایگانی منظمی نداشت و می‌توان گفت هم اکنون آن طور که باید پیدا نکرده و وقفنامه‌ها و اسناد و پرونده‌های گوناگونی که گاه و بیگاه مورد احتیاج می‌باشد، در دسترس استفاده نیست و حتی

به میل و اراده متصدیان وقت بدون آنکه اثری باقی گذارند، فقط من باب جلب منافع شخصی خارج شده و از این حیث فاصله‌ای بین گذشته و حال به وجود آمده که در بعضی موارد به زیان آستانه مقدسه بوده و می‌باشد و با اقدامات جدی که معلوم گردیده، هنوز به جایی نرسیده و عاقبت آن هم معلوم نیست - تردیدی نیست به موقع نتیجه آن به اطلاع همه خواهد رسید - فعلاً آنچه مقدور بوده، ایجاد نظم و مسئولیتی در این زمینه شده است.

۳. وضع خدام و متصدیان بقاع از لحاظ خدمت و طرز رفتار تحت دقت و مراقبت شدید قرار گرفته و برای هر یک آئین‌نامه‌ای وضع و به موقع اجرا در آمد و اکنون با گذشته قابل قیاس نیست.

۴. آیین خطبه که جزء تشریفات آستانه همه روزه با فر و شکوه خاصی باید انجام شود، مدت‌ها متروک بود. از زمان ورود، آن را اجرا و قبل از غروب هر روز آغاز و به دعای ذات اقدس شهرباری و خدمتگزاران کشوری و لشکری و کارکنان آستانه مقدسه و خدام حرم مطهر پایان می‌پذیرد.

۵. شام خدام که موقوفه مخصوصی دارد، با نظم و ترتیب خاصی در آشپزخانه جدید و مضیف‌خانه تازه که ساختمان شد، انجام می‌یابد و با تهیه و خرید اجاقهای گاز و دیوترم و سایر لوازم آشپزخانه و تالار پذیرائی رونقی بسزا پیدا کرد.

۶. برای مستخدمین بی سواد و کم‌سواد کلاس اکابری با کلیه وسائل لازم از قبیل: کتاب و کتابچه و مداد و کاغذ و تخته‌سیاه و گچ تهیه و

دائر و آموزگار ورزیده‌ای نیز برای آنها آماده و همه روزه مشغول تحصیل می‌باشند.

۷. کلاس امتحان برای خدام تشکیل و در معلومات و اخلاق به آنها نمره شایسته داده شد و به کسانی که ضعیف بودند، تأکید شد تا برای امتحان مجدد آماده شوند.

۸. جهت مستخدمین جزء، سالی دو دست لباس تهیه و پالتو و پوستین و کفش و کلاه آنها با نشان نیز تأمین و از این حیث وضع آبرومندی به وجود آمد.

۹. برای خدام لباده مشکی متحدالشکلی سفارش و نشانهایی برای نصب به سینه آنها تدارک گردید تا در موقع تشریف مورد استعمال قرار دهند. با اجرای این عمل و دستور، بسیاری از مفاسد برطرف و بیش از پیش احترام خدام افزایش یافت.

۱۰. با برقراری جشنهای مذهبی و ملی که مرتباً انجام می‌شود و استقبالی که از طرف عموم طبقات معمول می‌گردد، می‌توان گفت سنن و آداب دینی و تاریخی ما ایرانیان احیاء شده است. همچنین به موقع مجالس سوگواری مجللی برقرار و این نقیصه نیز برطرف گردیده است.

۱۱. کلیه قبور و بقاع در آستانه مقدسه در دفاتر مخصوصی ثبت و با ثبت تاریخ دفن هر یک، حفظ حدود شرعی گردید (سابقاً مطلقاً دفتری برای چنین کار واجبی مرتب نبود و رعایت موازین اسلامی و حفظ حیثیت این دستگاه مقدس نمی‌شد).

ثانیاً، امور مالی و حسابداری

۱. بودجه: برای سال ۱۳۴۴ بودجه‌ای تنظیم و بتصویب نرسیده بود، به‌ناچار تا آخر بهمن را از حساب جاری جدا و از اسفند ۱۳۴۴ تا آخر اسفندماه ۱۳۴۵ بودجه مخصوصی تنظیم و با تصویب آن اجرا گردید و برای سال ۱۳۴۶ نیز جداگانه بودجه‌ای تدوین و امضاء شد و مورد عمل قرار گرفت. من بعد نیز در اول هر سال بودجه آن سال تنظیم خواهد گردید.

بدیهی است نسبت به موقوفاتی که متولی خاص و منصوبی دارد، از سایر موقوفات جدا و بودجه علیحده‌ای برای آنها مرتب و به تصویب رسانید و حساب مخارج آن نیز به تفکیک مرتب می‌شود. تا کنون حساب تا پایان سال ۱۳۴۵ تسلیم اداره کل تحقیق اوقاف شده و رسیدگی گردیده است و حساب ۱۳۴۶ نیز به موقع تسلیم خواهد شد و محاسبه ماقبل از اسفند ۱۳۴۴ عهده متصدیان وقت گذاشته شده و برای رفع زحمت دخالتی در آن نگردیده است.

۲. دفاتر محاسباتی: از اول سال ۱۳۴۴ به نحو مترادف تنظیم و حساب دویل در آستانه مقدسه برقرار گردید و این نقص هم برطرف شد.

۳. دیون و حقوق عقب افتاده با سعی و کوشش فراوانی پرداخت و وضع پرداختها بطوری منظم شد که تعهدات پس از تنظیم مدارک و اسناد فوراً تأدیه می‌شود و می‌توان گفت احدی دیناری از آستانه طلبکار نیست و حقوق و مصارف و پول برق و امثال آن مرتباً در هر ماه پرداخت و نسبت به کارکنان آستانه نیز با اعطاء اضافه حقوق و پاداش

به موقع مساعدت شده و علاوه مخارج ایام بیماری و معالجه هم تأمین گردیده است.

خوشبختانه با مخارج سنگینی که از حیث انجام تعهدات گذشته و ساختمانها و تعمیرات و عمران دهات معمول گردیده همه وقت آستانه مقدسه موجودی قابلی هم داشته و از اعتباراتی که بانکها و اشخاص، از جمله بانک ملی ایران مبلغ معتنا به پنج میلیون ریال به اختیار گذاشته بودند، استفاده نشد و بدینوسیله از عموم آنها و مردم حقشناس شهرستان مقدس قم صمیمانه سپاس‌گزاری می‌نماید.

۴. خلاصه حساب جمع و خرج دوساله اسفند ۴۵ تا بهمن ۱۳۴۶
الف. درآمد دوساله مذکور (به استثناء مبلغ چهار میلیون ریال وجهی که بابت قسمتی از اراضی مرادآباد از اداره کل راه آهن دریافت و به موجب رأی شورای عالی اوقاف و دستور سازمان اوقاف در حساب مخصوصی در بانک ملی شعبه قم برای عمران کازران کهنه که قرارداد آن نیز منعقد و شروع به عمل گردیده است، نگاهداری می‌شود). مبلغ ۹۵ ر ۳۲۰۱۵۵۷۸ ریال (متوسط ماهیانه ۱۳۳۴۰۰۰ ریال) بوده است و با قیاس به درآمد یازده ماهه از اول فروردین تا آخر بهمن ماه ۱۳۴۴ (قبل از تصدی اینجانب) که ۸۵ ر ۶۸۹۹۳۱۱ ریال می‌باشد، حد وسط درآمد ۱۱ ماهه مزبور ۶۲۷۲۰۰ ریال بالغ و در نتیجه، در هر ماه به طور متوسط ۷۰۶۸۰۰ ریال اضافه وصولی به صندوق آستانه مقدسه واصل شد و به عبارت آخری، درآمد دوساله مزبور بیش از دو برابر درآمد ماقبل آن بوده و امیدوار است به همین نحو بلکه بهتر از پیش دوام پیدا کند.

ب. مخارج دوساله سابق الذکر که با نظارت اوقاف انجام گردیده است:

۱. مخارج تعمیر و ساختمانهای ضروری بیوتات و ایوانها و همچنین مسجد بالاسر و موزه و حوض و وضوخانه و مضیفخانه و تعمیر گنبدها و تعویض ضریح مطهر و آئینه کاری و کاشیکاری و تعمیر و بنای مستغلات و عمران دهات و حفر چاه در بعضی املاک و خرید موتور و تانکر گازوئیل از اسفندماه ۴۴ تا آخر بهمن ماه ۱۳۴۶: - ۷۵۸۳۴۳۱ ریال.

۲. مخارج روشنایی حرم مطهر و رواقها و صحنین و دارالتولیه و کتابخانه و موزه و مدارس فیضیه و دارالشفاء ۷۵ ر ۱۳۴۶۰۸۴ ریال (بدهی گذشته آستانه نیز جزء این رقم است).

۳. مخارج جشنها و اعیاد و سوگواریها: ۵۰ ر ۲۲۱۰۶۳.

۴. کتابخانه و خرید کتاب: ۱۸۴۳۷۰ ریال.

۵. کمکهای فرهنگی به مدارس ملی وسیله اداره آموزش قم و محصلین بی بضاعت و مبارزه با بیسوادی: ۶۵۶۳۶۳ ریال.

۶. کمک به بیمارستان کامکار: ۲۵ ر ۶۱۹۲۰۵ ریال.

۷. کمک به ساختمان کتابخانه و قرائتخانه سازمان اوقاف در اراضی قهیان: - ر ۳۰۰۰۰۰ ریال.

۸. مخارج دادخواهی و تمیر عرضحالها و حق الوکاله وکیل: ۱۶۳۶۰۹ ریال.

۹. کمک به حفر چاه بیمارستان سهامی قم: ۰۰۰ ر ۸۰.

۱۰. حقوق جاری و عقب‌افتاده کارکنان آستانه مقدسه و خدام و مأمورین نظیف و موزه و پاداشها و مستمری بگيران: ۵۰ ر ۱۳۲۳۷۳۷۹.

۱۱. حق‌النظاره و کمک به‌هزینه اداری اوقاف: - ۲۰۷۳۷۶۳.

۱۲. هزینه شام خدام: - ر ۸۵۰۵۵۰.

سایر مخارج به‌طور کلی:

خرید مایحتاج: صدی دو عمران دهات و صدی پنج کشاورزان کمک به‌مستمندان و فقراء نقداً و جنساً و زوار و هزینه‌های پیش‌بینی نشده: ۵۰ ر ۳۳۳۳۱۲۷.

جمع کل مخارج دو ساله: ۵۰ ر ۳۰۶۴۸۹۴۶ ریال.

ثالثاً، موزه و کتابخانه

در سابق، مقدار زیادی از جواهرات و اشیاء نفیسه آستانه مقدسه به‌قیمت‌های نازلی به‌فروش رسیده و آنچه باقی مانده، با صورتهای تطبیق نمی‌کند. چون در دو مورد مطالبه شد و جوابی نرسید، به‌ناچار یکی از آن دو از طریق دادگستری تعقیب و نسبت به‌مورد دیگر که اشیاء گرانبهای زیادی را متضمن است، در دست اقدام قانونی قرار دارد. بالجمله علاوه بر تصرف غیر مشروع و غیر قانونی به‌دارائ نقدی آستانه مقدسه، در اموال جنسی و هدایا و اشیاء نفیسه نیز تصرفاتی شده که تشخیص مسئول و تعقیب قانونی او در بعضی موارد آسان نیست؛ مثلاً قرآن بسیار نفیسی در گنجۀ بدون حفاظ دفتر کار آستانه وجود داشت که در سال ۱۲۴۲ هجری قمری از طرف فتحعلی شاه قاجار به آستانه حضرت معصومه [علیهاالسلام] هدیه شده و در

کتابخانه و موزه نام و نشانی از آن نبود و در دفاتر هیچ یک ثبت و ضبطی نداشت و حال آنکه به تصدیق اهل خبره این قرآن نفیس متجاوز از یک میلیون ریال طالب دارد. پس از پی بردن به آن، بلافاصله صورت مجلس تنظیم گردید؛ ولی باید گفت آنهایی که ثبت داشت، به چه نحوه معامله با آن کردند و این قبیل که ثبت و حسابی نداشت، چه فعل و انفعالاتی داشته است. به هر حال، در تاریخ ۴۵/۳/۳ قرآن مزبور به موزه منتقل شد و پس از تعمیر موزه و گشایش آن جزء سایر اشیاء باقیمانده در معرض دید و تماشای واردین گذاشته شده است.

به ناچار باید توضیح داد گذشته از آن که فعلاً موزه آستانه مقدسه اشیاء نفیسی را دارا است و مورد علاقه زائران و مراجعه کنندگان است و محل آن هم کاملاً متناسب با موزه نیست؛ ولی معلوم نشد به چه علت یکی از منابع درآمد آستانه را از فروردین ۱۳۴۳ تعطیل کرده بودند و در طی این مدت حقوق کارکنان و نگهبانان آن را پرداخته، بدون آن که اقدامی در رفع نقص و گشایش آن نمایند.

به هر حال، با تمهید مقدمه و اقدام به تعمیر محل مزبور که به صورت خرابه ای افتاده بود و تهیه و تزئین کافی موزه گشایش یافت و همه روزه طالبین با پرداخت پنج ریال ورودی به کار تماشای اشیاء مشغول می شوند و این درآمد جداگانه جمع آوری و تا حال دیناری از آن به مصرف نرسیده تا انشاء الله تعالی در محل مناسبی با نقشه جدیدی که در دست تهیه است، ساختمان نوی ایجاد و این نقص نیز از میان برود. در نظر است صورتی از کلیه اشیاء فعلی موجود در موزه تهیه و با

چاپ عکس بعضی از آنها که جالب توجه است، منتشر شود تا برای آیندگان نیز مورد استفاده باشد.

رابعاً، تعمیرات و ساختمانها

الف. بیوتات

۱. مسجد بالاسر که در ضلع جنوب شرقی آن قبر شاه سلیمان و شاه سلطانحسین صفوی قرار دارد و چون قصد تخریب آن را داشته، اداره باستان‌شناسی مانع شد، به صورت مخروبه درآمد و با این که خرج آن زیاد به نظر می‌رسد ولیکن لازم می‌آمد که هرچه زودتر مسجد به بهترین وجه ساخته شده و مورد استفاده زائران و عبادت کنندگان درآید. علاوه بر آقایان مهندسین باستان‌شناسی، آقای حاج حسین لرزاده معمار دربار شاهنشاهی در دادن نقشه و انجام مقصود و سرکشی مستمر نهایت مساعدت را با آستانه نمودند؛ بطوری که امیدوار است در اوائل خردادماه ۱۳۴۷ (ولادت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله) افتتاح یابد.

کف مسجد قبلاً بتون و ازاره آن به وسیله آقای حجاززاده سنگ مرمر کرمان نصب شده بود و با اصلاحاتی که در مورد سنگها و تکمیل آن به عمل آمد، بقیه تا سقف سنگ تراورتن با احتیاطات کامل و وسیله عملیات اسکوپ نصب گردید و در سقف نیز جدول‌بندی آهنی و سیم‌کشی برق و بلندگو و کولر و تهویه انجام و شیشه‌بندی شد و در دو محل برای نورگیری دو هشت کاسه از کاشی معرق که مزین بادو سوره شریفه اعلی و شمس می‌باشد، ساخته و دو جار عالی برای آن‌دو

سفارش شده و عنقریب آماده نصب می شود.

در مجاورت سقف اولین کتیبه دورادور مسجد سورۀ مبارکه یس با خط ثلث به چشم می خورد که با کاشی معرق ساخته و نصب گردیده و ذیل آن لچکی و دوره و پیشانی در هر طاقنما با کاشیهای معرق مزین شده و علاوه بر ساختمان اطراف خارجی مقبره شاه سلطان حسین از سنگ مرمر کرمان و تراورتن ساختمان و محراب خوشگل و زیبائی در دیوار شمالی مقبره تعبیه شده که با کاشیهای اعلی و آیات شریفه در سه جانب آن به خط آقای شیخ احمد زنجانی معصومی که از ثلث نویسان طراز اول ایران است، تدارک و عنقریب خاتمه و برای افتتاح آماده می شود.

سنگ کف مسجد نیز از سنگهای مرمر کرمان و سنندج تدارک و نصب خواهد شد و امیدوار است این خدمت ناچیز مورد قبول درگاه باری تعالی و آستان حضرت معصومه سلام الله علیها قرار گیرد.

توضیح آن که از طرف سازمان ملی حفاظت آثار باستانی مبلغ دو بیست و بیست هزار ریال برای ساختمان جدار خارجی مقبرۀ شاه سلطان حسین و از طرف جناب آقای غلامرضا فولادوند مبلغ یکصد و ده هزار ریال برای کمک به مخارج ساختمان دیوار مجاور به مقبرۀ خانوادگی پرداخت شده و بدینوسیله اظهار امتنان می نمایند. همچنین از آقایان مهندسین باستانشناسی و آقای لرزاده معمار دربار شاهنشاهی که زحمت نظارت و تهیه نقشه و سرکشی مداوم آن را به رایگان بر عهده گرفته و آقای حجاززاده مقاطعه کار تهیه سنگها و نصب آن و آقای حسین برهانی مقاطعه کار تهیه کاشی و نصب آن نیز سپاسگزار است که

کار را خوب انجام داده و به موقع تعهد خود را وفا نموده‌اند. در قسمت شمالی مسجد از نستعلیق جلی در نه متر به خط خوش عباس بحرینی خادم و کاتب مخصوص آستانه مقدسه این عبارت در کاشی معرق با طلا منقوش است:

«به سال بیست و هفتم سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر بنای این مسجد به پایان رسید».

۲. تعمیر موزه سابق و تهیه ویتترینهای فلزی و افتتاح آن پس از متجاوز از سه سال عملی گردید و در نظر است به خواست خدای متعال و همت آقای حاج قاسم همدانی محل جدیدی جهت موزه و کتابخانه که نقشه آن در دست تهیه است، ساخته شود و محل فعلی موزه ضمیمه مسجد طباطبائی گردد.

۳. تکمیل آئینه کاری ایوان آئینه به سال ۱۳۴۵ انجام و کتیبه زیبایی در پیشانی آن باین مضمون «در عصر سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر آئینه کاری ایوان تجدید شد» ترسیم و نصب شد.

به علاوه یک عدد جار عالی با تخفیف کلی از آقای حاج جابر انصاری خریداری و در ایوان آئینه مورد استفاده قرار گرفت و جار سابق به ایوان مقابل منتقل گردید.

۴. تعمیر اساسی سه گلدسته که بر اثر فرسودگی و پوسیدگی چوبهای درونی آن به حالت خطرناکی درآمده بود و چون مقداری از کاشیهای آن ریخته بود، وضع نامطلوبی داشت و عیوب آن با کمال

دقت برطرف گردید.

۵. تعمیر و اصلاح قاب‌بند درب طلای فتحعلی شاهی که به صورت آبرومندی درآمده است.

۶. ایجاد سه رشته انشعاب آب تصفیه شده شهر برای صحنین و حرم مطهر به طوری که همه وقت در اختیار مأمورین و مردم می‌باشد.

۷. ساختمان جدید حوض وسط صحن اتابکی با سنگ مرمر کرمان و تبدیل پاشویه و آب راکد سابق به ۴۱ شیر که اتصال مستقیم به یکی از انشعابات از لوله کشی شهر دارد و از این طریق رعایت بهداشت عموم گردید و همچنین ایجاد فواره در وسط حوض و حفر چاه برای فاضلاب آب.

۸. تعمیر و تجدید بنای وضوخانه که متأسفانه قبلاً با مخارج گزاف ساخته و متروک گردیده و مطلقاً مورد استفاده نبود و اکنون دائر و رافع احتیاج می‌باشد و حفر چاههای لازم و ایجاد هواکشهای ضروری در آن.

۹. خرید و نصب ۴ دستگاه آب‌سردکن الکتریکی در دو طرف حوض صحن که وصل به آب لوله می‌شود (توضیح آن‌که زمستانها برای جلوگیری از سرمازدگی برچیده می‌شود و در سایر فصول مورد استفاده قرار می‌گیرد).

۱۰. ساختمان و کاشیکاری ایوان و نمای بقعات سمت غربی صحن اتابکی مشرف بر مسجد طباطبائی به سبک سابق خود و آغاز کار و تعمیر و کاشیکاری درب جنوبی صحن مزبور که انشاء الله تعالی تمامی نماهای صحن اتابکی و سنگ‌کاری و کاشیکاری آن به تدریج

تعمیر و اصلاح خواهد شد.

۱۱. ساختمان جدید آشپزخانه و مضیف‌خانه واقع در ضلع شمال غربی صحن عتیق و نصب وسائل جدید و دستگاه گاز و دیوترم.

۱۲. بامهای بیوتات عموماً تعمیر و از خطر جلوگیری شده؛ بعلاوه ایوانهای بقعات تعمیر و رنگ آمیزی گردیده و راهروهای صحنین و کشیکخانه اصلاح و از صورت سابق خارج شده است و یک نردبام متحرک فلزی برای تعمیر سقفهای حرم و رواقها و ایوانها و غبارروبی خریداری و مورد استفاده قرار گرفت. مقبره محمد شاه با کمک فنی و مالی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی شروع به تعمیر گردیده و امید می‌رود به زودی مقبره فتحعلی شاه و ایوان طلا و کاشیهای شاه طهماسبی و راهرو مدرسه فیضیه و جبهه جنوبی مدرسه فیضیه که همه از آثار نفیس دوره صفویه و قاجاریه است، شروع به اصلاح و تعمیر اساسی بشود.

متأسفانه در سابق، بدون توجه به ارزش باستانی دربهای هلالی سابق بقاع صحنین، اغلب آنها را متصدیان و یا آستانه تبدیل به دربهای کتابی نموده و وضع گذشته را با آن حالت جالب بر هم زده‌اند و چون نسبت به تغییرات بی‌اساس مزبور فعلاً کاری نمی‌توان کرد، ولی نسبت به باقی‌مانده آن از طرف آستانه دقت و رسیدگی لازم می‌شود تا تغییری در این زمینه داده نشود و به حال قدیم خود بماند.

ب. تعمیرات مستغلات

۱. بنای ده دستگاه مستغل در اراضی پشت دبیرستان حکیم نظامی در سال ۱۳۴۵ تکمیل و به اجاره و بهره‌برداری واگذار شد.

۲. دارالتولیه و کتابخانه تعمیر کامل و نقاشی دربها و اتاقهای آن نیز به نحو خوبی انجام گردید و لوله کشی آب تصفیه شده در آن تعبیه شد و سایر نواقص آن بکلی برطرف گردید.

۳. حمام میدان آستانه تعمیر اساسی گردید و خزینه آن تبدیل بدوش شد.

۴. مستغلات خیابان صفائیه و خیابان ارم و میدان آستانه و خیابان موزه تعمیر و مرمت گردید.

۵. مسجد سلماسی واقع در کوچه آقازاده تعمیر آب و برق برای آن تدارک شد.

ج. دهات

۱. برای گازران نو که جزء بلوک ساوه می باشد، یک دستگاه موتور قوی چاه عمیق لیلاند و یک تانکر ۱۵۰۰۰ لیتری برای نفت سیاه خریداری و موتورخانه و محل نصب تانکر ساختمان و موتور دیگر تعمیر و مورد استفاده قرار گرفت.

۲. علاوه در گازران نو به کمک اداره مهندسی بهداشت یک دستگاه حمام عالی ساخته شد و عنقریب آغاز به کار خواهد کرد.

۳. دبستان گازران نو با ساختمان دو اتاق دیگر و تهیه لوازم کافی توسعه یافت و بخشداری آنجانیز تعمیر شد.

۴. برای عمران قریه گازران کهنه که سالها متروک مانده، قرارداد بسیار مناسبی با مهندسین مشاور منعقد و اعتبار مقدماتی آن از محل چهار ملیون ریال وجهی که راه آهن بابت اراضی مرادآباد پرداخته، با تصویب شورای

عالی اوقاف تأمین و اجازه حفر دو حلقه چاه عمیق از وزارت آب و برق اخذ و به زودی شروع به عملیات کشاورزی می شود. در نظر است ده نمونه میکانیزه‌ای در اراضی کازران کهنه ایجاد گردد.

۵. ده علی آباد نزدیک به قم که مسلوب المنفعه گردیده و زارعین آن متواری شده بود، با حفر چاه نیمه عمیق و نصب موتور خریداری و ساختمان موتورخانه دایر و از سال ۱۳۴۶ به اجاره واگذار و شروع به کار نموده.

۶. همچنین ده والیجرده که آن هم به واسطه بی آبی مخروبه و فاقد زارع بود، با حفر چاه نیمه عمیق و نصب موتور و ساختمان موتورخانه و منبع آب آباد و از سال ۱۳۴۶ به اجاره واگذار و آغاز به کار کشاورزی و بهره‌برداری نمود.

۷. ده شریف آباد که در جنوب قم قرار دارد، با نصب موتور لیستر انتقالی از گازران نو و تعمیر اساسی آن، صاحب دو موتور و آب کافی شد؛ بعلاوه در آن تانکر نصب و موتورخانه تکمیل و باغی ایجاد و با تعمیر قلعه و اتاقهای مستأجر وضع آن تغییر کرد و بر میزان مال الاجاره سالیانه اش افزوده شد و بهره‌برداری بیشتری به علت آبادی و عمران زیادتر از آن می شود.

۸. دبستان چهاردانگه تعمیر و مورد استفاده سپاهی دانش و دانش آموزان واقع گردید.

۹. دیوارهای باغ تبرته از موقوفات آستانه مقدسه تعمیر و اتاقهای اربابی آن مرمت گردید.

۱۰. از اراضی گردن شتر نقشه برداری گردید تا مورد بهره برداری قرار گیرد و اکنون بعضی از قطعات آن به اجاره واگذار گردیده و همچنین تقسیم اراضی قهیان انجام و سهم آستانه نقشه برداری و مقداری از قطعات آن به اجاره واگذار و بهره برداری شده است.

به طور کلی، برای تکمیل ساختمانهای بیوتات و تعمیرات ضروری آن و همچنین تعمیر و ساختمان مستغلات و عمران و آبادی دهات برنامه مفصل پنجساله تدوین و تنظیم شده و انشاء الله تعالی به تدریج انجام خواهد شد و برای نیل به مقصود و ادامه خدمت از درگاه حضرت احدیت و آستان مقدس حضرت معصومه و ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین استمداد و استرحام می نماید تا جبران مافات بشود.

در خاتمه، از همکاریهای صمیمانه کارکنان محترم آستانه مقدسه و ارشاد و هدایت کارمندان اوقاف قم و مرکز و سازمان اوقاف، مخصوصاً جناب آقای عصار، معاون نخست وزیر و مهندسین و کارکنان سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، بویژه جناب آقای دکتر محمود مهران، اظهار امتنان و تشکر می نماید و دوام توفیق آنان را همواره مسئلت می کند.^۱

(۶۶)

۳. عبدالوهاب اقبال

او در سی ام فروردین سال ۱۳۴۷ ه. ش. از طرف محمد رضا شاه معدوم به مقام تولیت آستانه مقدسه منصوب و در بیست و ششم

۱. این گزارش به صورت جزوه در کتابخانه آستانه مقدسه موجود است.

مهرماه سال ۱۳۵۷ از مقام خود عزل گردید.

اما متن حکم محمد رضا پهلوی:

«با تأییدات خداوند متعال

ما

محمد رضا پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران

[محل امضاء شاه]

نظر به علاقه کاملی که به تشیید مبانی اسلام و ترویج شعائر مذهبی داریم و انتظام امور مشاهد مشرفه و بقاع متبرکه همواره مورد توجه مخصوص ما است و ضرورت ایجاب می نمود برای تصدی تولیت، شخص امینی که مورد اعتماد و مدیر باشد، منتخب گردد، لذا بر طبق استدعای سازمان اوقاف به موجب این فرمان جناب عبدالوهاب اقبال را به تولیت آستانه مقدس حضرت معصومه علیها السلام منصوب می داریم تا با کمال جدیت به انجام وظایف خود اقدام نماید و موجبات رضایت خاطر ما را بیش از پیش فراهم سازد.

کاخ نیاوران، به تاریخ سی ام فروردین ماه ۱۳۴۷ شمسی»^۱.

بعد از کشته شدن سپهبد رزم آرا، نخست وزیر وقت ایران، به دست شهید خلیل طهماسبی (عبدالله موحد) در محوطه مسجد شاه تهران و در اوج قدرت جبهه ملی در مجلس شورا و رانده شدن انگلیسیها از آبادان و قطع رابطه با انگلیس، گروهی از نمایندگان مجلس، از جمله عبدالوهاب اقبال که در آن زمان نائب التولیه آستان مقدس حضرت

۱. از اسناد مربوط به عبدالوهاب اقبال در پرونده اداره اوقاف.

معصومه علیها السلام نیز بود، فرصت یافتند طرحی را تقدیم مجلس نمایند مبنی بر اینکه: «چون افرادی که ثابت شود علیه ملت و منافع اجتماع قیام به نفع بیگانه می نمایند در هر مسلک و مذهب، مهدورالدم هستند؛ لذا ما امضاءکنندگان ذیل، ماده واحده را با قید فوریت تقدیم می داریم.

ماده واحده: چون خیانت حاجیعلی رزم آرا و حمایت او از اجانب، بر ملت ایران ثابت است، بر فرض اینکه قاتل او استاد خلیل طهماسبی باشد، از طرف ملت تبرئه و بی گناه شناخته می شود».

امضاءکنندگان این طرح حدود بیست و شش نفر، از جمله عبدالوهاب اقبال بودند. این طرح در اثر نفوذ مرحوم آیه الله کاشانی و شرایط خاص آن زمان، در مجلس شورا به تصویب رسید و به مجلس سنا فرستاده شد و اگر چه این طرح رد نشد، اما تصویب هم نشد و مسکوت ماند. با این وجود، به محض تصویب مجلس شورا، شهید خلیل طهماسبی از زندان آزاد شد و در اولین لحظه آزادی، به دیدار آیه الله کاشانی رفت.^۱

بنابراین، عبدالوهاب اقبال از ملی گراهای آن زمان و نماینده مجلس شورا بود که در عین حال، نائب التولیة آستانه مقدسه قم نیز بود.

متفقین در زمان زمامداری قوام السلطنه بازداشت گروهی از سرشناسان و افسران ایران را خواستار شدند، ولی قوام نپذیرفت و بعد از او علی سهیلی، نخست وزیر وقت در برابر خواست آنها نتوانست پایداری کند و لذا نام گروهی را هم خودش به آنها داده و آنها را

۱. ر.ک: «نخست وزیران» ابراهیم صفایی، ج ۱، صص ۲۵۰-۲۴۸.

بازداشت کرد. از جمله کسانی که بازداشت شده بودند، مرحوم آیه الله کاشانی و عبدالوهاب اقبال بود. بدین ترتیب، در دو نوبت: اسفند سال ۱۳۲۱ و شهریور ۱۳۲۲ ه. ش. جمعی از آنها توسط خود متفقین دستگیر شدند و بعضی هم توسط مقامات انتظامی ایران دستگیر و تحویل متفقین گردیدند که حدود دویست و چهل نفر بودند.^۱

عبدالوهاب اقبال بعد از درگذشت، در حرم مطهر ثامن الائمه، علی بن موسی الرضا علیهما السلام در مسجد صحن ملا اسماعیل در مقبره خانوادگی دفن شد.

(۶۷)

۴. جمال الدین جمالی

او در تاریخ بیست و هفتم آبان سال ۱۳۵۷ ه. ش. اواخر عمر شاه معدوم، به تولیت آستان قدس فاطمی منصوب شد. متن حکم شاه مبنی بر نصب وی به این مقام چنین است:

«[محل آرم شاهنشاهی] [محل امضاء شاه]

نظر به علاقه کاملی که به تشیید مبانی اسلام و ترویج شعائر مذهبی داریم و انتظام امور مشاهد مشرفه و بقاع متبرکه همواره مورد توجه مخصوص ما است و ضرورت ایجاب می کند برای تصدی تولیت، شخص امینی که مورد اعتماد و مدیر باشد، انتخاب گردد، به موجب این فرمان جمال الدین جمالی را به تولیت آستانه مقدسه حضرت

۱. ر. ک: همان، صص ۷۶-۷۵.

معصومه علیها السلام منصوب می‌داریم تا با کمال جدیت در انجام دادن وظایف خود اقدام نماید و موجبات رضایت خاطر ما را بیش از پیش فراهم سازد.

کاخ نیاوران، به تاریخ بیست و هفتم آبانماه ۱۳۵۷ شمسی ۲۵۳۷ شاهنشاهی^۱.

وی تا پیروزی انقلاب ارزشمند و بزرگ اسلامی ایران در مقام تولیت باقی بود.

۱. اسناد مربوط به جمال‌الدین جمالی در اداره اوقاف.

فصل سوم

متولیان آستان قدس فاطمی در عصر جمهوری اسلامی

(۶۸)

۱. حجة الاسلام و المسلمین شیخ احمد مولائی

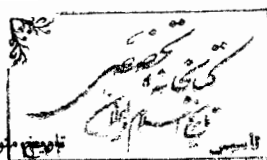
وی طی حکمی در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۱۹ ه. ش. از طرف رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی قدس سره الشریف به تولیت آستان قدس فاطمی منصوب شد.
متن حکم چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

۱۱ ع ۹۹/۲

۵۷/۱۲/۱۹

جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ احمد مولائی دامت افاضاته بدین وسیله جنابعالی به سرپرستی و تولیت آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها منصوب می شوید که ضمناً در کلیات کارها و امور مربوطه با جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ احمد آذری قمی و آقایان حاج سید محمود طباطبائی و حاج آقا مجتبی طباطبائی



ایدهم الله تعالی مشورت نمایند. از خدای متعال ادامه توفیقات همگان را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی.

وی عالمی صادق و خدمت‌گزار و در عرصه‌های فرهنگی و مدیریتی موفق بود. وی مردی با اخلاق و کریم‌النفس بود. از جمله خدمات ارزنده و ماندگاری وی تأسیس مدرسه علمیه معصومیه از بزرگترین مدارس قم می‌باشد که به دستور حضرت امام خمینی رضوان الله علیه در سال ۱۳۵۸ ه.ش. شروع و در سال ۱۳۶۸ ه.ش. به پایان رسید. این مدرسه با وسعت ۱۵۰۰۰ متر مربع و زیربنای ۲۷۰۰۰ مترمربع و دارای ۲۰۰۰ متر فضای سبز از بهترین مدارس علمیه به شمار می‌رود.

همچنین بنای مسجد تولیت در قم از خدمات ایشان می‌باشد. مرحوم مولایی پس از وفات در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

(۶۹)

۲. حضرت آیه الله علی اکبر مسعودی خمینی

ایشان در سال ۱۳۱۰ ه.ش. در شهر خمین، پایه عرصه وجود نهاد. پدرش غلامعلی و مادرش سکینه نام دارد و جد ایشان محمدباقر و جدّ جدّ او محمدحسن می‌باشد.

جدّ وی در گلپایگان می‌زیسته و در اثر قحطی که در آنجا پیش

می‌آید، به ناچار از آن شهر به خمین هجرت می‌کند. آیه‌الله مسعودی از خانواده‌های متوسط یا پایین‌تر از متوسط از نظر دارایی و مالی بوده است که گاهی با مشکلات زیاد زندگی را می‌گذرانده‌اند؛^۱ خانواده‌ای متدین و وابسته به روحانیت که سخت معتقد و پایبند به اسلام و تشیع بوده‌اند.

ورود به مکتب

وی در سن شش سالگی به دستور پدرش به مکتب وارد می‌شود و نزد مکتب‌دار آن زمان شیخ ابوالقاسم که حضرت امام (قدس سره) نیز نزد وی درس خوانده بود، درس را شروع می‌کند. خانواده وی شدیداً علاقه‌مند بودند که ایشان به سلک روحانیت درآید، لذا وقتی مدارس جدید در خمین دایر می‌شود، ایشان به آن مدرسه می‌رود و تا کلاس پنجم در آنجا تحصیل می‌کند. آن‌گاه پدرش وی را از ادامه تحصیل در مدرسه جدید باز می‌دارد و او را برای ادامه تحصیل به مکتب‌خانه می‌فرستد تا در آینده طلبه و روحانی شود و این به خاطر آن بوده که مبادا ادامه تحصیل در مدرسه جدید، مانع طلبه شدن وی بشود.

ایشان کم‌کم انگیزه بیشتری برای طلبه شدن پیدا کرد. و این به جهت رفت و آمد و معاشرت پدر ایشان با علمای وارسته و پاک و باتقوا بوده است؛ علمایی همچون حاج سید محمد تقی خوانساری، پدر حاج مهدی خوانساری که عالمی وارسته و بسیار زاهد بود و همچنین حاج شیخ احمد آل طاهر از شاگردان مرحوم آخوند کاشی (ملا محمد

۱. ر.ک: «خاطرات آیت‌الله مسعودی خمینی» صص ۲۴-۲۳.

کاشانی) که برای اقامه نماز جماعت و پیشوایی مردم به خمین رفته بود. وی در سنین ده، دوازده سالگی باب تازه‌ای از علم‌آموزی به رویش گشوده شد.^۱

شروع طلبگی و دوران تحصیل دروس حوزوی

وی نزد مرحوم آقای آل طاهر که از مراتب بالای علمی برخوردار بود، کتاب امثله را شروع کرد و دیگر کتب را نزد وی و آقای صدر که از اقوام حضرت امام (قدس سرّه) بود، خواند. وی با آیه‌الله جلالی خمینی و آیه‌الله رضوانی در دروس جدید و حوزه همدوره بوده است.^۲

هجرت به اراک

ایشان در سن پانزده سالگی (حدود سال ۱۳۲۵ ه. ش.) برای ادامه تحصیلات دروس حوزوی به حوزه علمیه اراک هجرت نمود. کتاب حاشیه را نزد آقای سید علی اراکی و کتاب سیوطی را نزد آقامیرزا جعفر خواند. او در مدرسه حاج میرزا ابراهیم این شهر ساکن بود. علمای بزرگی که ایشان در اراک زیارت نمود و با وجود مشکلات و سختیهای بسیار از محضرشان استفاده کرد، عبارت‌اند از: حاج شیخ حسین هزاوه‌ای و سلطان العلما که بر کفایه حاشیه نوشته است و مرحوم حاج شیخ محمد حسین کرهرودی و حاج میرزا فضل‌الله که از اوتاد و امام جماعت همان مدرسه حاج محمد ابراهیم بود.^۳

۱. ر.ک: همان، صص ۲۸-۲۴.

۲. ر.ک: همان، ص ۲۸.

۳. ر.ک: همان، صص ۳۱-۲۹.

هجرت از اراک به قم

وی بعد از گذراندن درس حاشیه و مقداری از کتاب معالم، به قم نقل مکان نمود و برای ادامه تحصیل نزد علمای بزرگ و اساتید مجرب حوزه مبارکه قم حاضر شد و بهره‌ها و استفاده‌های زیادی نمود. از این رو، اقامت وی در اراک خیلی طولانی نبود و بعد از آن به جوار بارگاه ملکوتی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام توفیق حضور می‌یافت.

اساتید آیة الله مسعودی در قم

ایشان محضر اساتید و علمای بزرگی را درک نموده و از علم و اخلاق و معنویت آنها بهره‌های وافری برده است. در انتخاب استاد دقت نظر زیادی داشته و به ابعاد علمی، معنوی و اخلاقی آنان اهمیت می‌داده؛ گاهی برای یک درس همزمان نزد دو یا چند استاد حاضر می‌شده تا به صحت مطالب گفته شده، اطمینان حاصل نماید. بعضی از کتب درسی رایج را دو بار می‌خوانده تا بنیة علمی خود را تقویت کند. وی در علوم مختلف، مانند: فقه، اصول، تفسیر قرآن، فلسفه، منطق، ادبیات عرب و غیر آن از محضر اساتید مختلف کسب فیض نموده و سپس به تدریس برخی از آنها پرداخته است.

اساتید سطح و خارج آیة الله مسعودی عبارت‌اند از:

آیة الله سلیمانی: کتاب مطول و قسمت بیشتر معالم را نزد ایشان خوانده است.

امام موسی صدر: مقداری از کتاب لمعه را از ایشان فرا گرفته است.
آیة الله العظمی شیخ جواد تبریزی: کتاب حج، نکاح و طلاق لمعه را

نزد وی خوانده است.

آیه الله مشکینی: مقداری از کتاب رسائل و مکاسب را از محضر ایشان استفاده نموده است.

آقا شیخ اسدالله اصفهانی: بخشهایی از کتاب رسائل و مکاسب را نزد وی خوانده است.

حاج شیخ عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی: مجدداً کتاب مکاسب و همچنین قسمت عمده کتاب کفایه را نزد وی فرا گرفته است.

آیه الله بهاءالدینی: بخشی از مکاسب را در خدمت ایشان خوانده است.

آیه الله حاج میرزا محمد فکور: در زمینه فلسفه، مقداری از کتاب منظومه را نزد وی آموخته است.

آقارضا صدر: مقداری از کتاب منظومه را نیز نزد ایشان فرا گرفته است. آقای ملکوتی: در فراگیری مقداری دیگر از کتاب منظومه از محضر وی استفاده نموده است.

آقای سید جلال الدین آشتیانی: کتاب منطق را در خدمت وی آموخته است.

علامه سید محمد حسین طباطبایی: کتاب اسفار و همچنین شفا را نزد او تلمذ کرده^۱ و در درس تفسیر قرآن وی شرکت می کرده است.

آیه الله العظمی بروجردی: در مقطع درس خارج به همراه آیه الله مصباح به محضر ایشان می رسیده است.

۱. ر.ک: همان، صص ۳۳-۳۱.

حضرت امام خمینی (قدس سرّه): ایشان به همراه آیه‌الله مصباح در درس خارج حضرت امام (ره) حاضر می‌شده است.

آیه‌الله العظمی گلپایگانی: درس خارج مکاسب را یک سال و نیم در محضر وی فرا گرفته است.

آیه‌الله العظمی بهجت: مدت هشت سال در درس خارج ایشان شرکت نموده و کسب فیض کرده است.

وی اساتید دیگری نیز داشته و از محضر آنها استفاده می‌نموده است، مانند: حاج شیخ محمد امامی که مدتی در درس خارج او حاضر می‌شده و کسب فیض می‌نموده است.^۱

همچنین آیه‌الله مسعودی در دوران پیش از انقلاب به صورت مستمر و پس از پیروزی انقلاب تا قبل از تصدی مسؤولیت خطیر تولیت آستانه مقدسه، همواره به تدریس علوم دینی در حوزه مبارکه قم اشتغال داشته و دروس سطوح عالیّه حوزه، اعم از: فقه، اصول و فلسفه را مکرراً تدریس نموده است.

فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی قبل از پیروزی انقلاب

آیه‌الله مسعودی خمینی از همان شروع نهضت امام خمینی (قدس سرّه) به طرفداری و پشتیبانی از ایشان برخاسته و فعالیت‌های پیگیر و خدمات چشمگیری داشته و بیشتر فعالیت‌های وی در قم بوده و نیز سالیانی در سیرجان کرمان و جاهای دیگر نظیر: اطراف آشتیان، خمین و غیره به فعالیت مذهبی، سیاسی و انقلابی پرداخته است.

۱. ر.ک: همان، ص ۳۳.

ایشان بارها توسط ساواک و عوامل رژیم پهلوی دستگیر، بازداشت، ممنوع المنبر، زندانی و شکنجه‌های روحی و حتی جسمی شده است. گاهی اوقات نیز برای رهایی از بازداشت و دستگیری به جاهای دور دست می‌رفته و مدتی در خفا می‌مانده و باز دوباره برمی‌گشته و به فعالیت ادامه می‌داده است.

وی مرجعیت حضرت امام (قدس سرّه) را تبلیغ می‌کرده و بر علیه رژیم طاغوت پهلوی سخنرانی و فعالیت داشته است و همواره از شاگردان و همراهان و یاران حضرت امام بوده است.

فعالیت‌های ایشان را می‌توان در چند محور تقسیم‌بندی کرد:

۱. منبر و سخنرانی: در ایام دهه محرم الحرام، ماه رمضان و مناسبت‌های گوناگون به تنویر افکار عمومی و تبلیغ مرجعیت و زعامت و نهضت حضرت امام (قدس سرّه) و علیه طاغوت ستم‌شاهی به‌طور مستقیم و غیر مستقیم سخنرانی می‌کرده است.

۲. سرکشی و بازدید از تبعیدی‌هایی که در شهرهای دوردست بودند و رساندن کمک مالی به ایشان که بیشتر این پشتیبانی از طرف آیه‌الله پسندیده (رحمة الله علیه) بوده است. بیشتر جاهایی که تبعیدیها بودند، از نظر مالی و اقتصادی ضعیف بودند. بنابراین، یکی از اهداف ایشان در دیدار و رساندن کمک‌های مالی به تبعیدیها، نگه‌داشتن روحیه انقلابی و ایجاد ارتباط و هماهنگی و رساندن اخبار، خصوصاً درباره وضعیت و موقعیت حضرت امام (قدس سرّه) بوده است. بدین منظور، ایشان بارها به شهرها و مناطق: بندر لنگه، رودبار، سقز، یزد، گنبد،

انارک، داران، سیرجان، بروجن، بندرعباس، کرمان و جاهای دیگر سفر کرده و مأموریت‌های ذکر شده را به انجام رسانده است.

۳. رساندن اعلامیه، پیام و اخبار در خصوص انقلاب و انقلابیون و حرکات عوامل رژیم و همچنین اطلاع دادن اوضاع مملکت.

۴. کمک و یاری رساندن به مبارزان مسلحی که بر علیه رژیم پهلوی فعالیت می‌کردند.

۵. عضویت در جامعه مدرسین داشته و از پایه‌گذاران آن بوده است و تاکنون نیز این فعالیت ادامه داشته است. از جمله تصمیم‌ها و کارهای انجام شده جامعه مدرسین قبل از انقلاب، خلع شاه معدوم از سلطنت بوده که به امضای اکثریت اعضا رسیده بود. یکی دیگر از کارها، خلع آقای شریعتمداری از مرجعیت بود و به‌طور کلی، جامعه مدرسین همیشه به عنوان بازویی توانا برای حضرت امام خمینی (قدس سرّه) و انقلاب و نظام اسلامی بوده و هست.

۶. وقتی که کارگران و کارکنان شرکت نفت آبادان اعتصاب کردند، بنابه دستور حضرت امام (قدس سرّه) برای جبران محرومیت آنها از حقوق و مزایای کارگری و آزار و اذیتی که می‌دیدند، از طرف آیه‌الله پسندیده (رحمة الله علیه) مقادیری پول توسط آیه‌الله مسعودی و افراد دیگری که به آبادان سفر کردند، تحویل آنها شد.

۷. پیوستن به گروه منتشرکننده نشریات «بعثت» و «انتقام» در سال ۱۳۴۱ ه. ش. و بعد از آنکه چهره‌های شاخصی همچون: حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، جناب

حجة الاسلام و المسلمین رفسنجانی، آیه الله مصباح یزدی، و آیه الله صدرالدین حائری در این گروه حضور یافتند. ایشان از اعضای اصلی گروه مزبور بودند.

۸. ارتباط نزدیک با حضرت امام (قدس سرّه)، آیه الله پسندیده، و نخبگان نهضت اسلامی، و انجام دستورات و منویات حضرت امام که مهم ترین محور فعالیت و مبارزه ایشان محسوب می شود.

۹. مسؤولیت اداره مدرسه رضویه در قم با نظر مساعد حضرت امام (قدس سرّه) به مدت چهار سال که در این مدت، به امر مهم تربیت و تدریس طلاب مشغول بودند.

مسؤولیتهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی

مأموریتهای وی به فرمان امام خمینی (قدس سرّه)

ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سرّه) در مدرسه رفاه در خدمت حضرت امام (قدس سرّه) بودند و زمانی که امام به قم مشرف می شوند، ایشان در کنار امام حضور داشته اند.

ایشان به همراه آیه الله امینی از طرف حضرت امام (قدس سرّه) مأموریت یافتند که به استان هرمزگان سفر کنند تا کمیته های انقلاب اسلامی را که تازه تشکیل شده بود، از نزدیک مورد بررسی قرار داده، به شکایات مردم و مشکلات موجود رسیدگی کنند؛ مأموریتی که دو ماه طول کشید.

همچنین به موجب مأموریتی دیگر به ترکمن صحرا در استان مازندران سفر کردند و اوضاع منطقه و همچنین مدارس اهل سنت را مورد ارزیابی قرار دادند و در ریشه کن کردن کمونیست‌ها در آن منطقه که مشغول فعالیت بودند، نقش به سزایی را ایفا نمودند. این مأموریت نیز حدود دو ماه و نیم طول کشید.

و باز به فرمان حضرت امام (قدس سرّه) جهت بررسی کل زندانها و دادگاههای انقلاب اسلامی بوشهر با هیأتی که همراه ایشان بودند، به آنجا رفتند و طی دو ماه و نیم مأموریت را به انجام رساندند و سپس برای گزارش عملکرد خود به محضر امام رسیدند.

عضویت در هیأت داوران حج

یکی از مسؤولیتهای آیه الله مسعودی، عضویت در هیأت داوران حج بوده است؛ هیأتی پنج نفری که جهت حل و فصل مشکلات و اختلافاتی که میان زوار، مدیران و روحانیان پیش آمده بود، تشکیل شد. این مسؤولیت تاکنون ادامه داشته است.

تولیت آستان قدس فاطمی

مقام معظم رهبری، آیه الله العظمی خامنه‌ای ایشان را طی حکمی در تاریخ ۱۳۷۱/۴/۲۸ ه. ش. به تولیت آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام منصوب نمودند.

تولیت محترم آستانه جریان انتخاب خود را به این مسؤولیت چنین نقل می‌کنند:

«و اما جریان انتخاب من به این مسؤولیت، بدین صورت بوده است

که در یکی از سنوات که به مکه معظمه مشرف شده بودم، با آقای محمدی گلپایگانی دیدار کردم. ایشان به من گفتند: «وقتی به ایران برگشتید، آقا با شما کاری دارند». وقتی از حج برگشتیم، به آقای گلپایگانی گفتم: «آقا در چه رابطه‌ای با من کار دارند؟» گفت: «بنده اطلاع ندارم. اگر هم بدانم به شما نمی‌گویم تا خودتان بروید».

به هر حال، بنده خدمت آیه‌الله خامنه‌ای رسیدم و ضمن اینکه گزارش امور هیأت داوران را خدمت ایشان تقدیم کردم، آماده شدم که ایشان کار مورد نظرشان را بفرمایند. ایشان فرمودند: «بنده در مورد تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام به این نتیجه رسیده‌ام که آقای مولایی وضعیتش طوری است که به لحاظ کهولت سن و بیماری، کارایی خود را در این خصوص از دست داده است. مایلم شما این مسئولیت را به عهده بگیرید». بنده خدمت ایشان عرض کردم: «اجازه بدهید من در این مورد فکری بکنم و توانم را بسنجم. طبیعی است که اگر در حد وسع من نباشد، پذیرش این مسئولیت صحیح نیست. از سوی دیگر، باید بینم با درس و بحثم تداخل نداشته باشد. در عین حال، اگر شما امر کنید، من امتثال می‌کنم».

ایشان فرمودند: «من صلاح می‌دانم که شما تولیت را بپذیرید. در عین حال، اگر می‌خواهید فکر کنید، مسأله‌ای نیست».

به هر حال، بعد از اینکه فکرها را کردم، به این نتیجه رسیدم که بنده تاکنون کارهایی که انجام داده‌ام، معلوم نیست برای خدا باشد. از سوی دیگر، خدمت به آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام و

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از خواسته‌های اولیه من بوده است. روی این جهات، انگیزه‌ام برای خدمت در آستانه بیشتر شد. با این حال، به آقا عرض کردم: من کار را شروع می‌کنم، ولی اجازه بدهید اگر در عمل مشاهده کردم که ناتوانم، امکان برگشت برایم باشد. ایشان پذیرفتند...»^۱.

متن حکم ولی امر مسلمین، حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای دامت برکاته که طی آن وظایف مهم و سنگینی بر عهده تولیت معظم گذاشته شده، چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

شماره: ۱۰۵۰۶

تاریخ: ۷۱/۴/۲۸

جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای مسعودی خمینی دامت افاضاته! جنابعالی را به سمت تولیت آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و علی آبائنا المعصومین المظلومین و مراکز و مناطق وابسته به آن منصوب می‌کنم و امیدوارم این شرف و منزلت والا، توفیق خدمتگزاری به آن آستان نورانی را که قبة الاسلام و محور حوزه علمیه عظمی است، به جنابعالی ارزانی دارد.

لازم است با دقت و جدیت به حراست از بارگاه و متعلقات و عائدات آن آستان اقدام کرده، تلاش لازم را در بهسازی و نیز احداث بناهای لازم و انجام خدمات برای زائران و مجاوران و نشر معارف اهل

بیت علیهم السلام و خدمت به محرومان و مستضعفان و جلوگیری از تعطیلی یا سوء استفاده مبذول فرمایید.

با تشکر فراوان از خدمات جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای مولائی، توفیق جنابعالی را از خدای متعال خواستارم.

سید علی خامنه‌ای.

گزارشی از تحول و عملکرد آستانه مقدسه در زمان تولیت آیه الله مسعودی خمینی

در زمان تولیت آیه الله مسعودی خمینی از سال ۱۳۷۱ ه. ش. تاکنون تحولی جامع در آستان قدس فاطمی رخ داده است. این تحول عظیم بعد از حکم مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله خامنه ای - دامت برکاته - مبنی بر انتصاب آیه الله مسعودی به تولیت آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام با مدیریت و تلاش ایشان و همچنین زحمات شبانه روزی مدیران آستانه مقدسه به خصوص آقای فقیه میرزایی معاونت محترم و کارکنان صدیق این آستانه مبارکه به وجود آمده است.

عملکرد آستانه مقدسه طبق حکم مقام معظم رهبری بر شش محور اصلی مشخص شده که عبارت است از:

۱. حراست از بارگاه و متعلقات و عایدات آستانه؛
۲. تلاش لازم در بهسازی و احداث بناهای لازم؛
۳. انجام خدمات برای زائران و مجاوران؛

۴. نشر معارف اهل بیت علیهم السلام؛

۵. خدمت به محرومان و مستضعفان؛

۶. جلوگیری از تعطیل یا سوء استفاده.

اینک به تشریح عملکرد آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در ده فصل می‌پردازیم؛ اگر چه شرح کامل و همه جانبه آن به فرصت بیشتری نیازمند است.

فصل اول: امور ساختمانی آستانه مقدسه

الف. عملیات ساختمانی در صحن بزرگ

۱. تهیه و تدارک سنگ قله و آماده سازی و حجاری سنگهای ازاره اطراف صحنین و ایوانهای مقابر و مرمت و بازسازی و تعمیرات کلی مقبره‌ها و تعویض در بهای موریانه خورده مقبره‌ها؛

۲. بازسازی وضوخانه صحن بزرگ، و توسعه و مرمت کفشداری بانوان کنار ایوان آئینه؛

۳. تعمیرات کلی بام اطراف صحن بزرگ و عایق و مفروش نمودن آن و ایجاد راهروی جدید بین الصحنین؛

۴. تعمیرات کلی و آئینه کاری در ایوان آئینه از روی سنگ ازاره تا زیر کتیبه و بازسازی سقف چوب کاری آویز؛

۵. تخریب حوض وسط صحن و بازسازی آن و اتصال فاضلاب حرم مطهر به شبکه فاضلاب شهری؛

۶. حذف بناهای اضافی در طبقه فوقانی سه راه موزه که باعث درهم

ریختن نمای صحن شده بود؛

۷. بازسازی کلی در ایوان بزرگ زیر ساعت و کاشی کاری مقرنسهای ایوان و تجدید کاشی کاری ایوان اتابکی؛

۸. تعمیر و بازسازی هشتی و راهرو جدید طباطبایی و ایجاد سردرب ورودی برای این مسجد و ساخت دربهای چوبی؛

۹. سنگ کاری ازاره‌ها و کف در طرح توسعه مسجد طباطبایی و آئینه کاری از روی سنگ ازاره تا زیر سقف و کل سطح سقف؛

۱۰. ساخت دربهای چوبی در توسعه مسجد طباطبایی از ورودی کفشداری بانوان و صحن بزرگ به آن مسجد؛

۱۱. طرح عظیم تعویض سنگهای زیر ستونهای حایل سقف ایوان آئینه و تعمیرات و بازسازی جدید ازاره جلوی ایوان؛

۱۲. رفع ناهمواریهای کف صحن و تعمیرات کلی در کف سازی و پله‌های ورودی طرفین ایوان آئینه؛

۱۳. بازسازی و تعمیر و ایجاد نمای هماهنگ در طرفین ایوان آئینه و ایجاد تراس در طرفین آن؛

۱۴. تخریب ساختمان کنار ضلع شمالی ایوان آئینه که مانع دید ساقه گنبد از درب بزرگ طرف میدان آستانه شده بود؛

۱۵. بازسازی سقفهای شکست خورده طرفین ایوان آئینه ناشی از ارتعاش دو گلدسته، بزرگ و ساخت مجدد آنها؛

۱۶. اجرای طرح جدید و پایین آوردن دست انداز پشت بامها؛ به طوری که از هر درب وارد شویم، ساقه گنبد طلا دیده شود؛

۱۷. بازسازی و نماسازی جدید در کف و بدنه تراس، حدفاصل ورودی درب شمالی صحن تا درب راهرو بین الصحنین؛
۱۸. بازسازی چهار میله دسته و سردرب ورودی بین الصحنین که در حال ریزش بود و اکنون در دست ساخت است؛
۱۹. بازسازی دو میله دسته طرفین ایوان اتابکی و ساخت جدید آن و بازسازی سنگ ازاره و کاشی کاریهای پیش روی ایوان آینه؛
۲۰. بازسازی دو گلدسته ضلع شرقی صحن اتابکی تا زیر مأذنه‌ها.

ب. عملیات ساختمانی در صحن عتیق

۱. تعمیر و بازسازی کلی مقبره شماره ۷ (مقبره فتحعلی شاه) از کف و بدنه و سقف و مقبره ۵ (مقبره مستوفی الممالک) و مقابر ۱۳ و ۱۴ (قبر مهد علیا و محمد شاه)؛
۲. تعمیر گچ‌بری مجموعه نفیس گچ‌بری کفشداری مردانه شماره ۴ و تعمیرات اساسی مجموعه مهمانسرای سابق در گوشه ضلع شمالی صحن عتیق و آماده نمودن آن برای کارگاه موقت زرگری آستانه؛
۳. گشودن راهرو در ضلع غربی صحن عتیق به صحن مسجد اعظم برای تردد زائران؛
۴. تعمیر و تحکیم پایه‌های ایوانهای مقابر و رفع رطوبت از آنها و سنگ کاری ازاره تا ارتفاع ۱۸۰ سانتی متر از سنگ مرمر و حجاری نقش برجسته؛
۵. بازسازی و تعمیر مقرنسهای گچی ایوانهای بزرگ و کوچک در ضلع شمالی صحن عتیق، در طرف فیضیه؛

۶. جمع نمودن حجم سنگین بارهای اضافی بام در تمام ضلع شمالی صحن عتیق که پس از بازسازی یک طبقه قابل بهره برداری شد و اکنون آسایشگاه خادمین می باشد؛
۷. تخلیه بارهای زاید و چوبهای موریانه خورده در زیر نقاره خانه و ایجاد محلی برای تعبیه آسانسور در صحن عتیق؛
۸. تخریب و بازسازی ضلع شرقی صحن عتیق، حد فاصل بین الصحنین؛ به طوری که هیچ گونه تصرف و تغییری در وضعیت معماری و نماسازی از طرف صحن بزرگ اتابکی ایجاد نشود؛ به نحوی که ضخامت پایه ها با حفر چاه تا عمق ۹ متر از کف صحن و بتون آرمه نمودن پایه ها و بازسازی سقفهای تیرچه و بلوک؛
۹. قرنیه سازی دیواره تراس طرفین ایوان آئینه در قسمت بام؛
۱۰. باز نمودن راه برای کفشداریهای زنانه از صحن عتیق به صحن بزرگ.

ج. عملیات ساختمانی و تعمیراتی در داخل بیوتات و رواقها

۱. تعویض شیشه های سقف مسجد بالا سر در سطح ۶۵۰ متر مربع و تبدیل به نئوپان جهت رفع خطر و ریزش شیشه ها و تعمیرات آئینه کاری در رواق بالا سر و رواق زنانه؛
۲. جمع کردن کف مسجد شهید مطهری و حفر خاک کف به عمق ۲/۵ متر و احداث قبور جهت مزار علمای بزرگ؛
۳. تعمیرات و توسعه در سرداب ضریح مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام؛

۴. ساخت ضریح جدید در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ ه. ش. با صرف بیش از ۱۵۰۰ کیلو گرم نقره خالص که روی ضریح سابق مونتاژ و کاملاً تعویض و پایه‌ها نیز مستحکم شده و بالغ بر سه میلیارد ریال هزینه آن بوده که از محل درآمد آستانه مقدسه تأمین گردیده، نصب آن از اواخر سال ۱۳۸۰ شروع و در سال ۱۳۸۱ ه. ش. به اتمام رسید؛

۵. خاک برداری بارهای زاید و مرده در پشت بام دور گنبد؛ به طوری که در سطح ۳۰×۳۳ متر تا ارتفاع میانگین ۲/۲۰ متر خاکبرداری گردید و حجمی معادل ۱۸۵۰ متر مکعب نخاله به خارج از شهر منتقل شد و پس از بازسازی و ایجاد سقف نهایی به صورت فضاهای تو خالی جهت عبور تأسیسات و نصب دستگاهها مهیا شد.

د. طلاکاری گنبد حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

طلاکاری گنبد اصلی حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قدمت بیش از ۲۱۰ سال بود که بیشتر روکش طلای خشتهای مسی آن از بین رفته و زیرسازی آن طبله زده بود؛ به طوری که آب به زیر آنها نفوذ می‌کرد. ابتدا در سال ۱۳۷۹ ه. ش. با سفارش و پیگیریهای آیه الله العظمی بهجت و پیگیری آیه الله مسعودی خمینی و کسب اجازه از مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۰ ه. ش. عملیات بازسازی گنبد و بازسازی زیر بنای آن بدون آسیب رسانی به شکل اولیه گنبد آغاز شد. بعد از برداشتن خشتهای زراندود قدیمی و آوار برداری از روی گنبد، ترمیم فیزیکی سطح سخت گنبد توسط آرماتوربندی و بتون ریزی، همزمان با عملیات زراندود ساختن خشتهای مسین جدید آغاز

گردید و بعد از اتمام عملیات بتون ریزی، عملیات خشت گذاری در آبان سال ۱۳۸۱ شروع شد. گنبد و ساقه آن ۶۰۰ متر مربع مساحت و بیش از ۱۲ هزار خشت با صرف ۲۲۰ کیلوگرم طلای ناب دارد. مجموع اعتبار این طرح بزرگ ۳۵ میلیارد ریال می باشد که ۴ میلیارد ریال آن توسط رئیس جمهور سید محمد خاتمی و مابقی آن از کمک علما و درآمد آستانه مقدسه قم تأمین شده است. که در بهار سال ۱۳۸۴ ه. ش. این طرح بزرگ و مبارک به پایان رسید و پرده برداری شد.

ه. عملیات ساختمانی در مسجد اعظم

۱. باز کردن حایل‌های حد فاصل مسجد اعظم با مسجد بالاسر و صحن عتیق از سال ۱۳۷۲ ه. ش.؛
۲. تخریب و وضوخانه قدیم با ۹ کابین توالت زنانه و مردانه و ساخت وضوخانه در دو طبقه با ۹۰ کابین؛
۳. تعمیر و بازسازی محل انبار وسایل زاید و کارگاهی و تبدیل آن به شبستان دارالتلاوه مسجد به شکل مناسب امروزی، و تخریب برج ساعت مسجد که مانع دید گنبد از طرف خیابان امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) شده بود و تعبیه آن در جای مناسب تر؛
۴. گشودن دیواره‌ای که در طرف ضلع غربی صحن مسجد به طرف خیابان ساحلی بود، برای تسهیل در ایاب و ذهاب و ایجاد ورودی دیگر در ضلع شمالی صحن به طرف خیابان ساحلی و جنب درب مدرسه فیضیه و ساخت ایوان و سر درب؛
۵. جمع آوری قابهای شیشه‌ای در سقف شبستانها، جهت تابش نور

- و تعمیر و رنگ آمیزی کل پنجره‌ها و دربهای مسجد و صحن؛
۶. تعمیر کلی و جزئی در کف و دیواره شبستانها و کف سازی راهروی قدیمی، و بندکشی و سیمانی کلیه آجر نماهای مسجد؛
۷. ساخت راه پله آهنی کنار پل آهنچی و ساخت وضوخانه‌ای دیگر در ضلع شمالی صحن مسجد و ساخت خوابگاه خادمان و ایجاد موتورخانه تأسیسات در کنار طبقه فوقانی وضوخانه؛
۸. تعمیر و هموار کردن کف صحن مسجد و وصل فاضلاب این صحن و وضوخانه به فاضلاب شهری و تعمیر حوض صحن و کاشی کاری آن؛
۹. ایجاد دو کفشداری بزرگ در صحن مسجد از جانب خیابان ساحلی، و عایق کاری سقف کتابخانه مسجد.
- و. فعالیتهای متفرقه امور ساختمانی**
۱. تعمیرات اساسی در کف و بدنه گالریهای موزه در زیر زمین و همکف؛
۲. تعمیرات و کمک به ساخت مساجد و تعمیرات جزئی و کلی و ساخت نمازخانه در مدارس؛
۳. تعمیرات جزئی و کلی در ساخت منازل خادمان و پرسنل آستانه مقدسه و کمکهای مالی در این جهت؛
۴. ساخت طبقه فوقانی در قسمت اداری دبیرستان دین و دانش که موقوفه آستانه می باشد؛
۵. تعمیرات و نگه داری مدرسه فیضیه، شامل: تخریب و نوسازی

- حجرات و سنگ کاری و سفید کاری و رنگ آمیزی درب و پنجره‌های آن، و مرمت و سبک نمودن بار سقفهای حجرات؛
۶. عایق کاری و موزاییک فرش پشت بام مدرسه معصومیه در سطح ۷۵۰۰ متر مربع و تعمیرات کلی گنبد و مسجد مدرسه و کاشی کاری کل گنبد مسجد از داخل و خارج؛
۷. تعمیرات و نگه داری ابنیه موقوفات در شهر و روستا و ساخت آسایشگاه در اداره موتوری آستانه؛
۸. ساخت فروشگاه تعاونی مصرف در محل ایستگاه وسایل نقلیه آستانه.

فصل دوم: امور فنی

واحد تأسیسات

۱. طرح و اجرای تأسیسات مکانیکان و الکتریکال مؤسسه زائر و موتورخانه و نصب مرکز تلفن و طرح و اجرای آن در وضوخانه‌های عمومی جدید مسجد اعظم و موتورخانه حرارتی آن و تأسیسات مجتمع پزشکی - درمانی بلوار امین؛
۲. تعمیرات اساسی ساختمان بسیج سابق و گاز رسانی و تعمیرات موتورخانه مرکزی و آب و گاز رسانی به انبار سوله و نجارخانه و مقابر حرم مطهر و آبرسانی به وضوخانه زنانه صحن بزرگ؛
۳. تأسیس موتورخانه برودتی جدید مشترک بین حرم و مسجد اعظم؛
۴. طراحی سیستم پمپاژ فاضلاب به شبکه شهری و جابجایی

انشعاب آب مسجد اعظم از خیابان موزه به ساحلی؛

۵. تعمیرات تأسیسات مدرسه معصومیه و اصلاح تأمین هوای تازه توسط هواساز در موزه؛

۶. تعویض ترانس و افزایش برق حرم مطهر و مسجد اعظم و تعمیرات و نگه‌داری موتورخانه‌ها و تأسیسات مستقل کتابخانه، درمانگاه، مهمانسرا، دفتر موزه، حرم مطهر، مسجد اعظم و بیوتات وابسته؛

۷. ساخت آبردکن برقی ۱۰ شیر ۲۰۰۰ لیتری جهت حرم مطهر و لوله کشی صابون مایع به وضوخانه‌ها؛

۸. نصب ۷ دستگاه کولر آبی ۱۳ هزار و ۶۵۰۰ جهت مسجد اعظم؛
۹. اصلاح تهویه حرم مطهر، طراحی و اجرای رینگ آبرسانی مجموعه آستانه، تعمیرات و بهینه‌سازی سیستم‌های موتورخانه‌های دفتر و حرم مطهر، نصب کولر آبی در کتابخانه و فن کویل در سالن کتابخانه و درمانگاه و تعویض لوله کشی تهویه ساختمانها؛

۱۰. لوله کشی آب در مسجد اعظم و صحن بزرگ و اصلاح سیستم تخلیه هوای آشپزخانه و کانال کشی و نصب هواکش جهت آشپزخانه؛
۱۱. برقی کردن بعضی از چاههای کشاورزی موقوفات آستانه مقدسه و تعمیرات پمپ و موتورهای آن؛

۱۲. آبرسانی به مزارع آستانه مقدسه و اصلاح تأسیسات و نصب کولر در پارک شهید و خرید انشعابات آب و برق و گاز جهت بیوتات تابعه؛
۱۳. تعویض برج دفتر آستانه و بازسازی برجهای درمانگاه و

کتابخانه و نصب و راه اندازی یکدستگاه آب شیرین کن به روش اسمزی معکوس در سال ۱۳۷۹ ه. ش.؛

۱۴. طراحی و نظارت و اجرای تأسیسات مکانیکال و الکتریکال مستغلات بلوار امین در سال ۱۳۸۰ ه. ش. و سرویس و تعمیرات امکانات مهمانسرا؛

۱۵. لوله کشی آب شیرین دفتر، درمانگاه، مهمانسرا، میدان آستانه، صحن بزرگ بالوله سوپر پایپ؛

۱۶. راه اندازی و تکمیل پروژه وضوخانه مسجد اعظم و راه اندازی پروژه آب سردکن مرکزی با چیلر به ظرفیت هشتاد عدد شیر.

واحد برق

۱. حفظ و نگه داری کلیه امور مربوط به سیستم برق حرم مطهر و مسجد اعظم، مهمانسرا، کتابخانه، دفتر اداری آستانه، درمانگاه، موزه، پارکینگ، موتور، بسیج، مجتمع فرهنگی چهار مردان، هتل قم و ساختمانهای مربوط به آستانه؛

۲. انجام چراغانیهای کلان در اعیاد بزرگ اسلامی، و اتصال کابلهای قطور و برق رسانی از پستهای اداره برق؛

۳. تقویت برق حرم مطهر و مسجد اعظم و ساختمانهای مربوطه، و تعویض کابلهای برق مسجد اعظم به طور کامل و نصب تابلوهای آن؛

۴. سرویس موتور دیزل ژنراتور مسجد اعظم و راه اندازی آن جهت اضطراری و بسیاری خدمات دیگر که شرح کامل آن مجال دیگری می خواهد.

واحد مخابرات و بی سیم

۱. پاسخ گویی به مخاطبین، برقراری ارتباط تلفنی مراجعین با دوایر مختلف آستانه، و برقراری ارتباط کارکنان آستانه با خارج از مجموعه؛
۲. سرویس مورد نیاز دستگاهها و تجهیزات، افزایش خطوط داخلی و تلفن مستقیم و واگذاری و کابل کشی خطوط تلفن؛
۳. نصب و راه اندازی سوئیچ اصلی ۱۲۸ شماره مرکز تلفن با خطوط متعدد مستقل و خطوط داخلی؛
۴. راه اندازی واحد بی سیم (شبکه رادیویی) برای اولین بار در سال ۱۳۷۳ ه. ش. و برقراری ارتباط واحدهای مختلف با دفتر اداری و تعمیرات و تعویض قطعات بی سیمهای متحرک و ثابت و توسعه شبکه بی سیم با دو فرکانس.

واحد کامپیوتر و صوت

۱. تأسیس مرکز کامپیوتر آستانه مقدسه در سال ۱۳۷۳ ه. ش. و رایانه‌ای شدن حضور و غیاب پرسنل تمامی واحدها؛
۲. رایانه‌ای شدن سیستم نرم افزار وصول قبوض مستأجرین آستانه در سال ۱۳۷۴ ه. ش.؛
۳. رایانه‌ای شدن سیستم حقوق و دستمزد کارکنان آستانه مقدسه در سال ۱۳۷۴ ه. ش.؛
۴. تجهیز حسابداری آستانه مقدسه به نرم افزار در سال ۱۳۷۵ ه. ش. و مکانیزه شدن داروخانه و درمانگاه در سال ۱۳۷۶ ه. ش. و مکانیزه شدن کلیه واحدها در سال ۱۳۷۸ ه. ش. و نیز

تجهیز واحد کشاورزی در سال ۱۳۸۰ ه. ش.؛

۵. مجهز شدن واحد صوت به تجهیزات اسلیسکوپو، سیگنال ژنراتور و منبع تغذیه D C و دیگر لوازم که آستانه مقدسه را به یکی از مراکز قوی صوتی تبدیل نموده است.

فصل سوم: مدیریت فرهنگی

مدیریت فرهنگی آستانه مقدسه با توجه به مکانت عظیم آن در تبیین و گسترش علوم اسلامی و معارف اهل بیت علیهم السلام با ایجاد واحدهای مختلف پژوهشی، آموزشی، تبلیغاتی و خدماتی جهت اهداف یاد شده، اقدامات خوبی انجام داده و لذا آستانه مقدسه تبدیل به یک مرکز فرهنگی فعال شده است که در اینجا مختصری از فعالیتهای واحدها و بخشهای مختلف آن معرفی می شود.

کتابخانه

کتابخانه آستانه مقدسه دارای کتب بسیاری در زمینه های علوم اسلامی و انسانی و غیر آن می باشد و از جمله کتابخانه های ممتاز کشور به شمار می رود و دارای گنجینه قرآن و مخزن کتب خطی و مجموعه کتب نفیس و کتب چاپ سنگی و لاتین می باشد.

کتابخانه دو سالن مطالعه دارد که در دو شیفت روزانه جوابگوی صدها نفر مراجعه کننده می باشد.

خانه مطبوعات

خانه مطبوعات آستانه مقدسه با دارا بودن قریب به شش هزار جلد

مجله و روزنامه صحافی شده، یکی از گنجینه‌های ممتاز است که از سال ۱۳۷۱ ه. ش. فعالیت‌های جدید خود را آغاز نمود. سه آرشیو خانه مطبوعات عبارت است از: آرشیو نفایس، آرشیو نشریات ادواری، و آرشیو نشریات جاری.

روزانه مراجعه کنندگان زیادی از علما و طلاب و دانشجویان و محققان جهت استفاده به خانه مطبوعات مراجعه می‌کنند.

مرکز دارالتحقیق

مرکز دارالتحقیق آستانه مقدسه جهت بسط و گسترش و تعمیق تحقیقات در مدیریت فرهنگی آستانه شکل گرفته و در راستای ترویج و نشر میراث مکتوب، شناساندن بیشتر و بهتر شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به مردم و زواری و احیای کتب نفیس خطی و سنگی کتابخانه آستانه فعالیت کرده است هم اکنون چند نفر از محققان و نویسندگان در این مرکز به صورت مداوم فعالیت می‌کنند و آثار به انجام رسیده ایشان عبارت است از:

- تحقیق کتاب «النور فی الامام المستور» مرحوم بهاری همدانی.

- تصحیح بخشی از یک تفسیر کهن.

- تصحیح «الآداب الدینیة» طبرسی.

- نظرة الى حياة السيدة فاطمة المعصومة (س).

- شرح القصائد السبع العلویات.

- تصحیح و تحقیق «خلاصة الاذکار» فیض کاشانی.

- توقیعات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه.

همچنین بسیاری کارهای دیگر، مانند: تهیه منابع تحقیق و ایجاد زمینه برای برگزاری «کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم» و بررسی کتابهایی که برای چاپ به انتشارات زائر سپرده می شود، بر عهده این مرکز می باشد.

مجله فرهنگ کوثر

مجله «فرهنگ کوثر» به عنوان اولین نشریه آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام توسط جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم و با هدف ترویج معارف و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام انتشار می یابد. شماره نخست این مجله در فروردین ۱۳۷۶ ه. ش. به چاپ رسیده و علاوه بر ۶۰ شماره ای که تاکنون از آن انتشار یافته، ویژه نامه هایی نیز با عناوین معصومین علیهم السلام منتشر شده است. پدید آورندگان مقاله های این نشریه را حدود ۲۵۰ نفر از نویسندگان که اغلب از حوزه علمیه هستند، تشکیل می دهند و بیش از ۳۰ نفر از آنها از خواهران می باشند.

بخش ستارگان حرم

بخش پژوهشی ستارگان حرم در سال ۱۳۷۶ ه. ش. با هدف شناساندن ستارگان و عالمان حریم ملکوتی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در کنار نشریه کوثر شکل گرفت که تاکنون ۱۵ جلد کتاب در این خصوص به چاپ رسانده است و قریب به ۱۰ جلد دیگر آماده چاپ و یا تألیف شده است. برای تألیف این مجموعه بیش از ۶۰ نفر از محققان و نویسندگان فعالیت داشته اند.

بخش قرآن

بخش قرآن به منظور انسجام و گسترش فعالیتهای قرآنی حرم مطهر در حفظ آثار و میراث قرآنی تأسیس شد. این بخش صاحب گنجینه‌ای قرآنی است که بسیاری از مصاحف آن از سوی علاقه‌مندان به قرآن و اهل بیت علیهم السلام وقف شده و شامل صدها جلد قرآن از بیش از ۲۰۰ خطاط ایرانی و غیر ایرانی به همراه دهها ترجمه جدید و کهن فارسی و لاتین است. و فعالیتهای آموزشی این بخش نیز بسیار خوب و موفق بوده است.

بخش تبلیغات

الف. سمعی - بصری، شامل: ۱. فیلمبرداری و عکاسی از برنامه‌ها؛ ۲. ضبط و تکثیر جلسات سخنرانی و درسهای عمده و مهم داخل حرم و مسجد اعظم و آرشیو آنها؛ ۳. همکاری با صدا و سیما و خدمات تلویزیون مدار بسته؛ ۴. عکسبرداری از نماها و کتیبه‌ها و موارد لازم.

ب. بخش نوارخانه بانگه داری و تهیه نوار کاست، فیلم ویدئو و غیر آن.

ج. پلاکارد جهت نصب در موضوعات ذیل:

۱. احادیث و روایات معصومین علیهم السلام و فرازهایی از زیارت نامه و ادعیه.

۲. برگزیده‌ای از سخنان امام خمینی - قدس سره - و مقام معظم رهبری به مناسبتهای مختلف.

بخش نمایشگاهها و همایشها و فعالیتهای دیگر

اهم فعالیتهای این بخش عبارت است از:

۱. برگزاری نمایشگاهی در دهه فجر ۱۳۷۳ ه. ش. جهت بزرگداشت این ایام و تجلیل از آثار هنری هنرمندان مسلمان که بیش از دویست جلد اثر هنری در زمینه‌های خط و تذهیب به نمایش گذاشته شد؛
۲. برگزاری نمایشگاه «فقها در آئینه تصویر» در دهه فجر ۱۳۷۶ ه. ش.؛
۳. برگزاری نمایشگاه تصویر و جلوه‌های هنری در دهه فجر ۱۳۷۸ ه. ش. که با ولادت با سعادت حضرت معصومه سلام الله علیها مقارن بود؛
۴. برگزاری همایش فرهنگی - ادبی «بانوی کرامت» به منظور شناساندن شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به نسل جوان و انعکاس آن در سطح جامعه؛
۵. برگزاری مراسم تجلیل از خادمان بازنشسته که این مراسم از سال ۱۳۷۸ ه. ش. آغاز شده است؛
۶. تجلیل از جانبازان انقلاب اسلامی؛
۷. ارائه برنامه‌های ویژه اردوهای دانشجویان و دانش‌آموزان؛
۸. برگزاری همه ساله مسابقات فرهنگی جهت گسترش تعالیم اسلامی؛
۹. بزرگداشت سالروز رحلت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام با راه‌اندازی دسته عزاداری و غیر آن؛
۱۰. اهدای وسایل به مساجد، مدارس، مراکز فرهنگی و روستاها.

انتشارات زائر

انتشارات زائر برای احیای میراث مکتوب موجود در کتابخانه آستانه مقدسه و محصولات فکری واحدهای مختلف آستانه و انتشار کتب درباره شخصیت حضرت فاطمه معصومه و معارف اسلامی تأسیس شده و فعالیت خود را از سال ۱۳۷۳ ه. ش. شروع نموده و تا کنون دهها جلد کتاب منتشر ساخته است. انتشارات زائر برای عرضه کتابها اقدام به تأسیس فروشگاههایی در خیابان شهدا، صحن اتابکی حرم، پارک شهید و میدان آستانه نموده است.

کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و

مکانت فرهنگی قم

کنگره از سال ۱۳۸۰ ه. ش. آغاز به کار کرد و هم اکنون با گذشت ۴ سال از فعالیت کنگره حدود ۵۰ اثر در محورهای ذیل آماده نشر گردیده است:

- قم و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام؛

- قم و تشیع؛

- قم و حوزه علمیه؛

- قم و انقلاب اسلامی.

فصل چهارم: روابط عمومی

اهم فعالیتهای روابط عمومی آستانه مقدسه قم عبارت است از:

۱. تنظیم ارتباط بین دوایر و تشکیل جلسات مربوطه، تنظیم و

برنامه ریزی جهت برگزاری مراسم یومیه، هفتگی، سالیانه، ویژه و متفرقه.

۲. امور بین الملل: انتشار نشریه راهنمای زائر به زبانهای عربی، فارسی و انگلیسی، برقراری جلسات و مراسم ویژه جهت زائران عرب و برگزاری مراسم به زبان اردو، ترجمه زندگی نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به ۱۴ زبان زنده دنیا و انتشار و ارسال به مراکز مذهبی، و ارتباط و استقبال از زائران غیر ایرانی از اهم فعالیت‌های این واحد می‌باشد.

۳. نشریه پیام آستانه: این واحد از نیمه خرداد ماه ۱۳۷۹ ه. ش. آغاز به کار نموده و تاکنون تعداد ۶۴ شماره از آن منتشر شده است. هدف از انتشار این نشریه، اطلاع رسانی در خصوص اخبار آستانه برای زائران و مردم، تغذیه معنوی و ارائه اطلاعات به آنان در موضوعات: تاریخ قم، حضرت معصومه علیها السلام، کرامات معصومیه، و معرفی شخصیت‌های بزرگ مدفون در حرم و اطراف آن، و ... می‌باشد.

۴. مرکز اطلاع رسانی آستانه مقدسه: این مرکز در سال ۱۳۸۱ ه. ش. کار خود را با آدرس [www. Masoumeh. Com](http://www.Masoumeh.Com) شروع نموده است. مطالبی که در این سایت فهرست شده عبارت است از: حضرت معصومه علیها السلام، زیارت، متون ادبی، کرامات معصومیه، ستارگان حرم، معرفی دواير آستانه، آشنایی با شهر قم، صوت و قرائت قرآن، مدیحه، مرثیه، ادعیه، زیارت و تصویر مراسم و تحولات و شخصیت‌ها، جواب به سؤالات شرعی، اعتقادی، تاریخی، قرآنی و اجتماعی.

فصل پنجم: موزه آستانه مقدسه قم

این موزه که یکی از قدیمی ترین موزه های کشور و دارای مجموعه بسیار نفیسی از آثار فرهنگی و تاریخی می باشد، در سال ۱۳۱۴ ه. ش. شروع به فعالیت نمود و در سال ۱۳۶۱ ه. ش. به مکان فعلی انتقال یافت. اهم فعالیت های انجام شده در موزه عبارت است از:

۱. تعمیر و آماده سازی طبقه زیرین موزه و سنگفرش آن، آماده سازی و نصب تعدادی ویتترین جدید، برداشتن سقف زیر زمین موزه به مساحت ۶۰ متر جهت بهبود و جریان هوا، و انجام تعمیرات مخزن موزه جهت نگه داری آثار موزه؛

۲. مشخص نمودن آمار دقیق از آثار موزه توسط یک هیأت به همراه سرپرست وقت موزه؛

۳. تهیه کمدهای فلزی ویژه جهت حفظ آثار در مخزن، و تغییر موزه آرای و نحوه عرضه آثار؛

۴. نصب سیستم نورپردازی جدید، مستند سازی و فهرست نگاری و تشکیل پرونده مستقل برای هر یک از آثار، عکسبرداری از آثار موزه و تهیه آرشیو تصویری، و کپی برداری از نقوش و تصاویر و نوشته های پشت و روی بیش از یک هزار عدد سکه؛

۵. تهیه کتب، مجلات و نشریات تخصصی ویژه مقوله تاریخ و هنر، به منظور دست رسی به منابع مورد نیاز؛

۶. جمع آوری مسکوکات قدیمی نقره از عصر ساسانیان تا قرن معاصر از بیوتات و انبارها و تهیه شناسنامه کامل برای هر کدام و

تحویل تعداد ۶۸۸ سکه در قالب چهار آلبوم از طرف جمع‌داری اموال؛
 ۷. مرمت و بازسازی و آفت زدایی بیش از ۲۴۰ اثر نفیس قرآنی،
 تابلوهای قرآنی و نقاشی در کارگاه.

فصل ششم: امور هنری

مهم‌ترین فعالیت‌های این بخش:

۱. تشکیل کارگاه مرمت آثار هنری در سال ۱۳۷۰ ه. ش. با امکانات و نیروهای متخصص و لوازم و تجهیزات جهت حفظ و نگه‌داری و مرمت و بازسازی آثار هنری آستانه مقدسه؛
۲. مرمت و بازسازی بیش از ۲۵۰ اثر هنری از قبیل قرآنهای خطی، کتب ادعیه و احادیث و تابلوها؛
۳. پاکسازی و ضد عفونی، وصالی پارگیهای کتب و دیگر کارهای هنری بر روی آنها؛
۴. تولید آثار هنری جدید.

فصل هفتم: مدیریت بهداشت و درمان

- اهم فعالیت‌های مدیریت بهداشت و درمان آستانه عبارت است از:
۱. توسعه درمانگاه حضرت معصومه علیها السلام در سال ۱۳۷۸ ه. ش. و تجهیز آن به آزمایشگاه، داروخانه، دکتر عمومی، دکتر متخصص قلب و چشم و داخلی، ارتوپدی، رادیولوژی، دندانپزشکی و...؛
 ۲. تأمین بهداشت حرم مطهر، بیوتات، صحنین، مهمانسرا و...

توسط واحد بهداشتی؛

۳. احداث بیمارستان و دارالشفای خیریه کریمه اهل بیت علیهم السلام در بخش جعفریه.

این بیمارستان به مساحت حدود ۱۰۰۰۰ متر مربع و زیر بنای ۴۰۰۰ متر مربع در سال ۱۳۷۹ ه. ش. همزمان با ولادت با سعادت حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام افتتاح گردید که شامل کلینیک عمومی، دندانپزشکی و کلینیک تخصصی بخش جراحی عمومی، زایشگاه و بخشهای پاراکلینیکی: آزمایشگاه، رادیولوژی، سونوگرافی و رادیوگرافی دندان می باشد.

فصل هشتم: امور مالی

از جمله مهم ترین فعالیتهای امور مالی آستانه مقدسه موارد ذیل است:

۱. تأسیس واحد بودجه و اعتبارات در سال ۱۳۷۱ ه. ش. جهت تنظیم هزینه ها با توجه به درآمدها؛
۲. ایجاد شعب هدایا و نذورات در صحن اتابکی، مسجد بالاسر، مسجد اعظم و دریافت هدایا و نذورات؛
۳. مکانیزه و رایانه ای کردن قبوض اجاره مستأجرین مستغلات از سال ۱۳۷۹ ه. ش. به طور کامل، و همچنین مکانیزه کردن درمانگاه و سایر بخشها در حرم مطهر؛
۴. تهیه چارت تشکیلاتی آستانه مقدسه و مطابقت آن با نظام هماهنگ.

فصل نهم: اداره املاک و موقوفات

اهم فعالیتهای آن:

۱. تأسیس دفتر حقوقی آستانه مقدسه در سال ۱۳۷۳ ه. ش. و اقدام این دفتر به بررسی پرونده‌های ملکی و موقوفات و پی‌گیری دعاوی آستانه مقدسه که در این مدت توانسته بسیاری از مواردی را که در سالهای گذشته پایان مدت اجاره داشته‌اند و یا تصرفاتی عدوانی در کار بوده، احقاق حق نماید و زمینه را برای بازگرداندن کلیه حقوق آستانه فراهم نماید و تاکنون بسیاری از حقوق آستانه را برگردانده و در تصرف آستانه قرار داده است.
۲. اقدام به ساخت واحدهای مسکونی و تجاری در رقبات که بنابر مصلحت به صور مختلف به اجاره واگذار نموده است.
۳. اکثر موقوفات را با اخذ پذیره یا بدون اخذ پذیره به افراد ذی صلاح واگذار نموده و از اجاره و منافع حاصله جهت عمل به مصارف وقف استفاده کرده است.
۴. از جهت عمل به نیت واقفان در صورت وجود وقف نامه معتبر رسمی سعی شده و به طور کامل اقدامات لازم صورت گرفته است و در خصوص رقبات بدون وقف نامه با نظر ولی فقیه و اختیارات تولیت منصوب جهت سیره جاریه استفاده می‌شود.
۵. در اخذ عواید موقوفات، تلاش در رعایت غبطه وقف و حقوق مربوط شده و در موارد اختلاف اکثراً با اختیارات تولیت آستانه مقدسه و در بعضی موارد با رجوع به حکمیت دادگستری جمهوری اسلامی، سعی بر مصالحه گردیده است.

۶. دایره املاک زراعی در آستانه مقدسه عهده‌دار سرپرستی و نظارت در بهره برداری از املاک و موقوفات کشاورزی، دام‌داری و مسکونی واقع در روستاها می‌باشد و توانسته است اراضی موجود را حفظ و با معارضین و متجاوزین و متصرفین موقوفات برخورد و در باز پس‌گیری اراضی موقوفه که مورد تصرف قرار گرفته بود، به خوبی به وظایف خود عمل کند و به تعمیر و اصلاح سیستمهای آبیاری سنتی (قنات) و جدید (چاه‌های عمیق) اقدام کند و در جهت وصول درآمدهای مستقیم و غیر مستقیم از اراضی موقوفه، اعم از مال الاجاره، مزارعه و توسعه باغات اقدامات اساسی انجام دهد.

۷. در شهر جعفریه جهت ارتقای امکانات این شهر و رفاه حال ساکنان، مقادیر معتناهی از اراضی خود را به موارد ذیل اختصاص داده است:

- فضای آموزشی ۵۲۵۰۰ متر مربع.

- فضای فرهنگی ۱۰۴۳۸ متر مربع.

- فضای خدماتی ۸۱۳۳ متر مربع.

- فضای اداری ۳۴۳۵۶ متر مربع.

- فضای درمانی ۱۳۴۰۰ متر مربع.

و از سال ۱۳۷۳ ه. ش. در راستای اصلاح باغات موجود و توسعه باغات موقوفه تاکنون بیش از ۳۸۴ هکتار باغات پسته، انگور، زیتون و انار احداث و حفظ و نگه داری شده است.

۸. ارتقای باغ موقوفه گازران کهنه از ۶ هکتار به ۲۲ هکتار مرمت و بازسازی آن.

۹. از مساحت ۲۴۰ هکتار موقوفه آستانه در علی آباد با سرمایه گذاریهای انجام شده در بخش باغات، مساحت بیش از ۹۲/۵ هکتار باغات یک تا هشت ساله در دست عاملین سابق باقی مانده که به صورت کارمند و حقوق بگیر مشغول کار هستند.

۱۰. از موقوفه ششدانگ والیجرد به مساحت ۱۵۰ هکتار، ۲۲/۵ هکتار از آن به باغات یک تا چهار ساله تبدیل شده است و بقیه آن جهت احداث و توسعه باغ در دست واحد کشاورزی است.

۱۱. تبدیل ۵۰/۵ هکتار اراضی تپه‌ای غیر قابل کشت بخش کهک به باغات پسته و بادام و قیصی و انگور با سیستم آبیاری قطره‌ای و اصلاح طول قنوات و اضافه شدن ۲۵۰ متر به آن.

۱۲. ششدانگ ملک آستانه در شریف آباد به انضمام یک رشته قنات، به مساحت ۲۷۰ هکتار موقوفه که ۲۲۰ هکتار با دو حلقه چاه عمیق به اجاره کشاورزان درآمد و احیای ۳۰ هکتار از اراضی لم یزرع با تجهیزات لازم و چهار هزار متر از اراضی جهت کاربری مسکونی اختصاص داده شده است.

۱۳. موقوفات آستانه در اسلام آباد به وسعت ۱۰۰ هکتار به اجاره کشاورزان درآمد و قنوات و حلقه‌های چاه آن نیز ترمیم شده است.

۱۴. اقدامات اساسی در جهت احیا و نگه داری موقوفات خارج از استان انجام گرفته که عبارت است از:

املاک موقوفه تبرته، لکان و قشلان و استخر ماهی، خمه، دهشیر و پرچین، چرخستانک و دره شیراز و مزرعه گلمبونه و برهان آباد.

فصل دهم: مؤسسه فرهنگی - اقتصادی زائر

مؤسسه زائر در اوایل تولیت آیه الله مسعودی خمینی به عنوان مرکز فعالیتهای اقتصادی و فرهنگی آستانه مقدسه تأسیس شد تا محور کارهای سرمایه گذاری و فعالیتهای مختلف که جنبه سودآوری دارد، باشد. این مؤسسه در بخشهای: عمران، شرکتهای، صنایع و معادن، دامپروری، کشاورزی، انتشارات زائر، فروشگاه، صندوق قرض الحسنه، خدمات چاپ، هتل و غیره فعالیت می کند.

اهم فعالیتهای مؤسسه زائر در بخش عمران:

۱. طرح بهسازی و نوسازی حرم مطهر.
۲. همکاری در بازسازی میدان آستانه به متراژ ۹۹۰۰ متر مربع، حصارکشی زمینهای آستانه و کروکی برداری از کلیه رقبات موقوفه.
۳. تنظیم شناسنامه ملکی برای رقبات املاک مزروعی آستانه و نقشه برداری ۱۵۰۰ هکتار اراضی گازران.
۴. حصارکشی ۱۸۰۰۰ متر مربع زمین صنایع در جاده اراک.
۵. طراحی و احداث و راه اندازی کارخانه شن و ماسه و نصب دستگاههای آن و ساخت ساختمان اداری آن.
۶. همکاری با مهندسين وزارت مسکن و شهرسازی به عنوان مجری طرح توسعه ضلع جنوبی حرم.
۷. واگذاری ۴۰۰۰ متر مربع از اراضی مجتمع فرهنگی جهت احداث کارخانه بتن و استقرار بچینگ پلانت پروژه طرح توسعه حرم مطهر.

۸. طراحی مجتمع فرهنگی - تربیتی آستانه مقدسه که مساحت زمین آن ۸۲۰۰۰ متر مربع و زیر بنای آن ۵۰۰۰۰ متر مربع، شامل: دارالقرآن الکریم (۱۰۰۰۰ متر مربع)، کتابخانه عمومی، آمفی تئاتر، مسجد، موزه و نمایشگاه، مرکز آفرینشهای علمی، فنی و هنری (با ۸۰۰۰ متر مربع)، مجموعه ورزشی، کتابخانه کودک و غیره می باشد.

هم اکنون عملیات نوسازی، تسطیح، محوطه سازی، جدول گذاری و خیابان کشی با زیر سازی و اجرای فضای سبز مجتمع اجرا شده و ساختمان دارالقرآن الکریم به میزان ۸۰۰۰ متر مربع مسقف شده و اسکلت بندی آن در حال اجراست و مجتمع با استخر ۱۲۵۰ متر مربعی نیز در حال اجرا می باشد.

۱۳. مجتمع فرهنگی پره سر رضوان شهر: این مجتمع بین انزلی و آستارا می باشد و با مساحت ۳۰۰۰۰ متر مربع، شامل: مسجد، ساختمان فعالیتهای مذهبی، فرهنگی، مهمانسرا، سایت ورزشی، پیست دو میدانی، و پارک می باشد که ۲۰٪ از طراحی و نظارت در اجرای ساخت آن پیشرفت حاصل شده است.

۱۴. مجتمع فرهنگی - مذهبی ماهنشان، دارای ۱۱۰۰۰ متر مربع زمین که شامل: مسجد جامع، حوزه علمیه و مجتمع مسکونی با زیر بنای ۱۰۰۰۰ متر مربع می باشد و مقداری از کارهای ساختمانی شروع شده است.

۱۵. طرح کمپینگ زائران در اراضی حصار سرخ به متراژ ۱۰۰۰۰۰۰ متر مربع که شامل هتلهای چند ستاره، مسجد، کتابخانه و غیره می باشد.

۱۶. زائر سرای مشهد مقدس: در سال ۱۳۸۰ ه. ش. ساختمانی دارای ۶ طبقه به عنوان زائر سر خریداری شد.
۱۷. هتل قم: بنای هتل در زمینی به مساحت ۲۰۰۰ متر مربع و دارای پنج طبقه و نیم با تجهیزات کامل است که هم اکنون از آن بهره‌برداری می‌شود.
۱۸. پارک شهید که به عنوان اجاره به شهرداری قم واگذار شده بود و بعد از اتمام مدت اجاره، در سال ۱۳۸۰ ه. ش. به آستانه بازگردانده شد.
۱۹. مجتمع فرهنگی خیابان صفائیه که پس از طی مراحل قانونی تحویل آستانه گردید.
۲۰. ساختمان مؤسسه زائر در ابتدای ۴۵ متری صندوق قم با زیر بنای ۲۰۰۰ متر مربع در چهار طبقه.
۲۱. طراحی و ساخت دامداری با زیر بنای ۳۰۰ متر مربع و سایت مسکونی در روستا.
۲۲. ساخت استخر پرورش ماهی و دو واحد مسکونی با زیر بنای ۴۰۰ متر مربع.
۲۳. ساخت واحد اداری و کارگری دامداری در مزرعه عصمتیه و سائن دامداری شماره یک به مساحت ۱۱۰۰ متر مربع و شماره ۲ به مساحت ۹۰۰ متر مربع.
۲۴. ساخت دفتر نمایندگی آستانه در شهر جعفریه و ساخت سوله ۱۵۰۰ متری کشاورزی و پوشش انهار به طول ۵۰۰ متر.
۲۵. احداث مجتمع پزشکان در سال ۱۳۷۲ ه. ش. واقع در بلوار

امین و طراحی و اجرای مجتمع تجاری - پزشکی بلوار امین با مساحت ۵۷۰ متر مربع رو به روی صدا و سیما.

۲۶. شرکتها و سهام آنها: شرکت مهندسین مشاور مهاب قدس - شرکت مهندسین مشاور دز آب - شرکت مهندسین مشاور طوس آب - شرکت مهندسی مشاور ری آب - شرکت مهندسین مشاور زاینده آب - سهام در این شرکتها ۲۵٪ مربوط به آستانه مقدسه و ۲۶٪ آستان قدس رضوی و ۴۹٪ به وزارت نیرو تعلق دارد.

۲۷. سهام شرکت سیمان فارس و خوزستان که در حال حاضر آستانه مقدسه ۴۰۸۴۶۲ سهم از شرکت مذکور را دارا می باشد.

۲۸. بهره برداری از معدن فلدسپات دهگاه با تجهیزات و ماشین آلات سنگین و چاه آب و ساختمان.

۲۹. اخذ مجوز احداث واحد سنگ کوبی و دانه بندی از اداره صنایع لرستان و اکتشاف روی معادن گرانیت سیاه رنگ، مرمریت، مواد معدنی میکا، تالک، سیلیس، گرانیت طوسی و سبز و تولید موزاییک و سنگ چینی.

۳۰. احداث کارگاه جو پوست کنی در سال ۱۳۷۸ ه. ش. در مزرعه عصمتیه.

۳۱. باغات جعفر آباد به مساحت ۶۸ هکتار شامل پسته، زیتون، انگور و انار.

- آباد کردن اراضی کشاورزی مزرعه عصمتیه، ۸۰۰ هکتار با محصولات گندم، پنبه، آفتابگردان، چغندر قند، نخود، برنج، زیره،

ارزن. و ۵۰ هکتار باغ شامل پسته، انگور و زیتون.
 - گلخانه تولید محصولات خارج فصل با ۲۵۰۰ متر مربع، ۵۰ هکتار
 باغات پسته، قیسی و بادام و انگور در مزرعه چهار دانگه سیرو.
 - ۱۷۰ هکتار زمینهای زراعی علی آباد سراج، شامل: گندم، جو و
 یونجه، باغ پسته با ۷۰ هکتار.
 - اراضی زراعی والیجرد با مساحت ۱۲۵ هکتار و باغ پسته با ۱۵
 هکتار مساحت.
 - اراضی زراعی شریف آباد ۱۷۰ هکتار و باغ پسته به مساحت ۸۰
 هکتار.
 - اجرای طرح پوشش انهار به طول بیش از ۶۰ کیلو متر و تسطیح
 اراضی در سطح ۱۵۰۰ هکتار و استخر ذخیره آب به ظرفیت ۱۵۰۰۰
 متر مکعب و ساختمانهای اداری و کارگری و نگهبانی.
 - آبیاری قطره‌ای به روشهای مختلف در ۱۲۰ هکتار و آبیاری بارانی
 به روش دستگاه آبیاش در مساحت ۲۱۵ هکتار.
 - احداث و بهره برداری از ۳ دامپروری در مجتمع شریف آباد و
 مزرعه عصمتیه که مساحت مجموع آنها حدود ۵۱۰۰۰ متر مربع
 می باشد و در سالهای ۱۳۷۴-۱۳۷۷ و ۱۳۸۰ ه. ش. احداث شد و مورد
 بهره برداری قرار گرفت.
 - برقی نمودن ۸ حلقه چاه کشاورزی و حفر ۶ حلقه چاه در اراضی
 کشاورزی و بسیاری خدمات و سرمایه گذاریهای دیگر.^۱

۱. «نشریه پیام آستانه» شماره ۴۱، تابستان ۱۳۸۳ ه. ش.

خاتمه

در طول تاریخ شهر قم، از نسل ائمه اطهار علیهم السلام، بسیاری از سادات به این شهر سفر نموده و در اینجا زندگی کرده و از دنیا رفته‌اند که شماری از آنان دارای مقبره و گنبد و بارگاه می‌باشند. همچنین نقبای بزرگ سادات قم، علما، دانشمندان، امرا و سلاطین متعددی در این شهر و پیرامون قبر مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دفن شده و دارای گنبد بوده‌اند؛ اما بارگاه و حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در گستره تاریخ جلوه خاص خود را داشته و همواره چون نگینی بر تارک شهر قم می‌درخشیده است.

محدثان و دانشمندانی، چون: موسی بن خنجر اشعری و حسین بن اِشکِیب قمی خادم القبر و همچنین وکلا و نمایندگان ائمه علیهم السلام در عصر حضور، مانند: احمد بن اسحاق اشعری قمی، افتخار خدمت و تولیت اوقاف و وابستگی و دلبستگی به حرم و مزار با برکت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را داشته‌اند. زینب دختر امام جواد

علیه السلام نیز اولین قبه و بارگاه را بر روی قبر مطهر فاطمه معصومه علیها السلام بنا نمود و خود او پس از رحلت، در کنار قبر آن حضرت دفن شد.

شخصیتهایی از شیعه نیز توفیق خدمت و تأسیس و تجدید بناها و رونق حرم مطهر را داشته‌اند، همچون: امیر ابوالفضل عراقی در قرن پنجم ه.ق. و وزیر سلطان طغرل کبیر و امیر صدرالدین مظفر در اوّل قرن هفتم ه.ق. و وزیر شهید فخر الملک اسعدبن محمدبن موسی براوستانی قمی و کمال ثابت قمی، که شرح حال و خدمات آنها گذشت. شواهد تاریخی بسیاری دلالت دارد بر اینکه حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام پیوسته علاقه‌مندان غیر شیعه هم داشته است و تمام مذاهب اسلامی - حنفی، شافعی، حنبلی، معتزلی و غیره - به زیارت حضرت می‌آمدند و مقام او را به عنوان ذریه پاک پیامبر صلی الله علیه و آله ارج می‌نهادند. در ایجاد بنا و آبادانی حرم برخی از سران و حاکمان اهل سنت نیز نقش داشته‌اند، از جمله: ابوالحسین زیدبن احمدبن بحر اصفهانی، حاکم معتزلی قم که در سالهای پیرامون ۳۰۹ ه.ق. برای آسایش زوّار حضرت فاطمه معصومه علیها السلام کارهایی به انجام رسانده است.

رجال سیاسی و زنان نامدار و وابستگان به سلاطین نیز خدمات و کارهای زیادی را در حرم مطهر انجام داده‌اند، از جمله: شاه بیگی بیگم، همسر شاه اسماعیل اوّل در نیمه اوّل قرن دهم ه.ق. که گنبد و بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را تجدید بنا نمود و امیر

شرف‌الدین اسحاق تاج‌الشرف موسوی و مرتضی قلیخان از دوره صفویه، و محمد حسین خان شاهسون شهاب‌الملک، حسینقلی خان نظام‌السلطنه، ابراهیم امین‌السلطان و میرزا علی اصغر خان اتابک از دوره قاجار که خدمات زیادی را از خود به یادگار گذاشته‌اند.

سلاطین ایران به خصوص شاهان صفوی و بعضی از قاجاریان توجه خاصی به شهر قم و حرم حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام داشته‌اند، مانند: شاه طهماسب صفوی و فتحعلی شاه قاجار که بناها و تعمیرات و تزیینات زیادی را در آستانه مقدسه به انجام رسانده و در احکام و فرامین خود به متولیان آستانه مقدسه دستورات دقیق و تأکید در آبادانی آن نموده‌اند. و بودجه‌هایی را برای این امر اختصاص می‌دادند اما در عمل، همه یکنواخت نبوده و به آنها عمل نشده است. در این کتاب چنان که ملاحظه شد، به مناسبت پرداختن به زندگی پیشینه متولیان حرم، تاریخچه خود حرم مطهر، بناهای آن، تزیینات، تعمیرات، اوقاف، املاک و صحنهای حرم تا حدود زیادی معرفی گردید.

اما متولیان حرم که دارای حکم و فرمان تولیت از طرف شاهان و حاکمان عصر خود بوده‌اند، اکثر آنها عالم بوده‌اند؛ خصوصاً افرادی همچون: سید نظام‌الدین سلطان احمد نقیب‌رضوی از سادات رضوی قم که خاندان او به صورت موروثی، سالها متولی تام‌الاختیار و مدتها متولی اوقاف خاص در آستانه مقدسه بوده‌اند، و مولانا آقاجانی تبریزی و علی‌قلی خان خلجی قمی فیلسوف و دانشمند قرن دهم و

یازدهم ه.ق. که متولی آستانه مقدسه بوده‌اند و همچنین سید میرزا حبیب‌الله، فرزند سید حسین خاتم‌المجتهدین و سید میرزا محمد مهدی اعتماد الدوله، فرزند میرزا حبیب‌الله و از متولیان متأخر، میرزا سید محمد باقر متولی باشی و آیه‌الله مسعودی خمینی، تولیت فعلی آستانه مقدسه که از چهره‌های علمی و شاخص در میان دیگر متولیان می‌باشند.

گفتنی است که کتاب حاضر از کاستیها مبرا نمی‌باشد، اما فتح بابی است برای آنکه پژوهشگران و محققان علاقه‌مند با ژرف‌نگریهای خود به روشنگری زوایای دیگری از تاریخ متولیان حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بپردازند.

فهرست منابع

۱. «آثار الشيعة الامامية» عبدالعزيز جواهرالكلام، مترجم: علی جواهرکلام، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۰۷ ه. ش.
۲. «آستانه مقدسه قم، گزارش عملکرد دو ساله از اسفند ۱۳۴۴ تا بهمن ۱۳۴۶» محمد مهران، بی جا، ۱۳۴۶ ه. ش.
۳. «احسن التواریخ» حسن روملو، تصحیح: چاولس نارمن سیدن، تهران، انتشارات کتابخانه صدر، چاپ کتابخانه ملی، ۱۳۴۷ ه. ش.
۴. «اختیار معرفة الرجال» شیخ طوسی، تصحیح و تعلیق و مقدمه: حسن مصطفوی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ه. ش.
۵. «از سعدی تا جامی» ادوارد گرانویل براون، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۲۸ ه. ش.
۶. «استبصار» شیخ طوسی، تحقیق: محمد جواد الفقیه، تصحیح: یوسف البقاعی، بیروت، دار الاضواء، ۴ جلدی، ۱۴۱۳ ه. ق.
۷. «اصول کافی» محمد یعقوب کلینی، تصحیح: علی اکبر غفاری، بیروت، دار صعب (دار التعارف)، ۸ جلدی، ۱۴۰۱ ه. ق.

۸. «اعیان الشیعة» سید محسن الامین، تحقیق: حسن الامین، بیروت، دار التعارف، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۳ ه. ق.
۹. «امل الآمل» محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: سید احمد حسینی، بغداد، مکتبه الأندلس، ۲ جلدی، ۱۳۸۵ ه. ق.
۱۰. «انوار پراکنده» محمد مهدی فقیه محمدی جلالی گیلانی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، جلد ۱، ۱۳۷۶ ه. ش.
۱۱. «ایضاح الاشتباه» حسن بن یوسف حلی (علامه حلی)، تحقیق: محمد الحسّون، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، ۱۴۱۱ ه. ق.
۱۲. «بحار الانوار» محمد باقر مجلسی، ۱۱۰ جلدی.
۱۳. «بصائر الدرجات الکبری» ابو جعفر محمد بن الحسن بن فروخ (الصفار)، مقدمه و تعلیق و تصحیح: محسن کوچه باغی، تهران، شرکت چاپ کتاب، ۱۳۸۰ ه. ق.
۱۴. «تاریخ اصفهان و ری» حسن جابری، اصفهان، بی نا، ۱۳۲۲ ه. ش.
۱۵. «تاریخ الخلفاء» جلال الدین سیوطی، تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید، بی جا، انتشارات شریف الرضی، ۱۴۱۱ ه. ق.
۱۶. «تاریخچه وقف در اسلام» علی اکبر شهابی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ ه. ش.
۱۷. «تاریخ دار الایمان قم» محمد تقی بیک ارباب، به کوشش حسین مدرّسی طباطبایی، بی نا، بی تا.
۱۸. «تاریخ روضة الصفا» میر محمد بن سید برهان الدین (میر خواند)، تهران، انتشارات مرکزی و خیام و پیروز، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۹-۱۳۳۸ ه. ش.

۱۹. «تاریخ طبرستان» محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب، تصحیح: عباس اقبال، تهران، چاپخانه مجلس، ۲ جلد در ۱ مجلد، ۱۳۲۰ ه. ش.
۲۰. «تاریخ عالم آرای صفوی» یدالله شکری، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ه. ش.
۲۱. «تاریخ عالم آرای عباسی» اسکندر بیگ ترکمان، به کوشش ایرج افشار، تهران، مؤسسه امیرکبیر، ۲ جلدی، ۱۳۳۵-۱۳۳۴ ه. ش.
۲۲. «تاریخ قم» حسن بن محمد بن حسن قمی، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، تصحیح و حاشیه: سید جلال‌الدین تهرانی، تهران، مطبعة مجلس، ۱۳۵۳ ه. ق.
۲۳. «تاریخ قم» محمد حسین ناصر الشریعة، مقدمه و تعلیق: علی دوانی، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، ۱۳۸۳ ه. ق.
۲۴. «تاریخ مفصل اسلام و ایران» عمادالدین حسین اصفهانی، ناشر: کتابخانه اسلام، بی جا، دو جلدی در یک جلد، ۱۳۳۷ ه. ش.
۲۵. «تاریخ منتظم ناصری» اعتماد السلطنة، تصحیح: محمد اسماعیل رضوانی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۳ جلدی، ۱۳۶۷-۱۳۶۳ ه. ش.
۲۶. «تذکره سخنوران قم» محمد علی مجاهدی (پروانه)، قم، مؤسسه انتشارات هجرت ۱۳۷۰ ه. ش.
۲۷. «تذکره نصرآبادی» محمد طاهر نصرآبادی اصفهانی، تهران، چاپخانه ارمغان، ۱۳۱۷ ه. ش.
۲۸. «تذکره هفت اقلیم» امین احمد رازی، تصحیح و تعلیق و حواشی: محمد رضا طاهری، تهران، انتشارات سروش، ۳ جلدی، ۱۳۷۸ ه. ش.

۲۹. «تذکرة الملوك» میرزا سمیعا، تصحیح: محمد دبیر سیاقی، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۸ ه. ش.
۳۰. «تربت پاکان» سید حسین مدرسی طباطبایی، تهران، انجمن آثار ملی، ۲ جلدی، ۱۳۵۵ ه. ش.
۳۱. «تعلیقات النقض» جلال‌الدین حسین ارموی (محدث)، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۲ جلدی، ۱۳۵۸ ه. ش.
۳۲. «تفصیل وقایع قحطی سال ۱۲۸۸ قم» میرزا علی اکبر فیض، تحقیق: محمد صحتی سردرودی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۳. «تنقیح المقال فی علم الرجال» عبدالله مامقانی، تهران، انتشارات جهان، ۳ جلدی، بی‌تا.
۳۴. «توحید صدوق» شیخ صدوق، تصحیح: سید هاشم حسینی تهرانی، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۸ ه. ق.
۳۵. «تهذیب الاحکام» شیخ طوسی، تهران، کتابخانه نینوا، بی‌تا.
۳۶. «الجامع فی الرجال» موسی زنجانی، قم، چاپخانه پیروز، ۲ جلدی، ۱۳۹۴ ه. ق.
۳۷. «خاطرات آیه‌الله مسعودی خمینی» جواد امامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ ه. ش.
۳۸. «خدمات متقابل اسلام و ایران» شهید مرتضی مطهری، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰ ه. ش.
۳۹. «خلاصة البلدان» صفی‌الدین محمد بن محمد هاشم حسینی قمی، به کوشش سید حسین مدرسی طباطبایی، قم، چاپ حکمت، بی‌تا.

۴۰. «خلاصة التواريخ» (بخش صفویه) نویسنده نامعلوم، مقدمه و تعلیق: ابراهیم دهگان، اراک، بی‌نا، ۱۳۳۴ ه. ش.
۴۱. «دیوان راوندی» سید ضیاء‌الدین فضل‌الله حسنی راوندی، تصحیح: سید جلال‌الدین ارموی (محدث)، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۳۴ ه. ش.
۴۲. «الذریعة» آقا بزرگ تهرانی، بیروت، دار الاضواء، ۲۶ جلدی، ۱۴۰۶ - ۱۴۰۳ ه. ق.
۴۳. «ذیل عالم آرای عباسی» اسکندر بیک ترکمان و محمد یوسف مورخ، تصحیح: سهیلی خوانساری، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۱۷ ه. ش.
۴۴. «راهنمای قم» نشریة دفتر آستانة قم، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۱۷ ه. ش.
۴۵. «رجال ابن داود» تقی‌الدین حسن بن علی بن داود حلی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ه. ش.
۴۶. «رجال حلی» حسن بن یوسف حلی، تحقیق و تعلیق و مقدمه: سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، مطبعة الحیدریة، ۱۳۸۱ ه. ق.
۴۷. «رجال طوسی» محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، تحقیق و تعلیق و مقدمه: سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، مطبعة الحیدریة، ۱۳۸۱ ه. ق.
۴۸. «رجال کشی» محمد کشی، مقدمه و تعلیق و فهرست: سید احمد حسینی، کربلا، انتشارات مؤسسه اعلمی، بی‌تا.
۴۹. «رجال نجاشی» احمد نجاشی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی جامعة مدرّسین، ۱۴۰۷ ه. ق.

۵۰. «ریاض العلماء» میرزا عبدالله افندی اصفهانی، تحقیق: سید احمد حسینی، قم، مطبعة الخيام، ۶ جلدی، ۱۴۰۱ ه. ق.
۵۱. «ریاض المحدثین فی ترجمة الرواة و العلماء القمیین» محمد علی نائینی اردستانی کچوئی قمی، تحقیق: محمد رضا انصاری قمی، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۸۱ ه. ش.
۵۲. «سازمان اداری حکومت صفوی» مینورسکی، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تصحیح: محمد دبیر سیاقی، تهران، انجمن کتاب، ۱۳۳۴ ه. ش.
۵۳. «ستارگان حرم» جمعی از نویسندگان ماهنامه کوثر، قم، انتشارات زائر، شماره ۴، ۱۳۷۸ ه. ش.
۵۴. «سفینه الفرامین» میرزا محمد منشی نائینی (فروغ)، تدوین: میرزا اسدالله نائینی، به اهتمام محمد گلبن، چاپ دانش خرم آباد، ۱۳۷۷ ه. ش.
۵۵. «سیاحتنامه شاردن» ترجمه محمد عباسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۶ ه. ش. به بعد.
۵۶. «شرح حال رجال ایران» مهدی بامداد، بی‌جا، کتابفروشی زوار، چاپ گلشن، ۶ جلدی، ۱۳۶۳ ه. ش.
۵۷. «فارسنامه ناصری» حسن حسینی فسایی، تصحیح: منصور رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۲ جلدی، ۱۳۶۷ ه. ش.
۵۸. «فرهنگ سخنوران» خیامپور، تبریز، شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان، ۱۳۴۰ ه. ش.
۵۹. «فرهنگ فارسی» حسن عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۳ جلدی، ۱۳۶۳ ه. ش.

۶۰. «فرهنگ فارسی» محمد معین، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۶ جلدی، ۱۳۷۱ ه. ش.
۶۱. «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران» محمد تقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵ ه. ش.
۶۲. «الفهرست» شیخ طوسی، تصحیح و تعلیق: سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، انتشارات مطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ ه. ق.
۶۳. «فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم» محمد تقی دانش‌پژوه، تهران، بی‌نا، چاپخانه زیبا، سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی.
۶۴. «قاموس الرجال» محمد تقی تستری، تهران، مرکز نشر کتاب، چاپ مصطفوی، ۱۱ جلدی، ۱۳۷۹ ه. ق.
۶۵. «قرآن کریم»
۶۶. «کتاب الغیبة» شیخ طوسی، تهران، انتشارات مکتبه نینوی الحدیثه، بی‌تا.
۶۷. «کمال‌الدین و تمام النعمة» شیخ صدوق، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، ۲ جلد در ۱ مجلد، ۱۳۹۰ ه. ق.
۶۸. «کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال» علی‌المتقی بن حسام‌الدین هندی، تصحیح: صفوة السقا، حلب، انتشارات مکتبه التراث الاسلامی، ۱۶ جلدی، بی‌تا.
۶۹. «گنجینه آثار قم» عباس فیض، قم، مهراستوار، ۲ جلدی، ۱۳۵۰ - ۱۳۴۹ ه. ش.
۷۰. «لغت‌نامه» علی اکبر دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ ه. ش.

۷۱. «المآثر و الآثار» محمد حسن بن علی اعتماد السلطنة، تهران، انتشارات سنائی، بی تا (چاپ سنگی).
۷۲. «مثال های صدور صفوی» سید حسین مدرسی طباطبائی، قم، چاپ حکمت، ۱۳۵۳ ه. ش.
۷۳. مجله «بررسی های تاریخی» س ۴، ش ۴.
۷۴. «مجمع التواریخ» محمد خلیل مرعشی صفوی، تصحیح: عباس اقبال، تهران، انتشارات کتابخانه طهوری و سنائی، ۱۳۶۲ ه. ش.
۷۵. «مجمع الرجال» علی قهپائی، تصحیح: سید ضیاء الدین (علامه اصفهانی)، چاپ اصفهان، ۷ جلدی، ۱۳۸۷-۱۳۸۴ ه. ق.
۷۶. «مجموعه فرمانهای ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو» سید حسین مدرسی طباطبائی، قم، چاپ حکمت، ۱۳۵۲ ه. ش.
۷۷. «مراسلات» مخطوط.
۷۸. «مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل» حسین نوری طبرسی، تحقیق و نشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لأحياء التراث، قم، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۸ ه. ق.
۷۹. «المستدرک الحاکم» محمد بن محمد الحاکم نیشابوری، تحقیق: یوسف مرعشی، بیروت، دار المعرفة، ۴ جلدی، ۱۴۰۶ ه. ق.
۸۰. «معجم رجال الحديث» سید ابوالقاسم موسوی خوئی، قم، انتشارات مدینه العلم، ۲۳ جلدی، ۱۴۰۹ ه. ق.
۸۱. «موسوعة طبقات الفقهاء» گروهی، با اشراف جعفر سبحانی، بیروت، دار الاضواء، ۸ جلدی، ۱۴۲۰ ه. ق.

- ۸۲ «نخست وزیران» ابراهیم صفایی، تهران، انجمن تاریخ، ۲ جلدی، ۱۳۵۱ ه. ش.
- ۸۳ «نشریه پیام آستانه» شماره ۴۱، تابستان ۱۳۸۳ ه. ش.
- ۸۴ «نظری به تاریخ آذربایجان» محمد جواد مشکور، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹ ه. ش.
- ۸۵ «النقض» عبد الجلیل قزوینی رازی، تصحیح: جلال الدین ارموی (محدث)، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ه. ش.
- ۸۶ «وقایع السنین» عبدالحسین حسینی خاتون آبادی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۲ ه. ش.
- ۸۷ «وقف در ایران» مینو دخت مصطفوی رجالی، بی جا، ۱۳۵۱ ه. ش.
- ۸۸ «هاشمی رفسنجانی دوران مبارزه» اکبر هاشمی رفسنجانی، زیر نظر: محسن هاشمی، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۲ جلدی، ۱۳۷۶ ه. ش.